

آیت الله العظمی مرعشی نجفی و سادات آذربایجان

محمد الوانسانز خویی

مقدمه

بر صاحبان فکر و اندیشه پوشیده نیست که تبارشناسی قبل از بعثت پیامبر رحمت و مهربانی در بین عرب جاهلیت رواج داشته و پس از اسلام نیز این علم شریف در قرون مختلف، توسط دانشمندان اسلامی ادامه یافته است. یکی از شخصیت‌های بزرگ معاصر که در علوم مختلف و بویژه در علم نسب‌شناسی ید طولایی داشته، بزرگ‌نسابه زمان آیت الله العظمی سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی رحمته الله علیه است که بحق احیاگر این علم شریف در عصر حاضر بوده است.

سال‌هایی که حقیر مشغول تدوین مزارات خوی و فرهنگ جامع امامزادگان و بقاع متبرکه و آذربایجان شرقی بودم، از نزدیک شاهد بودم که چگونه نام شریف معظم‌له در مجالس مؤمنین به بزرگی یاد می‌شد و در هر محفلی که ذکری از نسب‌نامه و شجره‌نامه امامزاده یا سید به میان می‌آمد، کلام ایشان و دستخط مبارک وی پایان‌دهنده مباحث میان مؤمنین بوده است. در طول سفرهای متعددی که به شهرها و روستاهای آذربایجان داشتم، برخی از دستخط‌های آن مرجع عظیم‌الشان را در پای شجره‌نامه‌های امامزادگان و سادات آن منطقه رؤیت نمودم که هم‌اکنون بخشی از آن‌ها، همراه با توصیف بنای امامزادگان و متن تأییدیه مرحوم آیت الله العظمی سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی تقدیم خوانندگان عزیز می‌گردد.

۱. امامزاده سید جمال

بقعه امامزاده ابوالحسن موسی بن جعفر الجمال مشهور به «سید جمال»^۱ در شهرستان تبریز و در محله راسته کوچه (خیابان شهید مطهری فعلی) قرار دارد.^۲

بقعه امامزاده سید جمال از سه سمت شمال، جنوب و شرق به کوچه‌های همجوار محدود بوده و از قسمت غربی منتهی به مدرسه دخترانه دانش است. این مدرسه در سال ۱۳۹۱ش از طرف اداره کل اوقاف امور خیریه استان تخریب گردید تا طرح توسعه آستان آن امامزاده از ضلع غربی ادامه یابد.

تاریخ ساخت نخستین بقعه امامزاده سید جمال معلوم نیست، ولی با توجه به منابع معتبر، مزار ایشان پیش از قرن دهم هجری معروف به امامزاده بوده و پس از قرن دهم حسب و نسب ایشان کشف و به کتاب‌های مربوطه راه یافته است. از قرار معلوم بنای بقعه از سده یازدهم به بعد ساخته شده و حشری از «گنبد مرقدش به رنگ گنبد فلک نیلگون»^۳ تعبیر آورده است.^۴

مساحت بنای قدیمی مشخص نیست، ملا محمد امین حشری تبریزی در حوالی مزار امامزاده، از مسجدی به نام «مسجد حاجت» نام می‌برد، وی می‌نویسد:

در حوالی همان مکان فردوس نشان، قبل از این مسجدی بود و مناری داشت و آن مسجد را «مسجد حاجت» می‌گفتند و آن مناره نیز به «مناره حاجت» شهرت داشت و در پای همان مناره چاهی بود، چون دل مظلومان تنگ و چون قلب ظالمان سیاه، آن یوسف زمان در آن چاه مدت هفت سال محبوس بوده است و سبب اینکه آن مسجد را مسجد حاجت می‌گویند، آن است که مسجد مذکور را شیب زمینی بوده و در آنجا قبور چند تن از امامزاده‌ها و اصحاب و مردم عزیزالوجود هست و هر کسی را حاجتی و مشکلی پیش آمده، چون بدان مکان فیض نشان می‌رفته‌اند و طلب حاجت خود می‌نموده‌اند، البته به استمداد روح پاك آن بزرگواران از مبدأ فیاض قضای حاجت و

۱. امامزاده سید جمال با نام‌هایی همچون: «امامزاده موسی»، «امامزاده کهنه» و «امامزاده راسته کوچه» نیز شناخته می‌شود.

۲. در قدیم این محله به نام سنجاران، سنجران و سنجلان معروف بوده است.

۳. روضه اطهار، ص ۳۲.

۴. تاریخ اولاد اطهار، ص ۸۱.



فتح مهمّات ایشان می شده است، بنابراین به مسجد حاجت شهرت یافته است و خراب کننده آن مکان شریف را در اندک زمانی خانه اش ویران شد و خود با فرزندانش نابود مطلق شدند.^۱

سید محمد رضا طباطبایی بعد از ذکر مطالب حشری در مورد مسجد حاجت می نویسد: بعد از وقوع زلزله آخری در دارالسلطنه تبریز که از آن وقت تا حالا ۱۰۰ سال گذشته است، از آن مسجد و مناره و سرداب اثری باقی نمانده است و در زلزله مذکور خراب شده است.^۲

نادر میرزا هم برخی از مشخصات و طول و عرض مسجد را ذکر می کند و آنگاه می نویسد: ابتدا که شخص داخل می شود، مسجدی است ۳۰ قدم در طول و ۶ قدم در عرض، و در بالای در بیرون مسجد در روی سنگ مرمر این کلمات را مرقوم کرده اند:

بسم الله الرحمن الرحيم

مرقد منور الانوار امامزاده موسی بن جعفر المشتهر به «سید جمال الدین»، او به امام همام موسی کاظم علیه السلام منتهی می شود ثقفه حسین الموسوی، سنه ۱۲۴۴. در انتهای مسجد در اعلی حده نصب کرده اند، و از این در داخل بقعه می شود. بقعه گنبد و صندوق چوبی دارد و در محراب بقعه سنگ سیاهی را به طول گل سازی حجاری نموده اند و در جای محراب به کار برده اند، علامت خطی و آثاری غیر از آنچه گفته شد، ندارد.^۳

عبدالعلی کارنگ که در اواخر دهه پنجاه شمسی از نزدیک بقعه را دیده، در مورد ساخت و خصوصیات بنای مسجد و بقعه، چنین آورده است:

در ورودی مسجد از سوی شمال است. این در به کفشکن مسجد باز می شود و در روبروی آن در مسجد قرار گرفته است. در ضلع جنوبی مسجد راهی به زیارتگاه تعبیه گردیده است. مرقد امامزاده درست در زیر گنبد بالنسبه بزرگی واقع شده که پاتاق مقرنسی دارد. روی آن صندوق چوبی زیبایی نهاده اند، صندوق

۱. روضه اطهار، ص ۳۳.

۲. تاریخ اولاد اطهار، ص ۸۲.

۳. تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز، ص ۲۸۴ - ۲۸۳.



کهنه، ولی سالم است. روی آن پرده و پارچه سیاهی انداخته‌اند. در کنار قبر منبر سه پله‌ای گذاشته شده است... محراب سنگی مقرنسی نیز در زیارتگاه تعبیه کرده‌اند که تزئیناتی از گل و بوته و اسلیمی دارد و روی آن‌ها رازنگ زده‌اند. در حیاط زیارتگاه که گورستان کوچکی است، طرح چند قبر مندرس و یک قوچ سنگی سالم دیده می‌شود. اخیراً یک در آهنی به جای در پیشین آن که به سوی جنوب باز می‌شود، نهاده‌اند، کتیبه‌ای نیز بالای آن نصب کرده‌اند که مضمونش چنین است:

هذا باب البقعة الشریفة لمقرئ السید الجلیل النبیل، ابوالحسن موسی الجمال بن ابی القاسم جعفر الجمال بن ابی جعفر محمد بن ابراهیم الیمامی او الیمانی بن عبیدالله بن الامام الهمام موسی بن جعفر علیه السلام.^۱

اما بنای کنونی امامزاده سید جمال در مساحتی در حدود ۸۳۵ متر مربع قرار دارد و از سنگ، آجر، ملاط، گچ، آهن و چوب ساخته شده است. بقعه متشکل از صحن، مسجد حاجت، حسینه، گنبدخانه، سرویس‌های بهداشتی زنانه و مردانه و کفشکن است. نمای بیرونی بقعه آجری است و دارای ازاره‌ای از سنگ مرمر می‌باشد. دو گلدسته در نمای جنوبی است و در بالای هر کدام پرچم سبزرنگی نصب شده است.

محدوده صحن با دیوارهایی از سنگ تیشه‌ای و نرده‌های آهنی در ضلع جنوبی و شرقی از کوچه‌های همجوار جدا شده و دو ورودی آهنی از ضلع‌های شرقی و جنوبی دارد. در ضلع غربی صحن، آشپزخانه و حسینه قرار دارد که در سال‌های اخیر ساخته شده است. کف صحن با آسفالت پوشانده شده، و یک قوچ سنگی در صحن قرار دارد. ورودی بنا و کفشکن در ضلع شمالی صحن قرار دارد. بر بالای ورودی کفشکن تابلوی سبزرنگی قرار دارد و عبارت «السلام علیک یا بن رسول الله، حرم مطهر امامزاده حضرت موسی بن جعفر الجمال» بر روی آن نوشته شده است. در ضلع شرقی کفشکن در پیش فضای مسجد، قرار دارد که جنسش از آلومینیوم بوده و دارای نعل درگاهی قوس شبدری است. در ضلع شمالی پیش فضا در قدیمی مسجد وجود دارد، در ضلع غربی آن راه پله‌ای است که به انباری منتهی می‌شود.

در ضلع جنوبی پیش فضا مسجد حاجت قرار دارد و مسجد در راستای شمال به جنوب ساخته شده است. بین پیش فضا و مسجد دالانی است که در سمت شرقی دالان، آبدارخانه

واقع شده است. مسجد دارای دو ورودی در ابتدا و انتهای دالان بوده و جنس درهای ورودی از چوب بانعل درگاهی قوسی شکل است .

مسجد دارای قرینزی از چوب بوده و سقف آن همچون سقف سایر قسمت های بقعه با طاق اجرا شده و لایه بین آجرها دارای بندکشی است. مسجد دارای شش پنجره از نمای شرقی و چهار پنجره از نمای غربی است. نعل درگاهی آن ها قوس شبدری کُند بوده و از حفاظ آهنی برخوردارند. محراب مسجد با کاشی هفت رنگ اجرا شده و آیه شریفه ۱۴۴ سوره مبارکه بقره در زمینه لاجوردی کاشیکاری شده است .

در دو طرف محراب دو در چوبی قرار دارد که به گنبدخانه بازمی شوند. ورودی غربی مخصوص بانوان و ورودی شرقی از آن آقایان است. گنبدخانه دارای قرینز چوبی و گنبدی آجری است. سطح درونی گنبد مقرنس کاری و رنگ آمیزی شده است. محراب مقرنسی گنبدخانه از جنس سنگ بوده و تزئیناتی از گل و بوته و اسلیمی دارد. در دیوار شمالی گنبدخانه سنگ قبری با خط نستعلیق جلی در ترنج های بیضی شکل به دیوار نصب شده است. متن آن چنین است :

هو الغفار

هذا المرقد المغفور المبرور...

ای نهال تو تورات بالحجاب وی نهفته رخ چو مه زیر سحاب
گفتم ای جان چیست تاریخ وفات گفت «یاغفار» نامم در خطاب
جناب شیخ عبدالغفار طاب الله ثراه قد ارتحل فی یوم الثلثا غرة شهر صفر المظفر سنة ۱۲۹۲.

کمی بالاتراز عبارت اخیر، در توی ترنج کوچک عبارت «حرّزه محمد بن حسین» و در دو گوشه بالایی حاشیه عبارت «یا حنّان و یا منان» و در گوشه های پایینی عبارت «محمد بن علی بن محمد شفیع» و در حاشیه بالا و پایین آیه شریفه ﴿أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ و در حاشیه های جنین دو بیت زیر به طور برجسته نقر گردیده است:

هر دلی کو گشت منزلگاه عشق یافت او خلعت ز شاهنشاه عشق
نیست شد، او را دگر هستی نماند همدم او گشت و شد آگاه عشق

و سنگ قبر دیگری متعلق به آخوند ملا احمد مدرس در گنبدخانه قرار دارد. رونوشت مزار



او چنین است :

هوالمحی الذی لایموت

قد وصل الی رحمت ربه الغفور وشفاعة الائمة فی يوم النشور، فخرالمحققین وذر المذققین، جناب مستطاب فضایل مآب، آخوند ملا احمد مدرس طاب ثراه فی اثنا عشرربیع الثانی من شهور سنة ست وتسعین ومأتین بعد ألف من الهجرة النبویة^۱. ۱۲۹۶.

سنگ مزار دیگر مربوط به آیت الله حاج میرزا جواد آقا سلطان القرایی است. این سنگ مزار از جنس مرمر و حجاری شده است و عبارت زیر بر روی آن نقش بسته است :

هوالباقی

روضه مطهر مرجع عالیقدر عالم تشیع، شیخ الفقهاء المجتهدین، حضرت آیت الله العظمی حاج میرزا جواد آقا ابن القاسم ابن عبدالرحیم سلطان القرایی تبریزی اعلی الله مقامه.

هوالمجواد

متولد سیزده جمادی الاخره هزار و سیصد و نوزده هجری قمری، متوفی بعد از ظهر روز جمعه مبعث النبی بیست و هفتم رجب المرجب هزار و چهارصد و هیجده برابر با هفتم آذرماه هزار و سیصد و هفتاد و شش شمسی.

هوالمحی

در حاشیه های بالا و پایین دو بیت زیر نوشته شده است:

حیف که از چرخ فقاقت اختری زیبا برفت آه کز گنج دیانت گوهری والا برفت عالم وارسته و استاد فقه جعفری مرجع تقلید شیعه صاحب فتوی برفت

و در حاشیه های کناری نیز آمده است:

قاریان را بود سلطان همچو اجداد و پدر بود استاد قرائت ذکر حق گویا برفت با فراق خویش داغ تازه در دلها نهاد مرغ روحش پر زنان در عالم بالا برفت گشت از طبع «رسولی» ماده تاریخ او با غم و اندوه گفت آن «آیت کبری»^۲ برفت

۱. آثار باستانی آذربایجان، ج ۱، ص ۵۴ - ۵۳؛ عرشیان خاک نشین، ص ۷۱.

۲. عرشیان خاک نشین، ص ۷۴.



ضریح آلومینیومی به ابعاد $۱/۲۵ \times ۱/۹۰$ متر در زیر گنبد قرار دارد. روی ضریح با پارچه سبز رنگی پوشانده شده و به علت پوشیده بودن روی قبر، عبارات سنگ قبر معلوم نشد. بر روی قبر دو شمعدانی قرار دارد.^۱



آستان امامزاده سید جمال از دیرباز مورد توجه اهالی تبریز بوده و برخی از بزرگان علمای شیعه از جمله حضرات آیات سید شهاب الدین مرعشی نجفی، سید مرتضی مرعشی نجفی، حاج شیخ هدایت الله غروی تبریزی و سید مهدی مرعشی نجفی عنایت خاصی بدانجا داشته و هر کدام در زمان خویش در تعمیر و آبادانی آن نقش فعالی داشتند.

آیت الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی در خصوص این امامزاده می نویسد:

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله على افعاله ونواله والصلوة والسلام على محمد وآله

از جمله مزارات مسلم در نزد علماء و بزرگان، قبر شریف سید بزرگوار ابوالحسن موسی بن جعفر الجمال بن محمد بن ابراهیم بن محمد الیمانی بن عبیدالله بن الامام الکاظم علیه السلام می باشد که سید ابن عنبه در کتاب *عمدة الطالب فی مزارات العلویین و السادات و علامه ملاحشری در تاریخ خود و علامه سید محمد قاسم بن حسن مختاری تبریزی در کتاب اولاد اطهار نقل نموده اند و علامه سید محمد قاسم بن حسن مختاری عبیدلی سبزواری در کتاب *الاسدیة فی انساب العلویة* نیز نسب وی را تا پدرش مرقوم نموده است. وی به سال ۴۳۲ به شهر می زیست تا اینکه دعوت حق را لبیک گفته و در مکان فعلی (مشهور به امامزاده کهنه) دفن گردید. این سید جلیل القدر از زهاد عصر خویش به شمار رفته و بسیار باکرامات بوده و لازم التعظیم می باشد. لذا امید است مومنین در تجلیل و تکریم این بقعه شریفه بذل همت نموده و به نحو آبرومندی اقدام به تعمیر آن نمایند که یقیناً در حضور حضرت باری تعالی مأجور خواهند بود انشاء الله والسلام خیر ختام.*



حرره خادم اهل البيت علیهم السلام

ابوالمعالی شهاب الدین الحسینی المرعشی النجفی

محل مهر شریف

آیت الله سید مرتضیٰ مرعشی نجفی - برادر کوچکتر آیت الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی - هم در مورد امامزاده سید جمال می نویسد:

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على اشرف الانبياء ابوالقاسم محمد وآله الطاهرين، مرقد شريف امامزاده لازم الاكرام سيد جليل ابوالحسن موسى بن ابي القاسم جعفر الجمال بن ابي جعفر محمد بن ابراهيم بن محمد اليماني بن عبيدالله بن الامام الهمام مولينا موسى الكاظم عليه السلام بنگارش علماء اعلام رضوان الله عليهم در كتاب عمدة الطالب في انساب آل ابيطالب وروضات الجنان في مزارات السادات وتاريخ ملاحسرى ودر كتاب اولاد الاطهار وسائر كتب معتمدة آن بزرگوار در تبريز در سنه ۴۳۲ بود که در دست کفار و مخالفان اسیر و با زنجیر حبس کردند گوشه زندان شد ماوای او، سلسله برگردن و برپای او. و پس از سالها در زیر زنجیر، مانند جد غریبش حضرت موسی کاظم عليه السلام دنیا را وداع نمود و در محل فعلی مدفون شد (مشهور به امامزاده کهنه). و به نقل بعضی چند امامزاده در آنجا آرمیده اکنون بقعه مبارکه آن شهزاده مزار است و مردم طلب حاجت خود می نمایند و نائل می شوند.

رجاء واثق است که در تجلیل و تکریم و تعمیر قبر شریف قصور ننمایند که موجب رضاء خداوند متعال و سرور حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله است.

والسلام على من اتبع الهدى

الاحقر الفانى مرتضى الحسينى النجفى المرعشى

آیت الله حاج شیخ هدایت الله غروی تبریزی - فرزند آیت الله شیخ زین العابدین تبریزی - درباره این امامزاده می نویسد:

بسم الله الرحمن الرحيم

بقعه شریفه که متصل به مسجد حاجت و مشتمل بر چند تن از امامزاده ها و اصحاب است و در آن مرقد مطهر و منور امامزاده لازم التکریم ابوالحسن موسی الجمال فرزند ابوالقاسم جعفر الجمال فرزند ابو جعفر محمد فرزند ابراهیم یمامی یا یمانی فرزند عبيدالله فرزند مکرم امام همام موسی بن جعفر عليه السلام است و این امامزاده منتسب به آن حضرت است به چهار واسطه چنانکه در تاریخ اولاد اطهار و به پنج واسطه چنانکه در



روضه اطهار نوشته موسی جمال می‌گفتند و معروف به ابن اعرابی و نیز امامزاده صاحب طوق می‌گفته‌اند در عصر بنی عباس بالشرک بسیار به تبریز آمد و به نواحی آن غالب و بلاد و قلاع را تصرف نمود، بعد از آن دشمنان بر آن امامزاده غلبه و اسیر نمودند، و طوق زنجیر درگردنش انداختند و مدت هفت سال در چاهی درپای همان مسجد حبس نمودند و شهید گردید و در حوالی همین مکان مسجدی بوده که مسجد حاجت می‌گفتند و مناره داشته به مناره حاجت مشهور بوده و وجه تسمیه این مسجد این بوده که شیب زمینی داشته در آن جا قبور چند تن از امامزاده‌ها و اصحاب بوده هر کسی را حاجتی و مشکلی بیش می‌آمده بدان مکان می‌رفته حاجت خود را طلب می‌نمودند. البته استمداد از ارواح مبارکه آن بزرگواران حاجت وی روا می‌گردید. لهذا محترمین اهالی محله راسته کوچه و فقهم الله لمرضاته سعی و کوشش در تعمیر و تجدید آن نمودند، تا آثار آن بزرگوار بماند و آیندگان و اعقاب ایشان بهره‌مند شوند و این امر به اطلاع و امداد و تأیید این حقیر کثیرالتقصیر هدایت الله غروی در تاریخ هزار و سیصد و هشتاد هجری قمری ۱۳۸۰ تمام شد.

این ورقه به دستگیری خط کمترین خادم ائمه هدی علیه آلاف التحیه و الثنا محمد علی بن محمد ادیب العلماء تبریزی به امر آیت‌الله العظمی حاج شیخ هدایت الله غروی مدظله العالی در تاریخ بالا (تحریر یافت).^۱

استاد سید مهدی مرعشی نجفی فرزند آیت‌الله سید مرتضی مرعشی نجفی - هم بانگارش کتابی با عنوان امامزاده موسی مشهور به «امامزاده کهنه» (فارسی، تبریز، ۱۳۶۷ش) به معرفی آن امامزاده پرداخته و همچنین سال‌ها متولی آن آستان عظیم‌الشان بوده است. وی با کمک هیأت امنای امامزاده در بازسازی و آبادانی آن کوشش نمود و چند سال متوالی نیز اقامه نماز ظهر و عصر در آن مکان مقدس راعهده دار بود.^۲



۱. عرشیان خاک نشین، ص ۶۹-۶۷.

۲. فرهنگ جامع امامزادگان و بقاع متبرکه آذربایجان شرقی، ج ۱، ص ۲۲۸.

۲. امامزاده سید حسن بابا

آستان مقدس امامزاده سید تاج‌الدین حسن مشهور به «سید حسن بابا» در شهرستان مرند و در روستای کوه‌کمر قرار دارد. آستان امامزاده سید حسن بابا از بقاع مهم و مشهور آذربایجان است و در بین امامزادگان و بقاع متبرکه آذربایجان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. تاریخ ساخت بنای اولیه بقعه معلوم نیست ولی در طول سالیان متمادی مرمت و بازسازی شده، که یک بار هم به همت حاج شیخ جابرفاضلی خویی صورت پذیرفته است.

بنای فعلی در ابعاد تقریبی 10×13 متر است و پلانی مستطیل شکل دارد و سطح آن حدود یک متر از سطح صحن بالاتر است. در ورودی بقعه از ضلع غربی تعبیه شده و نمای بیرونی فاقد نمakاری است. روشنای داخل بقعه از طریق دو پنجره در نمای غربی، چهار پنجره در نمای شرقی، سه پنجره در نمای جنوبی و سه پنجره در نمای شمالی تأمین می‌شود. جنس درها و پنجره‌ها از آهن و نعل درگاه آن‌ها قوسی شکل است.

در فضای داخلی بقعه چهار ستون دیده می‌شود که سنگینی گنبد را حمل می‌کنند. گریو گنبد دارای چند پنجره است و لایه درونی آن با ملاط گچ و خاک اندود شده است. ازاره داخلی بقعه با سنگ گرانیت و نواری مشکی از جنس مرمر و نمای داخلی دیوارها و سقف با گچ و خاک اجرا و کف آن با فرش‌های ماشینی مفروش شده است. ضریح آلومینیومی بقعه زیر گنبد و در وسط محوطه‌ای که حدود ۱۰ سانتی‌متر از کف بقعه پایین‌تر است، قرار دارد. داخل ضریح دو قبر در کنار هم وجود دارند. یکی از آن‌ها متعلق به صاحب بقعه، جناب سید حسن بابا و دیگری مربوط به فرزندش می‌باشد. اسم فرزندش معلوم نیست و در سنگ مزار او هم چیزی نوشته نشده، ولی متن سنگ مزار جناب سید حسن بابا چنین است:

مرقد شریف مرحوم مبرور سید حسن بن سید علی بن علی بن الحسین علیه السلام
وفات ۸۹۱ هجری قمری.

جزئیات زندگی نامه جناب سید حسن بابا، انگیزه اقامت در کوه‌کمر و یا علل مهاجرت وی به آن روستای دور افتاده معلوم نیست و در منابع و مصادر مطلبی گزارش نشده است. آیت‌الله سید ابراهیم علوی خویی بدون اینکه به سال وفات وی اشاره کرده باشد، ایشان را متوفی سده نهم هجری دانسته^۱ اما روی سنگ مزار قدیمی جناب سید حسن بابا سنه ۸۹۱ ق حکاکی شده

۱. نسب‌نامه نموداری سادات کوه‌کمر.

شده و معلوم نیست که این سال وفات صاحب بقعه است یا سال حکاکی سنگ مزار؟! شجره نامه جناب سید حسن بابا مورد تأیید نسب شناس معاصر، آیت الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی قرار گرفته و ضمن تأیید نسب نامه نموداری سادات کوه کمر می نویسد:

این شجره جلیله که به خدمت امام سید الساجدین روحی له الفداء منتهی می شود از جمله مشجرات صحیحه و متقنه و مطابق با مدارک معتبره می باشد و نسب جمع کثیری از علماء و سادات به این سلسله ختم می شود.^۱

شجره نامه جناب سید حسن بابا از طریق سید محمد حسینی علوی مصری - راوی دعای علوی مصری - به امام سجاد علیه السلام می رسد. متن آن بدین قرار است:

سید حسن فرزند سید علی فرزند سید فخرالدین فرزند سید شرف الدین فرزند سید شمس الدین فرزند سید محمد المصری العلوی الملقب بـ «الحجازی» فرزند سید شجاع الدین فرزند سید سلیمان فرزند سید عقیل فرزند سید احمد فرزند سید حسن فرزند سید حسین فرزند سید حسن فرزند سید علی فرزند علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام.

ذریه و نوادگان جناب سید حسن بابا در بیشتر شهرهای ایران به ویژه در شهرهای آذربایجان پراکنده شده اند و از بین امامزادگان و بقاع متبرکه آذربایجان شاید کمتر امامزاده ای باشد که دارای نسل بابرکتی مثل نسل ایشان بوده باشد.

طبق تصریح آیت الله حاج سید عبداللطیف قرشی کوه کمری، امامزاده عظیم الشان آقا سید هاشم صاحب بارگاه مجلل درزنوز و جناب آقا سید حسن بابا برادر بوده و نسل جناب سید حسن بابا از طریق هفت طایفه به نام های میر رحیم لو، میر زراق لو، سید زینال لو، سید عباس لو، سید عبدالحسین لو، سید مرسل لو و سید مختارلو و گویا نسل آقا سید هاشم نیز از طریق چهار طایفه به نام های سید حسن لو، سید حسین لو، میر محمدلو و میر مجیدلو پخش و منتشر شده اند.

وی همچنین درباره قطعی بودن نسبت هفت طایفه مذکور به جناب سید حسن بابا، برای نگارنده اظهار نمود:

باتوجه به دلایل سه گانه ای که در ادامه می آید، انتساب هفت طایفه یاد شده به

۱. نسب نامه نموداری سادات کوه کمر.



جناب ایشان مسلم و در نزد ارباب معرفت پذیرفتنی است. آن دلایل بدین گونه‌اند:

۱. طبق گفته پدران و نیاکان ما زمین‌های کوه‌کمر از آن مرحوم سید حسن بابا بوده که گویا از طریق شخص خیری به نام ابراهیم خان (از اجداد خاندان جوانشیر در خوی) وقف جدّ ما سید حسن بابا شده بود و بعد از ایشان نیز در بین هفت طایفه مذکور تقسیم می‌شود و در حالی که چهار طایفه دیگر هیچ سهمی از زمین‌های اطراف کوه‌کمر ندارند.

۲. زمین‌های بیلاقی اطراف کوه‌کمر هر سال به عشایر اجاره داده می‌شود و درآمد آن در بین سادات هفت طایفه تقسیم می‌شود و چهار طایفه دیگر حقی در آن ندارند.

۳. در محاوره مردم به چهار طایفه مذکور، سادات «قره‌سید» اطلاق می‌شود، در مقابل به هفت طایفه دیگر سادات «آق سید» می‌گویند. احتمال دارد این سادات غریبه باشند که در اثر گذشت زمان به سادات قره سید مشهور شده‌اند، همانطوری که در کوه‌کمر به خانواده‌هایی که بعداً در کوه‌کمر ساکن شده‌اند «غریبه» می‌گویند.^۱

هم‌اکنون آستان مقدس جناب سید حسن بابا دارای امکاناتی نظیر ژائرسرا، سرویس بهداشتی، آشپزخانه، آب و برق است. در فصول خوش آب و هوا، هزاران ژائر در جوار این بقعه حاضر می‌شوند.^۲

۳. امامزاده سید علی

آستان مقدس امامزاده سید علی از مراکز مهم عبادی و معنوی آذربایجان بوده و در شهرستان اهر و در ابتدای ورودی قبرستان قدیمی روستای توریستی گل‌آخور (گورخیر، گوره‌خیر) قرار دارد. امامزاده سید علی از قبل بنایی نداشته و اطراف قبر با سنگ ریزه‌های محلی محصور شده بود. بنای فعلی آن در حدود سال ۱۳۷۲ ش به همت اهالی ساخته شده و ابعاد بقعه ۷/۸۰×۹/۹۰ متر می‌باشد.

ساختمان امامزاده متشکل از کفشکن، انباری (چای‌خانه) و گنبدخانه بوده و درب ورودی آهنی آن از ضلع شمالی بقعه تعبیه شده است. نمای شمالی بقعه که به عنوان نمای اصلی آن

۱. گفتگو با آیت‌الله حاج سید عبداللطیف قرشی کوه‌کمری، به روز شنبه ۱۶ مهر ۱۳۹۲.
 ۲. فرهنگ جامع امامزادگان و بقاع متبرکه آذربایجان شرقی، ج ۱، ص ۲۳۴-۲۲۹.

است، دارای سایه بان چوبی است که سنگینی آن با یک ستون چوبی تحمل می شود. مصالح به کار رفته در آن سنگ، آجر و سیمان بوده و فضای کفشکن با گنبدخانه مرتبط و پلان گنبدخانه مربعی شکل است. گنبدخانه دارای سه پنجره از نماهای جنوبی، شرقی و غربی بوده و هر سه پنجره از حفاظ آهنی برخوردار هستند.

از چهار گوشه گنبدخانه توآمدگی هایی به سوی داخل وجود دارد و این توآمدگی ها، بعد از خم شدن به دیوارهای مجاور به سمت بالا انحنای پیدا کرده و بعد از به هم پیوستن دو انحنای هم، طاق هایی در سطح چهار دیوار داخلی بقعه پدید آورده و با ضخیم شدن توآمدگی گوشه ها، قسمت تختانی دایره شکل گنبد را به وجود آمده است. نمای داخلی دیوارها با ملاط گچ اندود شده و سطح داخلی گنبد با آجرهای بهمی اجرا شده و بعد بندکشی شده است. کف بقعه با فرش و موکت مفروش شده و مزار امامزاده سید علی در زیر گنبد و سنگ مرمر سفیدی به شکل عمودی روی آن قرار دارد. روی قبر فاقد سنگ مزار بوده ولی بر روی آن ضریح چوبی به ابعاد ۱/۱۰×۱/۹۵ متر قرار داده شده است. رونوشت مزار امامزاده سید علی که با مهارت خاصی کنده شده و دارای ارزش فراوان هنری است، بدین قرار است:

سلام علیکم طبتم فادخلوها خالدین

هذه الزوضة الشجرة النبوية المصطفوية والولاية المرتضوية سلالة الفاطمية المرحوم
المغفور الواصل الى رحمة ملك الغنى السيد الشيخ على بن سيد عبد الصمد الحجازی
الحسنی طاب رمسه وجعل الجنة مثویه، تاریخ سنة اربع وسبعمائة، ۷۰۴

در حاشیه آن نوشته شده است:

تا من باشم کتم تولاً بعلى تا محشر کند خدای با آل نبی
با چار محمد دو حسن و یک موسی با جعفر و با حسین و با چار علی

سنگ قبر دیگری، در ضلع غربی امامزاده سید علی و در داخل قبرستان کهن روستا قرار دارد که صاحب قبر، ۵۵ سال پس از امامزاده سید علی مرحوم شده است. متن آن سنگ مزار چنین است:

هو الله الباقي

تا من باشم کتم تولاً بعلى تا محشر کند خدای با آل نبی
با چار محمد دو حسن و یک موسی با جعفر با حسین و با چار علی

توفی المرحوم الی رحمة الله الصمد بن سید حمزة ابن سید محمد بن سید عبدالله الحسینی توفی ثامن عشر شهر رجب المرجب سنة تسع و خمسين سبعمائة. از نوادگان امامزاده سید علی می توان به آیت الله سید محمد کماری و فرزندش آیت الله سید مهدی کماری اشاره نمود. مرحوم شیخ محمد شریف رازی در حالات آن دو نفر می نویسد: آن ها احفاد مرحوم سید علی بن عبدالصمد است که در سال ۱۶۰۴^۱ از دنیا رفته و قبرش مزار و در یکی از مضافات تبریز واقع است.^۲

به پاس تجلیل و تکریم از امامزاده سید علی و ضبط نام اولاد و نوادگان آن شخصیت عظیم الشان، مرحوم حاج میر اسماعیل، در سال ۱۲۹۶ ق کتابی را با عنوان انتساب نامه سلسله جلیله سادات قریه ارزیل و گورخیر از اولاد امام ناطق جعفر صادق علیه السلام به رشته تحریر در آورد. مؤلف که خود از نوادگان امامزاده سید علی است، در طول ۱۰ سال به بررسی سادات ارزیل و گول آخور از نسل امامزاده سید علی پرداخته است.

درست ۴۱ سال پس از وفات حاج میر اسماعیل - مؤلف کتاب - نواده دختری ایشان به نام ستار فرزند حاج اسدالله شجره نامه دست نویس پدر بزرگش در تاریخ غره شعبان المعظم ۱۳۳۶ ق تکمیل و به روزرسانی کرده و اولاد جدید را به آن اضافه کرده است. از آن تاریخ تا ۵۶ سال بعد، کتاب یاد شده در دست بزرگان سادات مربوطه بوده تا آن که مرحوم استاد سید محمد رفیعی بنی صادق آن را بروزرسانی کرده و به تأیید آیت الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی رسانده است. شجره نامه امامزاده سید علی و متن تأییدیه مرحوم آیت الله مرعشی نجفی بدین قرار است: علی بن عبدالصمد الحجازی بن احمد بن طاهر بن عبدالقادر بن عبدالرزاق بن طاهر بن عبدالوهاب بن عبدالله بن جعفر بن محمد بن عبدالله بن علی بن اسماعیل بن الامام الهمام ابی عبدالله جعفر الصادق سلام الله علیه و علی آبائه و علی ابناؤه الکرام.

بأسمه تعالی

لاریب فی صحة نسب هؤلاء السادة الامجاد، بارک الله فیهم.

شهاب الدین الحسینی المرعشی النجفی

ربیع المولود ۱۳۹۲

محل مهر شریف

۱. سال وفات آن مرحوم اشتباه بوده و طبق سنگ مزار آن مرحوم سال وفات ایشان ۷۰۴ ق است.

۲. گنجینه دانشمندان، ج ۳، ص ۵۳۵.



شایسته یادآوری است سادات روستاهای ارزیل، گول آخور و بنفشه درق بخش مهمی از سادات منطقه ارسباران را تشکیل می دهند و نسب شریف آن ها از طریق امامزاده سید علی بن سید عبدالصمد حجازی به امام جعفر صادق علیه السلام منتهی می شود.

۴. امامزاده سید هاشم

بقعه سید جلیل القدر امامزاده سید هاشم در سمت شرقی خیابان شهید بهشتی و در کنار مسجد حاج علی اکبر در شهر زنوز قرار دارد. این بقعه از سطح خیابان بالاتر بوده و تراسی که بین خیابان و محوطه بقعه وجود دارد، دارای دیوار سنگی به ارتفاع ۱۵۰ سانتیمتر می باشد. ضلع شرقی بقعه، حیاط مسجد حاج علی اکبر و ضلع جنوبی آن فضای سبز و ضلع شمالی و غربی آن فضای باز می باشد.

بنای فعلی بقعه به ابعاد ۸ × ۴ بوده و در ورودی آن از نمای جنوبی ساختمان تعبیه شده و مابین در ورودی و فضای گنبدخانه، اتاقی با سقف مسطح قرار دارد که باطاقی از هم جدا شده اند. ظاهر بیرونی گنبدخانه مکعبی شکل است و گنبد در وسط گنبدخانه قرار دارد. گنبدخانه دارای سه پنجره از ضلع های غربی، شرقی و شمالی است. تجدید بنای بقعه بر اساس کتیبه کوچکی که در آنجا نصب شده، در سال ۱۳۴۹ ش صورت گرفته و معمار آن نادر درخشانی بوده است. قبر در وسط حرم قرار دارد و به جای سنگ مزار قبلی، سنگ گرانیتی سیاه رنگی روی آن گذاشته است. روی قبر ضریح آلومینیومی با شیشه های شفاف قرار دارد و زائران نذورات خویش را داخل آن می ریزند. متن سنگ نوشته امامزاده سید هاشم چنین است:

سید هاشم ابن سید حسن ابن سید علی ابن سید فخرالدین ابن سید شرف الدین ابن سید شمس الدین ابن سید محمد مصری الملقب ب «الحجازی» ابن سید شجاع الدین ابن سید محمود ابن سید سلیمان ابن سید عقیل ابن سید احمد ابن سید حسن ابن سید حسین ابن سید جعفر ابن سید علی ابن علی الحسین ابن علی بن ابی طالب علیه السلام. مدفون به زنوز به سال ۸۹۱ ق، سید حسن بابا.

تأسیس جدید ۱۲۹۰ ق. زنوز الهی.

محل فعلی بقعه، در گذشته قبرستان عمومی زنوز بوده و تاریخ ساخت بنای اولیه بقعه معلوم نیست، ولی احتمال زیاد دارد که توسط فرزندان و بازماندگان امامزاده سید هاشم و یا اهالی زنوز ساخته شده باشد. در مورد دفن سید هاشم در محل فوق آمده است:

زمانی که سید هاشم جوان بوده، در فصل زمستان همراه پدرش از روستای کوه کمر برای خرید به زنوز آمده و پس از خرید، سید حسن در خانه شیخ زنوز مهمان می ماند و سید هاشم با وسایل خریداری شده راهی روستای کوه کمر می شود. شب هنگام سید حسن از خواب برمی خیزد و اعلام می کند که سه نفر راهنزن پسرش سید هاشم را در راه برگشت به کوه کمر کشته و جسد وی را در غاری در نزدیکی روستای درق پنهان کرده و سپس به روستای دارانداش رفته و پاهای خود را برای گرم شدن به تنوری آویزان کرده اند. با توجه به شناختی که اهالی روستای کوه کمر از صدق گفتار او داشتند، راهی غار مذکور شده و با جسد سید هاشم مواجه می شوند، آنگاه راهی روستای دارانداش که در همسایگی روستای کوه کمر است، می روند و قاتلین سید هاشم را در کنار تنوری مشاهده می کنند که پاهای خود را به تنور آویزان کرده اند. بعد از دستگیری آن ها، اهالی زنوز که همراه سید حسن برای پیدا کردن سید هاشم رفته بودند، با اجازه سید حسن جنازه پسرش را به زنوز آورده و در قبرستان عمومی دفن می کنند.^۱

داستان فوق ساخته مردم ساده دل منطقه بوده که از روی علاقه به ذریه خاندان وحی و نبوت آن ها را در اذهان خود پرورش داده و سپس به کتاب ها راه یافته است. چرا که بین سید حسن بابا متوفی قرن نهم هجری و شیخ زنوز متعلق به اوائل قرن چهارده هجری بیش از چهار قرن فاصله زمانی بوده و چنین ملاقاتی بین آن هائی تواند اتفاق افتاده باشد. دیگر آن که در هیچ کتاب و مأخذی به قتل سید هاشم به دست راهنزان اشاره نشده است.

زندگی نامه اجتماعی و معنوی امامزاده سید هاشم معلوم نیست و در جایی هم درج نشده است. اما نسب نامه ایشان که با ظرافت خاص و دقت فراوان توسط فقیه اهل بیت حضرت آیت الله حاج سید محمد حجّت کوه کمری نوشته شده، چنین است:

السید هاشم ابن السید حسن ابن السید علی ابن السید فخرالدین ابن
السید شرف الدین ابن السید شمس الدین ابن السید محمد المصری الملقب
بالحجازی ابن السید شجاع الدین ابن السید محمود ابن السید سلیمان ابن السید
عقیل ابن السید احمد ابن السید حسن ابن السید علی ابن السید حسین ابن السید

۱. شماری از زیارتگاه های استان آذربایجان شرقی، ص ۸۱.



جعفر^۱ ابن السید علی ابن علی الحسین السجاد علیه السلام.^۲

آیت الله سید ابراهیم علوی خویی در شجره نامه استخراجی خود، شجره آیت الله کوه کمری را در کمتر از بیست واسطه به امام سجاد علیه السلام می رساند^۳ که به نظر می رسد خالی از اشکال نباشد.

از نسل پاك امامزاده عظیم الشان سید هاشم فقیهان و عالمان بلند آوازه ای به عرصه ظهور رسیده اند که هر کدام به نوبه خود از بزرگان و افراد سرشناس جامعه بوده اند. اسامی تعدادی از آن ها بدین قرار است:

۱. آیت الله حاج سید حسین تُرك کوه کمری، از مراجع تقلید نجف اشرف،

۲. آیت الله حاج سید علی کوه کمری، از علما و فقهای تبریز و امام جماعت مسجد سید علی

آقا در تبریز.

۳. آیت الله حاج سید محمد حجّت کوه کمری، از مراجع تقلید قم و مؤسس مدرسه حجتیه

در قم.

۴. آیت الله حاج سید ابوالقاسم حسینی خویی، از فقهای وقت بوده و جدّ مادری آیت الله

سید شهاب الدین و آیت الله سید مرتضی مرعشی نجفی است.

۵. آیت الله سید حسن خویی، وی امام جماعت مسجد مدرسه صادقیه بوده و تولیت

مدرسه صادقیه را بر عهده داشت.

۶. حجّت الاسلام حاج میر عبد الله خویی،

۷. آیت الله سید مهدی خویی،

۸. آیت الله سید رضا خویی،

۹. واعظ معروف میر عباس محدث،

۱۰. آیت الله سید علی اصغر صادقی خویی،

۱۱. آیت الله سید محسن حجّت کوه کمری،

۱. مرحوم آیت الله سید محمد حجّت کوه کمری در حاشیه این شجره نامه در مورد سید جعفر می نویسد: والصحيح هو الحسن ابن السید علی ابن الإمام زين العابدين علیه السلام وهذا هو الحسن الأفضس ابن علی اصغر ابن الإمام السجاد علیه السلام.

۲. فهرست کتب خطی کتابخانه سید محمد حجّت کوه کمری، ص ۱۷.

۳. نسب نامه نموداری سادات کوه کمر.

۱۲. آیت الله سید حسن حجّت کوه کمری،

۱۳. سید مصطفی و سید محمد، صاحب بارگاه معروف در روستای آگری بوجاق خوی.

هم اکنون آستان مقدس امامزاده سید هاشم مورد احترام فراوان مردم منطقه بوده و مجلس روضه در پنج شنبه هر هفته در آنجا برپاست و دستجات حسینی در ایام محرم در جوار آستانشان به عزاداری می پردازند. این بقعه هم اینک تحت نظر هیأت امنای اداره می شود.^۱

۵. سادات آل هاشم، موسوی هشترودی، حیدری موسوی

سادات جلیل القدر آل هاشم، موسوی هشترودی، حیدری موسوی از خاندان های اصیل و ریشه دار آذربایجان بوده و شاخه هایی از این سلسله در شهرهای مختلف آذربایجان و ایران پخش شده اند. نسب این خاندان مورد تأیید علما و دانشمندان تبارشناس بوده و در طول تاریخ علما و فقهایی از این سلسله به عرصه ظهور رسیده و منشأ خدماتی شده اند. مرحوم آیت الله سید حسین هشترودی و آیت الله سید محمد تقی آل هاشم از جمله علمایی هستند که منتسب به این سلسله جلیله هستند. نسب نامه شریف آیت الله سید هشترودی با ۳۵ واسطه به امیرالمؤمنین علی علیه السلام منتهی می شود. متن نسب نامه چنین است:

سید حسین موسوی صمیمی مشهور به «هشترودی» فرزند سید هدایت فرزند سید عبدالله فرزند سید عبدالعظیم فرزند سید لازم فرزند سید کاظم فرزند سید اصلان فرزند سید حسین فرزند سید عسگر فرزند سید اسماعیل فرزند سید حسن فرزند سید شاه بد لا فرزند سید شاه نبی فرزند سید شاه قاسم فرزند سید شاه میر فرزند سید احمد الکبیر فرزند سید کلان فرزند سید رکن الدین فرزند سید شمس الدین فرزند سید افضل الدین فرزند سید ضیاء الدین فرزند سید افتخار الدین فرزند سید طاهر فرزند سید طیب فرزند سید انور فرزند سید ابوالحسن فرزند سید ابوالقاسم فرزند سید عبدالله فرزند سید ابوالقاسم فرزند سید حسین فرزند سید جعفر الحجّت فرزند سید عبید الله الاعرج فرزند سید حسین الاصغر فرزند سید الساجدین امام زین العابدین فرزند ابی عبدالله الحسین فرزند امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام.^۲

۱. فرهنگ جامع امامزادگان و بقاع متبرکه آذربایجان شرقی، ج ۱، ص ۳۳۴-۳۲۹.

۲. به نقل از آیت الله سید محمد تقی آل هاشم.

۶. سادات حسینی کوه‌کمر، زنوز، خوی، تبریز

حضرت آقا میر یعقوب مقبره از سادات معروف ابیض بوده و نسب ایشان از طریق سید محمد مصری علوی حسینی به حضرت سید الشّاجدین، امام زین العابدین علیه السلام می‌رسد. شجره‌نامه موجود در منابع و مصادر و آنچه در دست خاندان و نوادگان آن مرحوم است، در تعداد اجداد حضرت آقا میر یعقوب تا امام چهارم علیه السلام اختلاف دارد. برای احتراز از اشتباه؛ نیا نامه شریف وی را که توسط دانشمند فرزانه، آیت الله سید ابراهیم علوی خویی، در سال ۱۴۰۵ ق استخراج شده، می‌آوریم:

آقا میر یعقوب^۱ فرزند سید محسن فرزند سید حسن فرزند سید مختار فرزند سید حسین فرزند سید معصوم فرزند سید علی فرزند سید حسن فرزند سید هاشم فرزند سید علی فرزند سید فخرالدین فرزند سید شرف‌الدین فرزند سید شمس‌الدین فرزند سید محمد المصری العلوی الحسینی الملقب ب«الحجازی» فرزند سید شجاع‌الدین فرزند سید سلیمان فرزند سید عقیل فرزند سید احمد فرزند سید حسن فرزند سید حسین فرزند سید حسن فرزند سید علی فرزند علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب علیه السلام.^۲

نسب شناس عالیقدر، آیت الله سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی در تأیید شجره‌نامه استخراجی آیت الله سید ابراهیم علوی می‌نویسد:

بِسْمِ تَعَالَى

الحمد لله على إفضاله ونواله والصلوة والسلام على محمد وآله،
و بعد مخفی نماید آنکه، این شجره جلیله که به خدمت امام سید الساجدین - روحی له الفداء - منتهی می‌شود، از جمله مشجرات صحیحه و متقنه و مطابق بامدارك معتبره می‌باشد و نسب جمع کثیری از جمله علما و سادات به این سلسله ختم می‌شود؛ همانند آیات باهرات مرحوم آقای حاج سید حسین کوه‌کمری و مرحوم آقا سید مهدی امام مسجد صادقیه تبریز و جدّ امجد والده ماجده حقیر و مرحوم آقا میر یعقوب صاحب مقبره و مزار در شهرستان خوی و مرحوم آقای حاج سید رضا و مرحوم

۱. آقا میر یعقوب با آقا سید کبیر (جدّ آقا میر فتاح، صاحب بارگاه معروف در روستای ممشخان) برادر بوده و در سید محسن اشتراک نسب دارند.

۲. نسب نامه نموداری سادات کوه‌کمر.



آقای حاج سید ابوالقاسم فرزندان آن مرحوم و مرحوم آقای حاج سید علی حجّت و مرحوم آقای حاج سید محمد حجّت و دیگران که این مختصر را گنجایش ذکر همه آنها نیست.

از خداوند سبحان مزید توفیقات جناب مستطاب سلیل الکلام حجّت الإسلام والمسلمین آقای حاج سید ابراهیم علوی خوبی دامت برکاته را که خود ایشان از این سلسله جلیله بوده و زحمات زیادی را در جمع آوری این شجره متقبل شده‌اند. و همچنین جناب مستطاب آقای مهندس صادقی که خود ایشان نیز از این بیت شریف بوده و در تنسیق و ترسیم این شجره رنج فراوانی را متحمل شده‌اند، مسئلت می‌نمایم.

امید است از برکات حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف این دو عالی جناب پیوسته مشمول الطاف الهی بوده باشند.

حرره خادم العلوم اهل البيت علیهم السلام

ابوالمعالی شهاب‌الدین الحسینی المرعشی النجفی

۲۴ جمادی الاولی ۱۴۰۵ ق

۷. سادات موسوی هریس و تبریز

سادات موسوی تبریزی یا موسوی زرین از سادات صحیح‌النسب شهرستان هریس بوده و شاخه‌هایی از این دودمان در شهرستان‌های اهر، هریس، تبریز، قم و کرج پخش شده‌اند. شخصیت معروف این خاندان مرحوم آیت‌الله آقای سید محمد علی موسوی تبریزی یا موسوی مشهدی فرزند مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین سید عبدالرحیم بوده که در سال ۱۲۸۷ ق در هریس دیده به جهان گشود. نسب‌نامه ایشان که به امام موسی بن جعفر علیهما السلام می‌رسد، چنین است:

سید محمد علی موسوی تبریزی یا موسوی مشهدی فرزند عالم ربانی سید عبدالرحیم فرزند عالم ربانی سید محمد صادق نجفی فرزند عالم ربانی سید محمد تبریزی الاصل و کربلایی مسکن و المدفن فرزند سید ابراهیم فرزند سید محمد فرزند سید احمد فرزند سید علی فرزند سید اسماعیل فرزند سید حسین فرزند سید محمد فرزند سید علی فرزند سید مسعود فرزند سید ابراهیم فرزند سید حسن فرزند سید مرتضی فرزند سید



زین العابدین فرزند سید محمد فرزند سید احمد فرزند سید محمد شمس الدین فرزند سید علی فرزند سید ابوالفتح فرزند سید محمد شریف فرزند سید ابوالفتح فرزند سید محمد علی فرزند سید ابراهیم فرزند سید فتح علی فرزند سید عبدالله فرزند سید محمد فرزند سید احمد فرزند سید علی فرزند سید محمد فرزند سید ابراهیم فرزند سید محمد فرزند سید ابراهیم ملقب به «اصغر» فرزند مرتضی ابی ابراهیم فرزند امام رحمت و مهربانی حضرت موسی بن جعفر علیه السلام.

وی در سال تولد، به همراه خانواده به روستای «زرین» در پنج کیلومتری شرق اهر منتقل شد و پس از رشد و نما، در حوزه های علمیه هریس، اهر، تبریز و مشهد به فراگیری علوم آل محمد علیهم السلام پرداخت. او از حضرات آیات و حجج الاسلام ملاسیف الله سمعی (دائیش)، شیخ علی مجتهد هریسی، آیت الله شیخ احمد قراجه داغی، شیخ محمد علی فخرالعلماء، میرزا صادق آقا مجتهدی تبریزی، میرزا ابوالحسن آقا انگجی، آقا سید محمد مولانا، آقا سید مرتضی خسروشاهی، حاج آقا حسین قمی، میرزا محمد آخوندزاده، شیخ علی اکبر نهاوندی، شیخ حسنعلی نخودکی اصفهانی و پدرش استفاده نمود و به مقام بلند علمی نایل آمد و در طول تحصیل با عده ای از مفاخر آذربایجان هم دوره بوده که به نام برخی از آن ها اشاره می شود: شیخ عیسی سیدی، سید ابوالفضل حسینی مینقی، سید مهدی انگجی، سید ابراهیم دروازه ای، سید علی مولانا، سید احمد خسروشاهی.

صلاحیت علمی آیت الله موسوی زرین در جریان متحدالشکل شدن لباس، از طرف حاجی میرزا احمد آقا قراجه داغی و حاجی میرزا ابوالحسن آقا انگجی مورد تأیید قرار گرفت و وی از طرف دولت وقت مجاز به پوشیدن لباس روحانیت گردید. در جریان کشف حجاب و اعتراض به برنامه های رضاخان، از طرف حکومت وقت دستگیر و پس از بیست و پنج روز زندانی به سمنان تبعید گردید. در نامه ای که در تاریخ ۱۳۱۱/۱۱/۲۸ ش از طرف حکومت قراجه داغ ابلاغ شده، مجاز به پوشیدن لباس روحانیت شده است. ایشان در ۲۰ صفر المظفر ۱۳۵۵ ق رخ در نقاب خاک کشید و در قبرستان روستای زرین به خاک سپرده شد.

اسامی فرزندان وی چنین است:

۱. سید رضی الدین موسوی

حجّت الاسلام آقای حاج سید رضی الدین موسوی تبریزی فرزند آیت الله سید محمد علی



موسوی تبریزی در سال ۱۳۴۰ق در شهرستان هریس و در خانواده‌ای روحانی و مذهبی به دنیا آمد بعد از سپری نمودن تحصیلات مقدماتی در محضر بزرگانی همچون آیت الله حاج سید عبدالله علوی و... راهی شهرستان اهر گردید و در حوزه آن شهر از محضر آیت الله حاج شیخ حسین برقی کسب فیض نمود.

ایشان برای تکمیل تحصیلات خویش به تبریز رفت و در حوزه علمیه آن شهر از محضر حضرات آیات سید محمد کاظم طباطبایی معروف به «مفید آقا»، میرزا محمود دوزدوزانی، میرزا قتاح شهیدی، سید عبدالحجّت ایروانی، سید علی مولانا و سید احمد خسروشاهی کسب فیض نمود و سپس به قم مهاجرت نمود و از دروس خارج آیت الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی، آیت الله سید محمد رضا گلپایگانی و آیت الله شیخ محمد علی اراکی استفاده کرد.

معظم له پس از فراغت از تحصیل به زادگاه خویش مراجعت نمود و به امر تبلیغ، خطابه و ترویج مذهب جعفری پرداخت و سرانجام در ۱۴ صفر المظفر ۱۴۱۵ق بدرود حیات گفت و پیکر پاکش پس از نقل به شهر مقدس قم و اقامه نماز میت به امامت آیت الله سید ابوالقاسم کوبی تبریزی در قبرستان ابو حسین به خاک سپرده شد.^۱

سه تن از فرزندان سید رضی الدین به اسامی سید محمد علی موسوی (ساکن کرج)، سید محمد کاظم موسوی (ساکن قم) و سید محمد موسوی (ساکن هریس) از علما و فضلالی دینی هستند.

۲. حجّت الاسلام سید ابراهیم موسوی

۳. سید جواد موسوی^۲

در نامه‌ای که به تاریخ ۱۳۶۲ق مرقوم شده، شش تن از علمای محل نظیر آیت الله سید کاظم شریعتمداری، آیت الله سید عبدالله شیرازی و... سیادت مرحوم حاج سید رضی الدین موسوی و برادارنش را تأیید کرده‌اند. متن نامه چنین است:

بسمه تعالی

الحمد لله الذی لیس کمثله شی و هو السميع البصیر و صلی الله علی محمد و آله الطاهیرین. اما بعد، محفی نماند بر کافه مؤمنین و قاطبه مسلمین که متمسک

۱. به نقل از سید رضا موسوی فرزند معظم له.

۲. به نقل از سید رضا موسوی نوه معظم له.



به دامن ولایت حضرات ائمه معصومین صلوات الله و سلامه اجمعین نموده اند جناب مستطاب سلالة الاطیاب و الانجاب آقای آقا سید رضی الدین آقا و دو نفر از برادرانش آقای سید ابراهیم و آقای سید جواد آقا حفظهم الله تعالی فرزندان آقای خلدآشیان و جنت مکان سید محمد علی بن مرحوم مغفور آقای سید رحیم بن مرحوم مغفور آقا سید صادق بن مرحوم آقای سید محمد تبریزی طاب ثراه فعلاً ساکن هریس می باشند سید صحیح النسب الموسوی و از خانواده های جلیل القدر و محترمی می باشند، عموم مؤمنین و مسلمین را لازم است مراعات احترام شان نموده نزد اجداد طاهرین ایشان مأجور بشوند.

فی ۲۷ جمادی الاولی سنه ۱۳۶۲.

متن تأییدیه آیت الله مرعشی نجفی باتوجه به تأیید علمای منطقه، بدین قرار است:

بسمه تعالی

بقرار مرقوم حضرات آیات و حجج، آقایان مرقوم

فی المتن از سادات عالی درجات می باشند

شهاب الدین الحسینی المرعشی النجفی، ۱۳۹۵ق

۸. سادات موسوی خوی

آستان فیض آثار امامزاده سید تاج الدین خویی، در ۲۳ کیلومتری جنوب شرقی شهرستان خوی در زیر گردنه خرسته گدوکی در روستایی که به نام وی، روستای سید تاج الدین (سید حاجین) مشهور است، قرار دارد. متأسفانه حالات وی در اثر گذشت زمان به باد فراموشی سپرده شده و در منابع انساب، رجال و تاریخ مطلب خاصی در این خصوص نیامده است.

شجره نامه امامزاده سید تاج الدین خویی مورد تأیید علمای بزرگی همچون: آیت الله حاج میر یعقوب دوّم و آیت الله سید علی اصغر خویی قرار گرفته و آیت الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی ضمن تأیید آن، می نویسد:

بسمه تعالی

لا ریب فیها باریک الله فی اغصانها، الراجی شهاب الدین الحسینی المرعشی النجفی

سنة ۱۴۰۴ق.

نسب‌نامه شریف وی که از طریق سید محمد عابد به امام موسی کاظم علیه السلام می‌رسد، چنین است:

سید تاج‌الدین خویی فرزند سید علی فرزند سید محمد فرزند سید احمد فرزند سید حسین فرزند سید علی فرزند سید محمد فرزند سید حسین فرزند سید مرتضی فرزند سید محراب فرزند سید محمد فرزند سید محمود فرزند سید احمد فرزند سید حسین فرزند سید عبدالله فرزند سید محمد عابد فرزند امام همام موسی کاظم علیه السلام.

۹. سادات یکان کهریز و ینگجه سادات مرند

مقبره آقا میرقلیچ معروف به «قلیچ بابا» یا «میرقلیچ بابا» در شهرستان مرند و در غرب روستای یکان کهریز و در محله قدیمی چایلی قرار دارد. به اذعان اهالی یکان کهریز مقبره آقا میرقلیچ از زمان‌های دور دارای بقعه بوده، ولی بانی و تاریخ احداث آن معلوم نبوده است. بنای فعلی مقبره به ابعاد تقریبی ۱۲ × ۱۰ متر بوده و در سال ۱۳۶۲ ش توسط اهالی روستای یاد شده بازسازی شده است. درب ورودی مقبره از ضلع شرقی تعبیه شده و با فضای کفشکن مرتبط است. فضای کوچک کفشکن با یک پنجره کوچک رو به شمال، با فضای بزرگی که در اصطلاح اهالی شبستان نامیده می‌شود، مرتبط است. شبستان دارای چهار پنجره و چهار در است. یکی از درها به بیرون مقبره، دو تا به گنبدخانه و دیگری به اتاقی که عالم ربانی مرحوم آقا سید جواد حمزه‌لو و پسرش آقا میرحاج آقا در آن دفن شده‌اند، بازمی‌شود.

گنبدخانه به شکل پلان مستطیل بوده و دارای گنبدی مازهدار با چهار پنجره کوچک رو به جهت‌های اصلی است. گنبدخانه دارای دو درب رو به شبستان و دو پنجره رو به سمت‌های جنوبی و شرقی است.

اتاقی که قبر آقا سید جواد و پسرش در آن قرار دارد، حدود سی سانتیمتر از کف شبستان پایین‌تر است. اتاق یاد شده دارای یک پنجره رو به شرق و دو درب ورودی بوده که یکی به شبستان و دیگری از ضلع جنوبی به بیرون مقبره تعبیه شده است.

قبر آقا سید جواد در وسط اتاق قرار دارد و رویش سنگ مرمر قرار گرفته است. رونوشت مزار وی چنین است:

الناس موتی و اهل العلم احياء



مرقد شریف مرحوم مغفور حجّت الاسلام و المسلمین سید جواد حمزه لو طاب ثراه که یک عمر در تبلیغ دین اسلام خدمت نموده و در تاریخ ۱۵ تیرماه ۱۳۵۴ شمسی در ۹۴ سالگی به عالم بقاء رحلت نمود.

مزار پسر بزرگش مرحوم میر حاج آقا که در ۹۲ سالگی و به تاریخ ۲۳/۱۱/۱۳۹۰ ش مرحوم شده در جوار قبر پدرشان واقع شده است.

نمای داخلی مقبره با ملات گچ اندود شده و قسمت اعظمی از نمای بیرونی با سیمان سفید اندودکاری شده و قسمت کوچکی از آن با آجر اجرا شده است.

مرحوم آقا سید علی مشهور به «میرقلیچ» از سادات محترم و صاحب کرامت آذربایجان بوده و در عهد صفوی از امراء لشکر بوده است. جزئیات زندگی ایشان معلوم نیست اما شجره نامه وی مورد تأیید نسب شناس عصر، مرحوم آیت الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی بوده است.

آیت الله مرعشی نجفی در جواب پرسشی از سوی استاد سید حمزه موسوی (استاد حوزه علمیه مشهد)، در خصوص سیادت آقا میرقلیچ، می نویسد:

مرقومه کریمه زیارت، از مراحم متشکرم. راجع به سادات یکان شکی... در سیادت آن ها نداریم و مرحوم میرقلیچ از سادات بوده و در نوشتجات قدیمه تصریح به سیادت ایشان دیده شده، ولی فعلاً صورت آباء ایشان تا حضرت سجاد علیه السلام نزد حقیر موجود نیست... سنه ۱۳۷۹ ق.

سید شهاب الدین مرعشی نجفی
محل مهر شریف

همچنین در جواب سؤالی دیگر می نویسد:

بأسمه تعالی

مرحوم میرقلیچ از سادات محترم عصر خود بوده است. خداوند همه را موفق بدارد.

فی ۱۴/۲/۱۳۵۹

محل مهر شریف

شجره نامه آقا میرقلیچ که به همت استاد سید حمزه موسوی در ذی حجّة الحرام ۱۴۱۶ ق و با توجه به شجره نامه های مختلفی از جمله شجره نامه سید حبیب الله شاملو و شجره نامه میرجهانگیر مشهور به «ناظم الملک» استخراج شده، بدین قرار است:

سید علی مشهور به «میرقلیچ» بن سید محسن بن سید حسن الحسینی الفاطمی المدفون مشهور فی کوه کمر بن سید علی بن سید شرف الدین بن سید محمد مصری ملقب ب «حجازی» بن سید شجاع الدین بن سید محمود بن سید عقیل بن سید احمد بن سید علی بن سید حسین بن سید جعفر بن سید حسن بن علی بن سید علی الامام زین العابدین و فخرالساجدین علی بن الحسین بن علی بن ایطالب علیهم من الله التحیة والسلام^۱.

مرقد منور آقا میرقلیچ در زیر گنبد و در داخل ضریح چوبی قرار دارد. ابعاد آن ۲ × ۱/۵۰ بوده و سنگ مرمری سفید رنگی روی آن گذاشته شده است: متن سنگ مزار چنین است:

کل من علیها فان و یقی وجه ربك ذوالجلال والاکرام

مقبره سید جلیل القدر مشهور و معروف به «مرحوم میرقلیچ» که در زمان و عهد صفویه وفات نموده و در این مکان مقبره قدیمی داشت. اهالی یکنات مخصوصاً یکان کهریز با مشاهده کرامات عدیده با اهداء نذورات و با همت اشخاص نیکوکار و خیر و با مباحثرت و نظارت چند نفر ریش سفید و معتمد در مورخه ۶۲/۱/۱ شمسی اقدام به تجدیدالبناء و مقبره نوساز و جدید الاحداث نمودند. حجاری و نگارش از ابوالفضل شکاری مرند.

یکی از نویسندگان محلی در اثر عدم تتبع کافی، سیادت آقا میرقلیچ را با شک و تردید زیر سؤال برده است. قسمت هایی از آن نوشته چنین است:

... بورادا بیر اختلاف واردیکی «میر» کلمه سی «سید» معناسینادیر یا اینکه «امیر» کلمه سی نین محققى اولاراق، بویوک معناسینادیر؟!...

بعضی لر ادعا ائدیرلرکی «قم» یا «اردبیل» شهرینده اونون شجره نامه سی گورونوبدور و بعضی رجال و انساب کتابلاریندا اونون آدی گلیمیشدیر، بیر حالداکی بوسوزو یقین ساقاق اولماز. مثلاً بحرالانساب (بحرالانصاب) و روضة الانساب کیمی کتابلارا

۱. با توجه به اختلافی که از سید علی (پدر سید حسن بابا) به بعد، در بعضی از نسب نامه هادیده می شود، موارد اختلافی ذکر می گردد: سید علی فرزند سید فخرالدین فرزند سید شرف الدین فرزند سید شمس الدین فرزند سید محمد المصری العلوی الحسینی الملقب بالحجازی فرزند سید شجاع الدین فرزند سید سلیمان فرزند سید عقیل فرزند سید احمد فرزند سید حسن فرزند سید حسین فرزند سید حسن فرزند علی فرزند علی بن الحسین علیه السلام.



مراجعه ائتدی کده بئله بیر آدی گورمک اولمور. حتی گورونسه ده اطمینان ائتمک اولماز. بیر طرفدن ده گوروروک کی قلیج کلمه سی تورک کلمه سی و تورک اولان شخصلر هئچ اودورکی کند اهاالیسی هامیلیقدا اونو اوز بابالاری بیلرلر. سید اولان شخصلر هئچ واقت اولادلارینا امام، پیغمبر و اسلامی اولادان سوایی آیری آدقویمازلار. بیر آیری هر چند ضعیف بیر احتمال دا وئرمگ اولار، اودا بودورکی بو شخص گنجیمشده چوخ اولان کیمی طریقت باباسی ایمیش و اونا گوره ده کددن اوزاقدایاشایریمیش چونکی اوزمان کند چوخ یئکه دیگل ایمیش. بلکه ده چایلی طایفاسی اونون قبری نین اطرافیندا سالدینمیشدیر. اونون قبرینین اوزونلوغو اونون قددی نین اوزونلوغو معناسینا اولایلمز. بیر طرفدن ده قددین اوزونلوغودا حتتا او شخصین بیر سردار اولدوغونا دلیل اولایلمز. بیر طرفدن ده اونون اوچ اوغونون (یارغشیب، یوزباشی و حمزه) هئچ بیر نین آدی نین قاباغیندا سید یا میر کلمه سی یوخدور، هر چند یوزباشی (چایلی طایفاسی نین ایندیکی شوهره تی) کلمه سی ده صفوی زمانیندا ایشله نیلن نظامی بیر مقام ایدی.^۱

مطالب بالا از چند جهت مورد اشکال و خدشه است :

اول: در محاوره آذربایجانی ها سادات را با الفاظی مانند میر، میرزا، سید و حتی با خواجه خطاب می کرده اند مانند: میر ابراهیم سید علوی، میرزا محمد علی قاضی طباطبایی، سید ابوالحسن مولانا و خواجه محمد کججانی. بنابراین استعمال هر یک از الفاظ فوق خدشه ای به اصل موضوع وارد نمی کند.

دوم: در طول زمان شجره نامه خیلی از طوایف بزرگ و خاندان های اصیل از بین رفته و وارد کتاب های نسب شناسی نشده است و این امر دال بر نفی سیادت از خاندان های مربوطه نمی کند، بلکه طبق فتوای عده کثیری از فقها شهرت محلی در چنین امری کافی است. بنابراین عدم ورود نام آقا میرقلنج در کتاب های نسب شناسی خللی به مطلب وارد نمی کند.

سوم: همانطوری که در متن اشاره گردید اسم شریف ایشان سید علی مشهور به «میرقلنج» بوده که نویسنده محترم خیال کرده نام ایشان میرقلنج بوده و این امر در خیلی از شهرهای ایران

۱. فولکلور آذربایجان بر اساس منوگرافی منطقه یکانات، ص ۱۶۷-۱۶۸.

معمول است.

چهارم: مؤلف محترم نوشته که خانواده‌های سادات اسم فرزندانشان را از اسماء مبارک پیامران و امامان انتخاب می‌کنند، در حالی که قلیچ کلمه ترکی است. البته این یک قاعده کلی نبوده و در طول تاریخ عکس این مطلب بارها به اثبات رسیده است.

چهارم: ایشان همچنین احتمال داده که وی از عرفا و درویش وقت بوده که به دور از روستا زندگی می‌کرده است. البته این احتمال خیلی ضعیف بوده و اگر درست هم بوده باشد با سیادت ایشان هیچ منافاتی ندارد.

پنجم: وی نوشته که در جلوی اسم فرزندان ایشان کلمه‌ای که دلالت بر سیادت آن‌ها کند، نیست. البته این حرف اگر صحیح هم باشد باز نفی سیادت از آن‌ها نمی‌کند، چون در زمان حاضر نیز عده‌ای از سادات هستند که با میریاسید خطاب نمی‌شوند.

ششم: همانگونه که در متن بالا آمده نسب‌نامه آقا میرقلیچ از چند شجره‌نامه قدیمی توسط استاد حوزه علمیه مشهد مرحوم سید حمزه موسوی، استخراج شده و به تأیید آیت‌الله مرعشی نجفی رسیده است؛ بنابراین جای هیچ شک و شبهه‌ای باقی نمی‌ماند.

مقبره آقا میرقلیچ از مزارات مهم منطقه بوده و مورد توجه اهالی آن دیار است. برگزاری برنامه‌های ویژه عزاداری و سوگواری در جوار مرقد ایشان در ایام خاص سال و بخصوص در روزهای محرم و صفر از حال و هوای خوبی برخوردار است.^۱

۱۰. آیت‌الله سید اسماعیل سجادی

آیت‌الله سید اسماعیل سجادی از علمای تبریز بوده و در آن شهر محفل علمی و درسی داشت. وی از حضرات آیات سید محمد حجّت کوه‌کمری، میرزا احمد آشتیانی و سید محمد وحیدی شبستری اجازه اجتهاد داشت. ایشان ظهرها و برای بار دوم بعد از آیت‌الله حاج میرزا ابوالقاسم گرگری در مسجد حسن پادشاه اقامه جماعت می‌نمود. وی قبل از پیروزی انقلاب اسلامی به تهران مهاجرت نمود و آنجا اقامت نمود و در همانجا نیز به دیار باقی شتافت.

ایشان مجتهدی فاضل، عالمی مهربان، استادی باصفا و صمیمی بوده و در تجوید و



روضه خوانی حضرت سیدالشهدا علیه السلام ید طولایی داشت.^۱

متن نسب نامه شریف ایشان که از طریق امامزاده سید تاج الدین حسن مشهور به «سید حسن بابا» مدفون در روستای کوه کمر، به امام سجاد علیه السلام می رسد، بدین قرار است :

آقای حاج سید اسماعیل سید سجّادی دام ظلّه ابن مرحوم الحاج سید محمد علی بن مرحوم علی بن زبیب آیت الله العظمی السید اسماعیل مرندی - المدفون بالتّجف من تلامذة المرحوم آیت الله العظمی الشیخ المرتضی الانصاری اعلى الله مقامه - ابن الحاج سید نجفعلی ابن الحاج سید عبدالله المدفونین بالمدينة بن سید ابراهیم بن سید هادی المدفونین ببنا ب مرند ابن سید هاشم صاحب مقبره مزار زنوز مرند تبریز ابن سید زین العابدین ابن سید زین الدّین ابن سید صدرالدّین ابن سید لطیف ابن سید تاج الدّین الحسن الحسینی العلوی المعروف المدفون بقریة کوه کمر تبریز ابن سید علی بن سید فخرالدین ابن سید شرف الدّین ابن سید شمس الدین ابن سید محمد المصری ابن سید شجاع الدّین المسمی بمحمود ابن سید سلیمان بن سید عقیل ابن سید احمد ابن سید حسن ابن سید حسین ابن سید جعفر بن سید علی اصغر بن الامام زین العابدین السّجاد علی بن الحسین ابن علی ابن ابیطالب صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین ولعنة الله علی اعدائهم.

و متن تأییدیه آیت الله مرعشی نجفی بدین قرار است :

بسمه تعالی

بارک الله فی أغصانها و کثره فی أثمارها و لازلت اصولها نافعة ثمره

حرّره شهاب الدین الحسینی المرعشی النجفی

محل مهر شریف



۱. به نقل از آیت الله سید محمد تقی آل هاشم، از شاگردان معظم له.

منابع و مأخذ

- آثار باستانی آذربایجان، ۲ جلد، عبدالعلی کارنگ، انتشارات طرح نو، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۴ ش.
- تاریخ اولاد اطهار، سید محمدرضا طباطبایی، بکوشش محمد الوانساز خویی، کتابخانه، موزه و اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۸۹ ش.
- تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز، نادر میرزا با حواشی طباطبایی مجد، نشر ستوده، تبریز، ۱۳۷۳ ش.
- روضه اطهار، ملا محمد امین حشری تبریزی، بکوشش عزیز دولت آبادی، چاپ اول، ستوده، تبریز، ۱۳۷۱ ش.
- سیری در فولکلور آذربایجان بر اساس منوگرافی منطقه یکانات، میرهدایت حصاری، تابان، تهران، ۱۳۷۹ ش.
- شماری از زیارتگاه‌های استان آذربایجان شرقی، پژوهش گروهی بنیاد ایران شناسی (شعبه آذربایجان شرقی) ناشر بنیاد ایران شناسی، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۹ ش.
- عرشیان خاک نشین، محمد الوانساز خویی، انتشارات فخر دین، چاپ اول، قم، ۱۳۸۳ ش.
- فرهنگ جامع امامزادگان و بقاع متبرکه آذربایجان شرقی، ۲ جلد، محمد الوانساز خویی، ناشر اداره کل اوقاف و امور خیریه آذربایجان شرقی، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۲ ش.
- گنجینه دانشمندان، محمد شریف رازی، کتابفروشی اسلامیة، چاپ اول، قم.



برخی منابع فارسی در علم انساب

سیدمصطفی مطبوعه چی اصفهانی

مقدمه

در شماره ۷۳ مجله میراث شهاب برخی منابع عربی موجود در کتابخانه بزرگ آیت الله مرعشی در موضوع علم انساب معرفی و به نظر خوانندگان گرامی رسید. اینک درنگی می نمایم بر ۷۵ اثری که به فارسی در موضوع انساب در این کتابخانه گرد آمده است. امید اینکه در آینده فهرست تحلیلی جامعی از منابع موجود در بخش انساب تهیه و به محضر دانشوران تقدیم گردد.

بعضی

۱. مجموعه خانوادگی «دفتر انساب خانوادگی» / تهران / چاپخانه اسلامیه / ۱۳۱۹ ش /

۶۴ ص، وزیری

شجره نامه و نسب نامه خاندان بهزادی.

۲. نتاج سید محمد عابد (فرزند امام موسی کاظم علیه السلام) سید ابوالحسن بلادی بهبهانی

بوشهری / تهران / ۱۳۷۸ ش / ۳۵۴ ص، وزیری

ذکر تفصیلی نتاج سید محمد عابد از فرزندان امام موسی کاظم علیه السلام که در قمشه (شهرضا)

مدفون است. این اثر ترجمه کتاب [«الغصن الثالث فی ضبط ذریة محمد عابد»؛ تذکرة اللباب فی الانساب اثر مرحوم آیت الله حاج سید عبدالله موسوی بلا دی بهبهانی که در سال ۱۳۲۶ ق در یوشهر به چاپ رسیده است] همراه با اضافات و استدراکات بیشمار است و شجره نسب تمامی اولاد سید محمد عابد تا دوران معاصر (سال ۱۳۷۸ ش) را به تفصیل ذکر نموده است.

۳. سلسله عالیہ / عنایت حسین صاحب / هندوستان / مطبعه هاشمی / ۱۳۰۶ ق /

۱۹۴ ص، وزیری

اثری در تاریخ، ترجمه و احوال سلسله سادات کنبوه در هندوستان.

۴. تاریخ مزار شریف واقع بلخ / حافظ نور محمد / کابل / مطبعه عمومی / ۱۳۲۵ ش /

۱۰۸ ص، رحلی

تاریخ و ترجمه احوال بزرگان و مشایخ بلخ و ذکر مرقد «مزار شریف» و قبور و مزارات و وقف نامه های آن خطه و ذکر پاره ای سلسله خاندان عالمان دین.

۵. کتاب شجره طیبه در انساب سلسله سادات علویه رضویه / میرزا محمد باقر

الرضوی، تحقیق: محمد تقی مدرس رضوی / تهران / ۱۳۵۲ ش / ۴۸۶ ص، وزیری

۶. کتاب تذکره جناب سلطان علی شاه بن امام محمد باقر علیه السلام / ملا عبدالرسول مدنی

کاشانی / کاشان / ۱۳۲۴ ش / ۳۲ ص، وزیری

رساله ای در ذکر احوال و تاریخ و سلسله نسب سلطانعلی ابن امام محمد الباقر (مشهد

اردهال) در منطقه کاشان.

۷. شجره مستنده / سید محمد رضا عابدی / هندوستان / ۱۰ ص، وزیری

تاریخ و شجره نامه خاندان عابدی از سادات هند.

۸. مقصد الطالب فی احوال اجداد النبی و عمه ابی طالب / آقا میرزا محمد حسین جناب /

بیبئی / ۱۳۱۱ ق / ۸۸ ص، رقی

رساله ای است در اجداد و آباء حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله و عموی گرامی ایشان جناب

ابوطالب

۹. الفصول الفخریة / جمال الدین احمد بن عنبه - تحقیق: میر جلال الدین حسین ارموی

(محدث) / تهران / چاپخانه دانشگاه تهران / ۱۳۴۶ ش - ۱۳۸۷ ق / ۳۰۶ ص، وزیری

مؤلف از عالمان انساب در قرن هشتم و نهم هجری بوده و این اثر از آثار نادری است که در



موضوع انساب به فارسی نوشته شده است. وی کتاب دیگری نیز در این علم تألیف نموده به نام *عمدة الطالب فی نسب آل ابی طالب*.

۱۰. *انساب خاندان های مردم نائین / سید عبدالحجة بلاغی / تهران / چاپخانه سپهر /*

۱۳۶۹ق / وزیری

شرحی از اوضاع و تاریخ اجتماعی-سیاسی خطه نائین و ذکر سلسله انساب سادات آن دیار و شرح حال بزرگان و اعیان آن منطقه.

۱۱. *جامع الانساب در انساب و احوال اعقاب ائمه اطهار علیهم السلام جلد اول / سید محمدعلی*

روضاتی / تهران / کتابخانه شمس / ۱۳۷۶ق-۱۳۳۵ش / ۱۸۸ص، وزیری

کتابی در فضیلت و علورتبت سادات و اشراف و بیان تاریخ و احوال سلسله نسب آل بیت النبوی صلوات الله علیهم و اشاره به برخی نسابین و کتاب هایی که در علم انساب تألیف شده است.

۱۲. *تاریخ آل امجاد / ابوالفضل محمدعباس شروانی / دهلی / ۱۳۳۵ق / ۱۲۰ص، وزیری*

رساله ای در تاریخ و احوالات ائمه طاهرین علیهم السلام و فرزندان آنان.

۱۳. *ریاض الانساب و مجمع الاعقاب معروف ببحر الانساب فی نسب سادات*

سعادت آیات / بمبئی / مطبوعه داودی / ۱۳۳۵ق / ۲۵۰ص، وزیری

در تاریخ و شرح احوال حضرت ختمی مرتبت صلوات الله علیهم و آل بیت گرامی آن حضرت و سلسله جلیله سادات با ذکر سلسله نسب آنان.

۱۴. *نسب نامه رسول مقبول / لکهنو / مطبوعه مصطفایی / ۱۲۶۳ق / ۲۰ص، وزیری*

رساله ای در ذکر سلسله نسب و آباء و اجداد حضرت ختمی مرتبت صلوات الله علیهم به شکل مشجر.

۱۵. *رساله مزارات هرات جزء اول و دوم / فکری سلجوقی / کابل / مطبوعه دولتی /*

۱۹۶۷م / ۱۹۲+۲۳۲ص، وزیری

در تاریخ و احوالات و تراجم و انساب رجال نامی هرات از عالمان و اعیان و بزرگان از قرون

ماضیه تا نیمه قرن نهم هجری

۱۶. *آتشکده اردستان [بخش اول] / ابوالقاسم رفیعی مهرآبادی / تهران / چاپخانه آتشکده /*

۱۳۳۶ش / ۲۱۸ص، وزیری

اثری است در جغرافیا و تاریخ اردستان و تحقیق در انساب سلسله سادات آن منطقه

۱۷. *آتشکده اردستان [بخش دوم] / ابوالقاسم رفیعی مهرآبادی / تهران / چاپخانه اتحاد /*

۱۳۴۲ ش / ۲۰۰ ص، وزیری

اثری است در جغرافیا و تاریخ اردستان و تحقیق در انساب سلسله سادات آن منطقه
۱۸. ریاض الالواح در مزارات و قبور غزنین / شیخ محمدرضا / کابل / مطبعه دولتی /

۱۳۴۶ ش / ۲۱۹ ص، رقی

اثری است مشتمل بر کتیبه‌های قبور و انبیه منطقه غزنه در افغانستان که توسط انجمن
تاریخ افغانستان کتاب به خط نسخ و نستعلیق نگاشته و تاریخ خاتمت آن ۱۳۲۶ هجری است
و این چاپ انجمن تاریخ اوست می باشد و رساله‌ای است مفید و مشتمل بر تراجم و انساب و
دیگر اطلاعات تاریخی.

۱۹. مزارات شهر کابل / محمد ابراهیم خلیل / کابل / مطبعه دولتی / ۱۳۳۹ ش / ۲۸۸ ص،

وزیری

اثری است در تراجم و تاریخ و احوالات بزرگان، اعیان و علمایی که مزار و مقبره آنان در شهر
کابل می باشد.

۲۰. تحفة الاحفاد فی حال الآل والاعباد / محمد معین الدین الکاظمی المشهدی الکروری /

هندوستان / لکهنو / ۱۲۸۱ ق / ۳۸ ص، وزیری

ذکر احوالات و سلسله نسب سید احمد الکاظمی المشهدی که از مشهد مقدس به
هندوستان هجرت کرده و در آن جا توطن نموده است.

۲۱. کتاب اعلاط در انساب به ضمیمه تاریخ منارجنبان اصفهان و قبور پیامبران در ایران از

جمله کورش کبیر / عبدالحجة بلاغی / قم / چاپ حکمت / ۱۳۵۰ / ۶۴ ص، وزیری

مباحثی در سلسله نسب علما و اعیان اصفهان و تاریخ بنای تاریخی منارجنبان در این شهر.

۲۲. کتاب شجره طیبه در انساب سلسله سادات علویه رضویه / میرزا محمد باقر الرضوی /

به سعی و اهتمام سید محمد تقی مدرس رضوی / تهران / چاپخانه حیدری / ۱۳۵۲ /

۴۸۶ ص + شجره نامه‌ها، وزیری

تاریخ و تراجم و ذکر انساب سلسله سادات علویه رضویه در منطقه خراسان بزرگ.

۲۳. مجمع السعادات یا فضائل السادات / سید محمد حسین مولوی شاه چراغی؛ به انضمام

سلسله نسب و شرح حال و ذکر بعضی از اساتید و خویشان ایشان / به دقت سید علی

شاه چراغی / چاپخانه شرکت سهامی طبع کتاب / ۱۳۷۵ ق / ۱۳۳۴ ش / ۱۱۲ ص، رقی



رساله‌ای است در شرح حال و ترجمه احوال سلسله سادات شاه چراغی در شیراز به ویژه درنگی در احوالات و اساتید مرحوم سید محمد حسین مولوی شاه چراغی.

۲۴. تحفة الاحباب فی بیان الانساب / محمد خلیل الله انصاری / هندوستان / لنکهو /

۱۳۰۵ق

اثری است در ذکر سلسله انساب مشایخ و عالمان دین در خطه هندوستان؛ ترجمه اردو نیز ضمیمه آن می باشد.

۲۵. فضیلة السیادة / حاج شیخ محمد حسن العالم نجف آبادی / چاپخانه جاوید /

۱۳۷۶ق / ۱۴۴ص، وزیری

در فضیلت و علوّ رتبت سلسله جلیله سادات

۲۶. هزار مزار / معین الدین ابوالقاسم جنید بن محمود بن محمد شیرازی متوفی ۷۹۱ق /

ترجمه عیسی بن جنید / شیراز / چاپخانه جهان نما / ۱۳۲۰ / ۱۶۴ص، رقعی

تذکره احوال و شرح حال علما و اعیان و مزارات خطه شیراز است که توسط معین الدین ابوالقاسم شیرازی به عربی تألیف و به شد الازار معروف است و پسر وی آن را به فارسی ترجمه و هزار مزار نامیده است.

۲۷. شیرازنامه / ابوالعباس احمد بن ابی الحخیر زکوب شیرازی در حدود سنه ۷۳۴ق / به

تصحیح و اهتمام بهمن کریمی / طهران / مطبوعه روشنائی / ۱۳۱۰ش / ۱۸۰ص، رقعی

در ذکر طبقات علماء و اعیان و حکام و سادات خطه شیراز و ترجمه احوال آنان و ذکر مزارات

آن خطه.

۲۸. امامزادگان معتبر / میر سید عزیزالله امامت کاشانی / طهران / کتابفروشی معراجی /

۱۳۸۳ق / ۶۰ص، رقعی

رساله‌ای است در تاریخ، احوال و تراجم علماء و اعیان و سادات مدفون در کاشان؛ مرحوم

آیت الله مرعشی بر کتاب تقریض نوشته اند.

۲۹. بارگاه امامزاده عبدالله «درری» ری و جغرافیا و تحولات آن / میرزا خلیل کمره‌ای /

چاپخانه اختر شمال / ۱۳۷۴ق / ۴۲ص، جیبی

شرح احوال و ترجمه (حسین بن عبدالله بن عباس بن عبدالله شهید بن حسن الافطس

بن علی الاصغر بن امام زین العابدین علیه السلام) که در سال ۳۱۹ در ری وفات یافته و قبرش

زیارتگاه مردم است. در این جزوه برخی فوائد رجالی و هم چنین اطلاعاتی در خصوص انساب یافت می شود.

۳۰. مختصر حالات و شجره نسب سادات کیتور شاخ سید طه از شجره قدیمه جناب

سید شوکت حسین صاحب موسوی نیشابوری / هندوستان / لکهنو / ۲۴ ص، جیبی
جزوه ای است در ذکر سلسله نسب سادات کیتور در هندوستان.

۳۱. احوالات حضرت امامزاده یحیی (علیه السلام) / محمد اسماعیل شمس زاده خطیر متصدی بقعه

مبارکه امامزاده یحیی و امامزاده محمد (علیه السلام) / تهران / چاپخانه اسلامیة / ۱۳۴۱ / ۳۰ ص، وزیری
اثری که مشتمل بر مقدمه مختصر از محمد اسماعیل شمس زاده متولی امامزاده و سپس
«الرسالة العزیه فی ترجمة الجلیل عزالدین یحیی الشہید (علیه السلام)» به قلم حضرت آیت الله مرعشی
که به فارسی نگاشته شده که متضمن شرح حال مترجم له و سلسله نسب و اباء و اجداد وی
می باشد. نامه مفصلی نیز به قلم حضرت آیت الله سید محمد علی روضاتی اصفهانی در
خصوص سلسله نسب امامزاده یحیی در جوف رساله درج شده است.

۳۲. اجمالی از تاریخ آرامگاه حضرت شاه ولایتام «رض» در ولایت بلخ / محمد عمر

فرزاد / بلخ / مطبوعه دولتی / ۱۳۴۷ ش

در تاریخ آرامگاه مشهور به آرامگاه شاه ولایت در مزار شریف و ذکر عاملانی که در جوار آن
مدفون اند.

۳۳. ستارگان فروزان؛ شرح حال عده ای از امامزادگان / علی تشکری / کاشان / چاپخانه

ربانی / ۱۳۴۸ / ۱۰۸ ص، رقی

در تاریخ و ترجمه احوال سادات و سلسله نسب آنان و ذکر احوال و سوانح ایام امامزادگان
شهرهای مختلف ایران.

۳۴. رساله دفع شبهات در بیان سیادت سادات / حاج ملا محمد خالدی / تهران / چاپخانه

موسوی / ۱۳۴۷ / ۵۸ ص، جیبی

رساله ای که یک بخش آن مربوط به انساب و اثبات این که سلسله نسب هم به واسطه
اولاد ذکور است و هم اولاد اناث به ویژه در مورد رسول گرامی اسلام که اولاد ذکور نداشت.

۳۵. کتاب تذکره الاخیار و مجمع الابرار / سید عبدالله داعی دزفولی / اهواز، چاپخانه صافی /

کتابخانه و قرائت خانه عالمشاه دزفول / ۱۲۴۶ ق / ۵۵ ص، وزیری



کتابی است در تاریخ تراجم احوال علماء و اعیان دزفول و نواحی آن و ذکر مزارات و مقابرو امامزادگان به همراه انساب آنان.

۳۶. رساله اسدیہ / علامه نسابه عبیدلی سبزواری / مقدمه: حضرت آیت الله مرعشی

نجفی / تهران / کتابفروشی آخوندی / ۱۳۹۳ق-۱۳۵۲ش / ۱۰۹ص، جیبی

رساله اسدیہ در تاریخ و احوال و انساب آل بیت نبی مکرم ﷺ تألیف شده و سلسله سادات منتهی به ائمه طاهرین را ذکر می کند و مؤلف آن از عالمان قرن دهم هجری بوده است. در مقدمه حضرت آیت الله مرعشی شرح کشفی داده اند در معرفی آثار و احوال و نسب مؤلف کتاب. رساله اسدیہ توسط استاد محمدحسین الحسینی الجلالی تلخیص و تعریب شده و همراه با اضافات و استدراکاتی در ۱۴۴ صفحه وزیری در اردن در سال ۱۴۱۸-۱۹۹۸ به چاپ رسانده است.

۳۷. تذکره الاولیاء محرابی کرمانی یا مزارات کرمان تصنیف در نیمه اول قرن دهم هجری

قمی / به راهنمای و مساعی سید محمد هاشمی کرمانی / تهران / ۱۳۳۰ / ۲۱۶ص، جیبی

در تاریخ و تراجم و احوال و آثار علماء و اعیان و بزرگان مدفون در خطه کرمان و ذکر انساب و احفاد آنان.

۳۸. بدر مشعشع در حال ذریه موسی مبرقع / الحاج میرزا حسین النوری الطبرسی /

۱۳۰۸ق / ۳۲ص، رقعی، سنگی

رساله ای است در تبیین سلسله نسب سادات برقی از ذریه موسی المبرقع.

۳۹. کنز الانساب و بحر المصاب در نسب دوازده امام و سادات و امامزادگان / مبنی / ۱۳۰۲ /

۱۲۸ص، رقعی، سنگی

در ابتدای این اثر آمده است که در سال ۹۵۳ق سید ابوطاهرین جعفر بن عمران ابن موسی بن امام محمد تقی علیه السلام این کتاب شریف را از مسجد الاقصی به ولایت عجم آورد و این کتاب به لفظ عربی بود. حضرت سید مرتضی علم الهدی از عربی به فارسی درآورد...

کتابی است در سلسله انساب ائمه طاهرین علیهم السلام و ذریه آنان و امامزادگان مشهور در بلاد

اسلامی. همین اثر به نام بحر الانساب نیز چاپ سنگی شده است.

۴۰. نشریه اکبریہ در کیفیت تاریخی مقبره عون بن علی علیه السلام / علی جناب زاده / تبریز /

چاپ حکمت / ۱۳۵۰ / ۴۶ص، جیبی

در تاریخ و احوال و مقبرهٔ عون بن علی در محله «قلعه کوه سرخاب» در تبریز و ذکر برخی امامزادگان و نسب آنان.

۴۱. تاریخ اولاد الاطهار / محمدرضا بن محمد صادق الحسنی الحسینی الموسوی الرضوی الطباطبائی التبریزی / تبریز / ۱۳۰۴ق / ۱۶۴ص، رقعی، سنگی
رساله‌ای است در احوال و انساب ائمه طاهریں و ذریه آنان و تاریخ و احوال امامزادگان خطه تبریز

۴۲. تذکره العظیمیه محمد ابراهیم النجفی الکلباسی الاشری / تهران [؟] / مطبوعه برادران باقرزاده / ۱۳۴۶ق / ۱۳۴+۷۲ص، رقعی

رساله‌ای در تاریخ و احوالات و مقام و مقبره و سلسله نسب حضرت عبدالعظیم الحسنی درری که توسط مرحوم کلباسی نوشته شده و هم چنین بحثی در باب دیگر امامزادگان خطه ری و بیان عظمت و زینت مقام و ذکر نسب آنان. شرح حال مؤلف نیز در کتاب آمده است.

۴۳. زندگانی حضرت عبدالعظیم بن عبدالله الحسنی علیه السلام و شخصیت دو امامزاده مجاور آن / محمد الرازی / تهران / کتابفروشی محمدعلی علمی / ۱۳۶۷ق / ۱۵۱ص، رقعی

شرحی بر احوال و ترجمه زندگانی حضرت عبدالعظیم حسنی و ذکر انساب و بیان آراء مختلف در خصوص ایشان و بحثی در آباء و ابناء، احادیث وارد از ایشان و درنگی در امامزادگان خطه ری و شرحی بر احوال و انساب آنان.

۴۴. راهنمای حج و زیارتگاه‌های جهان اسلام / ابراهیم وحید دامغانی / تهران، چاپخانه رودکی / ۱۳۶۲ / ۲۲۴ص، رقعی

کتابی است جهت راهنمایی زائرین بیت الله الحرام و هم چنین زائران دیگر بقاع متبرکه نگاشته شده و تاریخ و شرح احوال پیامبر و ائمه طاهریں علیهم السلام و احفاد و اولاد آنان و معرفی امامزادگان و مزارات آل البيت در عراق و ایران، مصر و شام و حجاز.

۴۵. میزان الانساب در شرح حال امامزاده‌های معتبر شهر اصفهان / میرزا محمد هاشم چهارسوقی متوفی ۱۳۱۸ق / قم / چاپخانه حکمت / ۱۳۷۳ق - ۱۳۳۲ش / ۸۰ص، رقعی

اثری است در ترجمه و شرح حال امامزادگان نسب دار موجود در منطقه اصفهان و هم چنین شرح حال برخی علماء بزرگا و اعیان شهر و هم چنین لمح‌ای در شرح حال مؤلف کتاب.

۴۶. نور باهر در ترجمه حضرت علی بن امام محمد باقر علیه السلام / شیخ محمد باقر مرندی / قم /



چاپخانه علمیه / ۱۳۸۱ق / ۴۸ص، رقعی

در تاریخ و احوال و مزار و مقبره السلطان ابوالحسن علی بن محمد الباقر علیه السلام که در مشهد اردهال قرار دارد.

۴۷. خلاصه اطلاعاتی از حضرت امامزاده ابو محمد ابراهیم ابن عبدالله ابن موسی بن

جعفر علیه السلام مدفون در بیاضه منطقه خور و بیابانک / نائین / ۱۳۷۹ / ۲۲ص، رقعی

رساله‌ای در شرح احوال و تاریخ و نسب امامزاده بیاضه واقع در منطقه نائین.

۴۸. سیادة السادة / السيد ابوالقاسم الرضوی القمی / لاهور / مطبع سلطانی / ۱۳۰۶ق /

۲۰۵ص، رقعی، سنگی

رساله‌ای در علورتبت و حقیقت سیادت و اصول و مبانی علم انساب و ذکر انساب و ذریه اهل بیت و بحث مفصل در تاریخ و احوال و سلسله نسب موسی المبرقع و سادات کشمیری و تشریح بیوتات و خاندان‌های مهم سادات آن دیار.

۴۹. الاغصان الاربعة للشجرة الطيبة / لکهنو / ۱۲۹۸ق / ۱۳۰ص، رقعی، سنگی

در ذکر تاریخ و احوالات سلسله مشایخ و اقطاب و سادات منطقه لکهنو در هندوستان.

۵۰. تاریخچه مزار شریف منسوب به مولینا عبدالغفور لاری شاگرد حضرت جامی از علماء

قرن نهم و اوائل قرن دهم / به کوشش: مایل هروی / کابل / دولتی مطبعه / ۱۳۴۹ / ۴۶ص،

رقعی

رساله‌ای است در تاریخ مزار شریف و مقبره معروف آن شهر که منسوب به حضرت علی علیه السلام

است و مناقشه اقوال مختلف در این باب. برخی اشارات به مسائل مربوط به انساب در آن

یافت می‌شود.

۵۱. قندیه (در بیان مزارات سمرقند) / به کوشش ایرج افشار / تهران / کتابخانه طهوری /

۱۳۳۴ / ۱۴۲ص، رقعی

رساله‌ای از ملا عبدالکریم که در احوال سمرقند و ذکر اولیاء و اقطاب و سادات و مزارات

آنان آن دیار از کتب و نوشته‌های مختلف گردآوری و تألیف نموده است و در سال ۱۹۰۹م در

سمرقند به چاپ رسیده است که استاد افشار با تصحیحات و تعلیقات سودمندی آن را مجدداً

چاپ نموده‌اند.

۵۲. بدایع الموالید / بدایع نگار لاهوتی / تهران / مطبعه مجلس / ۱۳۰۴ش / ۳۲ص، وزیری



رساله‌ای است در شرح احوالات پیامبر ﷺ و ائمه معصومین علیهم السلام و اشاره‌ای به انساب سادات تهران.

۵۳. کشف الخیبه عن مقبرة الزینیه / محمد علی معلم حبیب آبادی / اصفهان / مطبعه محمدی شیرازی / ۱۳۵۲ق / ۱۴۴ص، جیبی

در تاریخ و شرح حال یکی از امامزادگان معروف اصفهان که به «زینیه» معروف است. مؤلف اثر از عالمان رجالی معاصر بوده که مجموعه گرانسنگی به نام «مکارم الآثار» از وی به چاپ رسیده است.

۵۴. کز الانساب / سید عطا حسین ولد سید سلطان احمد قادری المنعمی الحسنی / بمبئی / مطبعه صفدری / ۱۳۰۰ق / ۳۴۴ص، رقعی، سنگی

رساله‌ای است در احوال و تراجم حضرت ختمی مرتبت ﷺ و آل امجد ایشان و هم چنین ذکر احوالات و مقامات سادات، مشایخ و اقطاب هندوستان و سلسله نسب ایشان.

۵۵. کتاب شجره طیبه نقلی از گلشن حسینی در تاریخ یگانه فداکار عالم اسلام حجت الاسلام والمسلمین جمال الملة والدین آیت الله فی العالمین مرحوم حاج سید عبدالحسین نجفی نزیل لاری / چاپخانه نور / ۱۳۷۰ق / ۴۲ص، رقعی
گزیده‌ای است از شرح احوال و آثار و نسب مرحوم لاری که از کتاب گلشن حسینی اثر عبدالحمید مهاجری نوایجانی اقتباس شده است.

۵۶. شجره‌نامه سادات منصورى باقرى / سید شاه عباس منصورى (خراسانى) / حیدرآباد / ۲۰ص، جیبی

ذکر شجره‌نامه و سلسله نسب سادات منصورى در شهر حیدرآباد هند.

۵۷. روضه اطهار / ملای حشری / تبریز / ۱۳۰۳ق / چاپ سنگی
در تاریخ و احوالات و مزارات ائمه طاهرین و احوالات و مزارات و قبور مشایخ و اقطاب و علما و امامزادگان منطقه تبریز و سرخاب. این کتاب ظاهراً چاپ حروفی نیز شده است.

۵۸. زیور آل داود (شرح ارتباط سادات مرعشی با سلاطین صفویه) / سلطان هاشم میرزا (پسر شاه سلیمان ثانی) / با تصحیحات و تعلیقات دکتر عبدالحسین نوایی / تهران، میراث مکتوب / ۱۳۷۹ / ۱۹۶ص، وزیری

در تاریخ و احوال اجداد سادات مرعشی (از تبار امام زین العابدین علیهم السلام) و سواد



وقف‌نامه‌ها و قباله‌های املاک و اموال ایشان و شرح حال برخی اعیان خاندان صفویه و اشاره به برخی سوانح و حوادث اواخر عصر صفوی.

۵۹. **مرعشیان در تاریخ ایران** / مصطفی مجد / تهران / نشر رسانش / ۱۳۸۰ / ۲۸۶ ص،

وزیری

پژوهشی در تاریخ، احوال و سوانح و سلسله نسب خاندان مرعشیان در شمال ایران. این اثر شامل شش فصل می‌باشد. فصل اول: معرفی و تحلیل منابع، محسنات و کاستی‌ها. فصل دوم: از ورود اسلام تا روزگار تأسیس سلسله سادات مرعشی در مازندران. فصل سوم: اصل و نسب، زندگانی، عقاید و تعالیم سید قوام‌الدین و عوامل شکل‌گیری حکومت مرعشیان. فصل چهارم: مرحله دوم حکومت سادات مرعشی ۷۸۱-۷۹۵ ق. فصل پنجم: دوره سوم حکومت سادات مرعشی در مازندران ۸۰۷-۹۰۶. فصل ششم: مرعشیان در عصر صفویان ۹۰۷-۱۱۳۵.

۶۰. **شجره‌نامه سادات رودبندی** - داعی نوادگان السلطان سید علی سیاهپوش معروف به رودبند و تاریخچه محله سیاهپوشان دزفول / حبیب‌الله نیری دزفولی / مقدمه استاذ حاج سید علی کمالی دزفولی / قم / چاپخانه سپهر / ۱۳۷۷ / چاپ اول // ۲۹۶ ص، رقعی
اثری در سلسله نسب و شجره‌نامه سادات «رودبندی» و «داعی» در شهر دزفول.

۶۱. **کتاب بدایع الانساب فی مدفن الاطیاب** / میرزامهدی خان بدایع‌نگار لاهوتی / تهران / چاپخانه عالی / ۱۳۱۹ ش / ۷۲ ص، رقعی

رساله‌ای در ذکر سلسله نسب سادات و امامزادگان که طبق حروف الفبا ترتیب یافته است.
۶۲. **اختران تابناک یا کشف الکواکب**: زندگانی مشاهیر امامزادگان و علماء آل ابی‌طالب / شیخ ذبیح‌الله محلاتی متولد ۱۳۱۰ ق / تحریر و تصحیح: محمد جواد نجفی / تهران / کتابفروشی اسلامیة / ۱۳۴۹ ق / ۵۷۶ ص، وزیری

در تاریخ و ترجمه احوال و آثار و مرآة ۳۳۵ تن از بزرگان، علماء، امامزادگان آل ابی‌طالب که طبق حروف الفبا مترتب شده است.

۶۳. **فهرستی از سادات اصفهان**؛ جلد اول / تحقیق و تألیف: سید محمد علی بهشتی نژاد / اصفهان / مؤلف / [۱۳۷۰] / ۱۵۶ ص، وزیری

فهرست سادات منطقه اصفهان که به ترتیب الفبا مرتب شده و شامل ۸۹۱ خانواده



می گردد. هم چنین ۵۰ شجره نامه سادات اصفهان نیز در کتاب آمده است.

۶۴. سلسله النسب صفویة؛ نسب نامه پادشاهان باعظمت صفوی / شیخ حسین پسر شیخ ابدال پیرزاده زاهدی در عهد شاه سلیمان صفوی / برلین [آلمان] / انتشارات ایرانشهر / ۱۳۴۳ق- ۱۹۲۴م / ۱۱۶ص، رقعی

اثری است در تاریخ، احوال و سوانح و سلسله نسب پادشاهان صفوی و هم چنین مشایخ و اقطاب صوفیان آن عصر.

۶۵. شجره مبارکه سادات رضویه قصبه سامانه ریاست پتاله هندوستان / سید اجمل حسین رضوی / لاهور / ۱۴۰۰ق / ۲۲۶ص، وزیری
ذکر احوالات و سلسله نسب سادات رضوی خطه هندوستان.

۶۶. شجرة العلویة فی السلسله من سادات الموسویة / سید حسن الموسوی الحقایقی / قم / ۱۳۹۷ق- ۱۳۵۶ش / ۹۰ص، رقعی

رساله ای در ذکر تاریخ و ترجمه احوال خاندان سادات تراکمه («معروف به بحرینی») که در منطقه فارس سکونت دارند و هم چنین ذکر سلسله نسب ایشان به ویژه مرحوم سید حسن موسوی حقایقی از علمای بزرگ محل (متولد ۱۳۱۶ق).

۶۷. شاخه ای از سادات طباطبایی؛ نوادگان میرعماد / سید حسن فاطمی / قم / مرکز ثبت نوادگان میرعماد / ۱۳۸۲ / چاپ سوم / ۱۰۰ص، رحلی

در این اثر حادثه حمله افغان ها به ایران سرگذشت میرعماد و میرجهان از علمای بزرگ منطقه اصفهان در قرن دوازدهم هجری و شجره نامه و سلسله نسب آنان و هم چنین مختصری از احوال و نسب سادات زواره.

۶۸. دائرة المعارف بناهای تاریخی ایران در دوره اسلامی؛ بناهای آرامگاهی / پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی حوزه هنری / تهران / حوزه هنری / ۱۳۷۸ / چاپ دوم / ۴۲۶ص، رحلی

تاریخچه ای از بناهای آرامگاهی ایران (آرامگاه ها، امامزاده ها، برج ها، بقعه ها، گنبد ها) که در آن به سلسله نسب مدفونین نیز اشاراتی شده است. و ترتیب آن طبق حروف الفبای باشد.

۶۹. شجره نامه خاندان خوشابی و انساب طی ۳۲۶ سال و نُه نسل از سال ۱۰۵۱ تا ۱۳۷۷ هجری خورشیدی / عبدالکریم خوشابی / تهران / دفتر فنی قلم / ۱۳۷۷ / ۴۸۷ص، رحلی



شمه‌ای از تاریخ منطقه جنوب (بوشهر و دشتستان) و ذکر سلسله نسب و شجره‌نامه خاندان خوشابی.

۷۰. تاریخ بیهق / ابوالحسن علی بن زید بیهقی متولد ۴۹۳ق / با تصحیح و تعلیقات:

احمد بهمینیار / تهران / کتابفروشی فروغی / چاپ دوم / ۲۶+۳۶۰ ص، وزیری
اثری است در تاریخ ناحیه خراسان بزرگ به ویژه سبزوار و ذکر تراجم مشاهیر رجال و علماء و ادبا و شعرا و وزراء و سادات و کتاب و حکما و اطباء و غیرهم و ذکر سلسله انساب خاندان‌های مشهور متوطن در آن ناحیه و هم چنین ذکر پاره‌ای مختصات جغرافیایی محل.

۷۱. شجره طیبه یا امامزادگان بهبهان / به اهتمام حاج غلامرضا خادمی / قم / عصر ظهور /

۱۳۸۱ / چاپ اول / ۲۲۸ ص، وزیری

شرحی است بر تاریخ و تراجم احوال امامزادگان خطه بهبهان و ذکر شجره‌نامه‌ها و سلسله نسب آنان به همراه برخی اسناد و اظهار نظر عالمان علم انساب.

۷۲. انوار المشعشعین، جلد اول، جلد دوم، جلد سوم / محمد علی کجویی اردستانی متوفی

۳۳۵ق / تحقیق: محمد رضا انصاری قمی / قم / کتابخانه حضرت آیت الله مرعشی / ۱۳۸۱ /

۶۰۸+۴۲۴+۵۸۴ ص، وزیری

کتاب جامعی است در تاریخ قم و مناطق همجوار آن که به تفصیل ابعاد و مسائل مختلف تاریخی اجتماعی فرهنگی سیاسی و غیره این شهر را بررسی کرده و مشتمل بر فواید و مطالب سودمندی در علم انساب و سلاسل نسب نیز می‌باشد.

۷۳. سراج الانساب / سید احمد بن محمد بن عبدالرحمن کیا گیلانی از دانشمندان قرن

دهم هجری / تحقیق: سید مهدی رجایی، زیر نظر سید محمود مرعشی / قم / کتابخانه حضرت

آیت الله مرعشی / ۱۴۰۹ / چاپ اول / ۲۳۲ ص، وزیری

این اثر که در دوران صفویه تألیف شده مشتمل است بر بیان مناقب سلاطین صفویه و

تشریح سلسله نسب شاه طهماسب به حضرت موسی بن جعفر علیه السلام می‌رسد و هم چنین بیان

چگونگی به قدرت رسیدن سلاطین و سلسله صفویه و سوانح و حوادث ایام هریک از

پادشاهان این سلسله تا زمان مؤلف و سپس مؤلف به بحث اصلی کتاب خود که در علم

انساب است پرداخته و اولاد و احفاد و ذراری حضرت امیر علیه السلام را به ترتیب زندگی و حیات هر

یک از آنها علیهم السلام ذکر نموده و عمدتاً به سادات و اشراف ساکن در ایران عصر مؤلف که بسیار

وسیع‌تر از ایران امروز بوده است پرداخته و در ضمن ذکر هر یک از سادات و اشراف علوی شمه‌ای از تاریخ و ترجمه احوال و سوانح ایام آنان را نیز آورده است این اثر از حیث احتمال بر فوائد تاریخی و ادبی نیز قابل توجه می‌باشد.

۷۴. فرهنگ و تاریخ گز و برخوار؛ تذکره امامزاده شاه نعمت‌الله و نسب‌نامه سادات عالی درجات گز و برخوار و برگ‌هایی نانوشته از یک تمدن هزار ساله / سید سعیدالدین سجادی جز/ اصفهان / نشر مقیم / ۱۳۸۳ / ویرایش دوم / ۳۱۸ ص، وزیری

اثری است در احوال و سلسله نسب امامزاده شاه نعمت‌الله در منطقه گز و برخوار اصفهان و هم‌چنین تاریخ اجتماعی و فرهنگی و تراجم علماء و اعیان منطقه گز و برخوار و نسب‌نامه سادات منطقه همراه با تشجیر و توضیحات مفصل. این اثر فوائد و نکات تاریخی و فرهنگی مفیدی نیز راجع به خطه اصفهان در بردارد.

۷۵. شجره‌نامه و نسب‌نامه سادات مرعشی یزد و فارس / به اهتمام سید عبدالعلی عظیمی / شیراز / ۱۳۷۵ / ۲۳۷ ص، وزیری

شرحی است بر ترجمه احوال و ذکر سلسله انساب سادات مرعشی یزد و فارس که عمدتاً به اولاد و احفاد و اعقاب میر سعید بن میر ابوالهادی که سلسله نسب وی به امام سجاد علیه السلام می‌رسد، پرداخته شده است.



ملاحظات در باب برخی نسخه‌های خطی

محمد کاظم رحمتی

مقدمه

بخش اعظمی از مطالب گردآوری شده در سنت تراجم‌نگاری، مطالبی است که نویسندگان آثار رجالی از نسخه‌های خطی مختلف گاه به خط مؤلفان استخراج کرده‌اند و در کتاب *ریاض العلماء* افندی به کرات مطالب مختلفی از انجمله‌ها یا صفحه عنوان‌های آثار مختلف خطی را می‌توان دید که افندی با نقل آن‌ها مطالب ارزشمندی را در اختیار ما قرار داده است. این شیوه را بعدها در تألیفات رجالی می‌توان دید، اما مشکل اصلی که در سر راه گردآوری اطلاعات از این دست و تدوین آن‌ها برای بهره‌گیری، به دشواری دسترسی به نسخه‌های خطی باز می‌گردد. اطلاعات آمده در ادامه نشان می‌دهد که دست‌کم از حیث گردآوری چنین اطلاعاتی چرا لازم است تا نسخه‌های خطی حتی فهرست‌شده به گونه‌ای در اختیار افراد مختلف قرار گیرد و هر کس متناسب با تجارب خود بتواند نکاتی را که از جنبه‌های مختلف نسخه‌شناسی قابل طرح است را بیان کند.

کثرت نسخه‌های خطی و کار دشوار نسخه‌گزینی برای تصحیح نسخه‌های خطی امری است که در باب برخی آثار پرنسخه به عنوان یکی از مهم‌ترین موانع بر سر راه تحقیق خودنمایی می‌کند. از سوی دیگر پراکندگی فهرس نسخه‌های خطی و گاه فهرست شدن برخی آثار به عنوان مجهول یا عدم شناسی آن‌ها توسط فهرست‌نگاران، باعث عدم بهره‌گیری از نسخه‌های گاه مهم در تصحیح آثار خطی می‌شود. این مشکل اکنون به لطف انتشار فهرستواره دست‌نوشته‌های نسخه‌های خطی ایران (دنا) و تحریر مفصل تر آن فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا) تا حد بسیاری مرتفع و یا حتی رفع شده است. در این میان کاری که شایسته‌ترین توجه می‌باشد، انتشار اطلسی از خطوط شناخته شده عالمان و ققیهان مسلمان است که بر اساس آن بتوان در کار شناسایی نسخه‌های خطی بهره برد؛ هر چند توجه به کاتبان نسخه‌های خطی نیز در این میان اهمیت دارد. در حالی که تصور رایج آن است که کاتبان اشخاصی حرفه‌ای بوده‌اند که در قبال دریافت وجهی به کار کتابت نسخه‌ها می‌پرداخته‌اند. از آنجایی که شیوه مذکور نیازمند تمکن مالی بوده، بسیاری از عالمان امامی با توجه به وضعیت خود در بهره‌نبردن از موقوفات، خاصه در قرون ششم تا دهم و پیش از صفویه و حتی در اوایل عصر صفویه، خود مجبور به کتابت نسخه‌های خطی بوده‌اند و از این رهگذار، توجه به خطوط آن‌ها می‌تواند در شناسایی نسخه‌هایی که آن‌ها کتابت کرده‌اند، به کار آید.

از چند مثال شروع می‌کنم. در تصحیح نسخه‌های خطی، نسخه‌های مقروء و دارای اجازه خاصه زمانی که فرد مجیز خود عالم برجسته‌ای باشد یا در بعد نسخه‌ی اخیر در اختیار عالم برجسته‌ای دیگر قرار گرفته باشد و او نیز آن را خوانده باشد و با نسخه‌ای دیگر مقابله کرده باشد، اهمیت فراوانی دارد. در مواردی خاصه به علت فرسودگی بخش‌هایی از انهاءات دال بر قرائت نسخه از میان می‌رود و باعث می‌شود که نتوان فردی که انهاء بر نسخه نوشته را شناسایی کرد. نسخه‌ای از تهذیب الوصول علامه حلی در کتابخانه مجلس به شماره ۱۱۵۸ مجموعه طباطبائی وجود دارد که بخشی از آن نونویس و دیگر بخش‌های آن به خطی کهن‌تر کتابت شده است. بخش نخست نسخه، دست خطی متفاوت دارد و حتی حواشی نیز به دست خط متفاوت از بخش دیگر نسخه که کهن‌تر است، کتابت شده‌اند. در حقیقت از صفحه ۸۷ به بعد بخش کهن‌تر نسخه است و صفحات قبل یا توسط کاتبی دیگر نوشته شده

يا در بعد بازنويسى شده است. به صفحهٔ انجام نسخه بازگرديم. متن انجامهٔ نسخه اهميت خاصى دارد و بهتر است كه ابتدا متن آن را نقل كنيم:

تَمَّ الكتاب بحمد الله تعالى وعونه وحسن توفيقه وصلواته على سيدنا محمد النبي وآله الطيبين الطاهرين كتبه لنفسه افقر عباد الله تعالى الى رحمة وأحوجهم الى غفران ذنوبه وتجاوزه عن سيئاته، جعفر بن محمد بن ابراهيم بن الحسام الشامي العاملي بمجلس المولى العلامة بل اوحد الدهر، فريد العصر، قدوة الافاضل، اقتخار الاواخر والاول، عميد الملة والحق والدين عبدالمطلب الاعرج الحسيني.. الله جلالة فى العشر الاخير من شهر الجمادى الاول سنة احد وخمسين وسبعمائة.

كاتب نسخه جعفر بن محمد بن ابراهيم بن حسام شامى عاملى است كه مرحوم آقا بزرگ در *طبقات اعلام الشيعة: الضياء اللامع فى القرن التاسع*، ص ۹، ۲۳ چند مطلب کوتاه در خصوص او آورده است. به همان دليلى كه در قبل به آن اشاره شد عالمان امامى در سده‌هاى ششم تا دهم تا حدى به دليل عدم تمكّن مالى گسترده همانند همتايان سنى خود، مجبور به كتابت و استنساخ نسخه‌هاى خطى بوده‌اند. بخش دوم نسخه كه حواشى فراوان ترى دارد به احتمال قوى حواشى جعفر بن حسام عاملى بر كتاب *تهذيب الوصول* است كه او در مجلس درس خواهرزادهٔ علامه حلى از وي شنيده است و اهميت فراوانى دارد و بسيارى از اين تعليقات به سختى قابل خواندن است. نکتهٔ ديگر آنهائى است كه در کنار انجامهٔ نسخه آمده كه بخشى از آن محو شده و آن چه كه از بخش موجود انهاء مى‌توان خواند، چنين است:

انهاه ايد الله تعالى قراءةً ومجتأً وفهماً وضبطاً واستشراحاً فى مجالس آخرها...

پرسش اين است كه اين انهاء و بلاغ قرائت از كيست؟ چرا كه دست خط با دست خط جعفر بن حسام عاملى تفاوت دارد. توجه به دو نکته مى‌تواند مراد در شناخت هويت احتمالى فردى كه انهاء مذکور را نوشته كمك كند. به نحو طبيعى يافتن دست خط مشابه و ديگرى محتوى خود انهاء است. به واقع دست خط مذکور شباهت بسيارى با دست خط شناخته شده شهيد ثانى دارد و از حيث مضمون و محتوى انهاء نيز شباهت نزديكى با متن انهاءات شناخته شده از شهيد ثانى دارد و اين مطلب كه نسخه را فردى عاملى كتابت کرده و نسخه در جبل عامل بوده، مى‌تواند در تأييد حدس مذکور، به عنوان قرينه‌اى تلقى شود.^۱

۱. براى توصيف نسخه بنگريد به: سيد محمد طباطبائى (منصور)، فهرست نسخه‌هاى خطى كتابخانهٔ مجلس

شهید ثانی خود کتابخانه ای ارزشمند داشته که در آن حدود دویست کتاب به خط خودش بوده و کتاب های دیگری که او در طی حیات مبارکش گردآوری کرده است. کتابخانه مذکور در ایام زندگی او زمانی پس از ۹۵۶ که به جیب بازگشته مورد غارت قرار می گیرد و بعدها

شورای اسلامی: مجموعه اهدائی سید محمد صادق طباطبائی (تهران، ۱۳۸۸ ش)، ج ۲۴، بخش دوم، ص ۱۶۰. در کتابخانه آیت الله مرعشی، نسخه ای از کتاب تحریر الاحکام به شماره ۱۲۸۳۶ که در ۸۶۳ کتابت شده، موجود است که در آخر آن اجازه ای از محمد بن حسام به کسانی که کتاب رانزد او خوانده اند، آمده است: «قرء علی الشیخ الجلیل العالم الفاضل الورع الکامل برهان الدین ابراهیم ولد الشیخ المرحوم حسن الشقیفی طرفاً من هذا الکتاب قرأة مهذبة مرضیة قرأة بحث وتحقیق وفهم وتدقیق واجزت له روایت جمیعہ وجمیع مصنفات مصنفه الشیخ الامام العلامة جمال الدین بن المطهر قدس الله روحه الزکیة عن والدی عن عمی عن السید حسن بن ایوب الحسینی الشهیر بابن نجم الدین عن الشیخ فخرالدین والسید عمیدالدین عنه وجمیع مصنفات الشیخ نجم الدین ابی القاسم عن المصنف عنه وجمیع مصنفات العریف الماهر والبحر الزاخر شمس الدین محمد بن مکی قدس الله سره .. عنی عن والدی عن عمی عن السید المذكور عن الشهید فلیرو ذلك لمن شاء واحب فهو اهل لذلك وکتب اصغر عبادالله محمد بن الحسام حامداً مصلیاً مستغفراً». نسخه اخیر در سال ۸۶۳ کتابت شده و در اختیار فردی به نام عبدالله بن مسیب مسلمی بوده است که تعلیقاتی بر آن نوشته است: «وقد فرغ من تعلیقه لنفسه عبدالله بن مسیب المسلمی الثامنة من شهر الله الأصب سنة ثمانمئة واربعم وستون هجرية علی مشرفها السلام والحمد لله وحده». پس از آن نسخه در تملک شخصی به نام جمال الدین احمد بن الحاج علی بوده که وی نسخه رانزد محمد بن مؤذن خوانده است «انهاه ایدہ الله - قرأة وفهماً، اعنی الشیخ الفاضل برهان الدین ابراهیم المقری وفقه الله وایانا المراضیه وجعل یومه خیراً من ماضیه - وقد أجزت له روایتہ عنی عن قرانته علیہ وهو الشیخ جمال الدین احمد بن الحاج علی - رحمه الله - عن مشایخه متصلاً الی المصنف - رحمه الله - وطلبت منه الدعاء فی خلواته وعقیب صلواته تقبل الله منه وکتب العبد الفقیر الی الله تعالی محمد بن المؤذن حامداً مصلیاً مسلماً». برای توصیف نسخه و تصویر صفحه انجامة نسخه بنگرید به: فهرست نسخه های خطی کتابخانه بزرگ حضرت آیه الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله، ج ۳۲، ص ۵۸۷-۵۸۸، ۱۱۳۴. شمس الدین محمد بن محمد بن داود مؤذن جزینی در اجازه خود به علی بن عبدالعالی میسی در ۸۸۴ در سخن از طریق خود در روایت کتاب تحریر الاحکام گفته: «... وأجزت له الروایة مع العمل بجمیع ماتضمنه کتاب التحریر من جملة مقرواتی وما علیہ من النقل وما فیہ من الفتاوی الخالیة من النقل، وأما الترددات والأنظار والاشکالات الخالیة من فتوی المصنف ومن علامة بخطی فلا یعمل بها، وهی قليلة فی الکتاب الذی قرأته، وهو بخط المصنف رحمته الله عنی عن الشیخ جمال الدین بن الحاج علی وعن الشیخ عزالدین حسن بن الفضل...». بحار الانوار، ج ۱۰۵، ص ۳۶-۳۷. جمال الدین احمد بن حاج علی عینائی از جمله شاگردان ابن حسام بوده است و اطلاع اخیر نشانگر این نکته نیز هست که جمال الدین از جمله شاگردان ابن مؤذن نیز بوده است. بنگرید به: افندی، ریاض العلماء، ج ۱، ص ۴۷. محمد بن محمد بن خاتون عینائی در اجازه خود به محقق کرکی، اجازه خود از جمال الدین احمد بن حاج علی عینائی را آورده است. بنگرید به: مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۵، ص ۲۰-۲۷.

بقایای کتابخانه شهید ثانی به کوشش نواده‌اش شیخ علی کبیر (علی بن محمد بن حسن بن زین‌الدین عاملی) به همراه کتابخانه خانوادگی شیخ حسن، و پدرش شیخ محمد و کتابخانه پدر بزرگ شیخ حسن، شیخ محیی‌الدین به ایران منتقل شده است. کتابخانه شیخ علی کبیر تا زمان صاحب ریاض العلماء در اصفهان موجود بوده و برخی از اعیان شیخ علی کبیر که در اصفهان می‌زیسته‌اند، به حفظ و نگهداری کتابخانه مذکور اهتمام داشته‌اند. در خصوص کتاب‌های کتابخانه شهید یک نکته دیگر را نیز باید افزود؛ زمانی که شهید ثانی در تاریخی میان ۱۰ تا ۱۵ شوال ۹۶۴ دمشق را ترک کرده و همراه با کاروان‌های حج به مکه رفته، تعدادی از کتاب‌های خود را همراه داشته است. در خصوص این که چه برسر کتاب‌های شهید ثانی هنگامی که مقامات عثمانی او را در همان شهر بازداشت کرده‌اند، آمده، اطلاعی در دست نداریم جز آن که اکنون نسخه‌ای از کتاب رفع الحیب و فتاوی قواعد در چند برگ به دست آمده که حسین بن عبدالصمد در ۹۴۳ زمانی که با شهید ثانی برای تحصیل به قاهره رفته‌اند، کتابت کرده و بعدها نسخه را به شهید ثانی، به عنوان هدیه بخشیده است (شاید در ۹۵۵ زمانی که از شهید در بعلبک جدا شده و زمانی که شهید به جبع بازگشته و حسین بن عبدالصمد به عراق رفته). شهید به کتاب اخیر به عنوان یادگاری از دوست عزیزش توجه داشته و آن را با خود در ضمن کتاب‌هایی که همراه داشته، به مکه برده است. نسخه اخیر پس از شهادت شهید ثانی در اختیار ملا محمود لاهیجانی قرار گرفته و او نسخه را با خود از مکه خارج کرده است (از نسخه اخیر تصویر در مؤسسه شیعه‌شناسی موجود است).^۱

از نسخه‌هایی که شیخ محیی‌الدین که به احتمال قوی باید شیخ محیی‌الدین بن احمد بن تاج‌الدین میسی (زنده در ۹۵۴) باشد، تا به حال سه نسخه شناسایی کرده‌ام.^۲ در کتابخانه

۱. درباره ملا محمود لاهیجانی و آن چه که درباره او می‌دانیم بنگرید به: محمدکاظم رحمتی، «نکاتی درباره ملا محمود لاهیجانی از شاگردان گمنام شهید ثانی»، جشن‌نامه استاد سید احمد حسینی اشکوری، به کوشش رسول جعفریان (تهران، نشر علم، ۱۳۹۲ش)، ص ۵۱۹-۵۳۶.

۲. درباره محیی‌الدین بن احمد بن تاج‌الدین عاملی میسی مطالب چندانی در دست نیست. حر عاملی (متوفی ۱۱۰۴) در امل‌الامل (ج ۱، ص ۳۱) در اشاره به او تنها نوشته است: «الشیخ محیی‌الدین (بن) أحمد بن تاج‌الدین العاملی المیسی؛ کان فاضلاً زاهداً عابداً، استجاز منه فضلاء عصره ومنهم مولانا محمود بن محمد الکیلانی فأجازه سنة ۹۵۴». افندی نیز در ریاض العلماء (ج ۵، ص ۲۰۶) به شکلی مختصر در اشاره به محیی‌الدین میسی نوشته است: «الشیخ محیی‌الدین بن أحمد بن تاج‌الدین العاملی المیسی؛ کان عالماً فاضلاً

ملی مجموعه نسخه‌ای به شماره ۲۶۲۱/ع موجود است که مشتمل بر چهار رساله است و معرفی از آن در فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران به قلم استاد محترم آقای حبیب‌الله عظیمی (ج ۱۳، ص ۲۹-۳۱) آمده است. رساله اول که در خصوص احکام صداق است توسط فهرست‌نگار محترم مجهول‌المؤلف معرفی شده هرچند در انجامه آن به صراحت نام محیی‌الدین بن احمد بن تاج‌الدین به عنوان نویسنده آمده و گفته شده است:

هذا ما تيسر جمعه في هذه المسئلة مع ما تيسر فيها من النكت واللواحق مع قلة البضاعة في هذه الصناعة والله مستجبه ولي العفو والقبول وحسبنا ونعم الوكيل تحريراً في عشية الثلثا والتاسع عشر ليلة الحجة الحرام من سنة ۹۵۴ بالمشهد المقدس الرضوى على مشرفه الصلوة والسلام بقلم احقر العباد محيي الدين بن احمد بن تاج الدين لطف الله بهم بمحمد وآله والطاهرين.

پس از رساله اخير، سه رساله از آثار شهيد ثانی یعنی المقاصد العلية فی شرح الرسالة الالفية، نتایج الافکار فی حکم المقيمين فی الاسفار ورسالة فی تيقن الطهارة والحدث و الشک فی السابق آمده است. دست خط نسخه در برگ ۲۷ الف تغییر کرده است و تا برگ ۳۴ ب به خطی ديگر است و پس از آن با نسخه به خط میسی ادامه یافته هرچند برخی از

عابداً من تلامذة الشهيد الثاني». اجازه‌ای که شیخ حر عاملی از آن سخن گفته، به طور کامل در بحار الانوار (ج ۱۰۵، ص ۱۷۳-۱۷۴) آمده است. ملا محمود لاهیجانی پیش از رجب ۹۵۳ در بعلبک زمانی که شهید ثانی در مدرسه نوریه به تدریس مشغول بوده، به آن جا رسیده و شهید ثانی اجازه‌ای که پیش‌تر در ۹۴۱ به حسین بن عبدالصمد حارثی عاملی داده را به او نیز اجازه داده است. در اواخر ربیع الثانی ۹۵۴ زمانی که محیی‌الدین میسی در کربلاء بوده، با ملا محمود گیلانی دیدار می‌کند و ملا محمود گیلانی از وی تقاضای دریافت اجازه می‌کند. میسی که در راه سفر به مشهد بوده در پاسخ به درخواست ملا محمود گیلانی به او اجازه‌ای کوتاه داده و در آن مشایخ خود را نخست شهید ثانی (شیخنا الأعظم الاجل خاتمة المجتهدین) معرفی کرده و به اجازه مشهور او به حسین بن عبدالصمد نیز اشاره کرده و همان طرق مذکور در اجازه را طریق خود معرفی کرده است. هم چنین او دیگر استاد اجازه خود را زین‌الدین فقحانی معرفی کرده و گفته که او از محقق کرکی (متوفی ۹۴۰) اجازه داشته که او خود شاگرد شهاب‌الدین احمد بن خاتون عینائی بوده است که دو طرق ذکر شده، طرق اصلی روایت در میان شیعیان است. در کتاب‌های تراجم‌نگاری متأخر شیعه مطالب چندانی در خصوص محیی‌الدین میسی در دست نبوده و نسخه حاضر نیز به دلیل آن که تنها در سالیان اخیر فهرست شده، مورد توجه قرار نگرفته است. آقابزرگ در طبقات اعلام الشيعة: احياء الدائر من القرن العاشر، ص ۱۸ و ۲۴۵ از محیی‌الدین میسی یاد کرده و تنها همان مطالب مذکور توسط شیخ حر عاملی و افندی درباره میسی را آورده است.



حواشى با دست خط ديگرى در اين بخش نيز قابل مشاهده است. المقاصد العلية در برگ ۱۲۴ پايان يافته و محيى الدين ميسى اشاره کرده که او خود شخصى است که بر نسخه تعليقاتى به علاوه کتابت آن نگاشته است. متأسفانه در تصحيح المقاصد العلية از نسخه اخير استفاده نشده است.

فرغ من تعليقها لنفسه اضعف العباد الراجى المسامحة بيباض صحيفته ممارقه فى هذه الظروف من السواد والمؤمل المراجعة باعتياض صنفته بما نظمه... النقوش اهل الانتقال ضاحى نهار الجمعة الجامعة لاشتبا فضائل الاعياد تاسع عشر شهر ربيع الاخر من سنة ثلاث وخمسين وتسعمائة من الهجرة المجد الامجاد صلى الله عليه وعلى آله واصحابه والتابعين الى يوم التناد محيى الدين بن احمد بن تاج الدين العالمى عومل باللطف والانتباد.

در پايان رساله سوم، يعنى نتايج الافكار، محيى الدين در انجامة خود نوشته است: «بقلم اضعف العباد محيى الدين بن احمد بن تاج الدين تجاوز الله عن هفواته وصفح عن زلاته» و در حاشيه عبارت بسيار مهم «بلغ عرضا بالاصل» آمده که نشانگر آن است که ميسى نسخه خود را از روى نسخه شهيد ثانى كتابت و با آن مقابله کرده است. انجامة نسخه نتايج الافكار که ميسى نقل کرده تفاوت خاصى با انجامة موجود در تصحيح رساله نتايج الافكار (رسائل الشهيد الثانى، ج ۱، ص ۳۳۳) ندارد جز آن که سه کلمه آخر در انجامة اخير «والحمد لله وحده» به جاي «اللهم اختم بخير» در متن چاپى است. پس از نقل انجامة شهيد ثانى که اهميت آن نشانگر كتابت نسخه از روى نسخه اصل مؤلف است، ميسى در تأکيد بر اين که نسخه را از روى خط شهيد ثانى كتابت کرده، چنين نوشته است:

صورة خط المؤلف ادام الله تاييده واجزل من كل فضل حظّه ومزیده وكشف له عن غوامض حكمه ودقائق حكمه واقضيته انه ولى حميد تحريراً فى اوائل رجب المرجب من شهر سنة ثلثة وخمسين وتسعمائة بقلم اضعف العباد محيى الدين بن احمد بن تاج الدين تجاوز الله عن هفواته وصفح عن زلاته.

ميسى در پايان رساله آخر (تيقن الطهارة) تنها نوشته است که «من تحقيقاته دام فضله وشرقه». نسخه مهم ديگر که به خط ميسى است، نسخه اى مهم از كتاب الرعاية است که ميسى آن را در ۹۶۲ كتابت کرده و در كتابخانه مجلس شورى اسلامى نگهدارى مى شود.

تطابق خط نسخه اخیر با نسخه الرعاية مجلس نشانگر اصل بودن نسخه هاست (شماره ۸۷۴۸).

انجامه نسخه اخیر بسیار مهم و شایسته تأمل بیشتری است. همان گونه که گفته شد در امر کتابت نسخه های خطی، کاتبان سعی می کرده اند حداکثر امکان از نسخه اصل مبیضة مؤلف بهره بگیرند و این نکته به عنوان یکی از نکات جدی در کتاب نسخه مورد اشاره کتاب های جامع در امر تعلیم و تعلم هم چون الدر النضید فی أدب المفید و المستفید بدرالدین غزی (متوفی ۹۸۴) و منیة المرید فی أدب المفید و المستفید شهید ثانی (متوفی ۹۶۵) نیز بوده است. انجامه شهید ثانی که در این نسخه نقل شده، تفاوتی با انجامه چاپ شده الرعاية به تحقیق عبدالحسین محمد علی بقال (قم، ۱۴۰۸) ندارد جز دو مورد. در حاشیه میسی در توضیح معنی هزیع به نقل از شهید ثانی یادداشت کوتاهی آورده است (هزیع الشیء، طائفة منه نحو الثلث او الربع قاله الجوهري. منه). پس از آن باز میسی تأکید بر در اختیار داشتن نسخه اصل و به خط شهید ثانی در کتابت نسخه خود کرده و چنین نوشته است:

صورة خط المصنف ادام الله تعالى ايامه و جلاله و بسط على مفارق العالمين اكرامه و ظلاله بمحمد وآله المتحلين تجلته المصنفين ضلاه باليد الفانية الجاثية الطامعة الراجية من العبد المحتاج الى مزيد العفو محيي الدين بن احمد بن تاج الدين الميسى العالمى عاملهم الله بمجزيلا الفضال بمحمد وآله... من رجب سنة اثنين وستين من بعد تسعمائة والحمد لله رب العالمين وصلوة والسلام على محمد وآله وصحبه اجمعين.

در حاشیه بلاغ مقابله نسخه آمده که بخشی از آن در صحافی از بین رفته و آنچه که می توان خواند چنین است:

بلغت مقابله بحس الجهد والطاقة الا ما زاغ عنه البصر وحسر عنه النظر وذلك فى مجالس متعددة كان آخرها نهار... من شهور...

همان گونه که در تصویر نیز می توان دید، عبارت بزرگ وقف در انتهای نسخه به صورت مورب بر بخشی از نوشتار صفحه آمده است که شاید دلالت داشته باشد که زمانی که نسخه های شهید ثانی و میسی و دیگران افراد خاندان شهید به ایران در روزگار شیخ علی کبیر رسیده، او برای حفظ آنها، نسخه ها را وقف کرده باشد یا این که بعدها

کسى نسخه را وقف کرده است.^۱

صفحه عنوان نسخه‌هاى خطى

در بررسى نسخه‌هاى خطى، صفحه عنوان (ظهر) نسخه‌هاى خطى اهميت فراوانى دارد و اطلاعات فراوانى بر آن درج مى شده که ساده‌ترين آن‌ها تملک است. در صفحه عنوان نسخه‌اى از کتاب *مختلف الشيعة* علامه حلى (متوفى ۷۲۶) به شماره ۱۲۴۹۵ کتابخانه آيت الله مرعشى که وشاح بن على بن محمود بن موسى بن رامى (لامعى) بن دخوشى بن محمد بن على بن محمد بن موسى در سال ۷۲۴ کتابت کرده است. در صفحه عنوان نسخه اخير مطالب جالب توجهى آمده است. در بالای صفحه عنوان به خط کاتب يعنى وشاح، در توصيف مجلد کتابت شده، چنين آمده است:

الجزء الرابع من كتاب *مختلف الشيعة فى احكام الشريعة* تصنيف المولى الشيخ الامام ملك الافاضل من بداء الدهر وحيد العصر مرجع الفضلاء مقتدى العلماء سراج الامة وارث الائمة جمال الحق والراى منصور الحسن بن الشيخ الفقيه المتعبد سديد الدين يوسف بن المطهر قدس الله نفسه وطيب رسمه بحق الحق والملة.

در پايان عبارت اخير مطلبى در خصوص بيع نسخه اخير آمده که فرد خريدار نسخه، عالم برجسته عصر صفوى، على بن هلال منشار کركى (متوفى ۹۸۴) است. عبارت بيع چنين است:

قد دخل هذا الكتاب الفقهى فى ممتلكات المحرم المكرم بركة الصلحايى الامم صاحب المواهب والاحسان الشهير بين الانام بـميرزا جان بن المرحوم المبرور المتوج المحبور الامير جمال الملة والدنيا والدين محمد الاصفهانى بالابتىاع الشرعى الصحيح المعتبر المرعى من الحسيب النسيب الاصيل اللبيب التقى النقى شمس الملة والدنيا والدين محمد بن المرحوم المختوم له بالسعادة الاخرية الحاوى للفضائل الدينية والدنيوية الشيخ تاج الملة والدين حسن الجامعى الجبل عاملى بـثمن معلوم محال به فى المجلس وكان ذلك فى الخامس من شهر ذى القعدة الحرام من سنى ست واربعين وتسعمائة وكتبه اقل عباد الملك العلى على بن هلال الكركى عامله الله بلطفه الخفى واقفا على ذلك...

۱ براى توصيف نسخه بنگريد به: سيد جعفر حسيني اشكورى، فهرست نسخه‌هاى خطى كتابخانه مجلس شوراى اسلامى (تهران، ۱۳۸۸ ش)، ج ۲۸، ص ۲۴۳.

در حاشیه پایین عبارت مذکور در سمت راست عبارت المنسوب الی... کتبه محمد بن حسن الجامعی عفی الله و «شهد بذلك اقل عباد الله الفقیر علی بن احمد الجبعی لطف الله به» آمده است. همان گونه که در گوشه سمت راست بالای صفحه عنوان می توان دید نسخه را در بعد کسی به نام حسان بن شیخ قاسم الدلبزی در روز چهارشنبه شعبان سال ۱۲۱۵ خریداری کرده است (اشتره حسان بن شیخ قاسم الدلبزی يوم الرابع فی شعبان سنة ۱۲۱۵).

عبارت اخیر نمونه ای جالب توجه از بیع نسخه های خطی است که بر همان الگوی شرعی بیع یعنی حضور دو گواه عادل نیز در آن به چشم می خورد (برای توصیفی از نسخه بنگرید به فهرست مرعشی، ج ۳۱، ص ۵۳۶-۵۳۷) که در آن هویت علی بن هلال کرکی که همان علی بن هلال بن منشار کرکی شاگرد برجسته محقق کرکی (متوفی ۹۴۰)، شیخ الاسلام اصفهان و پدرزن شیخ بهایی است، مورد توجه قرار نگرفته است.

محمد بن علی جبائی و چند نکته ای درباره آن

در جریان تحقیق و پژوهش زندگی شهید ثانی، با نامی برخورد کردم به نام محمد بن علی جبائی که البته گاه به صورت جبائی یا حیائی نیز یاد شده و شهرت اصلی او در نقل روایی است که در کتاب الدرالمشور و پس از نقل مطالبی از کتاب بغیة المرید ابن عودی، شیخ علی کبیر خواب اخیر را به اوراق باقی مانده از کتاب ابن عودی متصل بوده، آورده و البته دقیقاً دانسته نیست که خواب مذکور بخشی از کتاب ابن عودی بوده یا خیر؟ (الدرالمشور، ج ۲، ص ۱۹۲، پانویس ۱). اما محمد بن علی جبائی کیست و اصلاً تلفظ صحیح نام او چیست؟ و شهرت او به جبائی تصحیف حیائی یا جباعی نیست؟ خوشبختانه نکاتی در خود خواب نقل شده، وجود دارد که می تواند تا حدی در این خصوص به ما کمک کند. اول آن که خواب نقل شده در کتاب الدرالمشور (ج ۲، ص ۱۹۲-۱۹۷) از آغاز اندکی افتادگی دارد و متن کامل خواب در ریاض العلماء (ج ۲، ص ۳۷۷-۳۸۱) نقل شده است. مرحوم سید محسن امین در اعیان الشیعة، اظهار کرده که نام جبائی تصحیف نام حیائی در اشاره به روستای بنی حیان در جبل عامل است و فرد اخیر را یکی از عالمان عاملی معرفی کرده با این حال در خواب نقل شده محمد بن علی جبائی تصریح کرده که او بعد از سفری طولانی و تحمل دشواری های فراوان به جزین رسیده است (..أنا وصلنا بعد مشقة الاسفار ومقامات الاخطار الی قرية جزین...، ریاض العلماء، ج ۲، ص ۳۷۷) که دلالت روشنی دارد که او اهل جبل عامل که وی به



تصريح آن جا را بلاد غربية (الدرالمشور، ج ۲، ص ۱۹۲) نام برده، نيست؛ کما اين که در جايى ديگر از خواب او اشاره به خوراک متداول در زادگاهش، خرما و شير دارد که نشانگر عدم تعلق او به جبل عامل است (الدرالمشور، ج ۲، ص ۱۹۵). بر اساس چند مطلب اخير فرض جبل عاملی بودن فرد اخير منتفی است و برای يافتن صورت صحيح شهرت او، جبائی، حيانی، جبائی نبايد به دنبال نام تصحيف شده مکانی در جبل عامل فکر کرد. خوشبختانه چند نسخه خطی در دست است که کاتب آن‌ها همين فرد مورد بحث يعنى محمد بن على جبائی است از جمله نسخه‌اى از کتاب تحفة الفتى فى تفسير سورة هل اتى که با عنوان تفسير سورة الانسان نيز شناخته مى شود و نويسنده آن غياث الدين منصور بن محمد دشتکی شيرازى است. تفسير تحفة الفتى بر اساس چند نسخه منتشر شده است (به تحقيق خانم پروين بهارزاده، ميراث مکتوب، ۱۳۸۱) و البته از نسخه مورد بحث با وجود قدمت آن استفاده‌اى نشده است. نسخه اخير که با عنوان تفسير سورة الانسان معرفى شده در کتابخانه آيت الله مرعشى نجفى به شماره ۱۱۲۵۲، رساله اول مجموعه اخير ثبت شده است. در انجامة نسخه اخير که تصويرى از آن در فهرست نسخه‌هاى خطی کتابخانه آيت الله مرعشى، جلد ۲۸، ص ۷۶۹ نيز آمده، انجامة نسخه چنين است:

قد تشرف بشرف كتابة تفسير سورة الانسان الذى الفه من هوانسان العين وعين
الانسان واحكم الحكماء واعلم العلماء من زمن آدم ؑ الى الآن - خلد الله ضلال
افادته على مفارق علماء الزمان وجعله كاسمه السامى غوثاً للعالمين - غياثاً للعالمين
منصوراً لاحكام احكام القرآن باصح وجه واوضح بيان المفتقر الى رحمة ربه الولى عبده
محمد بن على الجبائى غفر الله ذنوبها بمحمد وآله وكان ذلك فى المدرسة الغياثية
المنصورية الواقعة فى بلدة شيراز فى يوم السبت لعشرين خلون من ربيع الاول
سنة ۹۵۷.

عبارت انجامة اخير البته خود مشکلات خاصى دارد و آن تصريح به زنده بودن غياث الدين منصور دشتکی در سال ۹۵۷ است، با اين حال اکنون پرسش قابل طرح اين است که نسخه اخير به خط مؤلف است يا توسط کاتبى در بعد کتابت شده و انجامة اخير توسط کاتب دوم بازنويسى شده است؟ آن چه که مى تواند ما را در پاسخ به اين پرسش راهنمايى کند، دو نکته است: نخست در مجموعه دستور دانشگاه تهران به شماره ۲۱۴۴ نمونه دست خط محمد بن على

جبائی هست و مقایسه دو دست خط می تواند در صحت اصالت خط دو اثر که هر دو به خط جبائی است به ما کمک کند. نکته بعدی کتابت عدد چهار به صورت عدد پنج است و در حقیقت تاریخ کتاب نسخه برخلاف آن چه که در آغاز نشان می دهد ۹۴۷ است و شکل اخیر یکی از موارد کتابت عدد ۴ به صورتی است که به راحتی با عدد ۵ اشتباه می شود.

این نکته را باید متذکر شوم که معاصر با محمد بن علی جبائی، عالم دیگری از اهالی جبل عامل به نام محمد بن علی حیانی - منسوب به روستای بنی حیان - در قید حیات بوده که مدتی در نجف سکونت داشته و از شاگردان شهید ثانی بوده و زمانی که قصد سفر به ایران داشته، شهید ثانی برای او به شخصی در مشهد، توصیه نامه و معرفی نامه ای نوشته است. این مطلب که شخص اخیر نباید با محمد بن علی جبائی یکی باشد بر اساس قصیده ای است که از حیانی باقی مانده که در آن جا به هویت خود و تعلقش به شام یعنی جبل عامل - اشاره کرده در حالی که از اشاره محمد بن علی حیانی دانسته است که او از اهالی جبل عامل نبوده است (برای تفصیل مطلب بنگرید به: مستدرکات اعیان الشیعة، ج ۲، ص ۱۲۳-۱۲۴؛ اعیان الشیعة، ج ۱، ص ۱۷۷، ج ۵، ص ۹۲، ج ۷، ص ۱۴۳، ج ۹، ص ۲۶۹-۲۷۱).

تکمله

در مراجعه به کتابخانه بزرگ آیت الله مرعشی و رؤیت نسخه ۱۲۸۳۶ از کتاب تحریر الاحکام به چند مطلب برخورد کردم که تذکر آن ها سودمند است. نخست آن که نسخه اخیر مشتمل بر کتاب النکاح تا پایان جزء دوم کتاب است و جزء سوم کتاب که مشتمل بر مباحث ایقاعات است در مجلد دیگری از کتاب بوده که اکنون از سرنوشت آن اطلاعی نداریم (در برگ ۱۷۹ نسخه انجامه ذکر شده است؛ «تم الجزء الثانی من کتاب تحریر الاحکام الشرعیة علی مذهب الامامیة بحمد الله تعالی و منته علی ید مصنفه حسن بن یوسف بن مطهر فی مستهل جمادی الآخرة سنة احدى وسبعین وسبعمائة و... یتلوه فی الجزء الثالث... فی الایقاعات... و فرغ من تعلیقه لنفسه عبد الله بن مسیب المسلمی فی جزین اللیلة الثامنة من شهر الله الاصب سنة ثمانمائة و اربع و ستین هجرية...»). در برگ ۱۲۴ الف ب انہائات و اجازاتی آمده که تصویر برگ ۱۲۴ ب در فهرست نسخه های خطی، جلد ۳۲، صفحه ۱۱۳۴ آمده است. نسخه همان گونه که در اجازه محمد بن محمد بن مؤذن جزینی به علی بن عبدالعالی میسی آمده، دارای حواشی از محمد بن مؤذن است که با علامت م در سراسر نسخه ذکر شده است



که بسیار بااهمیت است. در اجازه‌ای که در برگ ۱۲۴ آمده و متن آن در پاورقی نقل شده، شخص مجیز خود را محمد بن حسام معرفی کرده است؛ وی ظهیرالدین محمد بن زین الدین علی بن حسام ظهیری عینائی است که عماد بن علی جرجانی در ۸۶۱ به او اجازه داده و خود وی از پدرش زین الدین علی بن حسام از برادرش جعفر بن حسام از حسن بن نجم الدین از شهید اول اجازه روایت داشته است (طبقات/اعلام الشیعة: الضیاء اللامع فى القرن التاسع، ص ۱۲۶-۱۲۷). از اعقاب ظهیرالدین محمد، شیخ حسین بن حسن بن یونس ابن یوسف بن ظهیرالدین محمد بن زین الدین علی بن حسام ظهیری عاملی عینائی رامی شناسیم که استاد شیخ حرعاملی بوده و به وی در ۱۰۵۱ اجازه داده و محمد امین استرآبادی جوابات المسائل الظهیریة را در پاسخ به او نوشته است (بنگرید به: الدرعیة، ج ۵، ص ۲۲۷). سلسله نسبی که آمده مشخص کننده این است که ظهیرالدین محمد دست کم فرزندی به نام یوسف داشته است. ظهیرالدین محمد، برادری به نام حسین داشته است که آقا بزرگ مطالبی که درباره وی یافته را در طبقات/اعلام الشیعة: الضیاء اللامع فى القرن التاسع، ص ۴۹ آورده است. در کتابخانه مجلس شورای اسلامی، مجموعه طباطبائی، نسخه‌ای از تحریر الاحکام به شماره ۲۳۳ (معرفی شده در فهرست، ج ۲۴، ص ۱۶۴-۱۶۵) که در آخرین برگ آن انهائی به قلم حسین بن علی بن حسام در ۸۸۵ به برادر زاده اش که به احتمال قوی همین یوسف بن ظهیرالدین محمد باشد، داده است (انهاء أیده الله تعالی قراءة وفهماً وضبطاً وفقه الله وایانا لمراضیه واعانه وایانا علی امتثال او امره و... نواهیة وذلک فى مجالس متعددة آخرها نهار الثلاثاء لثلاث لیال لن بقین من شهر صفر ختم بالخیر والظفر من شهور سنة سبع وثمانین وثمانائة هجرية علی مشرفها السلام وکتب احقر عباد الله تعالی عمه حسین بن علی بن الحسام حامداً مصلیاً مسلماً مستغفراً). در هر حال مطلب جالب توجه این است که اکنون تصویر دست خط هر دو برادر یعنی ظهیرالدین محمد و حسین بن حسام عاملی عینائی را در اختیار داریم. نسخه اخیر نیز از روی نسخه مرعشی کتابت شده است. نسخه مرعشی به گواهی محمد بن مؤذن از روی نسخه اصل کتابت شده است.

نکته دیگر آن که نسخه مجلس از کتاب الطهارة آغاز شده و تا پایان جزء دوم کتاب تحریر الاحکام و آغاز کتاب ایقاعات که در جزء دوم کتاب قرار داشته، خاتمه می‌یابد.^۱ درباره

۱. اطلاعات اندکی درباره اجداد خاندان آل حسام وجود دارد. حسام جد اعلاى خاندان دو پسر به نام‌هاى

ظهیرالدین محمد بن علی بن حسام نسخه ای از کتاب *نهایة الاحکام* علامه حلی در کتابخانه مجلس به شماره ۹۰۲۸ موجود است که علی بن عبدالعزیز استرآبادی از کتابت جزء اول آن در روز شنبه اوایل ذی الحجة ۸۶۰ فراغت حاصل کرده و ظاهراً همو نسخه را نزد ابن حسام خوانده و انهایی از ابن حسام در برگ ۱۲۰ ب نسخه آمده که چنین است:

« انما ید الله تعالی بعنایتہ و وقفه للخیر و ملازمة طاعته قرآة مهذبة مرضیة تشهد بفضله و تدل علی نبه فی مجالس متعددة آخرها عاشر شهر رمضان المعظم قدره سنة اثنتین و ستین و ثمان مائة و كتب العبد الفقیر الی الله تعالی محمد بن علی بن حسام عفی الله عنهم حامداً مصلیاً مستغفراً و الحمد لله وحده و صلی الله علی نبیه و علی آله و صحبه و سلم»^۱.

جعفر و علی داشته است. جعفر بن حسام از مشایخ مهم شیعه در عیناها بوده که از نجم الدین حسن بن ایوب اطراوی اجازه روایت داشته است. از وی برادرش، زین الدین علی بن حسام و علی بن محمد بن دقماق روایت کرده اند (بنگرید به: آقابزرگ، طبقات اعلام الشیعة: الضیاء اللامع، ص ۷۸-۷۹، ۹۲). درباره فرزندان جعفر اطلاع خاصی در دست نیست اما برادرزاده های وی یعنی ظهیرالدین محمد (زنده در ۸۵۲) و عزالدین حسین (زنده در ۱۳ رجب ۸۷۳) از ققمهان برجسته ساکن در عیناها بوده اند. جعفر بن علی بن محمد بن حسام عینائی در روز دوشنبه ۲۱ رجب ۸۶۴ از کتابت بخشی از ابتدای کتاب قواعد الاحکام علامه حلی فراغت حاصل کرده است. نسخه اخیر به شماره ۳۳ در کتابخانه مدرسه جعفریه قائن موجود است و تصویری از آن نیز در مرکز احیاء میراث اسلامی ایران (فهرست نسخه های عکسی مرکز احیاء میراث اسلامی، ج ۵، ص ۱۶۴) نگهداری می شود. نسخه اخیر ظاهراً در اختیار شیخ بهایی بوده است. در کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۲۲۷۶ نسخه ای کامل از تحریر الاحکام وجود دارد که باید از همان نسخه در اختیار ظهیرالدین محمد بن علی بن حسام کتابت شده باشد. کتابت نسخه را عماد بن علی جرجانی در ۱۲ صفر ۸۶۰ به پایان برده و سپس کتاب را بر ظهیرالدین محمد بن علی بن حسام عینائی خوانده و از وی در ۷ ربیع الثانی ۸۶۱ اجازه ای گرفته است (انهاه ادام الله توفیقه و سهل الی سعادة الدارین طریقه قرآة مهذبة مرضیة قرآة بحث و تدقیق و کشف و تحقیق فی مجالس متعددة آخرها ۷ ربیع الثانی سنة ۸۶۱). بنگرید به: السید عبدالعزیز الطباطبائی، مکتبه العلامة الحلی، ص ۸۷، ۸۹. ابن فهد حلی (متوفی ۸۴۱) المسائل الشامیة الاولى خود را در پاسخ به پرسش های ظهیرالدین محمد بن حسام عاملی نگاشته است. بنگرید به: سید حسین مدرسی طباطبائی، مقدمه ای بر فقه شیعه، ص ۱۵۵.

۱. برای معرفی نسخه نهایة الاحکام بنگرید به: سید محمد حسین حکیم، فهرست نسخه های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی (تهران، ۱۳۹۰ ش)، ج ۲۹، بخش ۲، ص ۶۴۲-۶۴۳. علی بن عبدالعزیز استرآبادی همچنین نسخه ای از قواعد الاحکام علامه حلی را کتابت کرده که مجلد اول آن تا آخر احکام وصیت به شماره ۱۱۶۳ در کتابخانه آیت الله مرعشی موجود است. در صفحه آخر بلاغ مقابله و اجازه محمد بن علی بن الحسام به تاریخ دوشنبه آخر ربیع الثانی ۸۶۴ به شیخ عزالدین حسین بن محیسن آمده است (اجزت للشیخ حسین بن

نکته جالب توجه تشابه دست خط نسخه‌هاى ۹۰۲۸ و ۲۳۳ طباطبائى است و مى‌توان گفت که کاتب نسخه طباطبائى نیز ظاهراً على بن عبدالعزيز استرآبادى است. شواهد اخير نشانگر آن است که جبل عامل پيش از ظهور صفويان مرکزيت علمى قابل توجهى يافته بود و به دليل حضور فقيهان برجسته در آنجا، برخى عالمان شيعه براى تحصيل به آنجا سفر مى‌کرده اند که شواهد تاريخى ديگرى نيز براى تأييد اين مطلب وجود دارد.

يکى از عالمان کمتر شناخته شده جبل عاملی، شخصی است به نام محمد سميطارى که نام وی به صورت‌هاى ذکر شده در بحار الانوار (ج ۱۰۴، ص ۲۸)، طبقات اعلام الشيعه: الضياء اللامع فى القرن التاسع، ص ۱۲۳ (منبع بحار مجموعه جباعى بوده و مرحوم آقايزرگ نيز از بحار آن را نقل کرده)؛ محمد المطارى (طبقات اعلام الشيعه: الضياء اللامع، ص ۱۳۱-۱۳۲) و يا شمسطارى آمده است. با اين حال مراجعه به اصل نسخه جباعى نشانگر آن است که نام اخير ظاهراً اگر نسخه را درست خوانده باشم، شمسطارى است. شخص اخير نواده دختری شمس الدين محمد بن عبدالعالي بن نجدة کرکى (متوفى ۸۰۸) است که در مجموعه جباعى تاريخ درگذشت او شب آخر صفر (سرار صفر) ۸۷۴ ذکر شده است. درباره او دانسته است که على بن تاج الدين بن فضل الله انصارى نسخه اى از کتاب ايضاح الفوائد فخر المحققين را در شب سه شنبه ۸۷۰ در روستاى کرک نوح کتابت کرده و گفته که وی نسخه اخير را در مدرسه شيخ الاسلام شيخ محمد شمسطارى (که ظاهراً بايد آن را شمسطارى يا شميطارى خواند) کتابت کرده است. بنگريد به: فهرست گوهر شاد، ج ۴، ص ۱۹۰۱). شميطارى دو سال قبل از وفات خود، به سيد عز الدين حسين بن نور الدين على حسيني که نسخه اى از کتاب الدروس شهيد اول را در کرک نوح در تاريخ روز يکشنبه ۲۳ رجب ۸۷۱ کتابت کرده، اجازه اى داده که متن آن را آقايزرگ در طبقات اعلام الشيعه، الضياء اللامع، ص ۴۸-۴۸ و بندهاى اى از آن را در همان کتاب صفحه ۱۳۱-۱۳۲ آورده است. بر اساس اجازه اخير شميطارى از شاگردان و مجازان از

محيسن دام ظلّه ان بيروى جميع ما... هذا الكتاب من النقل فقد صح عندى فليرو ذلك لمن شاء واجزت فهو لذلك اهل و كتب العبد الفقير الى الله تعالى محمد بن على بن الحسام عفا الله عنهم بمنه و كرمه و ذلك اليلتين لن بقيتا من شهر ربيع ثانى سنة اربع و ستين و ثمانائة). به احتمال قوى نسخه اخير از جمله آثار كتابخانه شهيد ثانى بوده است. تصوير آغاز و انجام نسخه در بخش تصاوير آمده است. توصيف آن بنگريد به: سيد احمد حسيني، فهرست نسخه‌هاى خطى كتابخانه عمومى حضرت آية الله العظمى نجفى مرعشى، ج ۳، ص ۳۳۷-۳۳۸؛ السيد عبدالعزيز الطباطبائى، مكتبة العلامة الحلى، ص ۱۴۹.



حسن بن عشره کسروانی بوده است. مرحوم آقا بزرگ در چند جا شرح حال محمد بن احمد بن محمد شمیطاری را در طبقات اعلام الشیعة (الضیاء اللامع) آورده است از جمله در صفحه ۱۳۱ و نسبت او را المطاری خوانده و بیان کرده اند که شاید شهرت مطاری اشاره به مطیر آباد / مطار آباد از نواحی اطراف حله داشته باشد که با توجه به قرائت صحیح نام وی یعنی شمیطاری و اینکه وی نواده ابن نجده کرکی است، گفته اخیر که به واسطه قرائت شهرت او به مطاری آمده، نمی تواند صحیح باشد. آقا بزرگ در ادامه شرح حال اخیر اشاره به اجازه داده شده از سوی شمیطاری به حسین بن علی سبزواری حسینی کرده که در آن وی خود را از نوادگان ابن نجده معرفی کرده بر این اساس گمان می کنم که مطالب گفته شده درباره مطیر آبادی بودن شمیطاری از اضافات مرحوم منزوی باشد. در خصوص تاریخ درگذشت ابن نجده آقا بزرگ مطلبی را که جماعی در مجموعه خود آورده و در بخش اجازات بحار الانوار نیز نقل شده آورده است. تعبیر سرار صفر به معنی شب آخر ماه صفر است که در متن طبقات به واسطه خطای چاپی سرآ آمده است. مراجعه به نسخه خطی طبقات اعلام الشیعة نشان داد که مرحوم منزوی در عبارت آقا بزرگ دخل و تصرفی کرده است؛ عبارت آقا بزرگ چنین است: «الشیخ محمد بن احمد بن محمد المطاری کما یقرأ خطه ولعلها من محال کرک»، بر این اساس عبارت: «ولعله نسبة الی مطیر آباد (مطار آباد) من نواحی الحلة و اهلها اکراد» از اضافات مرحوم منزوی است و به دلیل ناآشنایی ایشان با ابن نجده است چرا که آقا بزرگ به درستی به این مطلب توجه داشته که ابن نجده از عالمان کرک نوح است.^۱ در کتابخانه آیت الله مرعشی، نسخه ای از کتاب التتقیح الرائع لمختصر الشرایع فاضل مقداد سیوری (متوفی ۸۲۶) وجود دارد (شماره ۳۵۶۶) که سید حسین بن سید مرتضی ابراهیم حسینی ساروی از کتابت جلد اول آن را در روز چهارشنبه ۲۲ صفر ۸۶۷ فراغت حاصل کرده و کتابت جلد دوم آن را در روز پنجشنبه ۸ ربیع الثانی ۸۶۷ به پایان رسانده است. درباره محل کتابت نسخه اطلاعی در نسخه نیامده است. در پایان جلد اول، محمد بن احمد الشمیطاری که کاتب نسخه رانزد او خوانده، اجازه

۱. موارد دخل و تصرف های مرحوم منزوی در طبقات فراوان است، به عنوان مثال در احیاء الدائر من القرن العاشر، ص ۸-۹ و در شرح حال مقدس اردبیلی، دو سوم عبارت آمده در شرح حال ایشان از اضافات مرحوم منزوی است و عبارت مرحوم آقا بزرگ در پایان عبارت ألفها باسم ولده أبی الصلاح تقی الدین محمد، پایان می یابد و تمام عبارت آمده در ادامه مطلب از اضافات منزوی است.

روایتی در انجام جلد اول برای کاتب نوشته است که متن آن در حاشیه اندکی بریدگی دارد و تا آنجا که می‌توان آن را خواند، چنین است:

«قرأ علیّ مولانا الإمام الأعظم العالم العلامة صاحب النفس القدسية والأخلاق المرضية السيد الحسين بن السيد مرتضى .. الساری منشأً ومولداً كتاب التنقيح الرائع المختصر من تصانیف شیخنا وامامنا ابی عبدالله المقداد السیوری تغمده الله برحمته واسكنه اعلا غرف جنته من اوله الى (آخره؟) قراءة مرضية تشهد بفضلہ و... مزيد علمه و سأل فی اثنائها عما اشكل عليه معضلاته و... من ترداده فأجبت عن ذلك بحسب جهدى وطاقتى وقد ... له اطال الله ايامه رواية هذا الكتاب ... عنى عن الشيخ الفاضل المرحوم زين الدين .. الزاهد عن المصنف فليرو ذلك لمن شاء وأحب سالكاً طريق الاحبة... لذلك وكتب أضعف العباد ... الخائف من هول يوم التناد ... محمد بن احمد الشميطارى».

انهاء و اجازة اخير که به خط خود شميطارى است، جای تردیدی باقی نمی‌گذارد که باید حرف نخست نام او را شین خواند، چرا که اولاً به وضوح در نسخه به صورت شین کتابت شده و دیگر آنکه در نسخه جباعی نیز به صورت سین بدون علامتی که حرف مذکور را نباید شین خواند، آمده که نشان می‌دهد در آنجا نیز باید حرف مذکور را شین خواند.

در پایان جلد دوم شميطارى، بلاغ انهاء دیگری نیز برای به تاریخ نیمه رمضان ۸۶۹ نوشته است.^۱

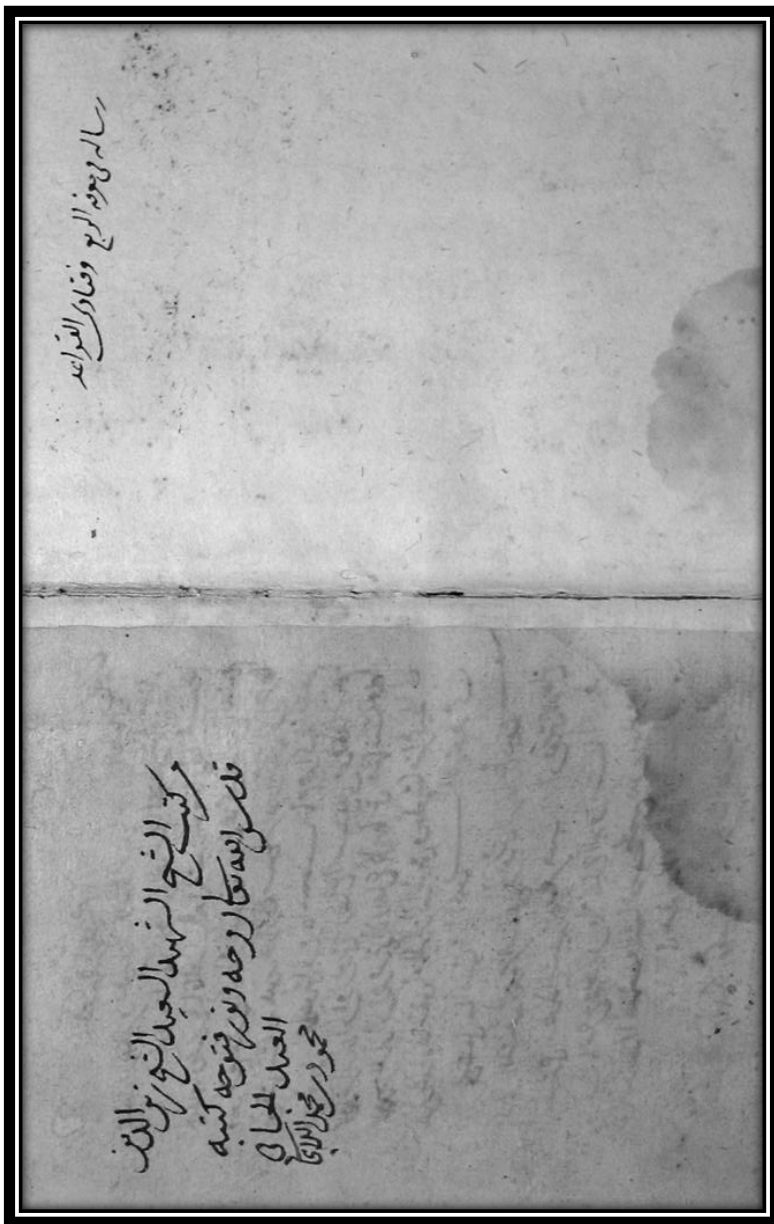


۱. تصاویر نسبتاً واضحی از انجامه‌های نسخه‌ی التنقيح با دست خط شميطارى در فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیت الله مرعشی، ج ۹، تصاویر ۱۴۱، ۱۴۲ و ۱۴۳ آمده است. توصیف کوتاهی از نسخه نیز در همان مجلد، صفحه ۳۵۴ آمده و توصیف مفصلتری را نیز دوست گرامی آقای حافظیان در فهرست نسخه‌های عکسی کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی، ج ۳، ص ۵۹۶-۵۹۸ آورده است.



(تصویر شماره ٣)



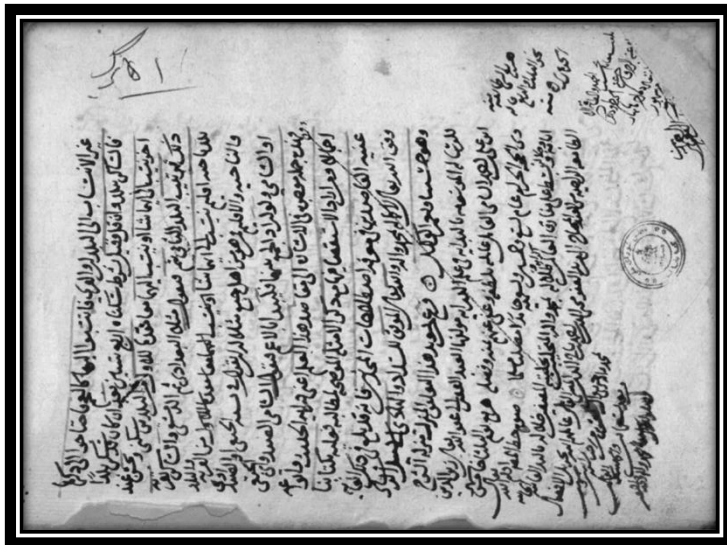


(تصویر شماره ۴)



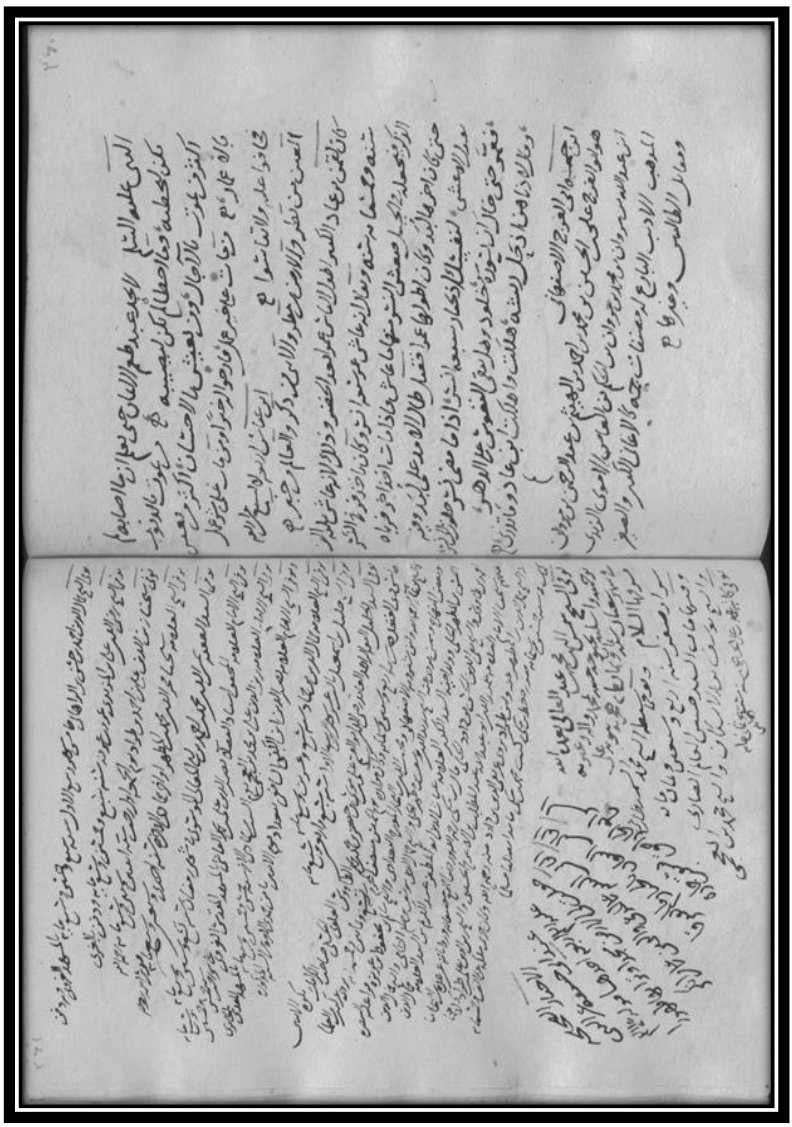


(تصوير شماره ۱۰)



(تصوير شماره ۱۱)





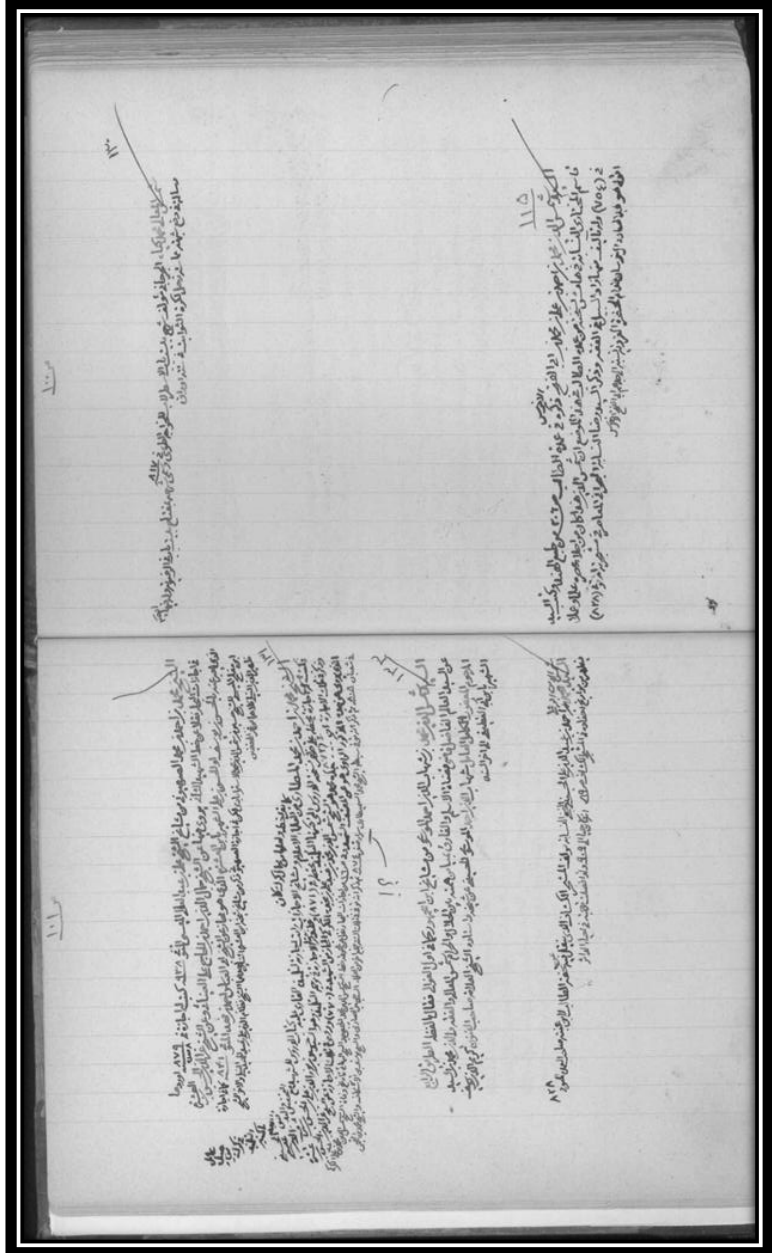
(تصویر شماره ۱۲)



كذا كذا... ان بر اوصاف المصيبة...
 وكذا... ان في نوصاف المصيبة...
 والوجه... ان الصادق علم...
 المصيبة... ان يعلم الناس...
 طعام... ان يعلم انما...
 من صلاح... ان يعلم انما...
 تخلفهم... ان يعلم انما...
 طعاما... ان يعلم انما...
 فانها... ان يعلم انما...
 اضيق... ان يعلم انما...
 توجرت... ان يعلم انما...
 كما... ان يعلم انما...
 انها... ان يعلم انما...
 و... ان يعلم انما...
 و... ان يعلم انما...
 بفضل... ان يعلم انما...
 من... ان يعلم انما...
 المعظم... ان يعلم انما...
 وك... ان يعلم انما...
 عما... ان يعلم انما...
 وت... ان يعلم انما...

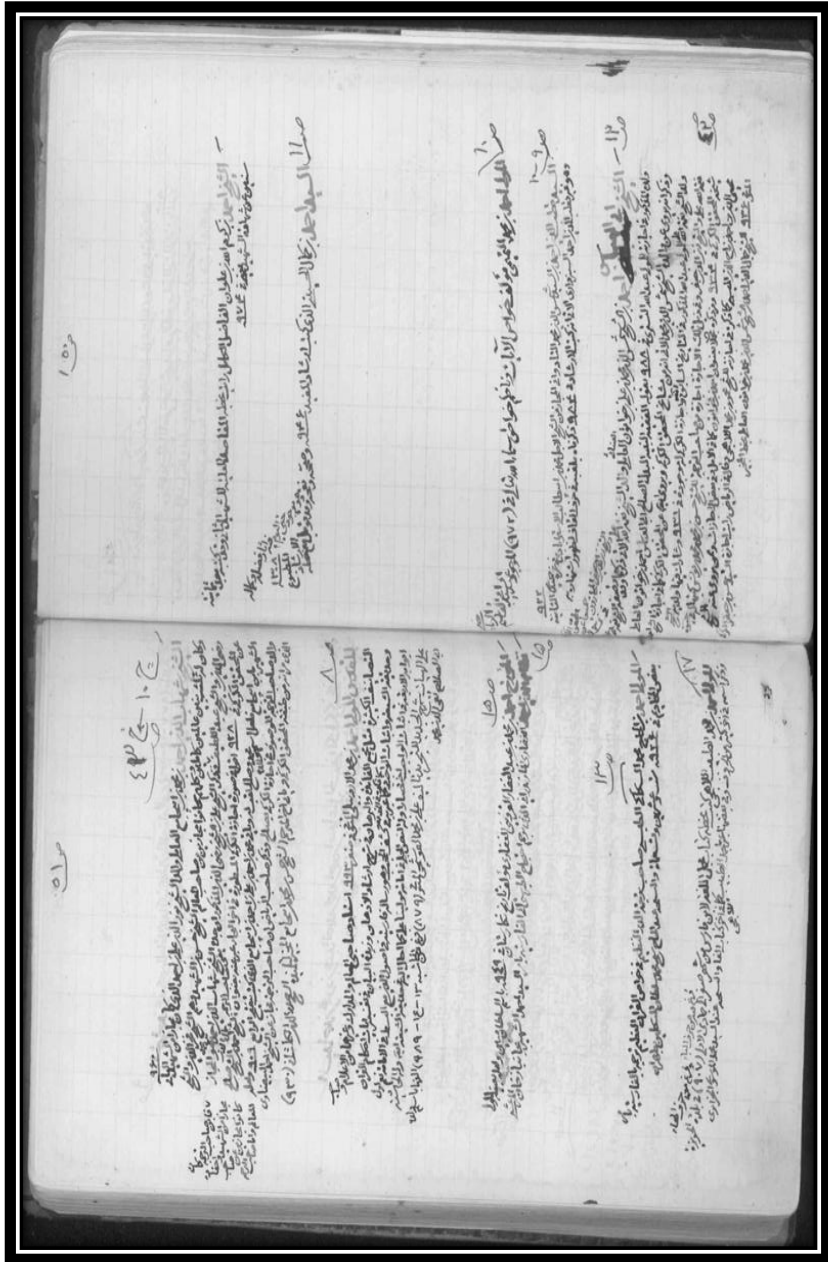
(تصوير شماره ۱۳)





(تصویر شماره ۱۴)





(تصویر شماره ۱۵)

توضیحات مربوط به تصاویر:

۱. آغاز نسخه تهذیب الاحکام مجموعه طباطبائی به شماره ۱۱۵۸ موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی. نسخه که زمانی در جبل عامل بوده، در عصر صفویه به اصفهان منتقل شده و کاتبی نیمه نخست کتاب را که ناقص بوده از روی نسخه ای دیگر کتابت کرده و به نسخه ملحق کرده است.

۲. تصویر اخیر، به وضوح تفاوت دو خط و کهنگی دو بخش نسخه را نشان می دهد. بخش کهنه نسخه که در مجلس درس عمیدالدین عبدالمطلب اعرج حسینی، خواهرزاده علامه حلی (متوفی ۷۲۶) براو خوانده شده، مشحون از حواشی است که باید در ضمن درس توسط ابن اعرج حسینی در توضیح مطالب علامه حلی بیان شده باشد. در هر حال حواشی مذکور که توسط ابن حسام عاملی کتابت شده، نمونه ای ارزشمند از سنت تعلیقه نویسی در مجلس درس استاد است و از جمله تراث ارزشمند باقی مانده از حوزه حله و جبل عامل است.

۳. صفحه انجام نسخه که در آن ابن حسام به کتابت نسخه و قرائت آن نزد ابن عمید تصریح کرده است. در کنار انجامه، عبارت انهایی دیده می شود که از حیث خط و تعابیر با انجامه های شناخته شده از شهید ثانی نزدیکی بسیاری دارد (برای نمونه انهائات و دست خط شهید ثانی بنگرید به: رسائل الشهد الثانی، ج ۲، ص ۱۱۶۶-۱۱۷۷).

۴. توضیح ملا محمود لاهیجانی در تعلق نسخه به شهید ثانی. محمد بن محمد بن بدرالدین سبط ماردینی (متوفی ۹۰۷) نویسنده رساله فی معرفة الربع است که کتابش در قرن دهم متنی درسی بوده است. در آغاز نسخه یادداشتی این گونه آمده است: «من كتب الشيخ الشهيد السعيد الشيخ زين الدين قدس الله تعالى روحه و نور فتوحه كتبه العبد الجاني محمود بن محمد اللاهجاني»، که همان شاگرد معروف شهید ثانی است. در معرفی دو کتاب آمده در نسخه اخیر گفته شده که رساله فی معرفة الربع و فتاوی القواعد است.

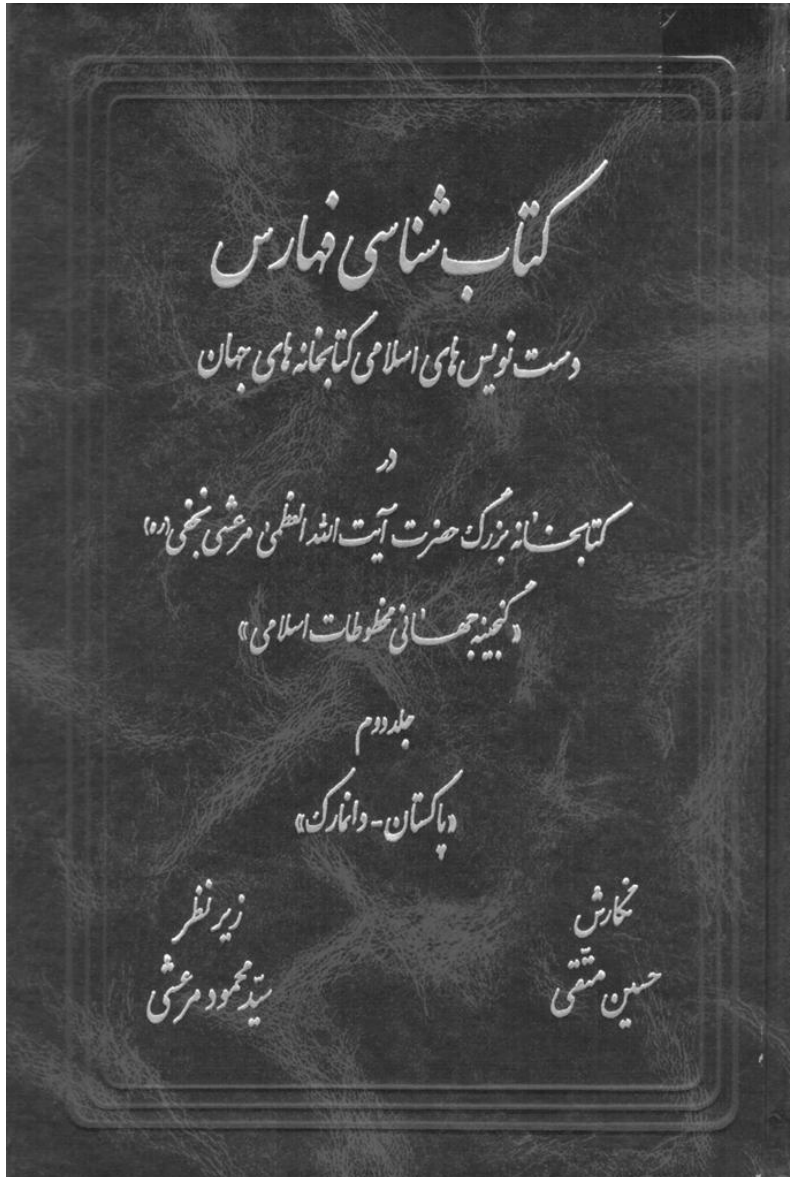
۵. برگ اول نسخه رساله فی معرفة الربع که حسین بن عبدالصمد حارثی عاملی آن را کتابت کرده است. دست خط اخیر با دیگر دست خط های شناخته شده از حسین بن عبدالصمد تطابق دارد.



۶. تمام نسخه به خط حسين بن عبدالصمد است و در پايان رساله اول آمده است: «علقها لنفسه فقير رحمة ربه الغنى حسين بن عبدالصمد الجباعى الحارثى الهمدانى... ووقع الفراغ وقت النزول يوم الجمعة لثلاثة بقيت من رمضان المعظم قدوة سنة ۹۴۳ فى المدرسة الخواجكية الشهائية فى القاهرة المعزية فى ايام الهجرة الميمونة». عبارت اخير اهميت فراوانى دارد و نشانگر آن است كه حسين بن عبدالصمد و به احتمال قوى شهيد ثانى در مدرسه خواجكيه هنگام اقامت در قاهره سكونت داشته‌اند. شهيد ثانى خود در ضمن شرح حال خود نوشتش كه ابن العودى در ضمن بغية المرید آورده، به تفصيل از استادانش در قاهره سخن گفته اما اشاره‌اى به نام مدرسه‌اى كه در آن سكونت داشته، نكرده است. اطلاع اخير از اين جهت اهميت فراوانى دارد.
۷. دست خط محيى الدين ميسى در پايان رساله‌اى كه وى در مشهد و درباره احكام صداق نگاشته است.
۸. دست خط محيى الدين ميسى در آغاز مقاصد العلية.
۹. انجامة مقاصد العلية به خط محيى الدين ميسى.
۱۰. آغاز كتاب البداية فى علم الدراية شهيد ثانى به خط محيى الدين ميسى. فرصت مقابله دقيق نسخه حاضر را با متن منتشر شده كتاب (قم، ۱۴۲۳) رانداشتم اما آغاز نسخه با متن چاپى تفاوت‌هاى دارد. به دليل قدمت و اصالت نسخه حاضر شايسته است تا در چاپ‌هاى بعدى، از نسخه حاضر به عنوان اساس تصحيح كتاب مجدداً استفاده شود.
۱۱. برگ پايانى كتاب البداية فى علم الدراية شهيد ثانى به خط محيى الدين ميسى كه بلاغ مقابله‌اى نيز دارد.
۱۲. برگى از مجموعه جباعى به شماره ۶۰۴ موجود در كتابخانه ملك كه در آن تاريخ درگذشت برخى فقيهان از جمله شيخ محمد شيطارى ذكر شده است.
۱۳. برگ ۱۲۰ ب از كتاب نهاية الاحكام بانهاى محمد بن على بن حسام موجود در كتابخانه مجلس به شماره ۹۰۲۸.
۱۴. تصوير برگى از طبقات اعلام الشيعة: الضياء اللامع كه در آن شرح حال شيخ محمد سمسطارى آمده است.
۱۵. تصوير برگى از طبقات اعلام الشيعة: احياء الدائر كه در آن شرح حال مقدس اردبىلى آمده است.



کتابخانہ بزرگ آیت اللہ العظمیٰ مرعشی نجفی منتشر کردہ است



مصباح النجاة فی اسرار الصلاة اثر کیست؟

﴿ علی اکبر صفری ﴾

کتاب مصباح النجاة فی اسرار الصلاة یا با عنوان اصلی «صباح النجاة فی اسرار الصلاة و سرالاستغفار بین النشأتین» در موضوع فلسفه و اسرار عرفانی نماز در سال ۱۲۵۲ ق در اصفهان به نگارش رسیده است.

این اثر در سال ۱۳۵۸ ق به دستور آیت الله العظمی شیخ عبدالکریم حائری به تصحیح شیخ غلامحسین نوری نجفی تصحیح شده و در ۱۳۳۷ ش / ۱۳۷۸ ق احمد فهومند کتابفروش تهرانی آن را در ۲۹۸ ص وزیری همراه با تذکره المتقین منتشر کرده است. و بار دیگر نیز در سال ۱۳۹۱ ق / ۱۳۵۰ ش تجدید چاپ شده است. در سال ۱۳۹۰ ش انتشارات مسجد مقدس جمکران مختصری از این کتاب را با عنوان «مختصر مصباح النجاة فی اسرار الصلاة و سرالاستغفار بین السجدهتین» در ۱۸۳ ص وزیری به طبع رسانیده است. در این چاپ افزون بر نسخه چاپ پیشین از نسخه خطی کتابخانه دانشگاه تهران استفاده شده است. در این چاپ ها مؤلف این کتاب شیخ عبدالحسین تهرانی مشهور به شیخ العراقین (درگذشته ۱۲۸۶ ق) معرفی شده است. در دو نسخه خطی کتابخانه مدرسه نمازی خوی شماره ۵۳۶، و کتابخانه آستان قدس شماره ۱۰۴۱ نام مؤلف عبدالحسین شیخ العراقین ثبت شده است.^۱ در نسخه کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی به شماره ۷۵۷ (فهرست کتابخانه آیت الله مرعشی

ج ۱۹ ص ۳۸۲-۳۸۳) نام مؤلف شناخته نشده است. در نسخه کتابخانه دانشگاه تهران شماره ۲۸۸۰ (فهرست کتابخانه دانشگاه تهران ج ۱۰ ص ۱۷۲۶-۱۷۲۹) نام مؤلف شیخ حسین همدانی ثبت شده است که اشتباه است. منبع استناد در این فهرست یادداشت آغاز نسخه بوده که به قلم شخصی ناآشنا به تاریخ نوشته شده و در احتمالی این کتاب را به شیخ حسین بن عبدالصمد همدانی (پدر بزرگوار شیخ بهایی) که چند قرن با تالیف این اثر فاصله دارد، نسبت داده است و در فهرست دانشگاه همدانی که نام قبیله مشهوری در این است و به شهرت همدانی تغییر یافته است.^۱

نسبت این تالیف به شیخ العراقین به منابع کتابشناسی و زندگینامه‌ای مانند الذریعه (ج ۲۱ ص ۱۲۲) و فهرست کتب چاپی فارسی (ج ۴ ص ۴۷۷۸) و تراجم الرجال^۲ (ج ۲ ص ۲۵) و فهرست نسخه‌های عکسی مرکز احیاء (ج ۳ ص ۱۳-۱۴) و دایرة المعارف تشیع (۱۰ ص ۱۷۷) و مؤلفین کتب چاپی فارسی (ج ۳ ص ۷۳۹) و نیز راه یافته است.

این کتاب اثر شیخ العراقین نیست. زندگی نامه نویسان در شرح زندگی او به چنین کتابی اشاره نکرده اند و سه کتاب در فقه و رجال برای او بر شمرده اند^۳ هم چنین به شاگردی او در نزد سید شفتی اشاره ای نکرده اند. در نسخه خط مؤلف که در دانشگاه تهران نگهداری می شود، نشان مهر او عبارت «عبد محمد حسین» و «احب الله من احب حسینا» و «لا اله الا الله الملك الحق المبین» است و این بان نشان مهر شیخ العراقین همخوانی ندارد و هم چنین خط او نیز خط شیخ العراقین نیست.^۴

مصحح این اثر مرحوم شیخ غلامحسین نوری نجفی، در صفحه ۲۶ در ذیل مطلبی که

۱. این اشتباه به منابع دیگری مانند فهرست کاتبان نسخه‌های خطی کتابخانه دانشگاه تهران (ص ۵۸۸-۵۸۹) راه یافته و مؤلفی به نام شیخ حسین همدانی ساخته شده است و همچنین در موسوعة مؤلفی الامامیه (ج ۱۲ ص ۵۴۲) مدخلی به نام او درست شده است: «حسین الهمدانی؛ عالم دینی کان حیاً فی سپاهان سنة ۱۲۵۲...».

۲. در تراجم الرجال علاوه بر مصباح النجاة کتاب مبکی را نیز از شیخ العراقین دانسته و این اشتباه به منابع دیگری مانند گلشن ابرار (ج ۹ ص ۲۲۳) و... راه یافته است.

۳. منابعی مانند: اعیان الشیعه ج ۷ ص ۴۳۸، ریحانة الادب ج ۳ ص ۳۲۹، معارف الرجال ج ۲ ص ۳۴، الفوائد الرضویة ج ۱ ص ۳۸۴-۳۸۵، مکارم الآثار ج ۸ ص ۲۷۷۳-۲۷۷۵، معجم رجال الفکر و الادب ص ۲ ص ۸۵۴، تکملة امل الامل ج ۳ ص ۲۲۸-۲۳۱، مرآة الشرق ج ۱ ص ۶۷۰.

۴. تصویری از خط و مهر او را مرحوم فخرالدین نصیری امینی در پیامبران و خمسه طیبه ج ۲ ص ۱۴۸۷ آورده است.

نویسنده از حجة الاسلام شفتی با عبارت «استادنا و مولانا» یاد کرده، دلیل آورده؛ چون شیخ عبدالحسین شیخ العراقین از شاگردان عالم بزرگ محمد ابراهیم قزوینی بوده و همدرس با تنکابنی؛ صاحب قصص العلماء و از سوی دیگر صاحب قصص العلماء از شاگردان سید شفتی است در نتیجه شاگردی سید شفتی برای شیخ العراقین نیز اثبات شده و این اثر به قلم شیخ عبدالحسین تهرانی است.

نویسنده در مقدمه کتاب از خود با عبارت «يقول عبد مولاه الحسين عليه السلام» یاد نموده است و در (صفحه های ۱۰ و ۲۶) به شاگردی خود نزد سید محمد باقر شفتی (متوفی ۱۲۶۰) اشاره و از او با تعبیر «استادنا» و القاب دیگر ستایش فراوانی کرده است. نویسنده این کتاب در سرودن اشعار فارسی و عربی ید طولائی داشته و برخی از اشعار خود را در این کتاب آورده است.

نویسنده در این کتاب از دو اثر خود نیز نام برده است؛ وی در احوال عبادت حضرت سید الساجدین امام زین العابدین علیه السلام نوشته است:

... و این حقیر نیز در دیباچه کتاب مبکی که در روضه تالیف نموده در وصف سرشک قصیده ای آورده که چند فرد آن مناسب این مقام است. لمؤلفه:

این چه آب است که از دیده برون میآید که به قدر از گهر و لعل فزون میآید کتابی در حوالی این تاریخ در دست است که نام آن «مبکی العیون» و موضوع آن نیز روضه است.^۱ از این کتاب نسخه هایی در کتابخانه آیت الله گلپایگانی به شماره ۱۰۸۶، کتابخانه آیت الله مرعشی به شماره ۵۰۰۶ و کتابخانه مدرسه سه سالار به شماره ۴۴۵^۲ و... نگهداری می شود. نویسنده آن اثر شیخ محمد حسین بن محمد ابراهیم شیرازی گیلانی از شاگردان سید شفتی بوده و این کتاب را در صد و بیست مجلس فراهم آورده است و از خود با عبارت: «ابن محمد ابراهیم الجیلانی محمد حسین شیرازی» نام برده است. ولی این قصیده هجده بیتی (بر اساس نسخه مدرسه

۱. کتاب دیگری نیز با همین عنوان و همین موضوع و در همان روزگار به قلم میرزا محمود قاجار (زنده در ۱۲۷۱ق) تالیف شده است. وی در گلشن محمود (گنجینه بهارستان، رساله گلشن محمود، ص ۲۴۷) نوشته است «... از جمله کتابی قریب به هزار بیت مسمی به مبکی العیون منظوم شد».

۲. فهرستواره دنا ج ۸ ص ۱۲۱۱.

نمازی خوی) در این کتاب نیامده است. با جستجو در آثار شیرازی بدست آمد؛ وی این قصیده که در اصل بیست و پنج بیت است، برای بیماری چشم استادش سید شفتی که ده ماه درمان آن به طول کشیده و پیوسته از آن اشک جاری می شده، سروده است.

متن کامل این قصیده در اثر دیگر شیرازی؛ کتاب اللؤلؤة المنتشر (برگ ۶ پ) آمده است. نویسنده مصباح النجاة: چنان که در انجامه نسخه به قلم خود نگاشته در سال ۱۲۵۲ ق در سن سی سالگی در اصفهان قلم زده است و اصل آن را در تاریخ ۱۲۵۰ ق نوشته است. مؤلف در (ص ۱۵۸) چنین نوشته است:

تا کنون که سنه ۱۲۵۰ هزار و دویست و پنجاه است با تواتر دعای و اهل انکار نامتناهی مطلع نشدیم که کسی توانسته اتیان به سوره‌ای مثل قرآن نموده باشد. با حساب سی سالگی، سال ولادت مؤلف در ۱۲۲۲ ق است و در (صفحه های ۱۰ و ۲۶) به شاگردی خود نزد سید محمد باقر شفتی (متوفی ۱۲۶۰) اشاره و از او با تعبیر «استادنا» و القاب دیگر ستایش فراوانی کرده است. نویسنده این کتاب در سرودن اشعار فارسی و عربی ید طولائی داشته و برخی از اشعار خود را در این کتاب آورده است. نمونه‌ای از قصیده مؤلف در دیباچه کتاب مصباح النجاة چنین است:

صفحه هستی ز زنگ ریب شست	همد ایزد واجب آمد از نخست
از عنایت داد زیب و زیستی	بزم هستی را ز کتم نیستی
یافتم از ظلّ حقّ نور وجود	در حقیقت اسم و رسم از من نبود
هم‌چو ماتم دیده بیت‌الحزن	... ما همه و اماندگانیم از وطن
روح ما از محفل انس آمده	عقل ما از عالم قدس آمده
از کرم آمیخت در این قبضه خاک	بس جواهر حضرت یزدان پاک

وی در تاریخ تحریر مصباح النجاة (سال ۱۲۵۰ ق) بنا داشته این قصیده را در کتاب مبکی نیز بیاورد که به دلایلی نیاورده است ولی متن کامل این قصیده را در اثر دیگر خود؛ کتاب اللؤلؤة المنتشر (برگ ۶ پ) ثبت کرده است.

شیرازی در کتاب مبکی در باب «ثواب زیارت سیدالشهداء و وقایع کربلا» تاریخی از حادثه حمله وهابی‌ها به کربلا معلی در سال ۱۲۱۶ ق و وقایع حمله به کربلا در حوالی سال



۱۲۵۸ به گزارش چاووشها و شاهدان عینی نوشته است:

«باب ثواب زیارت سید الشهداء؛ وقایع کربلا»

«... تا حال چند فتنه وارد شده. آنچه ما را در خاطر است، یکی قتل وهابی است که درسی و پنج سال قبل از این واقع شده، سعود نامی از نواصب خروج نمود و جمعیتی را فراهم آورد. در وقتی که اهل کربلا به نجف اشرف به زیارت غدیر مشرف شده بودند. آن جماعت فرصت غنیمت شمرده بی خبر به کربلا ریختند. قتل و غارت بسیار کردند. چوہا و ضریح مقدسه را شکسته سوزانیدند و قهوه خوردند تا آنکه سید المجتهدین رئیس الدین و الدین آقا میر سید علی (اعلی الله مقامه) به هند نامه نوشتند که وجهی به جهت صرف قلعه کربلا فرستادند و محصور نمودند و جمعی از اعراب را از خارج داخل نمودند که ایشان محارست کربلا نمایند.

ایشان را هریک استعدادی به هم رسید، حتی آنکه از وفور مال اشتغال به معاصی نمودند معتمدی نقل کرده، که در خیمه گاه، شیشه شراب بردند. فردای آن روز خود به خود بدون سبب یکباره قحطی عظیمی واقع شد؛ به حدی که استخوان پوسیده و پوست جومی خواستند و میسر نمی شد تا آنکه زنی با شوهر خود طفلی داشتند و از شدت گرسنگی راضی به کشتن طفل خود شدند طفل را از دروازه بیرون آورده به پشت تلّی نشستند. متحیر چون جوع زور آور می شد، راضی به قتل می شدند و چون محبت فرزندی به حرکت می آمد، باز می ماندند تا آنکه مرد گفت: ما هر سه بمریم به از آن است که طفل ما نباشد. پس طفل را گفتند: برو عقب این تل، قدری نان و خرماست، بیاور! چون طفل رفت، مرد سنگی برداشت که از عقب رود و بر سر طفل زند؛ ناگاه طفل آمد و دو گوش بڑه آهوئی را به دو دست گرفته به نزد ایشان آورد، گفتند: این کجا بود؟ گفت: خودش به نزد من آمد. پس مسرور شده به شهر آمدند و کیفیت را به رئیس المجتهدین مرحوم آقا محمد باقر بهمانی عرض داشتند. ایشان فرمودند: چون شدت به منتهی رسید، خالق عالم رحم فرمود، فرج خواهد شد. فردا خود به خود ارزانی خواهد شد و جنس و فوهر هم رسانید و مدت قحطی پنجاه و دو روز طول کشید.

بعد از آن باز فراوانی و کثرت نعمت به همه رسید؛ باز طغیان نمودند تا بلیه طاعون وارد شد. باز کربلا را خالی کرد. روزی از هزار متجاوز می مردند تا آنکه طبقه تازه در آن ولا به هم رسید باز بعد از مدتی جمعیت شده چون طغیان نمودند، لشکر روم محاصره نمودند و یازده ماه محصور بود و خلق، خون و پنبه دانه می خوردند. تا آنکه میر آخور، که سردار لشکر بود از غیب سیلی

خورد و لشکر خود به خود از کربلا برخوردار شدند.

جمعیت بسیار شد به حدی که خانه ای به قدر قفس به مبلغ خطیر اکتیاع می شد و عمارات عالیه احداث نمودند و جمعی از شاهزاده گان قجر از ایران فرار کرده در آن ارض اقدس ساکن گردیدند و فسق و فجور شایع شده و انواع معاصی فاش به ظهور می رسید. حتی از خدام چیزها بروز کرد تا آنکه جناب سیدالشهدا علیه السلام را در خواب دیده بودند که آن جناب فرموده بودند، آنچه از ایام حال از مجاورین به من می رسد، در روز طف بر من وارد نشد و جمعی از اشرار عرب که ملقب بیارمباز^۱ بودند سرکشی نموده از پادشاه یاغی شدند.

پادشاه طاغی لشکر گزاف بر سر کربلا کشیده بیست و پنج روز محاصره نمودند از عسکر او جمع بسیار به قتل رسیدند تا آنکه یک سمت کربلا را خراب نمودند. طلوع فجر عسکر به شهر ریخته و قتل و غارت بسیار نمودند.

جمعی از سادات و علما و خلق بسیاری از شیعیان و مجاورین از زن و مرد و طفل را به قتل رسانیده که عدد مقتولین قدر متیقن آن دوازده هزار بود و لیک بیست و پنج هزار نیز نقل کرده اند. و اموال آنچه بود به قدر دو کرور به غارت بردند و زنان بسیاری اسیر و دستگیر نمودند.

آه این قضیه کمتر از روز عاشورا نیست. در حال تحریر، چاووش و زوار کربلا مراجعت نموده و در مسجد جامع بید آباد اصفهان بر منبر شرح واقعه ای جدید را ایراد نمودند... آه این صدمه ایست که مثل آن در اسلام واقع نشده. اگر چه بعضی مستحق سیاست و تأدیب بودند و لیک در میان علما و صلحا و سادات بسیار بودند. و بعضی عجزه و مساکین که آن ها به طفیل اشرار سوختند. بلی عذاب الهی وقتی وارد شود، بی گناه را هم فرو گیرد...

چون عذاب الهی نازل شود، نیک و بد را فرو گیرد حال اینها که به مقام شهادت فایز شدند، منتهی آرزو و رستگاریست. هیچ موتی بهتر از این اتفاق نمی افتد... و لیک عقده ای در دل است؛ حکایت زنان عقیقه از خانواده شیعه است که ایشان راتا شام و حلب بردند و حال قدری گریه بر این شهدای تازه کنیم که هفت صد نفر از علما و سادات علویه را سر بریدند. مردم به صحن مقدس پناه بردند. عسکر داخل صحن شدند و فشنگ بر ایشان انداختند به



۱. در این متن و برخی منابع مانند زبیل فرهاد میرزا (ص ۱۴۷) نام این گروه یارمباز آمده است و در بیشتر منابع به یرمازیه شهرت دارند نگاه کنید به العباقت العنبریه فی الطبقات الجعفریه، محمد حسین کاشف الغطاء، تحقیق جودت قزوینی (۱۴۱۸ق/۱۹۹۸) ص ۳۰۷.

هر تیری از سی و چهل متجاوز، به خاک می ریخت. چاووش گفت: پنجاه نفر از شیعیان را دیدم
سرو پای برهنه، دست و پای آن‌ها را بسته و به چوب می زدند و به بغداد بردند.
در سر هر کوی، ده نفر را گردن زدند. معلوم نیست که اینها کمتر از عیال آن حضرت باشند،
آخر هر چه بودند، پناه به آن آستان برده بودند...»
از این تاریخ برمی آید کتاب مبکی العیون را سالها پس از تألیف مصباح النجاة، پس از
سال ۱۲۵۸ ق نوشته است.

این نویسنده در باب «فضیلت حسنین علیهم السلام» کتاب مبکی العیون به تألیف کتاب اسرار
الصلاة که همان کتاب مصباح النجاة فی اسرار الصلاة و سر الاستغفار بین السجدتین است،
اشاره دارد:

پس باید انسان پیوسته در مقام توبه باشد از اینکه دار دنیا، دار توبه است و از اینکه
بین السجدتین در نماز استغفار می کنند و سر آن را به تفصیل در رساله اسرار الصلاة
ایراد نموده ام.

اثر دیگر مؤلف که به آن (ص ۱۴۱) اشاره کرده، رساله شرح حدیث زینب عطاره است:
این حدیث اگر چه به قواعد هیئت منافی است، چه مهندسین بر کرویّت ارض
برهان است ولیکن حقیر در این باب رساله ای نوشته و این دو سلسله را بهم رشته و
آن رساله در رفع تنافی کافی است.

این رساله در مجموعه شماره ۴۴۰۳ در مرکز احیاء میراث اسلامی (فهرست مرکز احیاء ج ۱۰
ص ۵۰۳-۵۰۴) نگهداری می شود. این مجموعه در بردارنده رسائل شیخ محمد حسین بن
محمد ابراهیم شیرازی گیلانی است. و نام اثر یاد شده، جنة معطرة مرضیة فیها تحقیق حدیث
زینب العطارة الرضیة است. آغاز این اثر چنین است:

لنذكر هاهنا توجيه خطر بالبال لحدیث زینب العطارة حين قرائتنا مطالع الانوار
وحدائق الانوار مصداق ما يقال حاكيا عنه بعض الحال....

این رساله در ۱۸ برگ (۷۶-۹۳ پ) تألیف شده است.

با این آگاهی، برمی آید که محمد حسین شیرازی متولد ۱۲۲۲ ق در شیراز بوده و پس از ده
سال شاگردی در نزد حجة الاسلام شفتی، مدت پنج سال نیز در عتبات عالیات به تحصیل
اشتغال داشته است. وی دارای جایگاه ویژه ای در علوم فقه و معارف اهل بیت علیهم السلام

بوده و سید شفتی در اجازہ اجتہادی کہ در پایان نسخہ اجوبہ مسائل الہند آمدہ- اورا چنین ستودہ است:

الجناب العالم العامل الكامل صاحب الفصائل والفواضل الراسخ في فنون العلوم بعناية الملك القيوم ولدى المويّد وسندی المسدّد الشيخ محمد حسين الشيرازي النجفي وقد فرد على جملة من الزمان وصنّف في اصناف العلوم ما وضح ببيان فهو بحمد الله من عمدة العلماء الراشدين وأفضل الأمناء المعتمدين وممن حصل له ملكة الاجتهاد وقوة الترويح وإرشاد العباد وقد أجزت له أن يروى...

وی بر اساس یادداشتی در انجمنه نسخہ اصل مصباح النجاة در سال ۱۲۷۲ در تهرآن بسر می برده است. و تاریخ ولادت دوتن از فرزندانش را «محمد کریم ۱۲۵۰» و «محمد حسن ۱۲۷۲» در پشت نسخہ ثبت کرده است.

جز سه اثر مصباح النجاة و مبکی العیون و شرح حدیث زینب عطارة آثار دیگری نیز از این مؤلف در دست است، که عبارتند از:

۱. اجوبہ مسائل الہند؛ برخی تاجران شیرازی مقیم ہند از سید شفتی سواتنی پرسیدہ اند و ایشان پاسخ آن را بہ محمد حسین شیرازی امر کرده و او جواب گفته است. موضوع این سوالات درباره مسائل بیع، وکالت، صلح، شراکت و غیر فقہی مانند نبوت حضرت رسول اکرم ﷺ است.

۲. تفسیر دو آیہ «من کل شیء خلقنا زوجین اثنین» و آیہ «ومن کل الثمرات جعل فیہا زوجین اثنین» (برگ ۶۷-۶۹ پ) این اثر نیز در پاسخ بہ سید شفتی نوشته است.

۳. خطبہ توحیدیه. آغاز: «من الخطب التي أنشأتها في التوحيد أيام العزلة عن الناس و الرياضة هذه الحمد لله الذي ضلّت طوامع العقول في مهمه ملكه وكبريائه...» (برگ ۴۳-۴۶ پ)

۴. تحقیق درباره تفسیر کلمہ مآرب در آیہ (قال هي عصای اتوکا علیہا واهش بہا علی غنمی ولی فیہا مآرب اخری) (برگ ۹۳-۹۹ پ)

۵. لمعة شارقة تيرة طالعة درباره بحثی در مجلس سید شفتی درباره عبادت شب قدر گرفتن قرآن بہ دست و گشودن آن و نقدی بر دستور العمل علامہ مجلسی در زاد المعاد (برگ ۱۰۱-۱۰۵ پ)

۶. رساله ای کوتاه درباره استخاره با قرآن و اقتباس از مفهوم آیه اول در برگ اول (برگ

۱۰۶-۱۱۳ پ)

نسخه ای از این آثار همراه با شرح حدیث زینب عطاره در مجموعه رسائل شیخ محمد حسین شیرازی موجود در کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی به شماره ۴۴۰۳ (فهرست مرکز احیاء ج ۱۰ ص ۵۰۳-۵۰۴) معرفی شده است. در پایان این مجموعه اجازه روایت سید شفتی به نویسنده به تاریخ غره ربیع الاول ۱۲۵۷ نیز موجود است. تصویر این اجازه در فهرست مرکز احیاء ج ۱۰ ص ۵۰۵ منتشر شده است.

۷. فهرست مطالع الانوار؛ فهرستی جامع برای جلد چهارم مطالع الانوار سید شفتی که نسخه ای از آن به شماره ۱۱۸۴۶ در کتابخانه آیت الله مرعشی (فهرست کتابخانه مرعشی ج ۳۰ ص ۹۹-۱۰۱) نگهداری می شود.

۸. ارجوزه در تحقیق معنی عدالت؛ که ضمیمه نسخه پیشین است و در شصت و هشت بیت به عربی سروده شده است.

۹. اللؤلؤة المتشر؛ فقه منظوم که از کتاب طهارت آغاز شده و تا باب مطهرات (آب باران) در آن آمده است. نسخه ای از این کتاب در کتابخانه آیت الله مرعشی شماره ۲۱۰۸ (فهرست کتابخانه مرعشی ج ۶ ص ۱۲۱) موجود است. در آغاز این نسخه اجازه اجتهاد سید شفتی به نویسنده به تاریخ ۱۲۵۳ آمده است. تصویر این اجازه در پایان جلد ۶ فهرست مرعشی به طبع رسیده است. وی در آغاز این نسخه فصلی از زندگی خود را قلم زده است.

۱۰. کتابی درباره مسئله بیمه. مؤلف آن را به دستور سید شفتی انجام داده است. مؤلف مسئله بیمه، در آن روزگار را در پاسخ به سوالی در کتاب اجوبه مسائل الهند (برگ ۲ پ) چنین شرح داده است: «هرگاه زید با عمرو شریک زید در هندوستان پای خرید و عمرو در ایران پای فروش زید مبلغ معینی از بابت شراکت حمل جهازها می نماید و در هندوستان اشخاصی چند هستند که تنخواه را بیمه می نمایند به این معنی که ده نیم تنخواه را می گیرند و شرط می کنند که چنانچه تو حمل جهاز کرده ای در عرض راه جکامی از قبیل سرق و غرق و حرق رسید از عهده قیمت تنخواه برمی آییم و چنانکه به سلامت رسید ده نیم مأخوذه از خود من باشد و بعد جکام به تنخواه مشترکه برسد و زید قیمت تنخواه...».

وی در مقدمه کتاب اللؤلؤة المتشر در بخش زندگینامه خود به تالیف این اثر اشاره کرده است:

...فشددت الرجال وادلجت فى المنازل مع الاستعجال من بلدة شيراز الى اصفهان
 صان الله عن الحدثن حتى وصلت الى جنباه وأقتت ببابه فوجدته ضعف ما يقال
 فيه من المكارم والمجد والكمال فلبثت عنده عشرين سنين للثقه فى الدين فاعترفت من
 منهل كل علم رحيقا واستخرجت من بجره لئالى... وكنت لازال مورد العناية
 مستفيضا بافاضاته ملازما بخدمته مستغرقا بنعمته... فورد عليه ائده الله تعالى فى
 خلال تلك الاحوال من بلاد الهند مسائل بيد سفير عاجل منهما المسئلة المعروفة
 منهم بيمه التى صارت ببلاد الفارس عند التجار معركة عظيمة يستفتون جنباه
 ليجعلون الحجة فيها كتابه وكان به سلمه الله يومئذ رمد شديد وللسفير عجلة وحث
 أكيد فكان السفير يأتى بعد سفير ولكل منهم صراخ ونفير حتى راقبونى فى جميع
 الأحوال وضيقتوا فى السعى له مجالى فكنت انا على ذلك لا أطيق ورمده من كثرة
 دموعه وقلة هجوعه لا يفيق ولقد مدحت دموعه يومئذ بالفارسية:

اين چه اشكى است كه از دیده برون می آید یا ثریاست كه از چرخ برون می آید
 ... حتى مضت على ذلك عشرة اشهر والرمد لا يقصر فاستأذنته فى الجواب تلك
 المسائل فأمرنى به فكتبتها مع الدلائل حتى صارت مسئلة الیمة متصورة على ثمانين
 وأربعمائة صورة فدوّنتها فى كتاب وعرضته على ذلك الجناب فبحمد الله اللطيف
 طابق رأيه الشريف... تم سافرت من حضرته وتشرفت فى الارض المقدسة بتقبيل
 الروضات القدسية بالغرى والحایر على مشرفها السلام ومضت هناك خمس سنين
 دايرا ومشتغلا بالعلوم الدين بملازمة نجله الزكى الرشيد السديد وولده الصالح العالم
 السعيد النور التام والنحرير القمقام المسمى بلقب جدّه الماجد جناب سيّد اسد الله
 ائده الله تعالى ثم عدت الى بابه وتشرفت بتقبيل يده وزيارة جنباه فالحمد لله على
 نعمته الجسيم وفضله العميم» (اللؤلؤة المنتشر، نسخه كتابخانه آيت الله مرعشى
 شماره ٢١٠٨ برگ ٢٥-٢٦ پ).



دو مرآة الکمال

محمد حسن بن ملا مصطفی خوئینی

به کوشش: محمد علی عیوضی

مقدمه

ضرورت آگاهی از تاریخ علم و شیوه‌ی تحصیل و مراتب درسی گذشتگان بر کسی پوشیده نیست؛ زیرا این جستارها می‌تواند راه فراروی ما را در پیشرفت علمی و تحصیلی روشن نماید، از طرفی نکات مثبت آنها الگوی ما قرار می‌گیرد و از جهتی کاستی‌های آنها تجربه‌ای می‌شود برای عدم تکرار. نیز در مسائل جزئی علوم آگاهی از روند تاریخی آن مسئله چه در علم و چه در نزد مؤلف راهگشای بزرگی در رسیدن به نوآوری می‌باشد. این همه انگیزه‌ای است قوی برای پژوهش در زمینه. یکی از خاستگاه‌های این پژوهش رسائل مفرده‌ای هستند که پیرامون این موضوعات نگاشته شده است. در شماره پیشین میراث شهاب رساله‌ای از ملا محمد جعفر خراسانی و اکنون دورساله از محمد حسن بن ملا مصطفی خوئینی را به ساحت پژوهشگران عرصه‌ی علم تقدیم می‌داریم.

اطلاع دقیقی از احوال مؤلف در دست نیست. همین قدر می‌دانیم که وی مشتهربه ملا حسن مجتهد و فرزند مردی فاضل، نامبردار به ملا مصطفی بوده است. او را جامع معقول و منقول و صاحب مقام تحقیق و کثرت آگاهی دانسته‌اند. با نظریه تألیفات وی می‌توان مکانت علمی وی را دریافت. این تألیفات عبارتند از:

۱. الشرح على النهج المسترشدين في اصول الدين والحاشية عليه.

مرحوم شيخ آقا بزرگ تهرانی رحمته الله می نویسد:

شرح نهج المسترشدين للمولى محمد حسن الخوئینی الزنجانی نسخه منه كانت عند شيخ الإسلام الزنجانی كما كتبه إلینا، وأحتمل أن الشارح كان حفيد الشيخ عبد النبي الطسوجی نزیل خوی.^۱

نسخه ها:

نسخه شماره ۱۰۵۹۶/۳ کتابخانه مجلس شورای اسلامی.

۲. الشرح على الدرّة الهیة فی نظم بعض المسائل الأصولیة.

۳. الحاشية على جوامع الكلم للشيخ أحمد الإحسائی.

۴. جُنْگ (شاید مراد همین مجموع رسائل موجود در کتابخانه حضرت آیت الله العظمی سید

شهاب الدین مرعشی نجفی رحمته الله باشد که در ذیل معرفی می گردد).^۲

۱۸-۵. رسائل مفرده.

دو مجموعه رسائل خطی به شماره ۱۲۹۶۲ در کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله العظمی

مرعشی نجفی رحمته الله موجود می باشد که مشتمل بر رسائلی از مترجم له نیز هست. تفصیل اسامی

و شماره آنها در ذیل درج می گردد:

(۱) تذکرة السالکین وهدایة القائمین. (۱/۱۲۹۶۲).

رساله ای است در آداب نماز شب.

(۲) صیغ النکاح. (۲/۱۲۹۶۲).

(۳) تذکره عرفانی منتخب از جواهر التفسیر لتحفة الأمير.^۳ (۳/۱۲۹۶۲).

(۴) مرآة الکمال. (۴/۱۲۹۶۲).

در ذیل معرفی می گردد.

(۵) مرآة الملل والمذاهب. (۵/۱۲۹۶۲).

رساله ای است در بیان ملل و مذاهب اسلامی که با استمداد از جواهر التفسیر لتحفة

۱. الذریعة إلى تصانیف الشیعة ۱۴: ۱۶۲.

۲. شعار ولایت: ۳۶۴.

۳. رک: الذریعة إلى تصانیف الشیعة ۵: ۲۶۶ و ۲۰: ۱۹۴.



الأمير نگاشته شده است.

٦) زبدة الآداب ولب آداب الطالبين المنتخب من آداب المتعلمين. (١٢٩٦٢/٦).

گزیده‌ای است از آداب المتعلمين در بیان ادب صنفی (دانش پژوهان).

٧) سؤال و جواب. (١٢٩٦٢/١١).

٨) میزان العرفان. (١٢٩٦٢/١٤).

٩) مرآة الكمال. (١٢٩٦٢/١٧).

در ذیل معرفی می‌گردد.

١٠) مرآة الفنون والآداب. (١٢٩٦٢/١٩).

رساله‌ای است در تقسیم بندی علوم.

١١) فهرس العلوم النافعة فی إرشاد الطالبين للهداية. (١٢٩٦٢/٢٣).

١٢) توزيع العلوم و مرآة الفنون. (١٢٩٦٢/٢٤).

١٣) إرشاد الطالبين الى اقرب الطرق باليقين. (١٢٩٦٢/٢٥).^١

از میان این رسائل دو رساله مرآة الكمال نامیده شده‌اند. یکی در تقسیم ایتام عمر و دیگری در بیان علوم نافع و طریق تحصیل آنها. رساله اول در تبیین مراحل درسی و کتب مدرسی و نگرش آنها خصوصاً به مراحل تحصیل ابتدایی بسیار مفید است. خصوصاً عباراتی همچون (الكتب المفيدة للإشراح) دارای اهمیت بسیار است.

رساله‌ی دوم نیز که در حاشیه نگاشته شده است به بررسی اولین روایت (بَابُ صِفَةِ الْعِلْمِ وَ فَضْلِهِ وَ فَضْلِ الْعُلَمَاءِ) کتاب الکافی و طریق نیل به مضمون آن می‌پردازد.

بسم



١. جهت معرفی کامل رک: فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی

مرآة الكمال [يكم]

(تقسيم شريف للعمر)

بسمه تعالى والحمد لله والصلوة على نبيه وآله

إعلم أيها العاقل السالك في مسالك الكمال! أن رأس الكمال هو العمر الذي قد أعطاك ذوالجلال؛ فقال في محكم كتابه الكريم: لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى^١ وَلِلَّهِ الْآخِرَةُ وَالْأُولَى^٢ وقال النبي ﷺ: الدُّنْيَا مَزْرَعَةُ الْآخِرَةِ^٣ فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ^٤ فِي الْآخِرَةِ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ^٥ فِي النَّارِ الْهَابِيَةِ

كما قيل في النظم ونعم ما قيل:

عاقبت هر كس به آن خود رسد نيك را نيكی و بد را بد رسد
فعلى اللبيب الأملعي أن ينظر في كل فعل وحركة وفي مآله ومرجه وثمرته وغايته لكي
لا تخسر تجارته ومزارعته^٦ وليس الكمال إلا طاعة ذى الجلال، قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ
مَنْ تَشَاءُ^٧ [وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ] وَتُعْزِزُ مَنْ تَشَاءُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ
إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ.

فيلزم الإطاعة بالإخلاص في الظواهر والبواطن،^٨ فَمَنْ كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا

١. نجم (٥٣): ٣٩.

٢. نازعات (٧٩): ٢٥.

٣. تنبيه الخواطر ونزهة النواظر المعروف بمجموعة ورام ١: ١٨٣، عوالي اللآلي العزيزية في الاحاديث الدينية: ٢٦٧.

٤. زلزلة (٩٩): ٧.

٥. زلزلة (٩٩): ٨.

٦. قال البهائي:

بي عوض داني چه باشد در جهان؟ عمر باشد عمر، قدر او بدان (منه)

[ديوان شيخ بهائي (نان و حلوا): ١٢٦ (في ذمّ العماء المشبهين بالأمرأ المرتفعين عن سيرة الفقراء)].

٧. مقتبس از آل عمران (٣): ٢٦.

٨. المراد بالظواهر مراتبها وأجزائها من الرأس إلى الرجل والمراد بالبواطن النفس والعقل وقوى النفساني كالغضب والشهوة. فافهم وتدبر. (منه).



صَالِحًا وَلَا يَشْرِكُ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا^١ فعلى مرید الکمال^٢ الشروع في قراءة القرآن في حالة كونه ابن سبعين سنة كما في الأخبار عنهم عليهم السلام ويتم القرآن مع بعض الكتب المفيدة في إنشراح الصدر لقبول العلوم ككتب الأشعار العجمية^٣ أو كتب العجمية المغلقة المفيدة ككتاب أبواب الجنان^٤ أو غير ذلك من الكتب المفيدة للإنشراح. وإذا أكمل قراءة القرآن مع بعض اسباب الإنشراح يشرع في قراءة الكتب المؤلفة بلسان العجم في الأخبار ككتب المجلسي عليه السلام مع كتاب النصاب بالتأني والتفهم ثم يشرع بعد ختم النصاب بكتب الصّرف في سنة، ثم في النحو كذلك، ثم في المنطق كذلك، ثم في المعاني والبيان كذلك مع مطالعة كتب الحديث في ضمن كل ذلك سيما الأحاديث الواردة في المعرفة والأخلاق والأعمال سيما في الأعمال الواجبة كالصلاة والزكاة وغيرهما والحاصل يكمل القرآن مع بعض المشرّحات في سنة، ثم يشرع في الصّرف كذلك، ثم في النحو كذلك، ثم في المنطق، ثم في المعاني والبيان كذلك، ثم في الأصول والفقه والتفسير في ثلاث سنوات بأن يقرأ مثلاً من شرح اللمعة والمعالم، ثم القوانين و التفسير المعروف بالصفافي، ثم يشرع في الأصول والفقه الخارجيان مع علم الكلام في ثلاث سنوات فتلك عشرة كاملة^٥ للطالب.

ثم يشرع في كتب الحكمة مع علوم الغريبة^٦ في ستان إن أراد الفضل وأكملت الكمال. فلاجرم ثلث العمر في هذه الأزمان عشرون لكونه ستين كما لا يخفى على العارف بعبادة الأدميين ويلزم صرفه في تحصيل العلوم المفيدة^٧ ثم ينبغي التأليف والمباحثه في عشرين سنة ليكمل العلوم مع العمل بكلها ويكمل النفس فيصير أربعين سنة وهو منتهى كمال العقل المرء^٨.

١. كهف (١٨): ١١٠.

٢. لا يخفى أنه يلزم على طالب الكمال السعي في الخط وحسنه وأحسن الخطوط في الدنيا والآخرة هو النسخ و التستعليق؛ أي: القرآني والكتابي فيلزم إتقانها بطريق الوسط أو الأعلى إن أمكن (منه).

٣. كبوستان السعدى وكتاب الحافظ بعده لكونه مشكلاً (منه).

٤. رك: الذريعة إلى تصانيف الشيعة ١: ٧٧؛ نيز ٣: ٣٣٦؛ نيز ٣: ٣٣٦.

٥. مقتبس از بقوه (٢): ١٩٦.

٦. لا يخفى أن المراد من العلوم الغريبة ما بقى منها وإلا فيلزم تحصيل الهيئة والحساب والنجوم وأمثالها قبل ذلك (منه).

٧. بل قد قيل: ببقية العمر لا قيمة لها.

٨. تابه چل سال اگر مرد ترقى نکند همچنان زن به زینش که ترقى بکند (منه)

چل مخفف چهل للوزن. (منه).



فيعث نفسه بإذن الله فى مقام هداية الخلق من الخاصّة والعامّة؛ يعنى الطلاب والعوام بالتدريس وقراءة العلوم عليه وبالموعظة وبيان المسائل للعوام مثلاً مع إزدياد الخلوص والعمل وتعمير دار الآخرة إلى أن تتوفى من دار الفناء إلى جوار ملك مقتدر باق أبداً فى جنّات نعيم مقيم والله الموفق والمعين.

مرآة الكمال [دوم]

هو

بسم الله والحمد له كما هو أهله
وصلّى الله على خير خلقه محمد وآله

وبعد: أعلم أنّ العلم النافع ما يرجع إلى العلم الإعتقاد الإيماني بمراتبه الواجبي وغيرها وإلى علم الأخلاق بمراتبه كذلك وإلى علم الأعمال بمراتبه ويسمى الأوّل بالفقه الأكبر والثانى بالأوسط والثالث بالأصغر وإلى الثلاثة أشير فى الحديث المعروف عن النبى ﷺ: إِنَّمَا الْعِلْمُ ثَلَاثَةٌ آيَةٌ بَيِّنَةٌ أَوْ فَرِيضَةٌ عَادِلَةٌ أَوْ سُنَّةٌ قَائِمَةٌ^١ فَإِنَّ الْفَرِيضَةَ الْعَادِلَةَ شَامِلَةٌ لِلْفَرَائِضِ الْخَلْقِيَّةِ وَالْعَمَلِيَّةِ وَكَذَا السُّنَّةُ وَالْآيَةُ الْبَيِّنَةُ فِي مَقَابِلَةِ الْفَرِيضَةِ وَالسُّنَّةُ بِمَعْنَى الْإِعْتِقَادِ بِالْأُمُورِ الشَّرْعِيَّةِ الْمُسْتَخْرَجَةِ مِنَ الْآيَاتِ؛ نَعَمَ بِحَسَبِ الْحَالَةِ يَكْفِي فِي مَقَامِ تَحْصِيلِ الْعُلُومِ^٢ تَحْصِيلُ نَبْذَةٍ مِنَ الصَّرْفِ وَالتَّحْوِيقِ قَلِيلاً مِنَ الْمُنْطِقِ^٣ وَالْأَصُولِ وَاصْطِلَاحَاتِ الْفُقَهَاءِ وَبَعْدَ ذَلِكَ أَصْلُ الْعُلُومِ التَّفْسِيرِ الْمَشْتَمِلِ عَلَى الْحَدِيثِ وَالْأَخْلَاقِ وَالْفِقْهِ وَعَلَى التَّحْوَالِ الَّذِي يَحْتَاجُ إِلَيْهِ فِي الْحَالَةِ وَأَصْلُ الْكَمَالِ بَعْدَ الْعِلْمِ الْعَمَلِ وَالتَّقْوَى وَأَصْلُ التَّقْوَى الْإِخْلَاصُ [وَالْتَذَلُّ وَالْإِنَابَةُ إِلَى اللَّهِ وَالتَّوَضُّعُ عِنْدَ اللَّهِ وَالتَّوَضُّعُ رَفَعَهُ اللَّهُ وَمِنْ تَكْبَرٍ خَفَضَهُ اللَّهُ^٤ وَلِذَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: وَيَهْدِي الْعِلْمَ عِنْدَ اللَّهِ وَلِذَا وَرَدَ مَنْ تَوَاضَعَ رَفَعَهُ اللَّهُ وَمِنْ تَكْبَرٍ خَفَضَهُ اللَّهُ^٥ وَلِذَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: وَيَهْدِي

١. كذا فى الأصل وفى الكافى: آية محكمة .

٢. الكافى ١: ٣٢ .

٣. ويكفى فى تحصيل قراءة القرآن والحفظ والمسائل الواجبة سبعة أشهر (منه).

٤. والحاصل يمكن تحصيل المقدمات فى سنة وفى التعطيلات فى .. السنة قليلاً من الكلام والتدريّة والرجال و يكفى فى التفسير والفقه من العبادات والمعاملات سنة وفى التعطيلات منها الهيئة والحساب بقدر الكفاية، إفهم (منه).

٥. ليس بهذا النصّ بل رواه الكليني عن أبى عبدالله - عليه السلام - بهذه الصورة: «إِنَّ فِي السَّمَاءِ مَلَكَينَ مُؤَكَّلَيْنِ بِالْعِبَادِ مَنْ تَوَاضَعَ لِلَّهِ رَفَعَهُ اللَّهُ وَمَنْ تَكَبَّرَ وَضَعَهُ». الكافى ٢: ١٢٢ .



وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ أَنَابَ.^١

ولذا قيل: خاك شو خاك تا برويد گل!

ولبّ الشرائط في تحصيل ما قاله مولانا عليّ - عليه السلام من الله العلام -:

العلم في ذلّ و جوع و محنة و بعد من الآباء و الأهل و الوطن
و لو كان كسب العلم أسهل حرفة لما كان ذو جهل على الأرض في زمن^٢

وفي الحديث القدسي: وَصَعْتُ الْعِلْمَ فِي الْجُوعِ وَالْجُهْدِ وَهُمْ يَطْلُبُونَهُ فِي السَّبْعِ وَالرَّاحَةِ
فَلَا يَجِدُونَهُ^٣ ونعم ما قيل:

تحصيل دوام خواهد و ايثار و طلب بيوسته به روز بحث و تكرر به شب
طاعات و عبادات و رياضات و ادب بي اين همه تحصيل محال است و عجب

واصل كلّ ذلك التقوى والإخلاص؛ قال الله تعالى: اتَّقُوا اللَّهَ وَيَعْلَمِكُمُ اللَّهُ^٤ وقال
النبي ﷺ: مَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا ظَهَرَتْ يَنَابِيعُ الْحِكْمَةِ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ^٥. نعم،
الإصطلاحات التي إصطلحوها العلماء يحتاج إلى التعليم وكذا المعاني اللغوية والعرفية والشرعية
وكذا العربية وبعد ذلك أصل العلم هو النور المميز بين الحقّ والباطل المعتبر تبعاً لقوة القدسيّة و
هو نقطة كثرتها الجهال كما ورد في الحديث عن أمير البرة عليه السلام^٦.

بصحة

١. رعد (١٣): ٢٧.

٢. جامع الشتات: ٢١٤.

٣. عدة الداعي ونجاح الساعي: ١٧٩، عوالي اللثالي العزيزية في الأحاديث الدينية ٤: ٦٢، الجواهر السنوية في الأحاديث القدسية: ١٧٩.

٤. بقره (٢): ٢٨٢.

٥. جامع الأخبار: ٩٤.

٦. عوالي اللثالي العزيزية في الأحاديث الدينية ٤: ١٢٩.

منابع

۱. تنبيه الخواطر ونزهة النواظر المعروف بمجموعة ورام بن أبي فراس، مسعود بن عيسى، چاپ اول: قم، مکتبه فقیه، ۱۳۶۷. ۲ ج.
۲. جامع الأخبار. شعیری، محمد بن محمد. چاپ اول: نجف، مطبعه حیدریه، بی تا.
۳. جامع الشتات. خواجهنوی مازندرانی، محمد اسماعیل. سید مهدی رجائی. چاپ اول: قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۵.
۴. الجواهر السنیه فی الأحادیث القدسیه (کلیات حدیث قدسی). شیخ حر عاملی، محمد بن حسن. ترجمه زین العابدین کاظمی خلخالی. چاپ سوم: تهران، انتشارات دهقان، ۱۳۸۰.
۵. دیوان شیخ بهائی. عاملی، بهاء الدین محمد. با مقدمه سعید نفیسی. چاپ اول: تهران، انتشارات زرین، ۱۳۸۲.
۶. الذریعة إلى تصانیف الشيعة. آقا بزرگ تهرانی. چاپ اول: ایران، اسماعیلیان قم و کتابخانه اسلامی تهران، ۱۳۶۵. ۲۵ ج.
۷. شعار ولایت. انصاری خوئینی، محمد. چاپ دوم: قم، انتشارات بنی الزهراء، ۱۳۷۸.
۸. عدة الداعی ونجاح الساعی. ابن فهد حلّی، احمد بن محمد. احمد موحدی قمی. چاپ اول: دارالکتب الإسلامی، ۱۳۶۴.
۹. عوالی اللثالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة. ابن أبی جمهور، محمد بن علی بن ابراهیم احسائی، مجتبی عراقی. چاپ اول: قم، دارسید الشهداء للنشر، ۱۳۶۲. ۴ ج.
۱۰. الکافی. کلینی، محمد بن یعقوب. علی اکبر غفاری و محمد آخوندی. چاپ چهارم: تهران، دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۶۴. ۸ ج.



تضمین هفت بند کاشی

از: میر ضامن علی

به کوشش: حمیده سادات ذاکرزاده

مقدمه

فصیح بلبل خوش لهجه، کاشی مدّاح
به مدح شاه عدو بند از مهارت طبع
اگر به سرّ خفی بود، اگر به وجه جلی
که بود روضهٔ آمل ازو ریاض ارم
چو داد سلسلهٔ هفت بند، دست به هم
برای او صله‌ها شد زکلک غیب، رقم

(محتشم کاشانی):

میرزا عبدالله افندی، کتابشناس برجستهٔ عصر صفوی براین باور است که سه نفر در تشیع ایران نقش داشتند: شیخ حسن کاشی (سده ۷-۸)، علامه حلّی (م ۷۲۶)، محقق کرکی (م ۹۴۰). این سخن، حقّ است و بدون تردید افندی آن را از سر علم و اطلاع گفته است.

دربارهٔ نقش علامه حلّی و محقق کرکی مطالب فراوانی گفته شده است. اما شیخ حسن کاشی، شاعری است برجسته که تمام ذوق و هنر خود را در سرایش اشعار در ستایش امیرمؤمنان علیه السلام سپری

کرده است.^۱ و در این بین هفت‌بند او در میان اهل شعر و ادب آوازه و رواج و برجستگی فوق‌العاده‌ای یافته به گونه‌ای که از سوی بسیاری از اخلاف او به منزله‌انگاره و الگویی فخیم و زیبا نگریسته شده و مورد استقبال قرار گرفته است. مرحوم سعید هندی در کتاب *هفت‌بند هفتادبند*، هفت‌بند حسن کاشی و مجموعه سیزده هفت‌بند و یک تخمیس و تضمین را گرد آورده است. اسامی شاعران عبارت است از:

۱. سلیمی تونی (م ۸۵۴)، ۲. سلطان محمد صدقی استرآبادی استاد محتشم کاشانی (م ۹۵۲)، ۳. محتشم کاشانی (م ۹۶۶)، ۴. نثاری تونی (م ۹۶۷ یا ۹۶۸)، ۵. عرفی شیرازی (م ۹۹۹)، ۶. ملا علی صابر تبریزی (سده ۱۰)، ۷. میرحیدر معتمایی کاشانی (م ۱۰۲۵ یا ۱۰۳۲)، ۸. قیاض لاهیجی (م ۱۰۷۲)، ۹. حاجی فتوح‌ای مراغه‌ای (سده ۱۱)، ۱۰. مقبل اصفهانی (م ۱۱۵۷)، ۱۱. حزین لاهیجی (م ۱۱۸۱)، ۱۲. میرفدا علی صاحب‌تنها (سده ۱۳ یا بیشتر)، ۱۳. محمدرضاخان شاملو، ۱۴. تضمینی از سراینده‌ای ناشناس.^۲

اتنا درباره سراینده تضمین پیش رو، یعنی دکتر میرضامن علی متخلص به لهوی، در کتب تراجم اثری نیافتیم. در صفحه عنوان این تضمین (چاپ هند) این مطالب آمده: «تضمین فارسی، اردو^۳ به طریق مستعج و محتمس بر هفت‌بند ملا کاشی (علیه الرحمة) مستعی به منقبت مظهر العجائب من

۱. رک پیشگفتار استاد رسول جعفریان بر دیوان حسن کاشی.

۲. بجز تضمین پیش رو در برخی منابع از تضمین‌های دیگری از سراینندگان شبه قاره یاد شده:

الف) تضمین هفت‌بند، از مفتی وتالوی، امام بخشی زنده در ۱۲۹۱ هـ/ ۱۸۷۴ م از اعیان و تالۀ پنجاب بود. تاریخ سروده: ۱۲۸۰ هـ/ ۱۸۶۳-۱۸۶۴ م.

آغاز: السلام ای آبروی دین ختم المرسلین السلام ای رونق بزم شفیع‌المدنیین

۱۲۸۷ هـ/ ۱۸۷۵ م، لاهور، پنجابی، ۲۰ ص (گنج ۱/۷۲۶)

دیوان مفتی در لاهور، ۱۲۹۱ هـ/ ۱۸۷۴ م، پنجابی در ۳۰۰ ص چاپ شده (کتابشناسی آثار فارسی چاپ شده در شبه قاره، ج ۳، ص ۲۱۶۸، ش ۹۱۱۵).

ب) تضمین هفت‌بند کاشی (تضمین هفت و منظومه‌های دیگر است)، از علی دهلوی، ۱۳۲۴ هـ/ ۱۹۰۶ م، دهلی، ص ۴۷.

کتابشناسی آثار فارسی چاپ شده در شبه قاره، ج ۳، ص ۲۰۱۶، ش ۸۵۳۳)

۳. تضمین به اردوی او پس از تضمین به فارسی او چاپ شده است.



تصنیفات شاعر شیرین کلام مداح امام علیه السلام جناب داکتر^۱ میرضامن علی صاحب المتخلص به لہوی، شاگرد جناب میرغلام مجیب صاحب متخلص به مجیب لکهنوی، شاگرد جناب میرضمیر صاحب مغفور ولد حکیم میرباسط علی صاحب متخلص [به] محوی اله آبادی، از شاگردان مرزا فصیح صاحب مرحوم. به تاریخ چهارم ماه رمضان المبارک سنہ ۱۳۱۶ هجری به مقام لکهنو محلہ فراشخانه وزیر گنج مطبوعه مطبع اثنا عشری عابدی علی رضوی».

هر چند این تضمین هفت‌بند کاشی مثال شعر عالی و ممتاز فارسی سرایان شبه قاره نیست، اولاً به مثبت‌برگی از دفتر فارسی سرائی‌های سدهٔ اخیر آن بلاد، و ثانیاً چونان مکتلی از برای مجموعهٔ تضمین‌ها و تقلیدهای هفت‌بند کاشی، بی تردید باید در معرض دید و داوری پژوهندگان فرهنگ و تاریخ و تراث باشد، تا فراز و فرود و چه و چون و چند این تکاپوهای فرهنگی گذشتگان و دامنهٔ آن، بدرستی و روشنی مورد بحث و تنقیب و فحص و تفتیش واقع شود.

همین فائده‌مندی بررسی تضمین حاضر برای پژوهندگان، ما را بر آن داشت تا به نشر آن بدین صورت دست یازیم. و دسترس اهل تتبع را به متن موجود - علی‌رغم ناهمواریهایی که در آن برجای مانده است - خواهان باشیم. والله من وراء القصد.

ما هفت‌بند کاشی را نیز با منابع ذیل مقابله و موارد اختلاف را در پاورقی ذکر کرده‌ایم:

۱. دیوان حسن کاشی، به کوشش سید عباس رستاخیز، با مقدمهٔ حسن عاطفی، تهران، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، چ ۱، ۱۳۸۸ ه.ش. از آن بارمز «کا» یاد کرده‌ام.
۲. هفت‌بند هفتادبند (هفت‌بند حسن کاشی و مجموعه سیزده هفت‌بند و یک تخمیس و تضمین به اقتضای آن)، به کوشش زنده‌یاد سعید هندی، تهران، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، چ ۱، ۱۳۸۸ ه.ش. رمز این کتاب را «هفت» قرار داده‌ام.
۳. متن کامل هفت‌بند حسن کاشی، تصحیح نجیب مایل هروی، چاپ در مجموعهٔ رسائل فارسی، دفتر پنجم، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، چ ۱، ۱۳۷۸ ه.ش. رمز این کتاب «میج» قرار داده شد.
۴. متن هفت‌بند کاشی در تذکرهٔ لطایف الخیال، تألیف شاه محمد دارابی، تصحیح یوسف بیگ

۱. در نسخه بر روی «د» و «ت»، «ط» گذاشته شده که مراد «د» و «ت» هندی است.

باباپور، قم، مجمع ذخایر اسلامی، چ ۱، [۱۳۹۱ ه.ش]. به آن بارمز «تذ» اشارت کرده‌ام. در پایان این فائدت رایفنایم که متن هفت بند کاشی در این تضمین پیش رو با تمامی منابع پیشگفته تفاوتی دارد که بدانها در ذیل اشارت می‌کنم:

۱. «بهترین نسل آدم نفس ختم المسلمین» در منابع «خیر المسلمین»
۲. «بسته بر مهر تو خالق مهر حورالعین بس» در منابع «ایزد» بدل «خالق»
۳. «نشتر شمشیر شیران، روی در شران نهد» در منابع «شریان» بدل «شیران»
۴. «آنچه حسان روی در زمان مصطفی» در منابع «وقتی» بدل «روی»
۵. «بازوی خیر گشایت یا امیر المؤمنین» در منابع «زور آزمایت» بدل «خیر گشایت»
۶. «بر سریر احترام آفتاب از زره کم» در منابع «سپهر» بدل «سریر»



تضمین هفت بند کاشی

[بند یکم]

ای که پیش رفعتت، عرش مُعلیٰ شرمگین فیض یاب از قُبّه‌ی درگاه تو مهرمبین
سرنگون پیش جلالت، از ازل چرخ برین رکن ارکان فضیلت زینت شرع متین
کی نخواند ایستاده، بردرت روح الامین السلام ای سایه‌ات خورشید رب العالمین

آسمان عزّ و تمکین، آفتاب داد و دین

نامِ نامی، نام پاکِ ایزد جان آفرین ای خوشا ذات گرامی، خادم‌ت روح الامین
عروه‌الوُثقیای حق هستی وهم «جبل المتین» بنگراز چشم عنایت، بر من اندوهگین
آرزو دارم که پیش روضه‌ات خوانم السلام ای سایه‌ات خورشید رب العالمین

آسمان عزّ و تمکین، آفتاب داد و دین

صاحب تیغ دو پیکر، خواجه‌ی هر هشت خُلد مالک سلمان و بوذر، خواجه‌ی هر هشت خُلد
رحمت خلاق اکبر، خواجه‌ی هر هشت خُلد بت شکن ساقی کوثر، خواجه‌ی هر هشت خُلد
همچو خالق بنده پرور، خواجه‌ی هر هشت خُلد مفتی هر چاردقتر^۲، خواجه‌ی هر هشت خُلد

داور هرشش جهت، اعظم امیر المؤمنین

قوّت بازوی یاسین و وقار «لوکُشف»^۳ رحمت باعث تزئین قرآن، اقتدار «لوکُشف»^۱
احتشام قُل کفی و تاجدار «لوکُشف» همچو زینت اورنگ ایمان، شهریار «لوکُشف»^۲
صاحب اِنّا فتننا، افتخار «لوکُشف»^۳ عالم علم لدّنی^۴، شهسوار «لوکُشف»^۵
ناصر حق، نَفَس پیغمبر^۶، امام المتّقین^۷

۱. به معنای هشت در بهشت است.

۲. مراد قرآن و انجیل و تورات و زبور است.

۳. کلام امیر المؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام فرمودند: لَوْ كُشِفَ الْغِطَاءُ مَا زِدَدْتُ يَقِيناً؛ اگر پرده‌ها کنار رود چیزی بریقین من اضافه نمی‌شود.

۴. هفت، کا، مج: سلونی.

۵. هفت: نَص پیغمبر.

۶. هفت، تذ، مج: امام راستین.

۷. دو مصرع آخر در تذکره و مجموعه و کاشی بیت سوم و در هفت بیت چهارم آمده است.



سرگروه اتقیاء و اولیاء و اوصیاء خیر^۱ محض و وژنه دار حضرت خیرالسورا
در گشا، خیر گشا، عقده گشا، مشکل گشا زور بازوی نبی، دست زردست خدا
گس نداند مَر تره، اِلّا خدا و مصطفی صاحب «یوفون بالآندر»، آفتاب «انما»
قُوَّةُ الْعَيْنِ لِعَمْرِكَ نَازِحِ رُوحِ الْاَمِينِ^۲

پیشوای سالکان و رهنمای عارفان صورت معنای حق، مقصود حکم کُنْ فَكَانَ
همچو احمد ذات پاکت، پاک از رجس و زیان^۳ غایت ایجاد عالم، علّت کون و مکان
در جنان رنگ فیوضت، چون جنائی در جنان در جهان از روی^۴ حشمت^۵، چون جهانی در جهان
بر^۶ زمین^۷ از روی^۸ رفعت^۹، آسمانی بر زمین^{۱۰}

پیش عدلت چون نلرزد از مگس پیل دمان بردرت از کودکی سهراب می خواهد امان
موسی عمران بداند کیستی در عزّ و شأن بوده [ای] اقبال از ولادت، محسن پیغمبران
کی نتابد تیر اعجاز تو بر آسمان در جهان از روی حشمت، چون جهانی در جهان
بر زمین از روی رفعت، آسمانی بر زمین

ای بَجَلَوْتُ از تو عرش ربّ اعلیٰ مُستفیض وی به خلوت از تو بزم شاه بطحی مستفیض
یوسف اندر قعر چینه بر طور موسی مستفیض نوح ممنون گرم، خضر و مسیحا مستفیض
شد ز ابر رحمت هر گل به صحرا مستفیض از عطای دست قیّاض تو، دریا^{۱۱} مستفیض
وز ریاض نُزهت^{۱۲} طبع تورضوان خوشه چین^{۱۳}

۱. در اصل: خبیر.

۲. اشاره به آیه های ۷ و ۸ سوره ی انسان دارد که درباره امیرالمؤمنین، فاطمه زهرا و فرزندانشان نازل شده است.

« یوفون بالآندر و یخافون یوما کان شَرّه مستطیراً * و یطعمون الطعام علی حبه مسکیناً و یتیماً و اسیراً »

۳. دو مصرع آخر در تذکره، هفت و کاشی بیت ششم و در مجموعه بیت پنجم آمده است.

۴. در نسخه ی اصلی (همچون) نوشته شده است. به نظر می رسد برای خواندن شعر همچو وزن بهتری دارد.

۵. در نسخه ی اصلی «زیان» نوشته شده. به نظر می رسد «زیان» درست است.

۶. کا: راه.

۷. تذ: رفعت.

۸. کا: در

۹. مج: جهان.

۱۰. تذ: راه.

۱۱. تذ: عزت.

۱۲. دو مصرع آخر در تذکره و هفت و کاشی بیت هفتم آمده و در مجموعه بیت ششم آمده.

۱۳. هفت: گردون.

۱۴. تذ: مدحت، مج: نکهت.

۱۵. دو مصرع آخر در تذکره و کاشی بیت هشتم، در مجموعه بیت هفتم، در هفت بیت نهم آمده است.



ای یَد قدرت درون پرده [ی] انوار غیب سربه سرپیدا ز آثار شما، آثار غیب
 گس نداند غیر تو حقّار موز کار غیب از ضیای رُح هویدا، صورتِ اظهار غیب
 می رسد از دفتر خالق به تو اخبار غیب مقصد^۱ تنزیل بَلغ، مرکز اسرار غیب
 مطلع^۲ یَلوهُ شاهد، مقطع^۳ حبل المتین^۴

عرش پیش طارم اعلای قدرت، سرنگون رفعت ایوانِ اجلالَت زافزونی، فزون
 می کند طوف دَرّت، خم گشته چرخ نیلگون یافته از فهم خود، وصف تو عقل کلّ، برون
 نیست تثلیت به زیر آسمان بی ستون نقش بند کاف و نون، از بدو^۵ فطرت تا کنون
 ناکشیده چون مه رخسار تو نقش^۶ مبین^۷

مَرتورا با این کرامت، موسی دریا شگاف می دهد بر خود فضیلت، موسی دریا شگاف
 هست غرقِ بحر حیرت، موسی دریا شگاف درد تو دارد به جَنّت، موسی دریا شگاف
 کی نباشد صرفِ مدحت موسی دریا شگاف حاجب^۸ ایوانِ اَمرت موسی دریا شگاف
 پرده دار بامِ قصرت عیسی گردون نشین^۹

سید ارباب صولت، باعث ایجاد خلق صاحب تکریم و عزّت، باعث ایجاد خلق
 قبله‌ی صبر و قناعت، باعث ایجاد خلق کعبه‌ی جاه و فضیلت، باعث ایجاد خلق
 موجب تنزیل رحمت، باعث ایجاد خلق صورت معنای فطرت، باعث^{۱۰} ایجاد خلق
 بهترین نسلِ آدم^{۱۱}، نفسِ ختم المرسلین^{۱۲}

۱. تذ: مخزن.

۲. کا: مقطع.

۳. کا: مطلع.

۴. دو مصرع آخر در بند اول کاشی و تذکره، بیت چهارم آمده و در هفت بند بیت سوم آمده و در مجموعه اصلاً ذکر نشده است.

۵. کا، تذ، مج: روز - هفت: دو روز.

۶. مج: حرف.

۷. دو مصرع آخر در مجموعه و کاشی و تذکره بیت دهم و در هفت بیت یازدهم آمده است.

۸. تذ، هفت: کاتب - کا: صاحب.

۹. دو مصرع آخر در کاشی و تذکره بیت نهم و در هفت و مجموعه بیت هشتم است.

۱۰. تذ: مبنی.

۱۱. کا، مج: سَراهل نسل آدم - هفت: اشرف اولاد آدم - تذ: سرّاصل نسل آدم - هفت، پاورقی ۵: (ج: سرفراز

نسل، ج حا: بهترین نسل، ز: سرور اولاد)

۱۲. دو مصرع آخر در کاشی، هفت و تذکره بیت پنجم و در مجموعه بیت چهارم آمده.



بر نیاید کی زدست پر عطایت داد خلق مثل خالق ساعتی غافل نمی از یاد خلق
 ای کریم دو جهان، وی مرجع فریاد خلق وی کسی هر بی کس وای مرکز امداد خلق
 مبدأ (ظ) فضل الهی، موجب بنیاد خلق صورت معنای خلقت باعث ایجاد خلق
 بهترین نسل آدم^۱، نفس ختم المرسلین^۲

شد مزین ازورد تو تقوا [ای] تو دامن عمر [گه] ندیدی گدمی تا زندگی بر خون عمر
 مثل بسم الله زیب مطلع دیوان عمر مقطع بالخیر، مضمون جلال و شان عمر
 کی تواند دیگری وارد چنین سامان عمر ناشنیده از زمان مهد تا پایان^۳ عمر
 بی رضای حق ز تو حرف^۴ کراما کاتبین^۵

عاجز از گردش دوران به حق لایزال لطف فرما یا علی، بنگر به عبد خسته حال
 نی تمّای ز زاست از تو نخواهم ملک و مال کن گدای درگه خود بس همین دارم سؤال
 چون کنم وصفت، نه صفوانم نه مرد ذی کمال مثل تو چون شبه^۶ ایزد، در همه حالی محال^۷
 و ربّود ممکن نه الا رحمة للعالمین^۸

ای شهنشاهی که ابن عم، رسول الله بود قوت بازوش در عالم، رسول الله بود
 مفتخر از نصرتش، هر دم رسول الله بود از سرور و فرحتش، خرم رسول الله بود
 کی نشاد از من به هر بیتم، رسول الله بود آنکه^۹ مداحش خدا، همدم، رسول الله بود
 گر کسی همتاش باشد^{۱۰}، هم رسول الله بود^{۱۱}

۱. کا، میح: سزاهل نسل آدم - هفت: اشرف اولاد آدم - تذ: سزاصل نسل آدم - هفت، پاورقی ۵: (ج: سرفراز نسل، ج حا: بهترین نسل، ز: سرور اولاد)
۲. دو مصرع آخر در کاشی، هفت و تذکره بیت پنجم و در مجموعه بیت چهارم آمده.
۳. هفت، تذ: باقی.
۴. تذ، کا، میح، هفت: حرفی.
۵. کا، تذ، میح، هفت: کرام الکاتبین.
۶. دو مصرع آخر در کاشی و تذکره بیت یازدهم و در هفت و مجموعه بیت دهم آمده است.
۷. کا: ناورده.
۸. تذ: حال و محال - هفت: پاورقی ۱ حال و محال
۹. دو مصرع آخر در کاشی، هفت، تذکره در بیت ۱۲ آمده و در مجموعه بیت یازدهم.
۱۰. تذ، کا: هرکه.
۱۱. تذ: جویی.
۱۲. دو مصرع آخر در کاشی و هفت و تذکره بیت ۱۳ و در مجموعه بیت ۱۲ است.



[بند دوم]

مثل گلهای جنان در کوچه‌ات خاشاک و خَس چون نقیبان بردرت، جن و ملایک پیش و پس
 در نگاه صولتت سیمغ بنماید مگس سام نزد شوکت کاهیده تن از یک عدس
 مرتضیٰ مشکل گشا، باب الأمان، فریاد رس ای به غیر از مصطفیٰ نابوده^۱ همتای تو کس
بسته بر مهر تو خالق^۲ مهر حورالعین و بس

ظاهر و باطن به اخلاق پیمبر مشترک پیش گلزار عطایک برگ گل، باغ فدک
 بیعت تو نقد ایمان منافق را محک نیست در اعجاز ذات بی مثالیت هیچ شک
 کی بود مثلت کسی از ماه گردون تا سَمک مهره مهر از گلوی صبح^۳ بر نارد فلک^۴
گر نه از مهر تو آید صبح صادق را نفس^۵

ذره‌ی خاک نجف تابنده تر از مهر و ماه طعنه زن بر بوی مشک و زعفران، گردد گیاه
 نسخه [ی] حبّ شهادت روی امراض گناه ای که باغ خُلد بهر خادمیت، آرامگاه
 بگذرد از قصر زینه به یک یک نگاه کازوان سالار جاهت^۶، گر کند^۷ آهنگ راه
چرخ را بردست پیش آهنگ بندد، چون جرس^۸

ای که در دستت عنان ابلق لیل و نهار کس ندارد غیر تو در حکمتت رب اختیار
 چون رسد دست دگر بردست دست کردگار نزد خدام شما، زال و نریبان بی وقار
 روز میدان نبرد ای سید دُلْدُل سوار با شکوه و صولتت، داستان^۹ نیاید در شمار^{۱۰}
وز^{۱۱} پر^{۱۲} عنقای مغرب کی شکوه آرد مگس

۱. کا: نادیده.

۲. تذ، کا، مع، هفت: ایزد.

۳. میح، هفت: چرخ.

۴. مع: مُدام.

۵. دو مصرع آخر در تذکره، مجموعه و کاشی بیت دوم (از بند دوم) و در هفت بیت چهارم است.

۶. هفت، پاورقی ۷: از راه حجت.

۷. تذ، کا، هفت، میح: چون کند.

۸. این دو مصرع در تذکره و کاشی و مجموعه در بیت چهارم و در هفت بیت سوم آمده.

۹. تمام نسخ: - و.

۱۰. هفت، پاورقی ۹: در زمین.

۱۱. میح: مضاف.

۱۲. همه‌ی نسخ: در.

۱۳. تذ، هفت، میح: بر.

در مبارز سرزنگون پیشت یلان نامدار کم زیک موری به میدان و غا، اسفندیار
از نهب خنجرت بگرخت مرحب سوی نار خوب می داند فلک کاری چه کرده ذوالفقار
باب خیربردوانگشت شاد کارزار باشکوه و صولت، دستان نیاید در شمار
وزیر عنقای مغرب کی شکوه آرد مگس

طالبان دهر خودها را به سیم وزر کشند شیعیان را خادمانت جانب کوششند
تاجران بهر تجارت از صدف گوهر کشند سالکان کوی تو خاک نجف در بر کشند
در جهان زیر فلک جایی که جمله سر کشند ورشکوهت^۱ رابه میزان معانی برکشند
از ره خفت کم آید بوقییس، از یک عدس

شد منور بر فلک از نور آسمای تو، مهر کی نماید روبه پیش روی یکتای تو، مهر
گرده [ی] نان است از خوان گرمهای تو، مهر سرزنگون پیش تو چرخ پیرشیدای تو، مهر
از ضیای خود به اقلیمت صف آرای تو مهر کیست با قدرت، سپهر؟! و چیست با رأی تو، مهر؟!
آن ز قدرت مستعار^۲ و این ز رأیت، مقببش^۳

پیش فهمت فرق خود بر سنگ، افلاطون زند کوزهی حکمت، ارسطوبر لب جیحون زند
دم به غیر از حکم تو ذی عقل نی مجنون زند شور الحاضر به امرت در جان، هارون زند
حاتم طی بردت لاف سخاوت چون زند گردل دریا عطایت^۴، موج برگردون زند
بجه^۵ گردون در آن گردان نماید [همچو] خس

حق ثنا خوان تو در قرآن ز روی انکشاف در سطور مدحنت جایی ندیدم شین و کاف
پیش تو گر رستمی در دل کند، عزم گراف خنجر قهرت در آید از سرش تا زیر ناف
چون نه گردان جهان ترسند از تو چون عجاف صولت^۶ بازوت^۷ گز^۸ دستان بدیدی در مصاف
مرغ روحش بی گمان^۹ از بیم بشکستی قفس^{۱۰}

۱. هفت، پاورقی ۱۶: صولت را گر.

۲. تذ: مستعان.

۳. دو مصرع آخر در کاشی، تذکره و مجموعه بیت سوم و در هفت بیت دوم آمده است.

۴. تذ، هفت: شکافت - هفت، پاورقی ۱۴: شکوهت.

۵. کا، میح: قبه.

۶. میح: ضرب، هفت: قوت.

۷. میح، کا: بازویت.

۸. میح: اگر، کا: ار.

۹. همه‌ی نسخ: در زمان.

۱۰. میح، پاورقی ۱: - صولت بازوت..... قفس.



[قطعه]

ای ستون کعبه [ی] شرع جناب مصطفی ذات پاکت زینت اسلام، بی چون و چرا
 خسرو عالم، کریم الخاشعین، مشکل گشا باعث فتح مبارزه صاحب تاج و کوا
 کی نه نصرت، دست تو بوسد میان جنگها اندر آن^۱ میدان که مردان سعادت^۲ جوی را

از ره^۳ مردی^۴ عنان از دست، پرباید قریش

تاج «هل من» برسرش، گر خسرو میدان نهد چشم بر خون رگ جان، خنجر بزان نهد
 بر لب سو فار جالاد فلک پیکان نهد از نهیب توبه زیر تیغ، سر دستان نهد
 بار احسان اجل، قسمت به هر انسان نهد نیشتر شمشیر شیران^۵، روی در شزان^۶ نهد

چون طیب مرگ گیرد، ساعد جان را محس

جنگجو عاجز ز جور گردش دوران شوند سرفروشان جهان بی دل ز نقد جان شوند
 زیر آب آید فلک، جن و ملک حیران شوند مردمان بر انقلاب بخت خود، گریان شوند
 در صف رزم، از خجالت سرنگون، گردان شوند خلق هفت اقلیم، گر آن روز همدستان^۸ شوند

از ره^۹ مردی نیارد، پای^{۱۰} میدان^{۱۱} تو گس

۱. هفت: هم در آن.

۲. میج: سعادت مند.

۳. تذ: کف.

۴. هفت: از سرمستی.

۵. هفت: شمشیر ران.

۶. همه ی نسخ: شریان - هفت: روی بر شیران.

۷. همه ی نسخ: اگر.

۸. میج: چون دستان.

۹. تذ: سر.

۱۰. میج: تاب - هفت: کا: پا به.

۱۱. هفت: (ز: ندارد پای دستان، ج: تاب دستان)

وقت دارد گیربی حکم توای دُلْدُل سوار از غلاف آید برون هرگز نه تیغ آبدار
 کودکی نادان به نَزْدَت رستم واسفندیار در مصاف، افراسیاب و هم نریمان [شرمسار
 خیره از نور تو گردد چشم اهل کارزار از میان مشرق^۱ میدان^۲ بیایی^۳ مهرور^۴

رایت^۵ دولت^۶ ز^۷ پیش و آیت^۸ نصرت^۹، ز پش

سرنگون از جلوه‌ی تیغ تو، برق کوهسار گبید گزبان بلرزد از نهیب کارزار
 ...^{۱۰} صولتت هرگز نیاید در شمار در صف میدان، ملایک بهر تو در انتظار
 از فلک آید صدای هل آتی، هم بار بار صورتی گردد^{۱۱} مجسم، فتح^{۱۲} گوید^{۱۳} آشکار

لَا قَتَىٰ إِلَّا عَلَيَّ لَا سَيْفٌ إِلَّا ذُو الْقَفَازِ

[بند سوم]

دیگری این مرتبت کی بنده پرور یافته تو وصایت از خدا و مصطفی دریافته
 سائلت گر خواسته مس، کیسه زر یافته طالب یک قطره‌ی آب از تو گوهر یافته
 حُسن روح، از فیض تو، این چرخ اخضر یافته ای سپهر عَظْمَت^{۱۴} از فَرِّ^{۱۵} تو^{۱۶}، زیور یافته

آفتاب^{۱۷} از سایه‌ی چتر تو افسر^{۱۸} یافته

۱. مج: - و.

۲. مج: مغرب، کا: هیجا.

۳. کا، هفت، مج: برآیی - تذ: درآیی.

۴. هفت، پاورقی ۲۴: (س: مرد وار - ز: برآید مرد وار)

۵. تذ: آیت.

۶. کا: نصرت.

۷. تذ: به.

۸. تذ: رایت.

۹. کا: دولت، مج: رحمت.

۱۰. جای یک کلمه خوانده نشد.

۱۱. تذ: آمد.

۱۲. مج: + و.

۱۳. تذ: را کرد.

۱۴. کا، تذ، هفت: عصمت، مج: حشمت.

۱۵. تذ: نور

۱۶. هفت، پاورقی ۱: (ح: عَزَّت از تو نور ز نور تو، س: عزت از نور تو).

۱۷. کا، مج: آسمان.

۱۸. مج، پاورقی ۱: آفتاب از..... رفعت یافته.



هرگدای درگهت، خود را تو [انگ ریافته سائلِ فلفل زتو، یاقوتِ احمر ریافته
تخت هفت اقلیم از فیضت، سکندر ریافته طلعتش از آستانت، شاهِ خاور ریافته
چرخ از بجرگرم، دُزهایِ اختر ریافته ای سپهر عظیمت از فرّ تو، زیور ریافته

آفتاب از سایه‌ی چتر تو افسر ریافته

گر کسی پیشت گهی یک حرفِ یکتائی زده سنگ لعنت بر سر او چرخِ مینائی زده
کی قدم بیرون، خردمندی زدانائی زده دمّ نه گاهی بر سخاوت، حاتم طائی زده
زهد تو تکیه به زانوی شکیبائی زده هر که^۱ اندر آفرینش، لاف بالائی زده^۲
رفعت^۳ را ز آفرینش، پایه برتر ریافته^۴

کی تو را داند کسی غیر از حبیب کردگار پایه‌ی شرع متین، [از ذات پاکت استوار
از عنایات شمای صاحب عالی وقار سقف گردون، بی ستون، قایم، به این نقش و نگار
چون نه چرخ پیر گردد بر مزارت، باز باز از غبارِ دَرگه عرش^۵، احترامت آشکار

کیمیاگر نسخه‌ی گوگردِ احمر ریافته^۶

ختم کرده بر تو صولت، دستِ نقاشِ ازل مرتورا بخشید زینت، دستِ نقاشِ ازل
در همه صورت ز رفعت، دستِ نقاشِ ازل ساخت یکتایت به حکمت، دستِ نقاشِ ازل
تا کنون از روز فطرت دستِ نقاشِ ازل بر آ امید نقش^۷ رویت، دستِ نقاشِ ازل
نقشها بر بست^۸، لیکن چون تو، کمتر ریافته^۹

۱. تذ: هفت، میح: آنکه - کا: وانکه.

۲. هفت، پاورقی ۴: (ج: لاف بالا می زده).

۳. تذ: نسبت - هفت، پاورقی ۵: (ز: رفعتش).

۴. دو مصرع آخر در کاشی و هفت و تذکره بیت ۵ و در مجموعه بیت هفتم آمده است.

۵. کا، هفت و میح: چرخ.

۶. دو مصرع آخر در مجموعه، تذکره و کاشی بیت دوم آمده و در هفت بیت چهارم.

۷. کا، تذ: مثل - هفت: مهر.

۸. همه‌ی نسخ: بر بسته.

۹. دو مصرع آخر در کاشی و تذکره بیت سوم و در هفت بیت دوم و در مجموعه بیت چهارم آمده.

کس نداند جز تور از خالق عزوجل سرحق دانی، توئی واقف توئی از ما حصل
 نیست غیر از مدح تو در خلق نیکوتر عمل از خدا جبریل را آگاه کردی بر محل
 ذکر یوسف در ثنایت، عقل را دارد خلل بر آید نقش رویت دست نقاش ازل
نقشها بر بست، لیکن چون تو، کمتر یافته

ای که اسمت برجبین عرش یزدان نقش بست سکه‌ی ضربت به لوح قلب گردان نقش بست
 در بلا اسم تو، بهر جز طفلان نقش بست زینت حُب شمای بر روی ایمان نقش بست
 احتشام مدح در اوراق قرآن نقش بست هر که مهر مهر تو بر صفحه‌ی جان نقش کرد

مخزن دل را چو کان^۳ زرتو^۱ انگریافته

رتبه‌ی اعلیٰ تو را بخشید ربّ دو جهان قبله‌ی دین [پیمبر] کعبه‌ی کون و مکان
 چون کند وصف شما، همچون من بی خائنان آنچه هستی خود بدانی ای مُدّ شعیان
 موج زن بحر عطاییت از زمین تا آسمان هر که دستت را به دریا کرد، نسبت بی گمان
رَشحه [ی] دست تو را دریای اخضر یافته^۶

بهر احباب تو، داور، باب رحمت کرده باز وزیرای خدمت دَرهای جنت کرده باز
 پرده‌های نُه فلک، خالق برایت کرده باز خانه‌ی خود بهر توقبل از ولادت کرده باز
 عقدهای سرحق، ذاتت به شوکت کرده باز باز قَدَرَت^۷ هر کجا بال جلالت^۸ کرده باز
طائران سدره را در زیر شهر یافته^۹

۱. تذ: دل.

۲. مج: کا: کرده نقش - هفت، تذ: نقش کرد، هفت، پاورقی ۱۰: (ز: جان کرد نقش).

۳. تذ: + از.

۴. مج: آنکه.

۵. کا، مج: کرده.

۶. دو مصرع آخر در هفت بیت سوم آمده و در کاشی و تذکره بیت چهارم و در مجموعه بیت پنجم آمده.

۷. تذ: چترت.

۸. تذ: صلابت - هفت، پاورقی ۷: (ج: حا: بال سعادت).

۹. دو مصرع آخر در کاشی، هفت و تذکره بیت ششم و در مجموعه بیت سوم آمده است.



ای رسیدی تا خدا قبل از نبی نیک خو برتری، از آدم و عالم به هرکاری نکو
دشمن جانت که شد هم آشتی کردی از او عفو فرمودی قصاص خود ز مردی، کینه جو
کی رسد تا اوج توصیف شمایین مدح گو روز فتح الباب زابر دست دریا بارتو
نسر طائر را فلک، چون بَطُّ شناور یافته

اتحاد لَمْ یَزَلْ از تو [پیمبر] داشته نی نبی مثل شامونس برادر داشته
نزد خود جای تو را خلاق اکبر داشته وز برای خادمانت حوض کوثر داشته
سائلت گاهی نه اُمید از تو [ا] نگر داشته هر که ^۱ دست حاجتی بر روی ^۲ تو برداشته
تاقیامت دست خود را ^۳ حاجت ^۴ آور یافته

خادمان درگهت اعلیٰ ترند از اغنیا فر جمشیدی گدا دارد به اقلیم شما
از رموز حق خبرداری ز روز ابتدا راز تو دانند [پیمبر] یا بدانند کبریا
می کند رضوان طواف درگهت صبح و مسا ساقی کوثر، نه چندان مدح باشد مرتورا
ای ز تو دریای فطرت ^۵ کان گوهر یافته ^۶

مظهر سر الهی نائب خیر الورا عالم سدره چه داند چون تو باب علم را
از سواد نور اقدس زینت عرش عَلا و ز نسیم لطف تو خلد برین راحت فزا
حور محتاج درت غلمان پابوس شما با صفای گوهر پاک تو رضوان ^۷ سالها
خاک خجلت برجین حوض ^۸ کوثر ^۹ یافته ^{۱۰}

۱. تذ، هفت: آنکه.

۲. تذ: درگهت - کا، هفت، مج: جود.

۳. کا: + تاقیامت.

۴. مج: حاجب.

۵. مج: رحمت - هفت، پاورقی ۱۴: (س: اخضر)

۶. دو مصرع آخر در کاشی بیت نهم و در تذکره، مجموعه و هفت بیت دهم آمده است.

۷. همه ی نسخ: گردون.

۸. همه ی نسخ: آب.

۹. هفت، پاورقی ۱۵: (س: آب حیوان).

۱۰. دو مصرع آخر در تذکره بیت دهم و در بقیه بیت یازدهم آمده است.



بود[ه] آئی قبل از ولادت نزد سبحان ساها کرد مدحت در جهان محبوب یزدان ساها
 شد ثناخوان شماموسی عمران ساها بود در توصیف ذاتت هم سلیمان ساها
 روز و شب کردند و زدت حورو و غلمان ساها با صفای گوهر پاک تورضوان ساها

خاک خجالت برجین حوض کوثر یافته

بود التجا دارم ز توای دستگیری نوا کن مشرف از درت ما را برای مصطفی (ص)
 طالب خلد برین من نیستم از کبریا از نجف خوشتر نباشد جنت راحت فزا
 [آ] بروی گلشن [فردوس ۱] از فیض شما با صفای گوهر پاک تورضوان ساها

خاک خجالت برجین حوض کوثر یافته

ای که خود را در همه اوصاف نیکو داشته سایه ی لطف و کرم مبسوط هر سودا داشته
 گر عناد از تورقیب عربده جو داشته طوق لعنت هم برایش خالق او داشته
 دشمنان در جهان کی مثل تو خود داشته با خدا و مصطفی روی^۲ تویکرو^۳ داشته

از خدا و مصطفی شمشیر و دختر یافته

نی شدی گرمکشف از [وجه] تو علم و ادب هریکی از جاهلان مردی به صد رنج و تعب
 ناخدای کشتی عاصی بدریای غضب مجرمان را چون [بیخشد] غیر امداد تورب
 می شود ظاهر ز جودت ای شه عالی لقب گرنبودی ذات پاکت آفرینش راسب

تا ابد حوّا بسترون بودی و آدم عزب

[بند چهارم]

سابقُ الاسلام، فخرِ خاندانِ مصطفی از تو روشن، اخترِ نام و نشانِ مصطفی
 عزّت و در عالم اسبابِ شانِ مصطفی در دهانِ پاکِ خود داری زبانِ مصطفی
 چون تو سالاری ندارد کاروانِ مصطفی ای معظم کعبه ی اصل از بیانِ مصطفی
 قبله دنیا و دین جان جهانِ مصطفی

۱. در نسخه ی اصل [فردوس] نوشته شده است.

۲. همه ی نسخ: رای.

۳. کا: یک ره.



زینت شرع [پیمبر(ص)] رتبه دان مصطفیٰ بر سر ممبر بعالم خطبه خوان مصطفیٰ
 راحت قلب و جگر تاب و توان مصطفیٰ دیگری کی می رسد تا اوج شان مصطفیٰ
 شد منور از تو مهر آسمان مصطفیٰ ای معظم کعبه ی اصل از بیان مصطفیٰ
قبله دنیا و دین جان جهان مصطفیٰ

خوشه چین گلشن عزت و رضوان چنان قاسم رزق دو عالم، حاکم کون و مکان
 هریکی محتاج فرمادت به این دُور زمان مستفید از سایه ی افضال تو خورد و کلان
 بر شما کی منکشف گردون [اسرار نهان از نقود گوهر معنی لبالب شد دهان]^۱
چون نهادی لب به صورت بر دهان مصطفیٰ^۲

ای ثنا خوان تو از روز ازل ربّ جهان یافتی معراج بردوش [پیمبر(ص)] بی گمان
 لات باقی ماند؟ نی، عزّی به این دُور زمان پاک کردی خانه [ی] خلاق عالم از بُتان
 مظهر سرّ خفی، ذاتت به زیر آسمان از نقود گوهر معنی لبالب شد دهان
چون نهادی لب به صورت بر دهان مصطفیٰ

شد نه بالای زمین مشکل گشا غیر از تو کس نی رسیده تا به عرش کبریا غیر از تو کس
 ناشنیده بهترین اوصیاء غیر از تو کس هم [نبُذ] کشتی دین را نا خدا غیر از تو کس
 نیست ابن عمّ شاه دوسرا غیر از تو کس ای به استحقاق بعد از مصطفیٰ غیر از تو کس
نا نهاده پای تمکین بر مکان مصطفیٰ^۳

از جفای چرخ تا کی من بنالم چون جرس رحم کن بر خادم دیرینه ات یاد ادرس
 ای ستوده مرتورا محبوب حق در هر نفس چون رسد تا اوج عزّ و احترامت بوالهوس
 نفس ختم المرسلین خالق تورا فرموده بس ای به استحقاق بعد از مصطفیٰ غیر از تو کس
نا نهاده پای تمکین بر مکان مصطفیٰ

۱. تذ، کا: دهانت.

۲. همه ی نسخ: تا.

۳. دو مصرع آخر در کاشی بیت سوم و در بقیه ی نسخ بیت دوم آمده است.

۴. مج، تذ: - از

۵. مج: تا.

۶. دو مصرع آخر در کاشی بیت دوم، در مجموعه و هفت بیت سوم و در تذکره بیت ششم آمده است.

هر عُدود در رزم گه از خنجرش قبرش [شکافت ۱] نشتر تیغ جلالت سینه‌ی گردان [شکافت ۲]
 بر فلک جَلاد چرخ از هیبت عدلت شتافت شمس بهرتو بساطی از شعاع نور یافت
 اوج اعزاز شما کی دیگری از حق بیافت تا سپهر شرع زو^۳ پرنور شد هرگز نتافت^۴
 چون^۵ توروشن ترمهی بر آسمان مصطفی^۶

چون رَوَد پیش دگراز در گهت این خیر خواه پرتو اجلال تو سایه فکن بر مهر و ماه
 ای که محتاج عطایت هر گدا و پادشاه گرنخواهی عاصیان راهم نیامزد اِلَه
 خود بداند شرع عزّ و جاه تو ای دین پناه [رهروان] عالم تحقیق^۷ را نابوده راه
 بی^۸ زمین بوس درت بر آستان مصطفی^۹

[قطعه]

این مسبع از برای خود نه پیدا کرده‌ام بهرتو یک هدیه شاها [من] مهیا کرده‌ام
 منصفی برتوست جا کردم که بیجا کرده‌ام از جهالت آنچه ممکن بود آقا کرده‌ام
 فکر مضمون عُلا از فکر اعلی کرده‌ام گرچه در عالم به اقبال تو شاها کرده‌ام
 آنچه حسان^{۱۰} کرد^{۱۱} روزی^{۱۲} در زمان مصطفی^{۱۳}

۱. اصل: یکافت.

۲. اصل: شکاف.

۳. هفت: او - بقیه‌ی نسخ: ازو - هفت، پاورقی ۵: (ج ح: چرخ ازو، س: شرع را).

۴. هفت، پاورقی ۶: (ج ح، س: دیگر نیافت).

۵. همه‌ی نسخ: از.

۶. دو مصرع آخر در تذکره بیت چهارم و در بقیه‌ی نسخ بیت پنجم آمده است.

۷. هفت: حق.

۸. میج: پی.

۹. در تذکره بیت ۵ آمده و در بقیه‌ی نسخ بیت ۶ آمده است.

۱۰. حسان بن ثابت شاعر معروف.

۱۱. تذ: + ه - هفت، پاورقی ۱۳: (ز حسان کرده).

۱۲. همه‌ی نسخ: وقتی.

۱۳. این دو مصرع در مجموعه بیت هفتم آمده و در بقیه بیت هشتم آمده.



اگر [دنم بود آنچه کردم لیکن ای آقای من لافتی را کی مناسب، وصف این پیر کهن
جز سکوت اینجاندارم هیچ یارای سخن چون کنم وصف، ستوده مرتورارَبَ زَمَن
واحدی در وصف خود بعد از خدای ذوالمنن لاف مداحی درین حضرت نمی آرم زدن

ای ثنا خوان تو ایزد^۱ از زبان مصطفی

نیست ممکن مدحتت من طی کنم بر این سخن کس نداند عزّت و غیر از خدای ذوالمنن
بهتر از فرّهاد در کوچه‌ها تاغ و زغن سرنگون از بهر تسلیم شما چرخ کهن
چون کند ادنی گدای، وصف سلطان زَمَن لاف مداحی درین حضرت نمی آرم زدن

ای ثنا خوان تو ایزد از زبان مصطفی

پایه‌ی شرع محمد در جهان از توقوی است جمله احکام شما در خلق حکم احمدی است
بهر ردّ هر بلا هر کس به نزد ملتجی است غیر امداد تو کاری کی بر آید تا بزیست
جز شما ای نورایزد سر پرست بنده کیست؟ عرض^۲ حاجت بر تو حاجت نیست میدانی که چیست؟

حال اخلاص من اندر خاندان مصطفی

[عزّت] توحق [می] شناسد^۴ در جهان یا حق پرست دشمنان دین احمد را تویی، دادی شکست
تو عنان ابلق ایام داری زبردست دیو پر آشوب را قبل از ولادت کس نیست
از همه بالاتری ای حاکم بالا و پست رفعت^۵ بالای امکان صورتی^۶ نا ممکن است

وَرَبُّوَدَ مَمْکَن، بُودَ تَابٌ^۷ وَ تَوَانٌ^۸ مِصْطَفٰی

می ستاید حق تو را بر احسن الاوقات تو آنچه خواهی می رسد از سامع دعوات تو
باعث خوشنودی ایزد همه عادات تو نیست جز خالق کسی داننده‌ی حالات تو
حکم رب العالمین هرامر بالا اثبات تو از زبان^۹ خلق بر ناید صفات ذات تو

ور بر آید دور بُودَ از زبان مصطفی^{۱۰}

۱. هفت: بر
۲. هفت، پاورقی ۱۹: (س: رفع حاجت).
۳. هفت: یقین.
۴. اصل: عزّت و حق من شناسد.
۵. مج: مدح تو - هفت: رفعت - کا: رفعتی.
۶. مج: صورتت.
۷. مج: قدر
۸. کا: هفت، تذ: قدر تو آن مصطفی.
۹. کا: هفت: بیان.

۱۰. هفت، کا: ور بر آید نبود الا از بیان مصطفی - مج: ور بر آید، کی بُودَ الا بیان مصطفی - تذ: ور بر آید نبود الا از بیان مصطفی.

تیربرج عدالت صاحب جود و سخا افتخار هر دو عالم قبله‌ی حاجت روا
 خدمت درگاه خود شاهانیت کن مرا بهر حق دستم بگیرای دستگیر دوسرا
 تا بنالد زیرگردون این گرفتار بلا منت خلقم به جان آورد لطفی^۱ کن شها^۲
وارها^۳ از منت خلقم^۴ به جان مصطفی

رحم فرما [۱]ی شه کونین برپیری ما آدمم از بس که تنگ از جور چرخ پردغا
 بشنود آن کیست جز توالتجای این گدا خادم خدام درگاهت رُود اکنون کجا
 بار احسانِ دگر منظور کی باشد مرا منت خلقم به جان آورد لطفی کن شها
وارها از منت خلقم به جان مصطفی

درد عصیان مونسیم گردید در پهلو [ی] من معصیت شد بهر راحت تکیه‌ی زانوی من
 گریه و زاری، غم و زنج الم دلجو [ی] من کرد پیش کبریا شرمنده شاهان خو [ی] من
 جز عطایت نیست بهر این مرض داروی من روی رحمت بر متاب ای کام [جان] از روی من
حرمت جان [پیمبر]^۱ یک نظر کن سو [ی] من

[بند پنجم]

دارم اتمید عطایت یا امیر المؤمنین خسرو کنعان گدایت یا امیر المؤمنین
 خلق محکوم رضایت یا امیر المؤمنین پیش خود حق داده جاییت یا امیر المؤمنین
 چون کند انسان ثنایت یا امیر المؤمنین ای ستوده^۷ مرخدایت یا امیر المؤمنین
خوانده نفس مصطفایت یا امیر المؤمنین

۱. هفت، یاورقی ۲۲: (ز رحمی).

۲. هفت، کاه، تذ: مرا.

۳. همه‌ی نسخ: وارهان.

۴. هفت: خلقان.

۵. اضافه شده از دیوان حسن کاشی ص ۱۶۵.

۶. میح: محمد.

۷. همه‌ی نسخ: گزیده.



قادری بر فعل خود، داری جهان را زیر حکم قدسیان بالا [ای] چرخ، انسان به دنیا زیر حکم
 بر و بحر و وحش و طیر و باغ و صحرا زیر حکم کلهم غیر از نبی و حق تعالی زیر حکم
 سربه سراهل کُشت اهل کلیسا زیر حکم سرکشان^۱ دهر را آورده سرها زیر حکم

بازوی [خیر] گشایت^۲ یا امیر المؤمنین

نارسیده در نجف از پیلی پشه را گزند از حرم کمتر نباشد در گهت ای حق پسند
 کفش تو بهر سعادت عارفان بر سر نهند سالکان از ابتدا ممنون احسان تواند
 سگه [ای] ضرب گرم از بهر عالم، سودمند خازنان کان دریا کیسه ها پُرساختند^۴

روز بازار سخایت یا امیر المؤمنین

دزه های ارض را جود تو اختر می کند کیمیای کفش [پا] یت سنگ هم زرمی کند
 دست پرفیضت گدا [یی] را بسکندر می کند پاسبانی بر مزارت، شاه خاور می کند
 قطره [ای] را در صدف مهر تو گوهر می کند بس که لعل اندر دل کان، خاک بر سر می کند^۵

از دل^۶ دریا عطایت یا امیر المؤمنین

می زخم حرفی نه فکربی نوایی می کنم من کنون شکر تیهی حاجت زوایی می کنم
 [گه] نظریر خود گهی بر پارسائی می کنم مثل بلبل در نجف نغمه سرائی می کنم
 با گروهی بر مزارت جبهه سائی می کنم [با^۷] همه از^۸ دژ گه [لطفت گدایی می کنم^{۱۰}]
 ای همه شاهان گدایت یا امیر المؤمنین

۱. تذ، کا، هفت: گردنان.

۲. اصل: خیر.

۳. همه ی نسخ: زور آزمایت.

۴. کا، مج: خازنان کان و دریا کیسه ها پُرساختند، هفت: خازنان کان گوهر کیسه ها بردوخته، تذ: خازنان کان و دریا کیسه ها بردوخته.

۵. کا، هفت: بر سر کرده است - تذ: بر سر کرده ماند - هفت، پاورقی ۳: (ج: کردو ماند).

۶. مج: کف.

۷. همه ی نسخ: ما.

۸. اصل: ما.

۹. مج، تذ: بر.

۱۰. همه ی نسخ: می کنیم.

بهرترقیم صفات ذات تو با صد حشم آفریده کاتب تقدیر این لوح و قلم
چون نبی از وحی خدا پرسیده هم از علم حق آموختی، گفته نعم
خلق محتاج شمای صاحب جود و کرم [با] همه از دژ آگه [لطفت گدایی می‌کنم

ای همه شاهان گدایت یا امیرالمؤمنین

عاقلی را چیزی از ماضی نشاید کرد یاد [نا] گذشته را کج فهمی نشاید کرد یاد
در حضوری صورت مخفی نشاید کرد یاد قرب چون حاصل شود دوری نشاید کرد یاد
در عروج بخت خود پستی نشاید کرد یاد وزنسیم باد نوروزی نشاید کرد یاد^۲

پیش خلق جان فرازیت یا امیرالمؤمنین

از شما در عالم فانی بنای عدل و داد هم یکی از خادمانت داد از دستش نداد
حیدرو کز آن میدان، صفدریوم الجهاد بنده‌ی معبود «آلا» دستگیر کل عباد
آمدم بردرگهت شد خاطرم بالله شاد وزنسیم باد نوروزی نشاید کرد یاد

پیش خلق جان فرازیت یا امیرالمؤمنین

کیستی؟ داند خلیل ای سید ذی جود بس سرد شد از آب لطفت آتش نمرود بس
بر فلک پیش نبی در ساعت مسعود بس از زبانت کلمه [ی] حق کبریا فرمود بس
بهر، از بهر تو باز آمد ز مغرب زود بس آنچه عیسی از نفس می‌کرد رمزی بود بس

از لب^۳ معجزنمایت یا امیرالمؤمنین

ای می‌د هر دو عالم محسن مورومگس کی نصیری را خدایی هست جز ذات تو کس
ملتجی خود می‌شناسد رتبه‌ی فریاد رس مدح تو فرزند مریم می‌کند در هر نفس
کی مقابل می‌شود از کوه جاهت یک عدس آنچه عیسی از نفس می‌کرد رمزی بود بس

از لب معجزنمایت یا امیرالمؤمنین

۱. اصل: ما.

۲. میح: گردباد - هفت، پاورقی ۲: (س: نشاید یاد کرد).

۳. میح: دم.



کشته‌ی شمشیر تو در بدر اعدا لاتعد فتح شد جنگ حنین از برکت بی جد و گد
فوج اسلام از تو در صفین خواهان مدد آیه‌ی تظہیر طمغای تو روشن تا ابد
قلعہ‌ی خیبر شکستی کافران را کرده زد خاطر همچون^۱ من شوریده خاطر کی کند

وصف ذات کبریایت یا امیر المؤمنین

در تجلّی خاک پایت از ثریا برده راه نزد جاهت کس در این دنیا نه شاهان برده راه
رفعت قبل از همه تا عرش اعلی برده راه اوج و زهد و اتقایت هم زهر جا برده راه
از عنایات شمتا چرخ، عیسی برده راه با همه بالانشینی عقل کل نابرده راه

پیش شاد زوان رأیت یا امیر المؤمنین

عالم اسرار ربانی ز روی عزّ و جاه در همه اوصاف، لائسانی ز روی [عزّ و جاه
مدح تو در عالم فانی ز روی [عزّ و جاه من چه گویم خود تومی دانی ز روی عزّ و جاه
حاصل آیات قرآنی ز روی [عزّ و جاه آنچه تو شایسته [ی] [آنی ز روی [عزّ و جاه^۲

کس نداند جز خدایت یا امیر المؤمنین

خوانده خالق مرتورا هنام خود ای دین پناه قدرت اعجاز توبی مثل غیر از اشتباه
از ازل محتاج فرمانت ز ماهی تا به ماه آرزوی [خدمت دارد ملک شام و پگاه
هر کلام پاک تو مشتق ز آیات اله آنچه تو شایسته [ی] [آنی ز روی [عزّ و جاه

کس نداند جز خدایت یا امیر المؤمنین

کی ستاید مرتورا همچو من یک بواهوس؟ چون کند مدح سلیمان از زبان خود مگس؟
بود مدّاحت حبیب کبریادر هر نفس نیست یکتا در صفت بعد از نبی غیر از تو کس
گر بداند مر خدا داند تو را یاد ادرس مدح گر^۳ شایسته [ی] [ذات^۴ تو باید^۵ گفت^۶ بس

کیست تا گوید ثنایت یا امیر المؤمنین؟

۱. میج: مثل.

۲. هفت، پاورقی ۶: (س: عزّ و ناز).

۳. هفت: را - تذ، کا، میج: اگر.

۴. تذ: قدر.

۵. هفت: ایزد.

۶. همه‌ی نسخ: + و.

راحت افزا از نسیم لطف تو خاشاک و خس از بر[ای] ما غریبان بس تویی فریاد رس
 گر کسی خاک رواق مرقدت کرده است مس شد ز فضل کبریا در خلق آن عیسی نَفَس
 چون کنند اوصاف تو این شاعران بواهوس مدح گر شایسته [ی] ذات تو باید گفت بس

کیست آن^۱ گوید ثنایت یا امیر المؤمنین؟

جز جنان گو به رضوان نیست مأوایی دگر پیش حق الانجف دارد شرفهایی دگر
 آن مقامی دیگر و این است ملجایی دگر خلق را رأی دگر داریم، ما رأی دگر
 در خیال رفعت اینجاست سودای دگر گر بُدی بالاثراز عرش برین جای دگر

گفتمت^۲ آن جاست^۳ جای یا امیر المؤمنین^۴

بهر ختم مرسلین آمد براق خوش سیرِ تورا سیدی تا خدایت از نبی هم بیشتر
 آنچه دیدی برفلک شاهاتویی داری خبر از پس قوسین، دست حق برون آمد ز در
 از برای عَظَمَتِ ای سید عالی گُهر گر بُدی بالاثراز عرش برین جای دگر

گفتمت آن جاست جای یا امیر المؤمنین

در کلام الله دیدم ذکر کردارتورا کی بیابد دیگری در خلق اطوارتورا
 دیده آدم برفلک نوری ز انوارتورا جز خدایت کس نفهمد عدل دربارتورا
 می شناسد خالق دارین اسرار تورا فهم^۵ انسانی چه داند عزت^۶ کارتورا
 آفرینش^۷ برتابد^۸ بار^۹ مقدارتورا

۱. «تا» مناسب تر است.

۲. همه‌ی نسخ: گفتمی.

۳. هفت: کان جاست.

۴. دو مصراع آخر در مجموعه بیت هشتم در هفت بیت یازدهم و در تذکره و کاشی بیت نهم آمده است.

۵. هفت، پاورقی ۹: (ج: عقل).

۶. هفت، پاورقی ۱۰: (ز: قیمت کار، س: عزت بار) - میج: قدرت - تذ: قیمت کار.

۷. هفت، کا، میج: کافرینش.

۸. میج: بر ندارد.

۹. تذ، کا، میج: قدر.



[بند ششم]

حَقُّ تعالی در کتاب خود ثنا خوان شماس است از کلام حَقُّ هویدا صورت شأن شماس است
 خدمت جبریل، میکائیل دربان شماس است بر سر فرزند آدم بار احسان شماس است
 سایه‌ی فضل الهی زیر دامن شماس است ای که فرمان قضا موقوف فرمان شماس است

دَوْری^۱ دورانِ فلک، دَوْری ز دوران شماس است

من نمی‌گویم که فکر من به مدّاحی نکوست در همه حالت ز حضرت ما را امید، عفو است
 خاطر من در خدمت از چشم و جان و لحم و پوست آنکه قربان شد به نامت، خالقش خرم از اوست
 چون ضیای روی پاکت را خدا دارد نه دوست آفتابی کآسمان در سایه‌ی اقبال^۲ اوست

پرتوایی [از لمعه‌ی] گوی^۳ گریبان شماس^۴

حامل وحی خدا را ذکر تو اعمال اوست شادمان از لطف فیضت هست کان بر حال اوست
 مبتنی بارای حق آرای تو افعال اوست مشتری کان، قرب زهره وقت مدح خال اوست
 ماه خوش طلعت که اختر در بغل یک خال اوست آفتابی کآسمان در سایه‌ی اقبال اوست

پرتوایی [از لمعه‌ی] گوی^۳ گریبان شماس

کس نه غیر از مصطفی مثلت شهاذی رتبه‌ایست مدح تو راحت فراز از هر دل آزرده‌ایست
 درد عصیان را گمها [ای] تو کافی نسخه‌ایست جرعه‌ی آب ولا بهتر ز کوثر جرعه‌ایست
 بجز ذخار گرم نزد تو حقا چشمه‌ایست چشمه [ای] کز روی محیط آفرینش قطره‌ایست

قطره [ای]^۶ از جُبه‌ی دریای احسان شماس^۷

۱. همه‌ی نسخ: دَوْر.

۲. تذ: والای - هفت، پاورقی ۱۲: (ج، ز: دامن اقبال، س: سایه‌ی فرمان).

۳. اصل: گوئی.

۴. تذ: قطره‌ای از جُبه‌ی دریای احسان شماس.

۵. هفت: شبمی - هفت، پاورقی ۱۳: (ج: گوهری، ج: حاء، ز: قطره‌ای).

۶. هفت: رشحه‌ای.

۷. این دو مصرع آخر تذکره اصلاً نیامده است. این دو مصرع آخر در مجموعه و کاشی بیت هشتم و در هفت بیت ششم آمده است.



نیست کم از خسروی آن را که [کو]ایت مسکن است دور بودن از مزار شاه بهتر مردن است
 از شهنشاها گدا [ی] آستانت احسن است سایه‌ی فضل خدا اینجابه زیر دامن است
 مدح خوانت زین سبب حاتم درون مدفن است آنچه گردون را بدو^۲ چشم جهان بین روشن است
جز تو^۳ قرصی نیست آن^۴ هم فضله [ی] خوان شماس

قدرت ماینبغی از فضل حق حاصل تو راست جز خدا آنچه بگویم من تو را شاها، رواست
 کبریا گرنیستی لاکن علی نام خداست گرنگویم من علی الله را این هم خطاست
 ذات پاکت غیب دان جز [ء] و کل چون کبریاست گوهر^۱ کاندر ضمیر^۷ کان^۸ امکان^۹ قضاست^{۱۰}
صورت اظهار آن^{۱۱} موقوف فرمان^{۱۲} شماس^{۱۳}

خُلد پیش درگهت از مرغزاری بیش نیست چرخ جزیک زینه‌ای^{۱۴} با این وقاری بیش نیست
 بردرت شاهنشهی از خاکساری بیش نیست از جلال و احتشامت شهریاری بیش نیست
 در بزرگی کس ز تو در خلق، آری بیش نیست آنچه^{۱۵} از^{۱۶} وی عالم امکان غباری بیش نیست
صورت ده چند آن^{۱۷} رکی زارکان شماس^{۱۸-۱۹}

۱. اصل: گدایی.

۲. کا: به آن - هفت: بدان - هفت، پاورقی ۳: (ز، ازو، س: بدو) - مع: به او.

۳. همه‌ی نسخ: دو.

۴. کا، مع: کان.

۵. کا، هفت: گرده - مع: ریزه.

۶. کا، مع: گوهری - هفت: هرگهر.

۷. هفت، مع: صمیم - هفت، پاورقی ۹: (ج، ز: کاندر شمیم).

۸. مع: + و.

۹. هفت: ارکان.

۱۰. مع، پاورقی ۳: (مع: امکان بوده است).

۱۱. مع: او.

۱۲. هفت، پاورقی ۱۱۲: (س: موقوف احسان).

۱۳. این دو مصرع آخر در مجموعه و کاشی در بیت دهم و در هفت بیت نهم آمده است. در تذکره به جای مصرع اول این بیت اینطور آمده:

آنچه از روز ازل در بحر امکان قضاست صورت اظهار آن موقوف فرمان شماس

۱۴. به معنی پله - پلکان.

۱۵. هفت، پاورقی ۱۳: (ج: آن که).

۱۶. کا، مع: در.

۱۷. کا: از آن - مع: ازو - هفت، پاورقی ۱۴: (ز: صورت چندی از آن).

۱۸. هفت، پاورقی ۱۵: (س: دانه چند بیست کان از لطف و احسان شماس).

۱۹. این دو مصرع و مصرع قبل در تذکره وجود ندارد.

این دو مصرع آخر در کاشی و مجموعه در بیت چهارم و در هفت بیت دهم آمده است.



از طیور آمد بلا برگردن اصحاب فیل مولدت را کی نگه دار نه؟ رب بی عدیل
 زینت خلد برین و افتخار سلسبیل در مصیبت از برای هر کس و ناکس کفیل
 چون کند انسان به مدح ذات پاکت قال و قیل پیر مکتب خانه‌ی ابداع یعنی جبرئیل

باهمه ذهن و ذکا طفل دبستان شماس^۱

مظهر شعیء عجابی ای یَد رب جلیل مرجع سرخفی هستی تویی بی قال و قیل
 نوح می داند چه کاری کرده [ای] در رود نیل شد زامداد شام نمون منت هم خلیل
 وصف ذاتت چون کند همچون من عبد ذلیل پیر مکتب خانه‌ی ابداع یعنی جبرئیل

باهمه ذهن و ذکا طفل دبستان شماس

منسلک با هم چگونه گوهر مضمون کنم در تلاش لعلِ وصفت چون جگر را خون کنم
 نیستم سبحان که چیزی ما حاصل موزون کنم در ثنایت بسکه حیرانم چسان اکنون کنم
 مثل تو جویم کجا چون مدحت بی چون کنم نسبت ذات^۲ تو^۳ را^۴ با اوج گردون چون کنم؟^۵

زان که اوج او حنیض قدر دربان شماس^۱

حکم امر و نهی تو شاه و گدارا آیتی است وصف ذاتت ساکن ارض و سما را آیتی است
 آنچه فرمودی همه اهل ولا را آیتی است ذکر تو وقت رقم در مدح، ما را آیتی است
 ورد اسمت بندگان کبیرا را آیتی است هر کجا در مجمع قرآن خدا را^۷ آیتی است^۸

از^۹ کمال^{۱۰} فضل^{۱۱} و رحمت^{۱۲} خاص^{۱۳} در شان شماس^{۱۴}

۱. این دو مصرع در کاشی و مجموعه بیت پنجم و در تذکره بیت سوم و در هفت بیت چهارم آمده است.

۲. همه‌ی نسخ: قدر.

۳. کا، میح: شما.

۴. کا، میح: - را.

۵. هفت، پاورقی ۶: (ج حا: زینت قدرت کجا و اوج گردون از کجا).

۶. این دو مصرع آخر در تذکره بیت پنجم آمده و در بقیه نسخ بیت هفتم است.

۷. تذ: نکوتر.

۸. میح: آیه ایست.

۹. هفت: در.

۱۰. میح: + و.

۱۱. کا: لطف.

۱۲. تذ: دانش - میح: احسان - هفت: رفعت - هفت، پاورقی ۲: (ج: همت، ج حا: رحمت، س: رحمت جمله).

۱۳. همه‌ی نسخ: خاصه.

۱۴. این دو مصرع آخر در کاشی و مجموعه بیت ششم در هفت بیت پنجم و در تذکره بیت چهارم آمده.



شاه خاور ایستاده بردرت مثل گدا طوف مرقد چرخ گردان می کند از سالها
 و زود تو دارند انسان و ملک صبح و مسا انقلاب دهر برگردد ز حکم تو شها
 از طبقهای فلک هر دم همی آید صدا قُبْه‌ی نُه چرخ را چون دانه برچیند زجا^۱
 مرغ [تعظیمی] که^۲ او^۳ بر بام ایوان شماست^۴

مظهر اسرار رب العالمین نورالیه ذات پاکت مجمع اوصاف با صد عز و جاه
 شد ز جور آسمان نیلگون حالم تباه بهر حق بنگر به سویم ای شه عالم پناه
 لطف فرما پیش تو هستیم [نالان]^۵ دادخواه بنده‌ی بیچاره کاشی از^۶ دل و جان، سال و ماه^۷
 روز و شب^۸ در خطه [ی] آمل ثنا خوان شماست^۹

تا بنالد هوی صد پاره دل شام و پگاه از شما فریاد دارد این غریب روسیاه
 تنگ آمد از جفای دهر بی بنیاد آه از برایم نیست دیگر درگی ای دین پناه
 مهر کن بر ما غریب از بهر محبوب اله بنده‌ی بیچاره کاشی از دل و جان، سال و ماه
 روز و شب در خطه [ی] آمل ثنا خوان شماست

آفتاب چرخ بطحی ماه گردون حجاز سرور کون و مکان شاهنشاه بنده نواز
 آنچه هستی و شرف دارند اهل امتیاز پیش تو فریاد آوردم بفرما سرفراز
 رحم کن ای عیسی دوران به رب کارساز بر در دولت سرایت روی بر خاک نیاز^{۱۰}
 بادل پردرد بر امید درمان شماست^{۱۱} -^{۱۲}

۱. تذ، هفت: جای.

۲. اصل: تعظمی.

۳. کا، هفت: آن.

۴. این دو مصرع آخر در کاشی و مجموعه بیت نهم، در هفت بیت هشتم و در تذکره بیت ششم آمده.

۵. جای یک کلمه در اصل خوانده نشد. «نالان» تصحیح اجتهادی است.

۶. هفت: کز.

۷. تذ: سالهاست.

۸. هفت، پاورقی ۱۶: (ز از دل و جان روز و شب / سال و مه).

۹. این دو مصرع آخر در کاشی و هفت و مجموعه بیت یازدهم و در تذکره بیت نهم آمده است.

۱۰. هفت، پاورقی ۱۷: (س: بردت آورده رخ از روی اخلاص و نیاز).

۱۱. تذ: بادل دریا مثالت روی بر خاک نیاز بر امید درد دل موقوف درمان شماست.

۱۲. این دو مصرع در تذکره بیت دهم و در بقیه نسخ بیت دوازدهم آمده است.



تحفه [ی] جانم به نزد شاه مردان داشتن مور را خشخاش برخوان سلیمان داشتن
 هر زمان شاید نظر بر مهر سبحان داشتن هست لازم اتکا بر فضل یزدان داشتن
 راز دل کی می توان پوشیده از جان داشتن درد پنهان پیش درمان چند بتوان داشتن
عاقلی نبود ز درمان درد پنهان داشتن

[بند هفتم]

چرخ پیر از خدمت دیرینه شد ذی احترام کاه کویت هست از ریش سفید این نیلفام
 عز درگاه شما اعلی تر از دارالسلام سایه ی فضل الهی بر سر مرقدمدام
 فرش با اندازش از عرش است برتر، لا کلام تا نجف شد آفتاب دین و دنیا^۱ را مقام
خاک او دارد شرف بر زمزم و بیت الحرام

آستان بوس مزار اقدست هر خاص و عام ساکنان چرخ حاضر بردت بهر سلام
 شد زمین از برکت پا [ی] شما عرش احترام پیر گردون کی نگردد سرنگون اینجا مدام
 مهر و مه در پاسبانی [ایستاده] صبح و شام تا نجف شد آفتاب دین و دنیا^۲ را مقام
خاک او دارد شرف بر زمزم و بیت الحرام

کرده [ای] آگاه از توحید رب العالمین چون نگردد در طواف روضه ات روح الامین
 هر کسی داند تور از بهر خود حبل المتین مرقدت شها زیارتگاه جمله مرسلین
 عز درگاه شما بالاتر از عرش برین کعبه ی اصل است بی شک نزد ارباب یقین^۳
زانکه دارد عروۃ الوثقی^۴ دین [دزوی] مقام^۵

۱. همه ی نسخ: دولت -

۲. همه ی نسخ: دولت -

۳. هفت، پاورقی ۱۸: (ن: نزد ارباب خرد).

۴. مج: زانکه دارد عروۃ الوثقی درین ذروه تمام -

۵. ضبط از دیوان حسن کاشی اما در اصل «دین داری» ضبط شده ولی صحیح به نظر نمی رسد.

۶. هفت، پاورقی ۱۹: (ج: بروی مقام).

وقت جنگ از خوف شمشیرت نلرزد چون زمین قوت بازوی تو داند پَرروح الامین
 مهرانفلاک شجاعت صاحب فتح المبین قدرت خلاق عالم نَفَسِ ختم المرسلین
 انت مولایی حییی مقتدایی بالیقین آفتاب آسمان دین، امیرالمؤمنین

والی مُلک ولایت حاکم دارالسلام

کرده [ای] از حکم رب العالمین انجام وحی چون نه برآید شها از ذات پاکت کام وحی
 شد زاقبال شما زیر فلک اتمام وحی مُهر کردی برنگین قلب هر کس نام وحی
 فتح غزوات نبی داند توراصمصام وحی مبطل بنیاد بدعت مفتی^۱ احکام وحی^۲

حاکم^۳ دین [وا] شریعت دافع کفر و ظلام

این چنین گشتی نه هرگز در جهان انجام وحی کرده ای با صورت احسن توئی اتمام وحی
 کی نه برآید زدست رب اکبر کام وحی در جهان از باعشت گردید روشن نام وحی
 شد توای نور حق در خلق استفهام وحی مبطل بنیاد بدعت مفتی احکام وحی

حاکم دین [وا] شریعت دافع کفر و ظلام

مالک دنیا تویی ای سید کون و مکان از ظهورت در وجود آمد وجود انس و جان
 زیر گردون هم نشان خلق بودی بی نشان آمدی آدم، زمین پیدا شدی نی آسمان
 عالم امکان ندیدی کس در این دُور زمان سایه^۶ لطف^۷ به معنی گرنبودی در جهان^۸

صورتی بودی جهان از راه معنی^۹ ناقام

۱. تذ: منشی - هفت: معنی.

۲. تذ: شرع.

۳. کا، مج: حامی - هفت، پاورقی ۲۱: (ج: قاضی، ج: حا: حامی).

۴. تذ: - و.

۵. تذ: مفتی حلّ و حرام - کا، مج: حاکم حلّ و حرام - هفت: حامی حلّ و حرام - هفت، پاورقی ۲۲: (ج: آمر، ج: حا: حامل، ز: ماحی).

۶. مج: پایه ی.

۷. تذ، کا: لطفش.

۸. هفت: سایه ی لطفت نبودی گر به معنی در میان.

هفت، پاورقی ۲۳: (ج: گرنبودی سایه لطفت به معنی در جهان، ج: حا: پایه قدرش به معنی گرنبودی در جهان).

۹. هفت: حکمت.



سایه‌ی افضال خالق سید عالم پناه باعث امن خلائق مخزن سراله
 مستمند مهر تو خورشید گردون بارگاه بر زمین نقش سُم [آسبت] مزین ترز ماه
 رتبه [ای] دارد به پیش نی ملک نی [پا]دشاه ای سریر سروری^۱ آورده^۲ از جاه توجاه
وی^۳ جهان آفرینت^۴ برده^۵ از نام تونام

نزد خدام تو جمله شیخ و شاب از ذره کم پیش ابر جود تو شاهاسحاب از ذره کم
 در شجاعت رستم و افراسیاب از ذره کم بود نزدت مَرَحَبِ^۶ خانه خراب از ذره کم
 بردت این گبند خضرا خضاب از ذره کم بر^۷ سریر^۸ احترام آفتاب از ذره کم
بر زمین احتشامت^۹ ذره خورشید احترام^{۱۰}

بهر شاهان جهان کُحلُ البصر خاک قدم چون کند این [بی] بضاعت مدح سلطان اُمم
 از گدا [یی] چون بانجامد ثنای ذی کرم جبهه سا، جنّ و ملک بر آستان محترم
 چادر مهتاب فرش درگهت با صد حشم بر سریر احترام آفتاب از ذره کم
بر زمین احتشامت^{۱۱} ذره خورشید احترام

از ازل داری به هر کاری ز خالق مصلحت چیست قرآن یک بیاض مختصر در منقبت
 کامل الانسان تویی دور از تو جمله منقضت حق [شناسد] یانبی تو کیستی در مرتبت
 عاجز الحق به توصیف و ثنا و محمدت باشکوه شقه و^{۱۲} دستار^{۱۳} و رکن منزلت^{۱۴}
تاج جمشیدی چه^{۱۵} و تخت سلیمانی^{۱۶} کدام

۱. هفت، پاورقی ۱: (ج: ای سریر سلطنت).

۲. تذ، مج: افزوده.

۳. مج: ای.

۴. همه‌ی نسخ: آفرینش.

۵. هفت، پاورقی ۳: (ج: حاء، زکرده).

۶. از شجاعان نامی عرب که در جنگ خیبر بدست امیر المؤمنین کشته شد.

۷. هفت: در.

۸. همه‌ی نسخ: سپهر - هفت، پاورقی ۴: (ج، س: بر سپهر).

۹. کا، مج: در.

۱۰. هفت: اهتمامت.

۱۱. هفت، پاورقی ۵: (ج: بر زمین احترام ذره خورشید تمام، ج: حاء، در زمین).

۱۲. تذ، کا، مج، هفت: - و.

۱۳. هفت: - و.

۱۴. همه‌ی نسخ: مُسندت.

۱۵. هفت، پاورقی ۷: (ج: حاء، تاج جمشیدی کجا).

۱۶. هفت: تخت فریدونی.

چار سوز آتش غم دود افغان می رود لطف کن برمن که از سوز درون، جان می رود
 مستمندی کی ز درگاهت پیشیمان می رود از درت هر غم زده خرمان و شادان می رود
 بانگ عدلت از زمین تا عرش یزدان می رود آنچه در تکریم و تعظیم^۲ سلیمان می رود
 اندکی بود آن هم از تعظیم سلمان توام^۳

عیسی گردون بداند اوج اعزازتورا با خدا هر دم پی کشتی ایمان ناخدا
 هر چه گویم وصف تو باشد کم ای معجزنا بسکه حیرانم شها آدم مثالت از کجا
 دیگری کی می رسد با جاه تو جز مصطفی نسبت با سائر عالم^۴ خطا باشد خطا
 گوهر پاکیزه جوهر^۵ را چه نسبت با زخام^۶

ابن عم احمد مرسل، ولی کبریا اختر زهد و طهارت ماه چرخ اتقا
 سربلند از تواذان، تسبیح خوانت انبیاء چون نگردد عقل ما حیران به اوصاف شما
 از زمین تا آسمان همتای [جسم تو] شها مثل تو چون^۷ مصطفی، صورت نبندد عقل را^۸
 معنی ایمان ما^۹ این است روشن والسلام

۱. هفت، پاورقی ۹: (ج، حا: آن چه از).
۲. کا، مج: تعظیم و تمکین - تذ، هفت: تعظیم امکان.
- هفت، پاورقی ۱۰: (ز: تمکین و تعظیم).
۳. تذ: اندکی بود آن هم از تمکین ایشان بردوام.
۴. کا، مج، هفت: انسان - تذ: این مصرع و مصرع بعد در تذکره نیامده است.
۵. هفت: جوهر پاکیزه جوهر - هفت، پاورقی ۱۳: (ج: گوهر پاکیزه طینت، ج حا: گوهر پاکیزه جوهر، ز: گوهر پاکیزه جوهر).
۶. ضبط از دیوان حسن کاشی - در اصل زخام نوشته شده.
۷. همه ی نسخ: جز-
۸. هفت، پاورقی ۱۴: (ج: چون مصطفی صورت نبندد عقل کل).
۹. هفت، پاورقی ۱۵: (ج: معنی ایمان من).

از ازل ربّ دو عالم دوست می دارد تورا بی رضایت، ذره [ای] گاهی نمی جنبد زجا
 خواند مرخالق تورا عیسی نفس، از ابتدا بر من مسکین، مریض جرم لطفی کن شها
 قادری برگردش دوران، زمهر کبریا پیرو [تدبیر]^۱ تو پیوسته تقدیر قضا^۲
 تَهْدُ^۳ از روی ادب، بیرون ز فرمان تو گام

انت مولایی، طبیعی، یا شفیع المذنبین لِلْحُسَيْنِ وَلِلْحَسَنِ لِلْبَنَاتِ ختم المرسلین
 فَانْتَظِرْ^۴ وَأَرْحَمَ^۵ بر این مسکین و مغموم و حزین درگهت بابُ الأمان از بهر جمله مؤمنین
 از تو امید شفاعت چون ندارم بالیقین زائران روضهات^۶ را بردر^۷ خُلد برین
 میرسد^۸ آواز «طِبُّنَّمْ فَأَدْخُلُوهَا خَالِدِينَ»^۹



۱. کا، مج: تقدیر.

۲. اصل: تدبیر.

۳. کا، مج: قضاست - تذ: تیر تدبیر تو و پیوسته تقدیر قضا - هفت، پاورقی ۱۱: (ج: تیر تدبیر تو پیوسته به تدبیر قضاست).

۴. اصل: نی هند.

۵. هفت، پاورقی ۱۲: (ج: رأی تورا در پیش، ز رأی تورا پیش).

۶. در اصل کلمه به شکل دیگری ضبط شده اما مناسب همان است که درج شده.

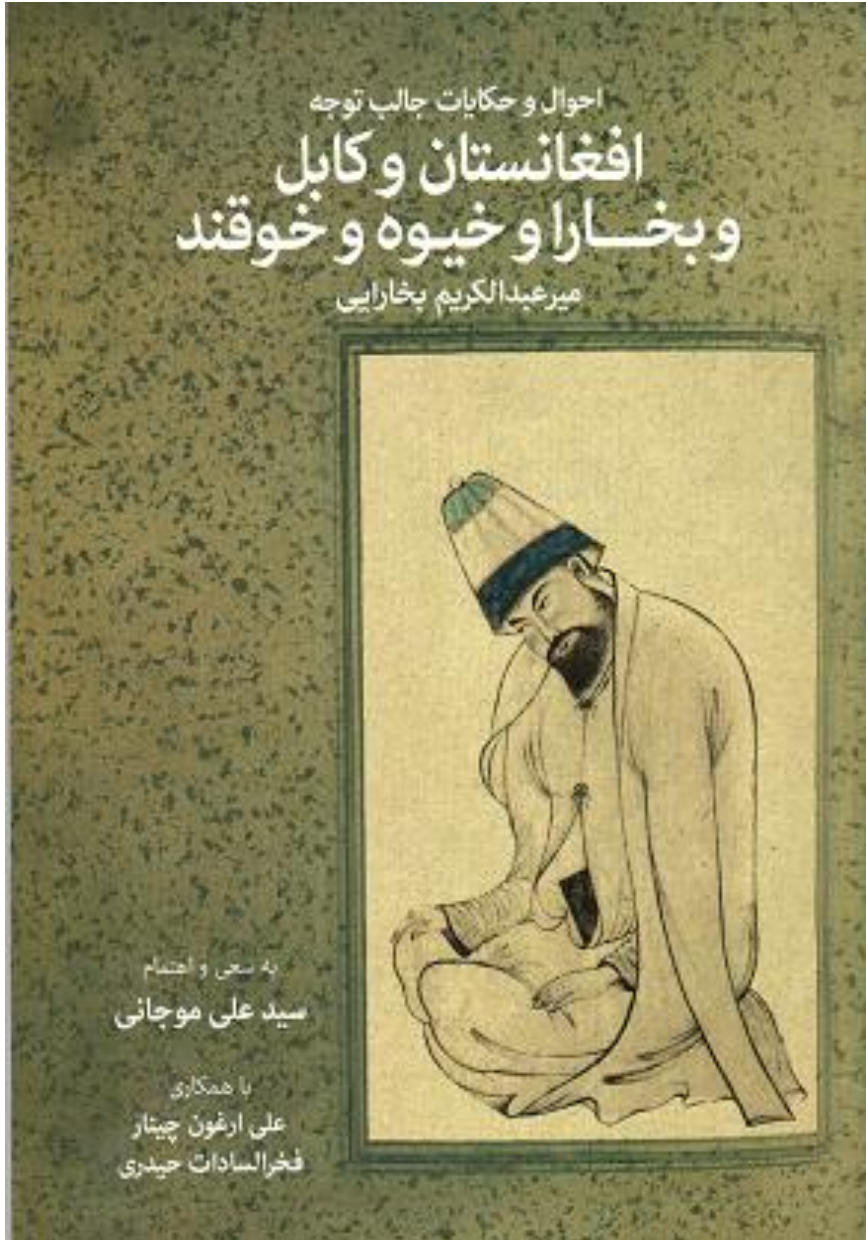
۷. کا، مج، هفت: حضرتت - تذ: درگهت.

۸. مج، کا: دائم از.

۹. تذ: می دهند.

۱۰. الزّوم: ۷۳.

کتابخانه بزرگ آیت الله العظمی مرعشی نجفی منتشر کرده است



فهرست نسخ خطی متفرقه اصفهان

(قسمت اول)

رحیم قاسمی

مقدمه

اصفهان دارالعلم شرق و کانون پررونق فرهنگ و ادب و هنر در طی قرون متوالی بوده و ره آورد آن انبوهی از آثار علمی و تحقیقی است که در سراسر قلمرو اسلامی مورد استفاده می باشد. بدیهی است که چنین مرکزی بیشترین آثار مکتوب خطی را نیز در بر داشته باشد و تاکنون نیز که بیشتر آکنده های آن پراکنده گشته است در گوشه و کنار می توان نفایس ارزنده ای را سراغ گرفت.

نگارنده که تاکنون توفیق فهرستگاری شش کتابخانه خصوصی این شهر را داشته: (سید احمد روضاتی - سید رضا ابوالبرکات - سید ضیاء الدین علامه - سید مهدی شفتی - سید محمد تقی شفتی و سید عبدالحسین طیب) بر آن شد که آثار خطی پراکنده را که از سال های قبل تاکنون مشاهده کرده و موفق به تهیه تصویر آن ها شده در قالب مقالاتی معرفی نماید و امید می رود که تعداد این نسخ به پانصد مجلد بالغ گردد. ضمن تشکر از صدیق مکرم و سرور گرامی جناب حجة الاسلام آقای حافظیان قسمت اول این فهرست را تقدیم می دارد.

فهرست نسخ خطی متفرقه اصفهان

۱. قرآن کریم

نسخ زیبا، حبیب الله بن عبدالله فارسی، ۹۸۰ق، قطع رحلی، دردو مجلد، جلد دوم از آغاز سوره اسراء، مجدول و مطلا. (نسخه ملکی دکترسید محمد تقی طیب).

۲. قرآن کریم

نسخ زیبا، ابوبکر وحید، ۱۲۰۸، قطع جیبی، مجدول و مطلا، باسرلوح مذهب زیبا. (نسخه ملکی دکترسید محمد تقی طیب).

۳. قرآن کریم

نسخ زیبا، عبدالله هروی، ۹۹۰ق، قطع رقعی، مجدول و مطلا، باسرلوح مذهب زیبا. و یادداشت وقف.

(نسخه مرحوم شیخ کاظم کلباسی که به کتابخانه آیه الله العظمی مرعشی اهداء گردید).

۴. الصحیفة السجادية

نسخه بسیار ارزشمند به خط مبارک شیخ شمس الدین محمد جباعی جدّ پدر شیخ بهائی، که به تصریح محدّث نوری، نسخ شایع صحیفة کامله سجادیه به او و به خط مبارکش منتهی می شود. وی بنا بر یادداشت نواده اش شیخ حسین بن عبدالصمد عاملی در آغاز همین نسخه، در سال ۸۲۲ ق متولّد و در سال ۸۸۶ ق وفات کرده است. این نسخه شریفه در اختیار شیخ بهائی بوده، و شاگردان وی بالأخص مولانا محمد تقی مجلسی از آن استنساخ کرده و نسخ دیگر را با آن مقابله کرده و از این راه نسخ صحیفة منتشر گشته است. علامه مولانا محمد باقر مجلسی نسخه جباعی را در اختیار داشته است.^۲

میر محمد حسین خاتون آبادی در مناقب الفضلاء می نویسد: «واعلم أنّ نسخ الصحیفة المشهورة الموجودة بین الناس مأخوذة من النسخة البهائية، وهی بخط جدّه العالم الزاهد صاحب الكرامات والمقامات، الشيخ محمد بن علی بن الحسن الجباعی، رضی الله عنهما. وهذه النسخة البهائية كانت عند شيخنا البهائي رحمه الله، فاستنسخ والد جدّي المولى محمد تقی المجلسی طاب ثراه منها وكتب بخطه الشريف منها نسخة وبالغ في تصحيحها؛ ثم أخذ في

۱. خاتمة المستدرک ج ۱ ص ۳۸۲.

۲. بحار الأنوار ج ۱۰۷ ص ۱۶۴، الصحیفة السجادية، ابطحي ص ۶۷۷.

مباحثتها ومدارستها فى أوقات التحصيل سيما شهر رمضان؛ وجعلها منتشرة بين الناس؛ فاستنسخوا منها وكثرت النسخ بعد ما كانت مهجورة، وشاعت؛ وكانت كلها مأخوذة من تلك النسخة البهائية بخط جدّه الزاهد؛ وكانت عنده حتى منّ الله على ويسرّها لى؛ فهى الان عندى».

برخی از فوائد و یادداشت های جباعی در آغاز و انجام این نسخه چنین است:
 «نقلت هذه الصحيفة من خط الشيخ العالم السعيد الشهيد محمد بن مكى رحمه الله، وعليها بخطه: ونقلت هذه الصحيفة من خطّ على بن أحمد السديد، و فرغت فى حادى عشر شعبان سنة اثنين وسبعين وسبعمائة، وكتب محمد بن مكى حامداً مصلياً. وعلى نسخة على بن أحمد السديد ما صورته:» نقلت هذه الصحيفة من خطّ على ابن السكون، وتتبع إعرابها عن أقصاه حسب الجهد إلا ما زاغ عنه النظر، وحسر عنه البصر، وذلك فى شهر ذى الحجة سنة ثلاث وأربعين وستمائة.

وعلى نسخة الشهيد: عارضتها بأصلها المذكور، وفيها مواضع مهملة التقييد، فنقلتها على ما هى عليه، والحمد لله وصلواته وسلامه على سيدنا محمد وآله، وكتب محمد بن مكى».
 «وعارضتها بنسخة أخرى بخط الشيخ ابن مكى مكتوبة فى سنة ست وسبعين وسبعمائة، وهى مكتوبة من النسخة التى كتب منها الأولى، قال: وكتب العبد متتبعاً ما يحتاج إليه سوى بعض مصطلح الكتاب من ترك لفظ الهمزة وإثبات الألف فى فعل لامة واو ونحوه».
 «وعلى نسخة على بن أحمد السديد ما صورته: بلغت مقابلة وتصحيحاً بالنسخة المنقول منها، فصحت بحسب الجهد إلا ما زاغ عنه النظر وحسر عنه البصر، وذلك فى شهر ذى الحجة من ثلاث وأربعين وستمائة، ولله الحمد والمنة».

«وعليها أيضاً أعنى على نسخة على بن أحمد السديد: بلغت مقابلة مرّة ثانية بخط السعيد محمد بن إدريس رحمه الله بحسب ما وصل إليه الجهد، ولله الحمد، وذلك فى شهر ذى القعدة من سنة أربع وخمسين وستمائة، وكلّ ما على هامشها من حكاية سين ونسخه فإته عن ابن إدريس، وكذلك جميع ما يوجد بين السطور وعليه سين؛ فإته حكاية خطّه، وأما ما كان نسخة بلا سين فمنها ما هو بخطّ ابن السكون، ومنها ما هو بخطّ ابن إدريس رحمه الله».
 «صورة خطّ ابن إدريس فى مقابلته: بلغ العرض بأصل خبر الموجود، وبذل فيه الجهد والطاقة إلا ما زاغ عنه النظر وحسر عنه البصر».

«وعلى النسخة التى بخطّ على بن السكون خطّ عميد الرؤساء رحمه الله تعالى قراءة صورتها: قرأ على السيد الأجل والنقيب الأوحد العالم جلال الدين عماد الإسلام أبو جعفر القاسم بن الحسن بن محمد بن الحسن بن مُعَيّة، أدام الله علوّه، قراءة صحيحة مهذّبة، ورويتها له عن السيد بهاء الشرف أبى الحسن محمد بن الحسن بن أحمد، عن رجاله المسمّين فى باطن هذه الورقة. وأجته روايتها عني حسب ما وقفته عليه وحددته له، وكتب هبة الله بن حامد بن أحمد بن أيوب بن على بن أيوب فى شهر ربيع الآخر من سنة ثلاث وستمائة، والحمد لله الرحمن الرحيم، وصلاته وتسليمه على رسوله سيدنا محمّد المصطفى وعلى آله الغرّ اللهايم».

در پايان نسخه اجازة مورخه ٨٥١ ق از على بن محمد بن على بن محمد بن طى (م: ٨٥٥ ق) به خطّ او براى شيخ شمس الدين آمده است: «... وبعد، فقد قرأ على هذه الصحيفة الكاملة... المولى المعظم الفاضل المكرم، مفخر الفضلاء وخالصة الأخلاء، شمس الدنيا والدين محمد بن الشيخ العلامة أبى الفضائل زين الدنيا والدين وشرف الإسلام والمسلمين على بن الشيخ بدر الدين حسن الشهير بالجبعي... قراءة مهذّبة مرضية صحيحة محرّرة ألفاظها مينة معانيها، بنسخها المنقولة وتأويلاتها المقبولة، وكتبت مستفيداً منه أعظم الله أجره أكثر من إفادتي له. وأجزت له أدام الله أيامه أن يروى ذلك عني؛ فإني روايتها قراءة على السيد الجليل النقيب أبى العباس تاج الدين عبد الحميد بن السيد جمال الدين أحمد بن على الهاشمي الزينبي طاب ثراه، ورواها لي عن الشيخ الأجل عزّ الدين شيخ السالكين حسن بن سليمان الحلّي رفع الله درجته، بأسناده المتصل إلى سيدنا ومولانا زين العابدين، عليه أفضل الصلاة والسلام. ورويتها أيضاً له بحقّ الإجازة عن الشيخ الجليل بهاء الدين أبى القاسم على، ولد الشيخ الإمام العالم المحقق خاتم المجتهدين، أبى عبد الله شمس الدين محمد بن مكّي، عن والده المذكور، قدّس الله سرّه...

انجام: تمتّ الصحيفة بقلم العبد الفقير محمد بن على بن حسن الجباعي، غفر الله له ولجميع المؤمنين، فى يوم السبت أول شهر رمضان سنة إحدى وخمسين وثمانمائة هجرية.

نسخ: شيخ شمس الدين محمد بن على بن حسن جباعي عاملي، جدّ شيخ بهائي، شنبه اول ماه رمضان ٨٥١ ق. بايادداشت ها و فوائدى از جباعي در آغاز و آخر نسخه، و اجازة على بن طى به خط مجيز به وى در سال مذکور، ويادداشتى از كاتب كه نسخه رابه فرزندش بخشیده است بدین شرح: «للولد الأعزّ العضد قرّة العين أبى تراب عبد الصمد بن محمد بن على بن الحسن الجباعي، نفعه الله بها، وورقه العمل بما فيها، واستجاب دعاءه بمحمد وآله

صلوات الله عليهم». و یادداشتی در تاریخ تولد و وفات کاتب به خط شیخ حسین بن عبدالصمد در ۹۳۲ ق. ۵۷۰ گ، ۲۱ سطری. (نسخه کتابخانه حجة الاسلام شیخ محمد زاهد نجفی اصفهانی)

۵. إحقاق الحق وإبطال الباطل

از: قاضی نورالله مرعشی حسینی شوشتری (م: ۱۰۱۹ ق).
نسخ: محمد هاشم بن محمد کاظم اصفهانی، ق ۱۱. در حاشیه تصحیح شده. نسخه را محمد رفیع بن محمد شفیع خوزانی اصفهانی در ۱۰۶۳ ق وقف کرده است. با یادداشتی از محمد علی بن شیخ حسین جزائری شهریه حویزی ساکن اصفهان در ۱۱۳۳ ق مبنی بر مطالعه کتاب. انجم: لکنّا نثق بلطف الله وکرمه أن یفرق کلمة أهل النفاق ولا یوقفهم للوصول إلى ساق النفاق ولو التفت الساق بالساق وإلیه المرجع والمساق. ۱۵۸ برگ، ۲۵ سطری. (نسخه کتابخانه مدرسه جدّه کوچک).

۶. علل الشرائع والاحکام

از: شیخ صدوق ابو جعفر محمد بن علی بن بابویه (م: ۳۸۱ ق).
نسخ زیبا: محمد بن شمس الدین کاتب کرمانی، ۱۰۷۴ ق. در حاشیه تصحیح شده با بلاغی از عبدالمحسین بن حاجی منصور نجفی در ۲۵ ربیع الآخر ۱۰۸۶ ق در صفحه آخر، و یادداشت وقف کتاب در ۱۲۳۹ ق با تولیت علامه المحققین وخاتمة المجتهدین حاج محمد ابراهیم کلباسی، و یادداشت تملک زین العابدین بن محمد طاهر با خط نستعلیق زیبا. قطع وزیری ۱۹ سطری. (نسخه کتابخانه مؤسسه احمدیه اصفهان).

۷. تنبیه الخاطر ونزهة الناظر

از: ابوالحسین ورام بن ابی الفراس (م: ۶۰۵ ق).
نسخ زیبا: رجب علی بن محمد، ۱۱۰۰ ق. امتثالاً لأمر امیر محمد هادی شیخ الإسلام. در حاشیه تصحیح شده، با مهر تملک عبدالوهاب بن محمد مهدی موسوی، و مهر کتابخانه صدرالدین کلباسی. قطع وزیری، ۲۱ سطری.

۸. الصحیفة السجادیة

نسخ: احمد بن محمد جعفر طالقانی، ۱۱۲۲ ق. نسخ معرب. ترجمه به شنگرف در زیر سطون. با حواشی عربی به نقل از محسن، به ع ل، م ح ق، م ق ر. و حواشی توضیحی فارسی.

آغاز ترجمه: روایت کرد ما را سید بزرگوار، ستاره دین، جمال بزرگی، ابوالحسن محمد پسر حسن.

با یادداشتی از آقا حسین رحمه الله در آغاز در معرفی صحیفه. قطع جیبی، ۱۴ سطری.

۹. تحفه سلیمانیه^۱

از: محمد مسیح کاشانی (م: ۱۱۲۰ ق).

ترجمه الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد شیخ مفید است که به دستور شاه سلیمان صفوی ترجمه شده است. مؤلف شاگرد و داماد علامه آقا حسین خوانساری و از ادباء و منشیان برجسته عصر صفوی است. اثر مزبور در سال ۱۳۰۳ ق چاپ سنگی شده است.

آغاز: ترجمه ارشاد مفید خطبه پیرایان منبر هدایت و راهنمایی و ثمره تعلیم دانش آریان کشور معرفت و دانایی شناخت ایزد بیهمال و یگانه بی شبه و مثالی است.

نستعلیق بسیار زیبا، نسخه سلطنتی. عبارات عربی با نسخ زیبا و با خط شنگرف بر فراز آن مشخص شده است. با حواشی از مترجم عفی عنه و یادداشتی از مترجم در آغاز کتاب. در ماه رمضان ۱۱۰۸ ق مقابله شده. با مهر شاه سلطان حسین صفوی که نسخه را وقف کرده، و وقف نامه کتاب به قلم علامه مجلسی رضوان الله علیه در ۱۱۱۰ ق. و یادداشتی از محمد هادی بن ابوالحسن شریف تفرشی در ۱۱۸۷ ق در پایان کتاب. قطع وزیری، ۲۱ سطری. (نسخه ملکی جناب آقای مجتبی ایمانیه).

۱۰. ترجمه إعلام الوری لاعلام الهدی

از: میرزا نظام الدین موسوی مشهدی (ق ۱۱).

ترجمه ادبی بسیار زیبایی کتاب إعلام الوری شیخ طبرسی است که در سال ۱۰۵۹ ق به انجام رسیده است. متأسفانه صفحه ششم کتاب که نام مترجم و انگیزه او را در بر داشته افتاده و نام مترجم از یادداشتی در آخر کتاب معلوم شد.

آغاز: الحمد لله الذی رفع أعلام الهدایة لإعلام الوری... زیباترین حمدی که مقربان درگاه حریم حرم لاهوت و مسند نشینان بارگاه جبروت که اعلام وری و اکابرانام و تعلیم شرایع دین و قواعد احکام مخصوص کلام معجز نظام و حدیث هدایت فرجام ایشان است در ذکر شمه و بیان شرذمه از آن زبان وحی بیان به عجز و نارسایی گشایند و گرد ناتوانی بر جبین مهر آیین ساینند

شایسته نثار بارگاه پادشاهیست جل کبریاؤه...

انجام: این است آنچه اراده بیان اودرین باب کردیم از مسائل غیبت و جواب های آن و استقصای کلام و تفصیل در مسائل امامت و غیبت موجب تطویل کلام و خلاف مقصود و مرام بود بنا برین به همین قدر اکتفا نمود. بدانکه هر که تأمل درین کتاب به عین انصاف نماید طریق حق و صواب دریابد...

کاتب در پایان می نویسد: تمثته بحمد الله تعالی فی شهر صفر عام سنه الف وستین. الحمد لله والمنه که بنده قلیل البضاعة کسیر النفس نامق این حروف مرقومه... موفق گردید به نوشتن این کتاب به اقلام شکسته ارقام و به سعی و اهتمام حضرت عالیجاهی صورت اتمام پذیرفت و سمت اختتام یافت که از حروف فواتیح و خواتیم سطور موشحه این صفحات اربعه القاب سامی و نام نامی اوست ظهور می یابد و ذکر تاریخ اتمام نیز به طریق توشیح ادا گردید تا به صورت یقین مفهوم اولی الألباب گردد.

نسخ: محمد صادق بن حاجی محمد واعظ، ۱۰۶۰ ق. نسخ معرب بسیار زیبا، نسخه سلطنتی، در جمادی الاولی ۱۱۲۲ ق وقف شده است. در پایان اشاره شده که نسخه به خط مرحوم ملا محمد صادق برادر ملا محمد باقر مشهدی است. ۳۶۶ برگ، ۲۲ سطری. (نسخه کتابخانه سید العراقین).

۱۱. التکملة فی شرح التبصرة^۱

از: محمد جعفر بن محمد علی بن محمد باقر بهبهانی کرمانشاهی اصفهانی (م: ۱۲۵۹ ق).
شرح استدلالی تبصرة المتعلمین علامه حلّی است.

آغاز: الحمد لله الذی تقرّب الی جناب حضرته المتقرّبون بالقربات... وبعد فيقول العبد الجاني محمد جعفر بن محمد علی بن محمد باقر الحائري القرميسيني الاصفهاني البهبهاني: إنّ هذا هو الجزء الآخر من التکملة شرح كتاب الهبات وتوابها.
انجام: ويحفظان الأموال إلى أن يؤدّيآنها إلى أربابها او لا الظاهر من الأصحاب هو الأول فتأمل.

نسخ زیبا، ق ۱۳. عناوین به شنگرف. ۱۰۴ برگ، ۱۸ سطری. (نسخه کتابخانه مرحوم شیخ کاظم کلباسی).

۱. الذریعة، ج ۲۶، ص ۲۳۲، أعيان الشيعة، ج ۹ ص ۲۰۲.

۱۲. شرح تجرید الکلام

از: محمد کاظم بن رضا طبری (ق ۱۳).

شرح مقصد اول کتاب تجرید خواجه نصیرالدین طوسی است شامل مباحث وجود و عدم که به محمد شاه غازی اهداء شده است.

آغاز: سبحان من أظهر الأشياء لكمال وجوده وأفاض عليهما سجال الآثار لغاية جوده فأوجد لكماله وأكمل لتمامه وأبدع لتبحره وأقام لتفردته ودنى لعلوه وبعد لدنوه.

انجام: هذا آخر ما أردنا من الاختصار في كشف عبارة التجريد في علم الكلام والحمد لله المؤمن لإتمامه كما كان موقفاً لا ابتدائه وصلى الله على خير برئته وعلى آله وأصحابه أولاً وأخراً.

نسخ: اسماعیل، ۱۲۵۱ ق. نسخ تحریری، ۱۱۵ ص، ۱۵ سطری. (نسخه ملکی آیه الله حاج آقا

حسین یزدی).

۱۳. تحفة المبتدئين

از: شیخ علی بن حسین کربلائی اصفهانی (ق ۱۲).

متنی موجز در علم نحو به فارسی. مؤلف مدرّس مدرسه مریم بیگم و از شاگردان علامه مجلسی بوده^۱ و آثار فراوانی از او برجای مانده است.

آغاز: الحمد لله رافع درجات العالمين ومميز من انتصب لإسعافهم من العالمين وخفض من أضاف إلى نفسه النصب لهم من المنافقين... وبعد چنین گوید أحوج الناس إلى عفو الله الغنى علی بن شیخ حسین کربلائی که این رساله ایست مختصر در علم نحو مشتمل بر مهمات او به طریق توضیح و تبیین و مسمی گشته به تحفة المبتدئين و مرتّب شده بر مقدمه و فصلی چند و خاتمه.

انجام: ولفظ الضالين معطوف است بر لفظ غير و جزا به یاست چه جمع مذکر سالم است و

جمع مذکر سالم به یا مجرور می شود.

نسخ: عبد الغنی بن محمد تقی فراهانی، ۱۱۰۵ ق. در حاشیه تصحیح شده و دارای نشان بلاغ و مقابله است. با یادداشتی از محمد باقر بن محمد ظهیر هرنندی در ۱۱۹۹ ق در وقتی که مباحثه شرایع و شرح انوزج و شرح تصریف می کرده و یادداشت دیگری از محمد علی بن محمد رضا ذاکر هرنندی در سال ۱۲۷۷ ق هنگامی که مشغول به مباحثه شرح انوزج و شرح تصریف و

ارشاد بوده و تملک آخوند محمد ظهیر بن ملا ابوالقاسم هرندی در ۱۱۶۷ ق. عنوان کتاب در این نسخه چنین است: هذه الرسالة مسّی بتحفة المبتدئين من تصانیف الفاضل الكامل العالم العامل التقى النقى الزكى حاوی الأصول والفروع، جامع المعقول والمنقول أعنى شیخ علی الکربلائی سلمه الله تعالى. قطع جیبی، ۵۰ برگ، ۱۷ سطری. (نسخه ملکی جناب آقای سید علی اکبر حسینی هرندی).

۱۴. التقیة المنطقية

از: سید معزالدین محمد بن أبی الحسن موسوی (ق ۱۱).

مؤلف پس از تألیف دو رساله صدریه و شمسیه در علم نحو برای دو فرزند خود صدرالدین محمد و شمس الدین محمد، رساله حاضر را در علم منطق جهت فرزند دیگر خود محمد تقی به عربی نگاشته است. مؤلف از اعلام قرن ۱۱ هجری و مجاور مشهد مقدّس بوده و رساله النجاة را در سال ۱۰۴۳ ق در هشتاد سالگی نگاشته است. به نوشته علامه طهرانی رساله حاضر در سال ۱۰۰۱ ق مطابق با کلمه رضا به اتمام رسیده و نسخه ای از آن در مکتبه الحسينية نجف موجود است که آن را مولی علی محمد نجف آبادی وقف کرده است.^۱

آغاز: حمدت الله بالمنطق الفصیح، وشکرته بالتصديق الصحيح، واعترفت بالعجز عن تصوّر أدنی معرفته؛ فإنّ تصوّر کنهه ممتنع وقبیح، ووجوده يستغنی عن الحجة والتوضیح... أمّا بعد، لمّا كانت الشفقة علی الطالبین من خصائص المؤمنین، وسألنی الولد العزیز محمد تقی، أبفاه الله تعالى ورزقه حلاوة علوم الدین، حين أراد أن یقرأ رسالة فی المنطق، وألّفت لإخوانه رسالة شمسية وصدریة فی النحو، مال البال إلی أن ألحق إلی الرسالة الشریفة الکبری المباحث التی ترکها العلامة، وأجعلها عربیة؛ لیکونوا مستعدّین لقراءة شرح الشمسية، ویشرعون فیہ بعد الفراغ منها علی وجه البصيرة.

انجام: الثانی عشر طریق التعلیم، فاحفظ فإته فصل آخر، وفيه فائدة أخرى، كما فی رضا.

نسخ: ذی الحجه ۱۰۸۵ ق، کاتب نامعلوم، نسخ خوانا، عناوین به شنگرف، در حاشیه تصحیح شده است. با یادداشت تملک آقا محمد علی بن آخوند مولانا ملا ابوالقاسم بن مرحوم حاجی ظهیر اصفهانی در سنه ۱۱۸۳ ق. قطع جیبی، ۵۲ گ، ۱۱ سطری. (نسخه ملکی جناب آقای سید علی اکبر حسینی هرندی).

۱. الذریعة، ج ۴، ص ۴۰۵. از این کتاب تنها دو نسخه موجود است. رک: دنا، ج ۳، ص ۲۷۸.

۱۵. إحياء علوم الدين

از: ابو حامد محمد بن محمد غزالی شافعی (م: ۵۰۵ ق).
نسخه نفیس و کهن شامل کتاب السادس تا کتاب العاشر من ربع المهلكات من إحياء علوم الدين در ذم الدنيا و ذم البخل و حب المال و ذم الجاه و الرياء و ذم الكبر و العجب و ذم الغرور.

آغاز: الحمد لله الذي عرف أوليائه غوائل الدنيا وآفاتهما، وكشف لهم عن عيوبها وعوراتها.
نسخ: احمد بن محمد بن محمد بن مزيد اردبيلي، ق ۸. نسخ معرب، قوبل و صحح بنسخة مصححة مقروءة على المشايخ في رمضان ۷۰۶ ق. از جمله ۱۸۳ جلد كتاب وقفى ميرزا سيد محمد بن ميرزا محمد حسين حسيني در ۱۲۲۵ ق. ۳۰۸ گ، ۱۵ سطرى. (نسخه كتابخانه مسجد ركن الملك)

۱۶. مجموعه:

۱. نورالعيون^۱ (۲۴۰-۱)

از: محمد باقر شريف اصفهاني ابن محمد تقى شريف رضوى قمى (ق ۱۲).
كتاب شامل دو باب در معرفت اهل بيت عليهم السلام در ۱۲ تنوير و معرفت دشمنان شيعيان در ۱۲ تبصير به زبان فارسى است كه در سال ۱۱۷۹ ق تأليف شده و در آن از ملهوف و مقتل شيخ طريحي و تحفه خيرالدين خراسانى و روضة الشهداء كاشفى و بحار الأنوار و جلاء العيون استفادة شده است.

مؤلف شاگرد ميرزا محمد تقى الماسى (نواده مولانا محمد تقى مجلسى) بوده، و از او و شيخ محمد بن محمد زمان كاشانى، ميرزا محمد رحيم سبزوارى شيخ الاسلام، شيخ محمد مهدى فتونى مجاز بوده است. پدرش ميرزا محمد تقى شريف رضوى قمى نيز از مشايخ اوست كه روايت مى كند از «شيخه الفاضل وابن عمه والده الكامل، قدوة الأعاضم، وزيدة أرباب المكارم، الميرزا حسن القمى، مؤلف شمع اليقين و جمال الصالحين». مشارق المهتدين فى الأحكام المأثورة عن الهداة المهديين در شرح بداية الهداية شيخ حرّ عاملى از آثار ميرزا محمد باقر است كه در آغاز آن به مشايخ خود چنانچه نقل شد تصريح کرده است.

آغاز: الحمد لله الذى أشوق فى قلوب أوليائه لتعريفه وتوحيده الأنوار وأزال عن صدور أحبائه حتى لا يحبوا سواه الأغيار.

انجام: وبه عنایت خدامصایب جانگداز مصطفی و مرتضی و فرزند او مجتبی و وقایع دشت کربلا در مجلد ثانی در ضمن ۱۴ مجلس بیان می شود.

۲. تقویم شرعی (۲۷۲-۲۴۷)

از: میر محمد صالح بن عبدالواسع حسینی خاتون آبادی (م: ۱۱۲۶ ق).
آغاز: الحمد لله... وبعد چنین گوید الراجی عفوربه المرتجی محمد صالح الحسینی عفی الله تعالی عن سیئاته که چون مراعات ساعات شرعی و ترک ملاحظه ساعات نجومی از لوازم ایمان و طریقه مرضیه مؤمنان است... به خاطر فاطر رسید که جداولی چند شبیه به تقاویم اهل تنجیم وضع نماید تا قاصر همتان و مستعجلان به این جداول رجوع نموده...

نسخ: محمد علی بن احمد بیدگلی کاشانی، ۱۰ شوال ۱۲۲۷ ق. (کتاب اول) ۱۲۳۰ ق (کتاب دوم). نسخه را اقل الطلبة محمد علی بن احمد بیدگلی به حاجی ملا محمد صادق بن حاجی ملا حمزه فروخته و محمد صادق بن حاجی حمزه آن را وقف برد و اولاد ذکور خود محمد و محمد علی کرده است. قطع رحلی، ۲۷۲ گ، ۲۲ سطری. (نسخه ملکی جناب حجة الاسلام سید نورالدین جعفریان)

۱۷. اخلاق ناصری

از: خواجه نصیرالدین محمد بن محمد بن حسن طوسی (م: ۶۷۲ ق).
نسخ: ربیع الاول ۱۰۶۱ ق. نستعلیق تحریری. در حاشیه تصحیح شده است. عناوین به شنگرف.

این نسخه را علامه العلماء وزبده الفقهاء حاج سید محمد بن حاج میرزا کوچک کتابفروش به مقتضای وصیت حاج میرزا جلال الدین ابن اخ مرحوم حاج میرزا کوچک مزبور در محرم ۱۲۵۲ ق وقف کرده است. قطع رقعی، ۱۶۷ گ، ۱۶ سطری. (نسخه ملکی جناب حجة الاسلام شیخ علی اصغر صالحی تبار).

۱۸. صافی

از: خلیل بن غازی قزوینی (م: ۱۰۸۹ ق).
این نسخه مشتمل بر شرح کتاب ایمان و کفر از اصول کافی است که در ۱۰۶۸ ق تألیف شده.

نسخ: محمد شریف مختاری، جمادی الثانی ۱۱۱۰ ق. نستعلیق زیبا. در حاشیه تصحیح شده،

عناوین به شنگرف. با مهر تملک محمد باقر بن محمد نقی موسوی (حجة الإسلام شفقی). قطع رحلی، ۵۴۹ ص، ۳۱ سطر. (نسخه ملکی جناب حجة الإسلام شیخ علی اصغر صالحی تبار).

۱۹. تفسیر چهل سوره تورات

از: شادمان بن جعفر بن عبدالله معروف به نقاش. (ق ۱۱).
ترجمه چهل سوره از تورات به روایت امیر المؤمنین علیه السلام که شادمان بن جعفر ساکن کتابخانه خاصه شریفه، حسب التماس بعضی از اخوان دینی به زبان فارسی ایراد کرده است. به جز ترجمه مترجم که در زیر سطور درج شده ترجمه دیگری نیز از سوره های مزبور در کنار صفحات کتابت شده است. در این نسخه ۳۹ سوره نقل و ترجمه شده است.

آغاز ترجمه زیر سطور: عجب می دارم مرآن کسی را که او متیقن است به مرگ چگونه فرحناک می شود. آغاز ترجمه کنار صفحات: خلاصه کلام آنست که حق تعالی می فرماید که در نهایت تعجب است از حال کسی که می داند به یقین که عنقریب مرگ او را در می یابد به کدام دلخوشی شاد و فرحناک می شود.

نسخ: مترجم، ۱۴ جمادی الأولى ۱۰۹۲ ق. نسخ معرب زیبا، ترجمه به شنگرف در زیر سطور و کنار صفحات. ۴۰ گ، قطع رقعی، ۲۰ سطر. (نسخه ملکی آقای سید محمد علی حجت نجف آبادی).

۲۰. لوامع البینات فی شرح أسماء الله تعالی والصفات^۱

از: فخرالدین محمد بن عمر رازی (م: ۶۰۶ ق).
شرح أسماء نود و نه گانه الهی است که در زمان سلطان بهاء الدین ابو المؤید سام بن محمد بن مسعود، به نام ملک الأمراء عماد الدوله نظام الإسلام ابو حفص عمر بن الحسین نگاشته، و بر سه قسم مبادی، مقاصد و لواحق مرتب شده است.

آغاز: الحمد لله الذی حارت الأفكار فی مبادی أنوار کبریائه و صمدیته، وتأهب الأنظار فی مطالع عزه و فردانیته، و شهدت ذرات المحامد علی کمال قدرته و ألوهیته.

انجام: ولما کان ذلک محالاً فی حق الله تعالی کان إطلاق العزم فی حقه تعالی و حال ولما

۱. کشف الظنون، ج ۲، ص ۱۰۳۵، الذریعة ج ۱۸ ص ۳۶۴. این کتاب با عنوان شرح أسماء الله الحسنی به کوشش طه عبد الرؤوف سعد در سال ۱۴۰۴ ق در بیروت چاپ شده است.

انتهی الکلام إلى هذا المقام عرض من مشوّشات القلب ما أوجب قطع الکلام وهو تعالی أعلم بالصواب.

نسخ: حسن بن محمد حسینی بجرانی، غره ربیع الأول ۱۱۱۷ ق. تاریخ منتسخه سنة ۶۶۱ ق. نسخ زیبا، عناوین به شنکرف. نسخه را امیر محمد زاهدی طیب وقف بر شیعیان کرده و تولیت آن را پس از خود با عالی حضرت علامی فهامی مدرّس مدرسه جدید سلطانی واقع در چهارباغ دارالسلطنه اصفهان قرارداد داده است. و صورت وقف نامه در آغاز نسخه با مهر عبده نصیرالدین در پایان آن آمده است.

ص، ۲۱ سطر۱. (نسخه متعلّق به جناب حجة الإسلام سید تقی هاشمی قهدریجانی).

۲۱. شمسیه در نحو

از: میر معزالدین محمد بن ابی الحسن موسوی (ق ۱۱).

متنی فارسی در بیان قواعد علم نحو است که در یک مقدمه و سه مقصد تدوین گشته است.

«کتابه باسم ولده شمس الدین أخی صدرالدین الذی کتب باسمه الصدریة فی النحو بالعربیة، وثالثهما تقی الدین الذی کتب باسمه رسالة التقیة فی المنطق، كما صرح به فی أول رسالة التقیة المکتوبة فی حیاة المصنّف سنة ۱۰۴۳، وهی موجودة فی مکتبة الحسینیة التستریة فی النجف الأشرف»^۱.

آغاز: یا من رفع بناء الکلام نحو الإرشاد، ونصب أعلام العلماء جانب العدل والإنقاد، وخفض مرتبة الجهلاء للخل فی الإبراد... أما بعد، چون شایع میان طلاب خواندن کافیه است، و به واسطه عدم استعداد اکثر ایشان فهم دقایق معانی آن نکرده، از مطالب به مراحل دور افتاده اند؛ به خاطر این فقیر قلیل البضاعة معزالدین محمد بن ابی الحسن الموسوی رسید که مختصر فارسی در بیان قواعد نحوی مرتّب نماید تا سبب تسهیل طلبه گردد... و به شمسیه نام نهاد.

انجام افتاده: قاعده: جایز است دخول همزه وصل بر جمله اسمی و فعلی...

نسخ زیبا، کاتب نا معلوم، ق ۱۱. با حواشی منه دام ظلّه العالی، عناوین به شنکرف، قطع

۱. الذریعة، ج ۱۴، ص ۲۳۰. از این کتاب تنها یک نسخه موجود است که در سال ۱۰۰۲ ق کتابت شده و در کتابخانه دانشگاه تهران نگهداری می شود. دنا، ج ۶، ص ۱۲۳۱.

رقعی، ۱۸ سطری. (نسخه مدرسه احمدیه اصفهان).

۲۲. وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة

از: شیخ محمد بن حسن حرّ عاملی (م: ۱۱۰۴ ق).

این نسخه مشتمل بر کتاب الصلاة است.

انجام: أخرج من المدينة إلى مرو مكرهاً، والله تعالى أعلم.

نسخ: محمد حسین بن علی بغمجی، غره جمادی الأول ۱۱۲۴ ق. نسخ خوانا، عناوین به شنگرف. این نسخه از نساء حمام واقع در اراضی نقش جهان اصفهان از اوقاف سلطان سلیمان کتابت شده، با یادداشت وقف از میر محمد صالح بن عبدالواسع حسینی در ۱۱۲۵ ق. ۲۳ سطری. (نسخه مدرسه احمدیه اصفهان).

۲۳. مجموعه:

۱. جامع السعادة^۱ (۲۷-۱)

از: سید محمد بن عبد الصمد حسینی شهشهانی (م: ۱۲۸۷ ق).

رساله عملیه فارسی پرفائده شهشهانی از فقهای بزرگ اصفهان است. این نسخه مشتمل بر باب سوم در زکات و خمس است در دو مقصد.

۲. أنیس المتّقین^۲ (۲۴۲-۲۸)

از: سید محمد بن عبد الصمد حسینی شهشهانی (م: ۱۲۸۷ ق).

اثری است فقهی اخلاقی در بیان معاصی کبیره که در نسخه موجود ۲۱۹ عنوان معصیت کبیره طبق مبانی مؤلف ذکر شده است. این اثر چاپ نشده اما گزیده آن در زمان حیات آیه الله شیخ محمد تقی آفانجفی به نام ایشان چاپ شده و در آغاز آن تصریح شده که اصل آن از یکی از علما است.

آغاز: الحمد لله... وبعد، چنین گوید اضعف عباد وأحوج ایشان به عفو ربّانی محمد بن عبد الصمد الحسینی الشهشهانی الاصفهانی که چون اهمّ مواعظ وأعظم نصایح تقوی می باشد... لهذا به اصرار جمعی از مؤمنین و متدینین این بی بضاعت با نهایت شکستگی بال و اختلال خیال، این مختصر را در بیان معنی تقوی و کیفیت تحصیل آن و آنچه متعلّق به آن می

۱. الذریعة، ج ۵، ص ۵۹ به نقل از تذکرة القبور گزی.

۲. الذریعة، ج ۲، ص ۴۶۴ به نقل از تذکرة القبور گزی.

باشد تحریر نمود بعد از این که تحریر بسیاری از مطالب آن را در کتاب غایة القصوی در مباحث اخبار آحاد نموده بودم... و آن مشتمل است بر مقدمه و سه باب و خاتمه. انجام افتاده: اما مانع شدن از ایمان پس آن در اول بعثت پیغمبر ما (ص) شیوع داشت... نسخ: محمد بن حاجی محمد تقی، ۱۳ شوال ۱۲۸۴ ق. (پایان رساله اول). (نسخه کتابخانه مرحوم علامه سید محمد علی روضاتی).

۲۴. مجموعه:

از: علامه میرزا یحیی بن محمد شفیع مستوفی اصفهانی (م: ۱۳۲۵ ق). مؤلف در سال ۱۳۱۷ق به سفر زیارت عتبات مشرف شده و با محدث نوری صاحب مستدرک که در زمان تحصیل در نجف اشرف با او مصاحب بوده، ملاقات کرده و در کتابخانه او به سه مجموعه برخورد که یکی مشتمل بر اجازات علماء، و دو مجموعه دیگر به خط شیخ شمس الدین جباعی جدّ شیخ بهائی از خط شهید اول کتابت شده بوده. به گفته محدث نوری دو مجموعه اخیر نزد علامه مجلسی رضوان الله علیه بوده و برخی از مطالب آن را در بحار الأنوار آورده است. میرزا یحیی دو مجموعه مزبور را از محدث نوری گرفته و اکثر آن را با خط زیبای نستعلیق خود در این مجموعه نقل کرده است.

قبل از مجموعه جباعی اجازات علماء به ترتیب زیر آمده است:

۱. اجازه وحید بهبهانی به سید بحر العلوم.
۲. اجازه احمد بن نعمه الله بن احمد بن خاتون عاملی به ملا عبدالله بن حسین شوشتری.
۳. اجازه علی بن احمد بن خاتون عاملی به ملا عبدالله مزبور.
۳. اجازه ملا عبدالله شوشتری به قاضی عبد المؤمن.
۴. اجازه آقا محمد باقر نجفی هزارجریبی به سید بحر العلوم.
۵. اجازه میر عبدالباقی خاتون آبادی به سید بحر العلوم.

میرزا یحیی پس از نقل این اجازه می نویسد: «يقول مسود هذه الأوراق بالنقل يحيى بن محمد شفيع الاصفهاني لا يزال فائزاً بنجاح الآمال والأمانى: هذه آخر ما رقمه السيد فى إجازته بخطه الشريف وقد نقلته لجودة خطه فى الغاية وكّد سعيه فى هذه الإجازة بالنهاية فوجدته أهلاً لأن يعلم منه الخط وإن لم أشغل به قط. وكان هذا أوائل تشرفى بأرض الغرى على مشرفها آلاف الصلوات الزاكيات عازماً على المجاورة السعيدة وإن طالت السنين العزيزة وأسأل الله تبارك

وتعالی أن لا يفارقنى من هذه الأرض المقدّس إلا لزيارة بيته الحرام ومقد نبيه والأئمة البررة الكرام عليه وعليهم صلوات الله والأمة إلى يوم القيام. وكان ذلك فى أواسط شهر شعبان سنة ۱۳۱۷ حامداً مصلياً مسلماً».

۶. اجازہ شیخ یوسف بحرانی بہ سید بحر العلوم.

۷. اجازہ سید بحر العلوم بہ سید عبدالکریم موسوی جزائری.

۸. تقریظ سید بحر العلوم برتتمیم أمل الآمل شیخ عبدالنبی قزوینی.

پس از آن، کتاب الأربعین عن الأربعین شیخ منتجب الدین رازی و منتخب کتاب الجعفریات از خط شیخ ثقه عدل العالم الفاضل الكامل العلامة الفقیه الجلیل، صاحب المقامات العالیة والدرجات الرفیعة، جامع مرتبتی العلم والعمل، الشیخ الأورع الأكمل، جدّ شیخنا العلامة الشیخ بهاء الدین محمد العاملی الحارثی، الشیخ محمد بن علی بن حسن بن محمد بن صالح الجباعتی العاملی نقل شده، و چنانچه مؤلف در پایان تصریح کرده اکثر مطالب دو مجموعه جباعتی را در این مجموعه آورده است.

دو بیت از اشعار شیخ بهائی نیز به شرح زیر در یکی از صفحات آمده است:

شرب كأس الموت یکرهه کلّ من یمشی علی الغبرا
وبعین العقل لو نظروا لראوه الراحة الكبرى

وله أيضاً:

ونورین حاطا بهذا الوری فثورا ثریا و ثورا ثری
وهم تحت هذا ومن فوق ذا همیر مترحة فی القری

شکسته نستعلیق زیبا: یحیی بن محمد شفیع اصفهانی، ۱۳۱۷ ق. عناوین به شنگرف، ۱۱۶

گ، ۲۳ سطری. (نسخه خاندان مؤلف)

۲۵. مجموعه:

۱. کسر أصنام الجاهلیة (۱۰۶-۱)

از: صدر المتأهلین محمد بن ابراهیم شیرازی (م: ۱۰۵۰ ق).

ردیه ای بر صوفیه است که به کوشش مرحوم استاد محمد تقی دانش پژوه چاپ شده است.



۲. رساله سه اصل (۱۷۸-۱۰۷)

از: صدرالمؤمنین محمد بن ابراهیم شیرازی (م: ۱۰۵۰ ق).
به کوشش دکتر سید حسین نصر چاپ شده است.

۳. آغاز و انجام (۲۰۶-۱۷۹)

از: خواجه نصیرالدین محمد بن محمد بن حسن طوسی (م: ۶۷۲ ق).

نستعلیق زیبا: سید روح الله بن محمود بن مصفی ابن سید جعفر کشفی موسوی، ربیع الأول و جمادی الأولى ۱۳۶۴ ق، اصطهبانات، از روی نسخه خط محمد بن عبد الله اصطهباناتی شیرازی نعمة اللهی صالحعلیشاهی که در سال ۱۳۵۳ ق از روی نسخه میرزا ابوالقاسم بن محمد نبی شریفی حسینی ذهبی معروفی (مکتوب در ۱۲۲۴ ق) کتابت شده است. (پایان رسال اول و دوم). اردیبهشت ۱۲۲۴ ش. (رساله سوم). (کتابخانه جناب آقای سید مهدی کشفی، فرزند کاتب).

۲۶. کتاب دعاء

از:؟

اثری زیبا و کهن در ادعیه مروی از ائمه اطهار علیهم السلام است که به علت افتادگی صفحات آغاز شناخته نشد. آغاز موجود مشتمل بر آداب شروع در نماز، تعقیبات نماز و آداب نماز شب است. عناوین ابواب موجود پس از آن از این قرار است:

باب: در یاد کردن آنچه در شب و روز آدینه و روز آدینه بجای باید آورد.

باب: در یاد کردن چگونگی سنت روز آدینه.

باب: در یاد کردن نمازهایی که سنت است شب آدینه و روز آدینه.

فصل دوم: در یاد کردن ماه رمضان و آنچه در بعضی از روزها بدان عمل باید کرد. و ابتدا به ماه رمضان از آن کرده شد که بزرگترین و فاضلترین ماه هاست.

فصل سیم: در یاد کردن آنچه بامداد و شبانگاه باید خواند از حرز و غیر آن.

فصل چهارم: در دعاها و طریق زیارت دوررضا علیه السلام والتحیه.

باب: در زیارت کردن امام علی بن موسی الرضا علیه السلام والتحیه والتنا و ختم کنیم

کتاب را برین.

آغاز افتاده: من لا یحیی سائله سبحانه من لیس له حاجب یغشی ولا بواب یرشی... آنکه

برخیزد و بگوید بیش از آنکه در نماز ایستد: اللهم رب هذه الدعوة التامة والصلاة القائمة.
انجام: و الحمد بخواند یک بار و هفت بار ایتا آنزلناه فی لیلۃ القدر خدای عزوجل هر دورا
بیامرزد.

نسخ زیبا: عماد الدین بن معین الدین، ۹۷۰ ق. ترجمه ادعیه به شنگرف در زیر سطور،
عناوین به لاجورد و سبز. ۱۵۶ گ، ۱۸ سطر. (نسخه ملکی مرحوم شیخ کاظم کلباسی).

۲۷. الفوادح الحسینیة والقوادح البینیة^۱

از: شیخ حسین بن محمد بن احمد درازی آل عصفور بجرانی (۱۲۱۶ ق).

این کتاب به مقتل آل عصفور مشهور است. مؤلف پسر برادر صاحب حدائق، و خود از
فقهای بزرگ بوده و آثار ارجمندی همچون: الأنوار اللوامع فی شرح مفاتیح الشرائع در ۱۴ جلد،
رواشح العنایة الربانیة فی شرح الکفایة الخراسانیة در ۵ جلد، السوانح النظریة فی شرح البدایة
الحریة در ۲ جلد و عیون الحقائق الناظره در تتمیم حدائق عمویش از او برجای مانده است.
وی این کتاب را در بیست مصیبت تدوین کرده که در شب ها و روزهای دهه محرم در مجالس
عزای حضرت سید الشهداء علیه السلام خوانده شود.^۲

آغاز: الحمد لله الذی بوء آل الرسالة مقاعد التقی والجلالة بما أهلهم له من سفک دماهم
بسیوف أهل الزیغ والضلالة... وبعد، فیقول الفقیر الراجی فضل ربّه ونواله... إتی لمتا رأیت أبناء
الزمان قد أکبوا علی قراءة الكتاب المتخب لربّ الفخر والعدالة وجعلوه فی جمیع أوقاتهم الشعار
والدثار بلا سأم ولا ملالة... أحببت أن أجمع ما عسی أن یکون فی موضع القبول عند آل
الرسول.

انجام: فأنشد ورتنا بما یحسن لهذا المقام ویناسب وصلی الله علی محمد وآله الأطائب. تمّ الجزء
الأول بعون الملك الوهاب... کتبه لمؤلفه فرید عصره ووحید دهره العلامة الفهامة شیخنا ومولانا
ومقتدانا الشیخ حسین بن المقدّس الشیخ محمد بن المبرور الشیخ أحمد الدرازی الأوالی.

نسخ: علی بن عبدالإمام بجرانی، ۱۲۰۶ ق. عناوین به شنگرف. در حاشیه تصحیح شده.
نسخه برای مؤلف کتابت شده و نشان تملک وی در پایان دیده می شود. ۲۶۲ ص، ۱۸

۱. الذریعة، ج ۱۶، ص ۳۶۴.

۲. رک: أنوار البدین، شیخ علی بجرانی، ص ۲۱۲ - ۲۰۷. این کتاب در سال ۱۳۱۲ ق در بمبئی به اهتمام میرزا
محمد ملک الکتاب شیرازی چاپ سنگی شده است. معجم المطبوعات العربیة، الیاس سرکیس، ج ۲، ص ۱۶۴۱.

سطری. (نسخه کتابخانه مرحوم حجة الإسلام شیخ محمد علی فشارکی).

۲۸. توضیح الحساب^۱

از: محمد تقی بن حسینعلی هروی اصفهانی (م: ۱۲۹۹ ق).

شرحی توضیحی بر خلاصه الحساب شیخ بهائی است که مؤلف در آغاز تحصیل نگاشته و اولین تألیف او محسوب می گردد. وی بعداً در آن تجدید نظر کرده و فوایدی بر آن افزوده است. آقابزرگ طهرانی درباره این اثر فرماید:

«ذکر تلمیذه فی نتیجه المقال أنه أول تصانیفه وصرح به نفسه أيضاً فی نهاية الآمال فی معرفة الرجال».^۲

آغاز: نحمدک یا أسرع الحاسین ویا أعدل العادلین، ونشکرک یا مضغف الحسینات یا ماحی السیئات، ونثنی علیک یا جابر العظم الکسیر... هذه فوائد فی تسهیل غوامض الخلاصة للشیخ المحقق والفاضل المدقق بهاء الملة والدين محمد بن حسين العاملي.

انجام: قد وقع الفراغ من إصلاح هذا المختصر وتهذيبه وتحريره على يد الحقير من مؤلف القليل البضاعة، القاصر في هذه الصناعة، في سنة الف ومائتين وأحد وأربعين... فإنّ هذا أول تألیف وقع منی فی ریعان التحصیل، قد اشتغلت به حين كنت قرأت الخلاصة عند الأستاذ، ولم يكن عندي ما يعين به من الأسباب، مع أنه لم يكن مقصودي منه إلا توضيح مسائلها وتسهيل مطالبها، ولكن جدّدت فيه النظر ثانياً، وأودعت فيه جملة من الفوائد ونبذاً من الزوائد؛ ليكون تبصرة للمبتدئين وتذكراً للمتوسطين...

ن ق ۱۳، کاتب نامعلوم، نستعلیق زیبا، عناوین نانوشته، قطع جیبی، ۱۴ سطری. (کتابخانه فشارکی).

۲۹. تهذيب الاحكام في مسائل الحلال والحرام

از: شیخ الطائفة ابو جعفر محمد بن حسن طوسی (م: ۴۶۰ ق)

این نسخه شامل کتاب طهارت تا جهاد است.

نسخ: محمد صادق بن حاجی شعبان جرفادقانی، ذی القعدة ۱۰۷۳ ق. نسخ زیبا، در حاشیه تصحیح شده و علامت بلاغ دارد. با حواشی فراوان به نستعلیق منقول از حبل المتین و

۱. الذریعة، ج ۴، ص ۴۹۲.

۲. الذریعة، ج ۴، ص ۴۹۲.

مشرق الشمسین شیخ بهائی و حواشی لأستاذی اب سلمه الله. عناوین به شنگرف. نسخه وقف است. (کتابخانه فشارکی).

۳۰. الکافی

از: ثقة الإسلام ابو جعفر محمد بن یعقوب کلینی (م: ۳۲۸ ق).
این نسخه مشتمل بر کتاب الأشربة تا پایان کتاب الروضة است.
نسخ: ابوالفتح بن محمد بن علی حسینی، ۱۰۵۲ ق. (پایان کتاب الأطمعة) ۱۸ رمضان ۱۰۵۱ ق (پایان روضه). با یادداشتی از کاتب در آغاز بدین شرح: اعلم أن النسخ فی تقدیم هذه الكتب وتأخیرها مختلفة وهذه موافقة لأكثرها... وجميع كتب الكافي نقسمها أربعة ونجعلها فی أربع مجلدات، ثلاث بخطی وواحدة بخط والدى محمد بن علی الحسينى عفى الله عنهما. نسخ زیبا، عناوین به شنگرف، با معانی لغات در حاشیه. نسخه آسیب دیده و نیمه بالای بسیاری از صفحات از بین رفته است. (کتابخانه فشارکی).

۳۱. زوائد الفوائد فی أعمال السنة والاداب المستحسنة^۱

از: سید ابوالقاسم علی بن رضی الدین علی بن طاوس
آغاز: الفصل العشرون عن الباقر علیه أفضل الصلاة والسلام قال: من أنعم الله علیه نعمة. انجم: فصل فیما نذکره من فضل ليلة خمس وعشرين من ذی الحجة وایومها... فكان صدقة مولانا علی وفاطمة علی المسکین والیتیم والأسیر.
نسخ: دوشنبه ۷ جمادی الثانی ۱۰۷۱ ق. کاتب نامعلوم، نسخ زیبا، عناوین به شنگرف. با یادداشتی در صفحه اول کتاب از م هام موسوی بدین شرح: أكثر دعوات هذا الكتاب مذکور فی الإقبال لأبیه علیه الرحمة وكثيراً ما ينقل عنه العلامة مولانا محمد باقر المجلسی علیه الرحمة فی البحار لکنه يذكر اسم الكتاب بدون رمز قلّة رجوعه إليه وفقنا الله وجميع المؤمنین بما ورد فيه. ۱۷۱گ، ۲۲ سطری. (کتابخانه فشارکی).

۳۲. الجواهر المنثورة فی الادعية الماثورة^۲

از: سید محمد عبدالحسیب بن احمد بن زین العابدین علوی عاملی (م: ۱۱۲۱ ق).
مجموعه ای نفیس از ادعیه و احراز مجرّبه است که میر عبدالحسیب سبط میر داماد گردآوری

۱. الذریعة، ج ۱۲، ص ۶۰ - ۵۹.

۲. الذریعة، ج ۵، ص ۲۸۲.



و در آن از جدّ علامه اش بسیار نقل کرده است.

نسخ زینبا: محمد رضا بن محمد معصوم حسینی رضوی، ربیع الأول ۱۱۲۴ ق. مجدول، در حاشیه تصحیح شده و علامت بلاغ دارد. کاتب در پایان چند دعا از جمله دعای سیفی را از خط عالم فاضل ربّانی مولانا محمد تقی مجلسی نقل کرده است. همچنین صورت اجازه مجلسی به بعض سادات و طریق و شرط قرائت دعای مزبور به نقل از عالم نبیل و عارف جلیل مولانا محمد تقی المجلسی که کاتب آن را در ماه صفر ۱۱۳۶ ق در بلده همدان نوشته است. قطع جیبی، ۱۶۵ گ، ۱۷ سطری. (کتابخانه فشارکی).

۳۳. عمّان النافع فی منافع الكتاب الرابع

از: محمود بن محمد شهریه به عماد طیب (ق ۱۰).

آغاز: الحمد لله الذي شرفنا بالخطاب كما قال عزّ شأنه يا بنى آدم، وخصصنا بالإنزال علينا الكتاب... وبعد، فإني لما اجتمع عندي من منافع القرآن ما لم يسعه... في الحواشي وظهور الكتب... فأردت أن أرتب تلك المنافع المجتمعة عندي ترتيباً يقرب من أفهام الطالبين، فدرّجتها في هذا الكتاب.

الباب الأول: في خواص التلاوة.

الباب الثاني: فيما يقوى الإنسان على حفظ القرآن.

الباب الثالث: في التوسل بالتفاول بعد التوكل.

الباب الرابع: في أدعية الابتداء والاختتام.

الباب الخامس: في الحتمات المشهورة الماثورة لتمام الكلام ولكل سورة.

الباب السادس: في الآيات المجموعة للمنافع المشروعة.

الباب السابع: الفاتحة واللايحة في خواص سورة الفاتحة.

الباب الثامن: الغرر في خواص السور.

الباب التاسع: الوصول إلى الغايات في خواص الآيات.

الباب العاشر: المقصد الأعلى في منافع أسماء الله سبحانه وتعالى.

الباب الحادي عشر: القول الأتم في الاسم الأعظم.

الباب الثاني عشر: النهر الغزير في خواص السور والتكسير.

فهذا اثني عشر رسالة وكتاباً، وجعلت كل واحد منها لهذا الكتاب باباً، عنوانه عمّان النافع من

منافع الكتاب الرابع، ومقصوده من هذا التأليف إظهار عناية الله سبحانه لعباده. انجم: ويحفظ من جميع الآفات. هذا آخر المجموع في خواص الآيات، والحمد لمبدع المبادئ وفاطر الغايات على ما استجاب دعائي وأبلغني منأى... حرّره مؤلف الحقير الكثير التقصير محمود بن محمد الشهير بعماد الطبيب في يوم الخميس ليلة الرغائب من رجب المرجّب من شهر سنة تسع وستين وتسعمائة في المشهد المقدّس والمرقد المؤسس لسيدنا ومولانا أبي الحسن الرضا صلوات الله عليه.

نسخ: كاتب نامعلوم، عناوين درنیمه اول به شنکرف وپس از آن نانوشته. ۱۳۱گ، ۲۱ سطرى. (کتابخانه فشاركى).

۳۴. مجموعه:

۱. سراج السالکین^۱ (۴۲-۱)

از: شیخ علی بن حسین کربلائی اصفهانی (ق ۱۲).

مختصرى است در اصول عقائد شیعه که به درخواست شاهزاده مریم بیگم صفوی در سال ۱۰۹۷ق تألیف شده است.

آغاز: الحمد لله الذى شرح صدورنا بالإسلام... وبعد، چنین گوید أقلّ العباد عملاً وأكثرهم خطأ وزلاً... که بعد از فراغ از تألیف رساله معراج السالکین إلى الحقّ المبين که به زبان عربی سمت تحریر یافته... فرمان لازم الإذعان نواب مستطاب خورشید احتجاب قمرکاب عصمت و خدارت مآب... شاهزاده عالم و عالمیان مریم بیگم... عزّاصدار یافت که اعتقادات فرقه ناجیه امامیه علیهم الرضوان والتحية را با اعتقادات مشهوره مخالفان ایشان، یعنی حکما و صوفیه و معتزله و اشاعره، از یکدیگر جدا ساخته، هریک را بوجه کافی و طریق شافی بیان کند... و این رساله را مرتّب ساختم بر مقدمه و فصلی چند و خاتمه.

انجم: ختم الله لمن كان السبب في تأليف هذه الرسالة بالحسنی ولنا ولجميع المؤمنين...

۲. مقالید القصد وموالید العقود^۲ (۱۱۴-۴۳)

از: سید بهاء الدین محمد بن محمد باقر حسینی مختاری نائینی (ق ۱۲).

آغاز: الحمد لله شارع شوارع العقود وواضع روادع العهود... أمّا بعد، فهذه مقالة وجيزة ورسالة

۱. الذريعة، ج ۱۲، ص ۱۵۷.

۲. الذريعة، ج ۲۲، ص ۴.

عزیزة وشجرة أصيلة أنبع عليها عنقود العقود، وثمره جلیلة من أقواع إيقاع القصود، فی شرح صیغ العقود والإیقاعات وبعض أحكامها، وما یجب علی العاقد والموقع العلم به من أقسامها، أحببت بها بعض فضلاء أحبائي من البلاد الفارسیة، وکتبتها علی وفق إرادته بالغة الفارسیة...
انجام: پس جایز باشد قبول قول واحد محفوف به قرائن چنانچه از اخبار و روایات شواهد و ملایما نیز دارد. والله یعلم...

۳. مرار الجنان للناظرین من الاخوان (۲۴۰ - ۱۱۵)

از: محمد جعفر بن محمد باقر شریف سبزواری (م: ۱۱۳۵ ق).
رساله ای است در بحث صلات جمعه در ردّ رساله یکی از شاگردان پدرش محقق سبزواری صاحب کفایة الأحکام وذخیرة المعاد.

آغاز: الحمد لله الذی براء النسم وعمّمهم بالإکرام بعطیة ولقد کرّمنا بنی آدم... فیقول الفقیر الحقیر المحتاج إلى رحمة ربّه الباری محمد جعفر بن محمد باقر الشریف السبزواری: إتی قد سمعت من بعض تلامذة والدی الماجد طاب ثراه أنه قد ألف رسالة فی تحقیق مسألة الجمعة، محتویة علی تدقیق كاللمعة، علی وجه لا یبقی الریب والشک المشهور من ذوی الأعلام... فانبعث بذلک منی الشوق إلى مطالعتها... فلما رأيتها وجدتها مشتملة علی تحقیقات شریفة وتدقیقات لطیفة من والدی العلامة... وأضاف إليها بعض ما هو کسر اب بقیعة یحسبها الظمان ماء... فأردت أن أذكر بعض ما یتعلّق بتتمیم المرام... ورتبته علی مقدمة وثلاث مقاصد وخاتمة.
انجام: وأمثال تلك الأحادیث أكثر من أن یحصی وفيما ذکرناه کفایة...

نسخ: محمد نجیب، ۱۲ رمضان المبارک ۱۱۴۲ ق، با حواشی منه سلّمه الله، (کتاب اول) ۱۱۴۳ ق. با حواشی منه سلّمه الله، (کتاب دوم) نستعلیق تحریری، ۲۲ سطری. (کتابخانه مرحوم حجة الإسلام سید جعفر آیت میردامادی).

۳۵. ترجمه اثنی عشریة

از؟

ترجمه رساله طهارت از اثنی عشریات خمس شیخ بهائی است که به دستور شاه سلطان حسین صفوی ترجمه شده است.

آغاز: الحمد لله عظیم النوال، سنی الجلال والجمال، والصلاة علی سید من هدی عن الضلال وأوضح الحرام والحلال، وآله الأماجد خیر آل، زنة الجبال وعدد الرمال. وبعد، چون از

مرکز دایره عظمت و اقبال... شاه سلطان حسین الصفوی الموسوی بهادر خان... اشاره علیه شرف نفاذ یافت که رساله طهارتیه شیخ کامل عالم عامل نادره الزمان بهاء الدین محمد العاملی که به لغت عربی سمت تحریر یافته متلبس به کسوت فارسی شود... امتثالاً لأمره الأعلى اقدام بر این مقصود شد.

انجام: حضرت فرمودند که این فعل مکروه است و شیر و گوشت آن باکی ندارد.
نسخ: ۱۱۴۲ ق، نستعلیق تحریری، با حواشی منه. ۳۲ گ، ۱۹ سطری. (کتابخانه میردامادی).

۳۶. معراج العارفين

از: میرسید احمد بن زین العابدین علوی عاملی (م: ۱۰۶۳ ق).

آغاز: بسم الله الرحمن الرحيم ونستعين بالعليم الحليم. أحمدك على جزیل آلائك يا واجب الوجود، وأشكرک على جمیل نعمائك يا مفيض الخیر والوجود. إليك الرغبوت، ومنک الرهبوت. اجعلنی بفضلک ممن لا ينظر إلا إليك، ولا يرغب إلا فيما لديك... أما بعد، فيقول أفقر عباد الله إلى رحمة ربه الغنى أحمد بن زین العابدین العلوی: إذ قد وقّفتی الله تعالی لتحریرک القلم فی أكثر الفنون المنقولة والمعقولة، فبعض أجلة الإخوان وأعزة الخلان قد التمس وألح علی لأن أتمدی لشرح متن متین، وهو كالدرا الثمین فی علم الفقه وأصول الدین، لبعض أماجد زماننا وأكابر أواننا، لا زال كاسمه ماجداً، أدام الله تعالی مجده أبداً، ولشأنک إنه اجتهد فی ذلك كل الاجتهاد فی تسهيل سبیل الرشد، من غیر تطویل یورث اللام... مع إشارات إلى أحادیث واردة فی جمیع الأحكام فی باب الطهارة والصلاة، وقّفتی الله لإسعاف مسؤلهم وإنجاح مضمونهم فی نقل تلك الأحادیث التي أشار إليها علی التمام؛ ليكون الكتاب كالبدر التمام، وكالشمس فی إفادة الخاصّ والعام... ولما جاء هذا الشرح بعونه وحسن توفيقه علی منهج السالکین الواصلین فسمّيته بكتاب معراج العارفين. والحال حال الاقتتاح، والآن آن الانشراح، والتوفيق من الله الفالق الإصباح.

انجام: قد نظمت هذه اللؤلؤة الفريدة والجواهر الحريفة التي خرجت بها ألسن السنن ونطقت بها آيات الكتاب المبين، فجاءت بحمد الله ثمرة يوم الحساب لجميل الثناء وجزيل الثواب لطالبيين من أولى الألباب... جزى الله خيراً من تأمل ضيعتى وقابل ما فيها من السهو بالعفو. قد ألفه بيمناه... العلوی العاملی عفى عنهما.



نسخ: مؤلف، نسخه اصل، با خط خوردگی و اضافات فراوان، عناوین به شنگرف. ۱۰۳ گ، سطور مختلف. با یادداشت تملک محمد رحیم بن سید مرتضی حسینی از اعقاب مؤلف در ۱۱۶۵ ق. (کتابخانه میردامادی).

۳۷. اظهار الحق و معیار الصدق

از: میرسید احمد بن زین العابدین علوی عاملی (م: ۱۰۶۳ ق). رساله ای است در بیان سوء حال ابومسلم خراسانی به فارسی، که به نوشته سید محمد عبدالحسیب علوی فرزند مؤلف، در تأیید سید میرلوحی نگاشته شده است.^۱ آغاز: بعد حمد الله علی آلائه... چنین گوید اقرع عباد الله إلى رحمة ربّه الغنی احمد بن زین العابدین العلوی العاملی که در سنه ثلاث وأربعین وألف بعضی از اخوان صفا و خلان وفا سؤال نمودند از حال ابومسلم مروزی... إيجاباً للتمسهم این کمینه متوجه رساله درین باب شده، موسوم به اظهار الحق و معیار الصدق گردانید، مشتمل بر مقدمه و معیاری و خاتمه. انجام: نعوذ بالله من هذا النمط الغير السدید، كما لا یخفی علی من له قلب أو ألقى السمع وهو شهید.

نسخ: سید محمد علی روضاتی، ۲ رجب ۱۳۹۱ ق، نسخ و نستعلیق زیبا، عناوین به شنگرف. ۸ گ، ۱۵ سطری. (کتابخانه مرحوم میردامادی).

۳۸. ظفرنامه نوشیروانی

از:؟

آغاز: الحمد لله... اما بعد، چنین گویند که روزی انوشیروان عادل رحمة الله علیه ابوزرجمهر حکیم را طلب فرمود و گفت: ای حکیم زیرک فطن فرزانه سخن هایی بدیع مرابیموز که در هر دو جهان مرا کار آید.

انجام: گفتم ای حکیم زیرک با چند گروه نیکی نباید کرد؟ گفت: با کاذب و ناکس و طامع. تمت بالخیر...

نستعلیق بسیار زیبا: رضاقلی ادیب، ۱۳۲۲ ق. مجدول، عناوین به شنگرف. قطع جیبی، ۷ گ، ۵ سطری. (کتابخانه مرحوم میردامادی).

۳۹. زیارة النبی والائمة علیهم السلام فی أيام الاسبوع

منقول عن رضی الدین ابن طاوس رحمه الله.

أغاز: زیارة النبی ص فی یوم السبت. اشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شریک له.

انجام: دعاء التوسل بصاحب الزمان صلوات الله وسلامه علیه لأجل الخلاص من القتل:

اللهم انی أسألك بحق ولیک وحجتک علی عبادک وبقیتک فی أرضک... وسمیها بالائتئی
عشریة لأنّ کل فقرة منها بدون حرف العطف اثنی عشر حرفاً والحمد لله تعالی وحده...

نسخ بسیار زیبا: ۱۰۱۰ ق. کاتب نامعلوم، نسخه سلطنتی و موقوفه شاه صفوی که نام او محو
گردیده، مجدول و مطلا، عناوین به شنگرف. قطع جیبی، ۱۴ گ، ۹ سطری. (کتابخانه مرحوم
میردامادی).

۴۰. اجازات الحدیث

اجازات روایی مرحوم حجة الإسلام والمسلمین سید جعفر آیت میردامادی ساکن تهران

است از آیات عظام قم، تهران، کاشان و نجف اشرف بدین شرح:

۱. وصل الاسناد إلى السادة الامجاد،

از: آیه الله العظمی سید شهاب الدین مرعشی نجفی. اجازه مبسوط روایی که در سال

۱۳۷۴ ق برای مرحوم آیت میردامادی در ۴۱ ص به قطع جیبی نگاشته شده است.

۲. اجازه آیه الله شیخ محمد مهدی امیری مازندرانی، ۱۳۷۰ ق.

۳. اجازه آیه الله شیخ عبدالنبی نجفی اراکی، ۱۳۷۳ ق.

۴. اجازه آیه الله سید هبة الدین شهرستانی، ۱۳۷۴ ق.

۵. اجازه آیه الله محمد رضی بن محمد حسن تبریزی، ۱۳۷۱ ق.

۶. اجازه آیه الله سید حسین بن هبة الله رضوی کاشانی، علم الهدی، ۱۳۷۱ ق.

۷. اجازه آیه الله سید صدرالدین صدر، ۱۳۷۰ ق.

۸. اجازه آیه الله شیخ آقا بزرگ طهرانی، ۱۳۷۴ ق.

۹. اجازه آیه الله سید احمد حسینی زنجانی، ۱۳۷۳ ق.

۱۰. اجازه آیه الله سید احمد خوانساری.

۱۱. اجازه آیه الله میرسید علی یثربی کاشانی.



۱۲. اجازة آية الله سيد عبد الهادي شيرازي، ۱۳۷۱ق.
۱۳. اجازة آية الله سيد محمد تقى خوانساري، ۱۳۷۱ق.
۱۴. اجازة آية الله سيد جمال الدين گليايگاني، ۱۳۷۴ق.
۱۵. اجازة آية الله سيد محمود شاهرودي، ۱۳۷۴ق.
۱۶. اجازة آية الله سيد محسن حكيم، ۱۳۷۴ق.
۱۷. اجازة آية الله ميرزا مهدي حسيني شيرازي.
۱۸. اجازة آية الله سيد ابوالقاسم خوئي، ۱۳۷۴ق.
۱۹. اجازة حضرت امام خميني، ۱۳۸۸ق.
۲۰. اجازة آية الله سيد محمد رضا گليايگاني، ۱۴۰۰ق. (دو اجازة اخير حسيه است).

۴۱. مجموعه:

۱. الاربعون حديثاً (۱۱۶-۱)

از: ملا اسماعيل بن محمد حسين خواجهئي اصفهاني (م: ۱۱۷۳ ق).
 آغاز: الحمد لله العلي العظيم الواهب الكريم الحنان المنان... وبعد، فيّني قد علّقت فيما مضى
 من أيام عمري بتوفيق الله وتأييده وإلهامه وتسديده على جمل من الأحاديث المروية... ما خطر
 بخاطري الليل وحضر لذهني القاصر الكليل فأردت في هذه الأوان إن ساعدني الزمان وأسعفني
 الدهر الخوان أن أجمع منها بعون الله الملك المنان في صحيفتي هذه أربعين حديثاً من الأحاديث
 الواردة أغلبها في العبادات وخاصة فيما يتقدم أو يقارن بالصلوات.
 انجام: وتعجبه منه بقوله: سبحان الله ينافي هذا التأويل.

۲. شرح مشيخة الفقيه (۲۷۵-۱۱۸)

از: مولانا محمد تقى بن على مجلسي (م: ۱۰۷۰ ق)
 آغاز: الحمد لله... وبعد، فيقول أحوج المقتادين إلى رحمة ربّه الغني محمد تقى بن على الملقب
 بالمجلسي إته لما وفق الله تبارك وتعالى لإتمام الشرح على كتاب من لا يحضره الفقيه أردت أن
 أوضح الفهرست الذي أضافه رئيس المحدثين.
 انجام: قد وقع الفراغ في شهر الله الأصب رجب لسنة أربع وستين بعد الألف من الهجرة على
 يد مؤلفه...

نسخ: سيد على بن سيد رضا طباطبائي، ۱۲۲۳ ق. (كتاب اول) ۱۲۲۴ ق. (كتاب دوم) در

اصفهان. عناوین به شنگرف. با مهر تملک محمد باقر بن محمد نقی موسوی حجة الإسلام شفتی. این نسخه در سال ۱۲۹۶ ق بر حسب وصیت مرحوم بهرام بیگ وقف گردیده، با مهر محمد جعفر بن محمد باقر الموسوی. ۲۷۵ گ، ۲۲ سطر. (نسخه کتابخانه فرهنگ اصفهان).

۴۲. الغرة الحنفية في شرح الدرّة النجفية

از: سید ابوالحسن بن محمد ابراهیم شهبهانی اصفهانی (ق ۱۳).

شرح مفصل منظومه درّه سید بحرالعلوم در فقه است که با مقدمه ای ادیبانه و زیبا نگارش یافته و به ناصرالدین شاه تقدیم شده است. مؤلف پسر برادر فقیه بزرگ اصفهان سید محمد بن عبدالصمد شهبهانی است و در آغاز نسخه تقریظ زیبایی او به خط مبارکش آمده که در سال ۱۲۶۱ ق نگاشته شده است. مؤلف همچنین اشعاری عربی از خود در متن آورده است.

آغاز: الحمد لله مطلع من اختاره من عباده الأبرار على خفايا الأسرار ومودع قلوب أصفیائه من لطائف المعارف ما تحار فيه البصائر والأبصار... وبعد فيقول العبد الغريق في بحر العصيان... ابوالحسن الاصفهانی عفی عنهما الرحيم الرحمان ما الدرر فی أسلاكها تتحلى بها الخضائب والنحور ولا الدراری فی أفلاكها تتجلی بها غياهب الديجور بأزهی من فضائل تتزين بها صدور الصدور من دلائل تسفر فی أفق سمائها أسفار البدور إلا أنّ علم الفقه واقع منها موقع البدر من الكواكب... ورسمت فی أيام التحصيل على أكثر كتبها أرقاماً كثيرة تهدّ للناظرین فيه بصيرة ومنه الدرّة النجفية... فالتمس منى بعض المترددين إلى المشتغلين بقراءته لدى أن أجعل لها من الأرقام المتعلقة بها شرحاً.

انجام: ویتلو هذا المجلد الكلام فی الوضوء وأحكامه وقفاً لله لإتمامه والنيل إلى سعادة اختتامه بحق أمنائه على وحيه وإلهامه عليهم آلاف الصلاة وسلامه...^۱

نسخ بسیار زیبا، ۱۲۶۱ ق. (تاریخ تقریظ). در حاشیه تصحیح شده و نشان بلاغ دارد. با مهر بزرگ وقف شرعی بر طلاب علوم دینی اصفهان از نساء املاک موقوفه مرحوم حاجی ملا احمد قهبایه به تولیت آقا میرزا محمود خان قهبایه و نظارت شرعی شریعتمدار حاجی میرزا محمد حسن حکیم باشی و آقا علی اکبر قهبایه. ۲۵۳ گ، ۱۹ سطر. (نسخه کتابخانه فرهنگ اصفهان).

۱. جلد دوم این شرح که در سال ۱۲۶۳ ق شروع و در ۱۳۶۶ ق به اتمام رسیده به خط مؤلف در کتابخانه مرحوم آیه الله العظمی گلپایگانی موجود است. فهرست قدیم کتابخانه ج ۱ ص ۸۲.

٤٣. المناهج السوية في شرح الروضة البهية^١

از: فاضل هندی، شیخ بهاء الدین محمد بن حسن اصفهانی (م: ۱۱۳۵ق).
شرح مفصلی است بر کتاب الروضة البهية معروف به شرح لمعه از شهید ثانی رضوان الله علیه. این نسخه مشتمل بر شرح کتاب های زکات، خمس و صوم از شرح لمعه است که به ترتیب در سال های ۱۰۹۳ق، ۱۰۹۴ق و ۱۰۹۵ق تألیف شده است. شارح علامه یکی از فقهای طراز اول شیعه و در عین حال ادیبی برجسته بوده و جملات پایانی شرح هریک از کتب ذکر شده که با عبارات ادبی بسیار زیبا نگاشته شده دلیل بر آن می باشد.

آغاز: کتاب الزکاة وهی اسم علی فعلة كالصدقة. وقال المصنف فی الشرح والدروس والبیان إته مصدر.

انجام کتاب الزکاة: فهذا نصاب زكاة المناهج السوية مما زرعه الفطرة بتأييدات سماوية وسقطته هواطل أقلام كسحاب صيفية، فانفق منه ولا تخف اقتاراً، فقد أرسلت عليك سماء الفوائد مداراً. واتفق تمام النصاب وبلوغ أجل الكتاب على يد مؤلفه الفاني محمد بن حسن الاصفهاني في ليلة ضحى من سنة ألف وثلاث وتسعين، والحمد لله الذي لا شريك له ولا معين، والصلاة على خير خلقه أجمعين، وعلى آله وعترته الوازعين.

انجام کتاب الخمس: ولنقتصر من خمس المناهج على ما قولناه ونقلناه؛ فقد أوفينا الكتاب حقّه وكملناه، وفصلنا القول فيه وورسلناه، وحوّلنا القلم ما يحول وحوّلناه، وخنمنا القرطاس ما عمله وجمّلناه. واتفق الفراغ ضحوة أول نقل ثانية جمادى ألف وأربع وتسعين، والحمد لله وصلاته على رسوله وآله سادات الخلق أجمعين، وكتب بيمنه مؤلفه محمد بن الحسن الاصفهاني، زوجه الله الحور العين، وسقاه من ماء معين.

انجام کتاب الصوم: فليصم الآن قلمي من الصيام عن الوشى والتحلية، فقد فاز بالسبق متى عكفت له سوابق الأقلام مصلية، وافز لعمرى من بكائه عن درر القلوب عن الشكوك مجلبة، ولصدر الصدور بجواهر التحقيق والتدقيق محلبة. واتفق الوصول إلى الغاية والانتهاى فى كشف العماية فيه الى النهاية بيد مؤلفه محمد بن الحسن الاصفهاني، عفى الله عنهما وبلغهما الأمانى، من شعبان فى الثانى والعشرين، ومن الهجرة فى ألف وخميس وتسعين، والشمس فى كبد السماء، والعنان مثنى الى الحمد والثناء، والصلاة على سيد الانبياء وآله وعترته خيرة الأصفياء،

صلوات الله عليهم أجمعين ما سبحت الأملاك وسبحت الأنجم في الأفلاك.
نسخ: ق ۱۳. کاتب نامعلوم، عناوین به شنکرگف. این نسخه را علامه فقیه حاج محمد
جعفر بن محمد صفی آباده ای در سال ۱۲۷۸ ق بر اولاد ذکور خود وقف کرده است. ۲۲۵ گ،
۲۷ سطری. (نسخه کتابخانه فرهنگ اصفهان).

۴۴. النجاة في شرح الرسالة في فرض الصلاة^۱

از:؟

شرحی است بر الفیه شهید اول در واجبات نماز.
آغاز: الحمد لله الذي شرع الإسلام فسَهّل شرايعه لمن ورده وأعزّ أركانه على من غالبه فجعله
أمنًا لمن عقله وسلمًا لمن دخله... أمّا بعد، فإني لما وقفت على كتب بعض الفقهاء الإمامية...
أحببت أن أشرح الرسالة الوجيزة المشهورة بالألفية في فرض الصلاة اليومية... لما فيها من
المسائل العربية والدقائق اللطيفة والنكات العجيبة قد خلت منها أكثر المطوّلات... وسمّيته
بكتاب النجاة في شرح الرسالة في فرض الصلاة... ورتّبها على منهاج أصلها من مقدّماتها
وخاتمها وفصولها والله المستعان ومنه المنّ والإحسان.

انجام: بخلاف النذر المطلق فإنّ القضاء لا يطلق بها حقيقة ولا مجاز...

نسخ زیبا، ق ۱۲. با چند حاشیه از مولانا سعد الله محمد شاهی در آغاز. در حاشیه تصحیح
شده است. با تملک عبد الله اصفهانی که کتاب را به فرزندش میرزا احمد بخشیده است و مهر او
«الراجی لعفو الله عبد الله» است. در آغاز یادداشتی بدین شرح آمده: شرح الألفية الشهيدية
للشهيد الثاني وهو الشرح الوسيط له فلاحظ. با مهر بزرگ وقف شرعی بر طلاب علوم دینی
اصفهان از نساء املاک موقوفه مرحوم حاجی ملا احمد قهبایه به تولیت آقا میرزا محمود خان
قهبایه و نظارت شرعی شریعتمدار حاجی میرزا محمد حسن حکیم باشی و آقا علی اکبر قهبایه.
۱۰۱ گ، ۱۵ سطری. (نسخه کتابخانه فرهنگ اصفهان).

۴۵. مجموعه:

۱. الانوار البهية في شرح الاثني عشرية^۲ (۱۸۵ - ۱)

از: سید نورالدین علی بن علی بن حسین بن ابی الحسن موسوی عاملی (م: ۱۰۶۸ ق).

۱. الذريعة، ج ۲۴، ص ۶۰.

۲. الذريعة، ج ۲ ص ۴۲۱.

شرح استدلالی به طریق مزجی بر رساله صلاتیه از اثنی عشریات خمس شیخ بهائی که در زمان حیات او به سال ۱۰۲۴ ق نگاشته شده است. شارح از بزرگان شیعه و برادر سید محمد صاحب مدارک است.

آغاز: نحمدک یا من جعل الحمد مفتاحاً لاجتلاب إفضاله وكرمه، ونشكرک یا من أوجب بالشكر دوام إحسانه ونعمه ونصلی علی نبیک المبعوث رحمة للمؤمنین وهدایة للعالمین وأهل بیته الأئمة الطاهیرین معادن الشرف والدين وسلّم تسليماً كثيراً. وبعد، فإتی لنا وقفت علی المقالة التي ألفها مولی الأنام ومرجع الخاص والعام من إليه انتهى الفضل والتحقیق والكمال والتدقیق أطال الله أيامه ورفع فی الدارين مقامه فی أحكام الصلوات الخمس الوافية فی بابها بإيضاح الحق وكشف اللبس أحیبت أن أعلّق علیها شرحاً یبرز مخدّرات أبكارها ویوضح دقائق أسرارها. انجام: واتفق الفراغ من تعليق ما تيسر أیراده فی هذا الشرح علی حسب الحال مع ضیق المجال وكثرة شواغل البال والقلب مغمور بجراح المصائب والفكر معمور بكفاح النوائب...

۲. صیغ العقود (۲۲۶ - ۱۸۶)

از:؟

آغاز: الحمد لله رب العالمین... وبعد، فهذه عندیة كريمة فی الصیغ العقودیة تحتوی علی الكتب. كتاب التجارة وصیغة البیع بعتك هذه العین بمائة دینار مثلاً. انجام: وتعدت الأمة من فراق مولاها حياة وموتا بحیضة أو بخمسة وأربعین يوماً. تمت المقدمة والحمد لله رب العالمین.

۳. الرسالة الرضاعیة (۲۳۷ - ۲۲۷)

از: محقق ثانی شیخ علی بن حسین كركی (م: ۹۴۰ ق).

آغاز: الحمد لله كما هو... اعلم وفقك الله أنه قد اشتهر علی السنة الطلبة فی هذا العصر تحريم المرأة علی بعلها برضاع من سنذكره.

انجام: وذلك غیر مقتض للتحریم بوجه من الوجوه والله أعلم.

۴. البیان

از: شهید اول شیخ محمد بن مکی عاملی (م: ۷۸۶ ق).

آغاز افتاده: الوجوب تحت ظلّ ویلین أصابعه برفق... الحكم الثالث التكفین.

نسخ: سراج بن خلیفة بن احمد بن صلیبوخ حالی، ۲۷ جمادی الثانی ۱۰۵۱ ق. من نسخه

نسخت من الأصل التي هي بخط المصنّف وقرأت عليه. عناوين به شنكرغف، در حاشيه
تصحيح شده و نشان بلاغ دارد. (كتاب اول) ١٢٢ گ، سطور مختلف.

٤٦. مجموعه:

١. شرح المنظومة

از: ملا هادی بن مهدی سبزواری (م: ١٢٨٨ ق).

آغاز: یا واهب العقل لك المحامد.

انجام: ختامها كبدوها الخلافة. فهذا المصرع الأخير مادة تاريخ الشروع في تأليف المنظومة
وهو أربعون ومائتان بعد الألف...

٢. رسالة في نسبة أعظم الجبال إلى قطر الارض

از: شيخ بهاء الدين محمد عاملی (م: ١٠٣٠ ق).

شرح مبحث فوق از شرح محقق رومی بر چغمینی است كه علامه ذوفنون شيخ بهائی در
سال ٩٩٥ ق در اصفهان آن را تصنيف کرده است.

آغاز: نحمدك يا من جعل الأرض مهاداً والجبال أوتاداً.

٣. جواب مسائل أبوريحان البيروني

از: شيخ الرئيس ابو على سينا (م: ٤٢٨ ق).

آغاز: هذه رسالة للشيخ الرئيس... إلى أبي ریحان محمد بن أحمد البيروني في جواب مسائل
أنقذها إليه من خوارزم. حاطك الله مغبوطاً بنيل ما تمناه.

انجام: فإني لا اتمن عليها الفقيه المعصومي إذا حدثني بالفراغ عن نسخها كما هذه المرة وبالله
التوفيق وعليه التكلان.

٤. مقالة في الآثار المتخيلة في الجوّ

از: حسن بن سوار

آغاز: هذه المقالة مقالة حسن بن سوار في الآثار المتخيلة في الجو من البخار المائي وهو الهالة
والقوس والشموس والقضبان.

انجام: نصّ كلام ارسطاطاليس بعد أن نقله من اللغة السريانية إلى اللغة العربية نقلاً تنوخي
به تأدية المعنى وحفظه بعون الله تعالى وحسن توفيقه.



٥. رسالة فى استخراج جيب درجة واحدة

از:؟

آغاز: أحمد الله على جزيل إنعامه وجميل إكرامه... أما بعد فهذه رسالة فى استخراج جيب درجة واحدة بإعمال مؤسسة على قواعد هندسية وحسابية قد ألهم بها الأرخ الأعزّ ووحيد زمانه المولى الأعظم غياث الملة والدين جمشيد الكاشانى تغمده الله بغفرانه.
انجام: ولنتخّم الكلام ههنا حامدين لولى الحمد... ومحرّر هذه النسخة الشريفة هو التحرير المحقق والفاضل المدقق قاضى زاده رومى حشره الله مع أحبّته.

٦. تكملة عيون الحساب

از: على محمد بن محمد حسين اصفهانى (م: ١٢٩٣ ق).

آغاز: الحمد لله... أما بعد، فيقول المحتاج إلى رحمة ربه الفانى على محمد بن محمد حسين الاصفهانى: إن هذه رسالة مسماة بتكملة العيون فى استخراج خمسة وعشرين مسألة من المسائل الجبرية ستة منها مشهورة.

انجام: طلبنا عشراته وأحاده وصورة العمل فى الصفحة الآتية.

نسخ: محمد بديع بن سيد مصطفى موسى رضاتوفيقى اصفهانى درب امامى، ٧ ربيع الأول ١٢٧٧ ق. وقد استنسخه من نسخة قوبلت مع نسخة مقروءة عند المصنّف أدام الله تأييده. (كتاب اول) ١٢٧٥ ق (كتاب دوم تا پنجم) ١٢٧٢ ق. (كتاب ششم). نسخ زيبا، عناوين به شنگرف. ١٧٧ گ، ٢١ سطرى.

٤٧. مجموعه:

١. حاشية مدارك الاحكام^٢ (٣١ - ١)

از: ملا اسماعيل بن محمد حسين مازندرانى خواجهئى اصفهانى (م: ١١٧٣ ق)
بخشى از آغاز جلد اول حاشيه مفضّل محقق خواجهئى بر كتاب فقهى مدارك الأحكام است. از اين حاشيه تنها جلد دوم آن موجود است.

از: آغاز: الحمد لله الذى منّ علينا بشرايع الإسلام... وبعد، فهذه فوائد علّقتها على ما صنّفه السيد الأجلّ الأجد أفضل المتقدّمين والمتأخريين وأعلم العلماء الراسخين السيد محمد صاحب

١. الذريعة، ج ٢٦، ص ٢٣٢.

٢. الذريعة، ج ٦، ص ١٩٦. ج ١٤، ص ٦٢.

المدارك أعلى الله درجته.

انجام: وليس لأحدها ترجيح عقلاً على الآخر حتى يحكم بأصلته فتدبر فإنه دقيق.

۲. رساله فی أنّ يد المتصرف قوی إذا كان المال سابقاً فی ملك الآخر (۴۶ - ۳۲)

از: ملا اسماعیل بن محمد حسین مازندرانی خواجهائی اصفهانی (م: ۱۱۷۳ ق)

آغاز: مسأله لو وقع التشاح فی عين كانت فی يد أحد الخصمین فهل يحكم بها لذي اليد
اللاحقه أم السابقه»

انجام: ولقد درّ صاحب الكفاية قدّس الله نفسه الزكية حيث تفظن بما هو الحق والصواب
والله أعلم فی كل باب... فلم أر أحداً من الأصحاب استوفى الكلام فی تحقیقها وتنقیحها
والحمد لله...

۳. آداب المناظره (۷۰ - ۴۷)

از: میر فخرالدین محمد بن حسین حسینی (ق ۱۰).

آغاز: الحمد لله الحكيم الوهاب... فهذه خلاصة ما لا بد منه فی مسائل المناظره.

انجام: ولتختم الكلام مستعیناً بالمفیض العلام مصلياً على النبي وآله الكرام وصحبه العظام.

۴. لغت (۱۳۷ - ۷۱)

از؟

آغاز: حمد وثنا مبدع بی مثال ومخترع بی زوال را و درود فراوان بر سید انبیا... اما بعد بدان
که این لفظی چند است از مفردات و مرکبات که بر زبان ها متداول است و در نام های فارسی
مستعمل و مبتدی چون این قدر یاد گیرد و در استعمال آورد عبارت او در محاورت و مکالمت
منقح و مهذب گردد.

۵. الاعتقادات (۱۸۳ - ۱۳۸)

از: شیخ صدوق ابو جعفر محمد بن علی بن بابویه قمی (م: ۳۸۱ ق)

۶. خواص أسماء الحسنی (۱۹۰ - ۱۸۵)

از؟

آغاز افتاده: ... خاصیت اسم بیست و ششم این است که خواننده اسم را چندان مال و
نعمت خدای دهد که بسیار خلق محتاج او شوند و قطعاً در مال وی حساب نگنجد.

در پایان، باب چهارم در نقل فرق اسلام و مقالات ایشان از نسخه تبصرة العوام عن تألیف شیخ ابوالفتوح و برخی ادعیه و ختومات نقل شده، از جمله ختمی به نقل از خط استادی و استنادی و ملاذی ملا عبدالرشید و ملاذ مشارالیه نقل من خط استنادی میر شرف الدین علی سلمه الله تعالی آمده است.

نسخ، ق ۱۲، با تملک محمد کاظم بن حیدر علی، و یادداشت وقف بر طلاب از نماء مرعیتین موران و طهران چی در سال ۱۳۱۳ ق. ۱۲۳ گ، سطور مختلف.

۴۸. مجموعه:

۱. السؤال والجواب^۱ (۱-۱۸)

از محقق ثانی علی بن عبدالعالی کرکی (م: ۹۴۰ ق).

آغاز: مسائل متفرقه سمعتها من حضرة شيخنا ومقتدانا ومجتهد زماننا علی بن عبدالعالی رحمه الله وأنا السائل من الله من علمه... فضل الله الحسيني.

انجام: ولا يحتاج إلى قبول المتمتع المدة ليس له الرجوع.

۲. رسالة في جواز السفر في شهر رمضان (۲۳ - ۱۹)

از؟

آغاز: بعد حمد الله تعالی علی نعمه الباطنة والظاهرة... فإني ممثّل ما أمرت به من واجب الطاعة وإمام الجماعة أدام الله ظلّه من بحث هذه المسألة معتمداً بما صدر عن فكري الفاتر.

انجام: استحال ثبوت التحريم ثبت الإباحة إذ لا واسطة، والله أعلم. تمت هذه الرسالة التي صنفها الشيخ العالم الفاضل الماجد الشيخ حسن المجتهد...

۳. الرسالة النقلية (۷۴ - ۲۵)

از: شهيد اول شيخ محمد بن مكى عاملى (م: ۷۸۶ ق).

۴. آداب المتعلمين (۹۲ - ۷۸)

از: خواجه نصیر الدین محمد بن محمد بن حسن طوسی (م: ۶۷۲ ق)

۵. العقد الطهماسی (۱۴۴ - ۹۳)

از: شیخ عزالدین حسین بن عبدالصمد حارثی عاملی (م: ۹۸۴ ق).

آغاز: الحمد لله الذى أنزل من السماء ماء طهوراً.

انجام: وقفتنا الله لذلك وللعمل بما يحب ويرضى آتة جواد كريم.

٦. الرسالة الصومية (١٤٧ - ١٤٥)

از: ملا عبد الله بن حسين شوشتری (م: ١٠٢١ ق)

آغاز: الحمد لله... أما بعد، فيقول المذنب المحتاج إلى رحمة الله عبد الله الشوشتری إن الصوم لما كان عبارة عن الكف عن أمور مخصوصة.

انجام: كالقضاء عن الأبوين إن قلنا بوجود القضاء عنهما على الولي. وقد وقع الفراغ من تسويده على يد مؤلف المذنب عبد الله في أواسط شهر رجب المرجب سنة ثمان وعشرة ألف وكان ذلك في بلدة اصفهان...

٧. رسالة في أفعال الحج (١٥٢ - ١٤٨)

از: ملا عبد الله بن حسين شوشتری (م: ١٠٢١ ق)

آغاز: بعد حمد الله تعالى... يقول أقل خلق الله وأحوجهم إلى رحمة الله تعالى... إن هذه رسالة وجيزة قد رتبها في أفعال الحج على الإجمال.

انجام: في القران وعدمه في الأفراد. قد وقع الفراغ من تأليفه على يد مؤلفه... السابع عشر من شهر رجب المرجب سنة سبع عشرة ألف في بلدة اصفهان...

٨. الحبل المتين (١٦١ - ١٥٤)

از: شيخ بهاء الدين محمد عاملي (م: ١٠٣٠ ق).

آغاز: الباب الثالث من المنهج الرابع من الحبل المتين في المواريث.

٩. رسالة في استخراج سهام الميراث^١ (١٨٣ - ١٦٢)

از: ملك محمد بن سلطان حسين اصفهانی

شرح فصل ثالث از مقصد ثالث از كتاب ميراث ارشاد الأذهان علامه حلي در سهام است. آغاز: من أمالي الفقير إلى الله الغني ملك محمد... المقصد الثالث من كتاب الميراث من إرشاد الأذهان في السهام وهي ستة.

انجام: عدد الذخوة والجدول هذا.



۱۰. رساله فی الزکوة (۱۹۷ - ۱۸۴)

از: شیخ بهاء الدین محمد عاملی (م: ۱۰۳۰ ق).

آغاز: نحمدک یا من ملأ حیاض قلوبنا بماء ولاء النبی والآل.

۱۱. حلّ عبارة القواعد^۲ (۲۰۲ - ۱۹۷)

از: شیخ بهاء الدین محمد عاملی (م: ۱۰۳۰ ق).

آغاز: حمداً لک یا معین وصلاة علی نبیک وآله أجمعین. يقول الفقیر الی الله الغنی بهاء الدین محمد العاملی هذا حلّ لطیف لعبارة معضل فی قواعد الأحکام قد أعیت الفحول الأعلام قادنی الیه قائد التوفیق وأوقفنی علیه رائد التحقیق. انجم: ولا یجوز له التعین لعدم براءة ذمته. والله ولی التوفیق.

نسخ: محمد مطیع بن عبدالحمید هرندی، ۱۰۳۱ ق (رساله اول) ۱۰۳۴ ق در بلده اصفهان (رساله دوم) ۱۰۳۰ ق (رساله نهم ودهم و یازدهم). بدیع الزمان بن ابواسحاق، ۱۰۴۴ ق لأعزّ الأولاد محمد رحیم، فی بلد یزد (رساله پنجم). با یادداشت وقف بر حسب وصیت مرحوم بهرام بیگ در ۱۳۰۳ ق. و یادداشتی مبنی بر خرید این کتاب با ۵۲ جلد دیگر به واسطه جناب آخوند ملا علی میرزا از نساء مزرعتین موران و طهرانچی به جهت موقوفه مرحوم بهرام بیگ. این نسخه را فقیه نامدار اصفهان حاج محمد جعفر بن محمد صفی آباده ای در ۱۲۷۹ ق به فرزند خود عبدالجواد صلح کرده است. ۱۰۷ گ، سطور مختلف.

۴۹. اجازات الحدیث

مجموعه ای از اجازات علمای اصفهان است که مرحوم سید مصلح الدین مهدوی غالباً از روی اصل اجازات استنساخ و در این مجموعه گرد آوری نموده و فهرست آن بدین قرار است:

۱. اجازه علامه سید حسن صدر به علامه شیخ محمد رضا نجفی اصفهان، ۱۳۳۳ ق.

۲. اجازه آیه الله سید ابوالقاسم دهکردی به میرزا محمد تقی یزدآبادی اصفهانی، ۱۳۳۴ ق.

۳. اجازه آیه الله شیخ الشریعه اصفهانی به آیه الله حاج میرزا رضا کلباسی، ۱۳۳۹ ق.

۴. اجازه آیه الله ملا محمد حسین فشارکی به میرزا محمد علی معلّم حبیب آبادی، ۱۳۵۲ ق.

به نقل از کتاب کشف الخبیئة مرحوم معلّم.

۱. الذریعة، ج ۱۷، ص ۲۸۸.

۲. الذریعة، ج ۷، ص ۶۶.

۵. اجازہ آیۃ اللہ سید محمد کاظم یزدی بہ آیۃ اللہ حاج میرزا رضا کلباسی.
۶. اجازہ آیۃ اللہ میرزا ابوالہدی کلباسی بہ شیخ عبدالحسین گروسی، ۱۳۳۸ ق.
۷. اجازہ آیۃ اللہ شیخ محمد باقر بیرجندی بہ معلّم حبیب آبادی، ۱۳۳۸ ق. بہ نقل از کتاب عراضۃ الإخوان معلّم.
۸. اجازہ شیخ محمد مہدی قبوانی بہ سید محمد حسن موسوی اصفہانی جدّ مؤلف، بہ نقل از اول مجلد ثانی مہجۃ الفؤاد موسوی، ۱۲۵۲ ق. مرحوم مہدوی در بارہ مجیز می نویسد: «کان عالماً عاملاً فاضلاً کاملاً محققاً مدققاً من تلامذۃ السید بحر العلوم الطباطبائی ساکناً باصفہان ولہ تألیفات. توفی فی لیلۃ الجمعۃ ثالث شہر رجب المرجب من شہور سنۃ ۱۲۵۵ باصفہان ودفن عند الفاضل الہندی اصفہانی بتخت فولاد».
۹. اجازہ سید صدرالدین عاملی بہ سید محمد حسن موسوی اصفہانی، بہ نقل از ظہر مجلد ثالث مہجۃ الفؤاد، ۱۲۴۷ ق.
۱۰. اجازہ فاضل ایروانی بہ آیۃ اللہ سید محمد شریف ونکی طہرانی، بہ نقل از ظہر کتاب مرآۃ الآیات فی التاسخ والمنسوخ ونکی.
۱۱. اجازہ سید رضا بحر العلوم طباطبائی بہ سید محمد حسن موسوی اصفہانی، بہ نقل از جلد سوم مہجۃ الفؤاد، ۱۲۵۱ ق.
۱۲. اجازہ میرزا محمد مہدی نایب الصدر اصفہانی بہ سید محمد حسن موسوی، بہ نقل از ظہر جلد رابع مہجۃ الفؤاد، ۱۲۵۲ ق. نسب مجیز چنین است: میرزا محمد مہدی بن سید محمد کاظم بن علی نقی بن علی رضا بن سید محمد باقر عاملی اصفہانی.
۱۳. اجازہ آیۃ اللہ میرزا ابوالحسن بروجردی اصفہانی بہ حاج شیخ محمد ابراہیم کلباسی، نقل از ظہر کتاب الفوائد السنیۃ کلباسی، ۱۳۴۱ ق.
۱۴. اجازہ شیخ احمد احسائی بہ حاج محمد ابراہیم کلباسی بزرگ، بہ نقل از امالی معلّم حبیب آبادی.
۱۵. اجازہ حاج میرزا محمد تقی یزدآبادی اصفہانی بہ معلّم حبیب آبادی، بہ نقل از ظہر کتاب رشحات السمائی معلّم، ۱۳۳۲ ق.
۱۶. اجازہ آیۃ اللہ حاج میرزا رضا کلباسی بہ معلّم حبیب آبادی، بہ نقل از رشحات السمائی معلّم.

۱۷. اجازه آیه الله حاج میرزا ابوالحسن بروجردی اصفهانی به سید محمد باقر نحوی.
- مجاز فرزند عالم جلیل حاج سید مهدی نحوی فرزند سید محمد حسن موسوی اصفهانی است. مؤلف شرح حال مختصری از او نگاشته و می نویسد: «اعلم أنّ المجاز هو ابن عمّی... ولد فی رجب ۱۳۰۴ فی اصفهان وقرأ عند أخیه الفاضل الكامل الحاج میرزا سید محمد حسن النحوی صهر الآقا میرزا محمد باقر الخوانساری صاحب الروضات والمجاز من الآقا میرزا محمد باقر وأخیه الآقا میرزا محمد هاشم... قرأ السید محمد باقر زماناً عند العالم الفاضل الشیخ مرتضی الریزی اللنجانی والمولی محمد حسین الكرمانی الاصفهانی والحاج میرزا ابوالحسن البروجردی والمولی عبدالکریم الجزی والسید محمد باقر الدرجه اللنجانی الاصفهانی وغيرهم... وللسید محمد باقر تألیفات، منها ما جمع من تقریرات بحث أستاذة الدرجه فی الأصول فی مبحث الاستصحاب، ومنها ستین مجلساً فی الموعظة والأخلاق وغير ذلك. وتوفی... سنة ۱۳۵۱ ق، ودفن عند والده الشریف بتخت فولاد».
۱۸. اجازه آیه الله ملا محمد حسین فشارکی به سید محمد باقر نحوی، ۱۳۴۷ ق.
۱۹. اجازه علامه شیخ محمد رضا نجفی اصفهانی به سید ریحان الدین مهدوی برادر مؤلف، ۱۳۵۴ ق.
۲۰. اجازه آیه الله میرزا محمد هاشم چهارسوقی به سید محمد باقر بن سید محمد علی ابطحی سدهی اصفهانی، ۱۳۱۵ ق. به نقل از خط معلم حبیب آبادی.
۲۱. اجازه علامه شیخ محمد رضا نجفی اصفهانی به بانو امین، ۱۳۵۷ ق. به نقل از خط علامه میرسید علی نجف آبادی.
۲۲. اجازه آیه الله شیخ محمد کاظم شیرازی به بانو امین، ۱۳۵۴ ق.
۲۳. اجازه آیه الله سید ابراهیم حسینی شیرازی اصطهباناتی به بانو امین، ۱۳۵۴ ق. به نقل از خط علامه نجف آبادی.
۲۴. اجازه علامه شیخ آقا بزرگ طهرانی به معلم حبیب آبادی، ۱۳۵۷ ق.
۲۵. اجازه حجة الإسلام سید محمد باقر شفتی به آقا محمد کلباسی، به نقل از ظهر کتاب أنوار النزول فی فقه آل الرسول کلباسی.
۲۶. اجازه حاج محمد ابراهیم کلباسی به فرزندش آقا محمد، ۱۲۶۰ ق. نقل از انوار النزول.
۲۷. اجازه شیخ حسن بن جعفر نجفی به آقا محمد کلباسی، نقل از انوار النزول.

۲۸. اجازه شیخ جعفر کاشف الغطاء به حاج محمد ابراهیم کلباسی، به نقل از خط جدّ مؤلف.

۲۹. اجازه فخر المحققین به سید محمد بن اسحاق، به نقل از خط مجیز در ظهر کتاب ارشاد الأذهان موجود نزد حاج شیخ محمد حسن نجف آبادی.

۳۰. اجازه آیه الله میرزا حبیب الله رشتی به آیه الله شیخ ابوالفضل ریزی اصفهانی، عن خطّ المجیز.

۳۱. اجازه آیه الله فاضل ایروانی به آیه الله حاج میرزا ابوالقاسم بن میرزا محمد باقر بن حاج سید علی نقی زنجانی اصفهانی، ۱۲۹۸ ق عن خطّ المجیز.

۳۲. اجازه آیه الله میرزا حبیب الله رشتی به حاج میرزا ابوالقاسم زنجانی اصفهانی، عن خطّ المجیز.

۳۳. اجازه صاحب جواهر به میرزا محمد باقر زنجانی اصفهانی، عن خطّ المجیز علی بعض رسائل المجاز.

۳۴. اجازه آیه الله شیخ مهدی نجفی کاشف الغطاء به میرزا محمد باقر زنجانی اصفهانی، عن خطّ المجیز.

۳۵. اجازه آیه الله شیخ مرتضی انصاری به میرزا محمد باقر زنجانی اصفهانی، عن خطّ المجیز.

۳۶. اجازه آیه الله میرزا محمد هاشم چهارسوقی به میرزا ابوالقاسم زنجانی، ۱۳۱۶ ق عن خطّ المجیز.

۳۷. اجازه آیه الله شیخ الشریعه اصفهانی به میرزا ابوالقاسم زنجانی، ۱۳۲۲ ق عن خطّ المجیز.

۳۸. اجازه سید کاظم رشتی به سید محمد حسن موسوی اصفهانی جدّ مؤلف، ۱۲۵۱ ق. از خط مجیز که اصل آن نزد دوست فاضل دانشمند آقای آقا میرزا محمد علی روضاتی است.

۳۹. اجازه علامه میرزا محمد باقر خوانساری صاحب روضات به آیه الله آخوند ملا محمد حسین کرمانی اصفهانی جدّ امی مؤلف، ۱۲۹۳ ق. به نقل از خط سید هدایه الله موسوی فرزند مجیز.

نسخ: سید مصلح الدین مهدوی اصفهانی، ۱۳۷۳ ق، نسخ تحریری، ۱۷۸ ص، ۱۸ سطری.

۵۰. مجموعه:

۱. روح الایمان

از: ملا زین العابدین گلپایگانی (م: ۱۲۸۹ ق)

آغاز: الحمد لله الذی خلقنا بقدرته لمعرفة وعبادته... وبعد، فإنّ تمام السعادة وكمال الفضل الخوض فی أخبار النبی ص وعترة الطاهرين... لا سیما ما یتوی علی فضیلة من فضائلهم



السنية... فبالحرى لطلاب السعادات وبغاة الدرجات الاجتهاد فى تحصيل هذه التشريعات...
وَقَّ اللهُ سبحانه بلطفه الجسيم وفضله العظيم فى عنفوان الشباب حين سنى مجاورتى فى...
مدفن سيدنا ومولانا... أبى عبدالله الحسين عليه السلام لتأليف رسالة فى هذا الشأن قد
أودعت فيها من جواهر الحقائق... فخلد فى خلدى وجلد فى خاطرى بعد ذلك بأعوام العود
إلى ذلك وترصيف مصنف أبسط ومؤلف أفيد... وقد أذن الله تعالى لنا بما أجراه على لسان
بعض الأعيان من الإخوان أن أسميه بروح الإيمان فأسميه به وبروح الإيقان ونور العرفان ونور
الجنان والله المفضل والمنان.

انجام: فزيارته أجمع لتضمنها الزيارة الباقيين كما تقدّم والحمد لله... أبد الأبدين.

٢. الاربعين فى أصول الدين

از: ابو حامد محمد بن محمد غزالى شافعى (م: ٥٠٥ ق).

آغاز: كتاب الاربعين فى أصول الدين وفيه القسم الثالث من كتاب أقسام الجواهر وهو قسم
اللواحق... فمن شاء أن يكتبه مفرداً فليكتب فإته يشتمل على زبدة علوم القرآن. القسم الأول
فى جملة العلوم وأصولها وهى عشرة.

انجام: فاطلها من كتاب المحاسبة والمراقبة فإنّ هذا الكتاب لا يحتمله والله تعالى يوفّقنا
وإياك بفضله وجوده.

٣. شرح منازل السائرين

از: كمال الدين عبد الرزاق كاشانى (م: ٧٣٥ ق)

آغاز: الحمد لله الذى خصّ العارفين بمعرفة ما لا يعرفه إلا هو.
انجام: اللهم اعطنا نوراً واجعل علينا نوراً وزدنا نوراً وأعظم لنا نوراً. صورة خط الشارح رض:
ثم إنّ الفقير لما شرع فى شرح هذا الكتاب وأمعن النظر فيه... فإته كتاب فاق كلّ ما صتّف فى
هذا الطريق والله ولى التوفيق.

نسخ: اسماعيل بن عبدالله، ١٢٩٧ ق. (كتاب اول ودوم) ١٩ رجب ١٢٨٧ ق (كتاب سوم). بايادداشتى از
محمد بن حاج عبدالله خوانسارى در ١٣٠١ ق. ومهر كتابخانه صدرالدين كلباسى. ٢٥٢ گ، ٢٠ سطرى.

٥١. مجموعه:

چهار رساله از تأليفات ميرزا محمد تقى بن عبد الرزاق موسى احمد آبادى (م: ١٣٤٨ ق)

بدين شرح:

١. بساتين الجنان فى علمى المعانى والبيان^١ (٤٧ - ١)

شرحى است بر منظومه شيخ محمد در علم معانى و بيان كه در ماه صفر ١٣١٩ ق تأليف شده است.

آغاز: الحمد لله الذى بين لنا بيان انيته معانى الإيمان وأعطانا بيدي، كرمه فصاحة اللسان وفهم القرآن... أما بعد... قد هدانى الله تعالى شأنه فى عنفوان الشباب مع تشتت البال وقلّة الأسباب إلى منظومة وجيزة ودرّة عزيزة تنسب إلى العالم الكامل المسدّد المولى محمد عليه الرحمة من الله الصمد أبحاث فنون الفصاحة فيها مجتمعة لكن لا تزداد أشعارها على مائة... ولما كانت من كثرة الإيجاز تعدّد من الألغاز سنح لى أن أصنّف لها شرحاً يكشف عن المراد.

آغاز منظومه:

الحمد لله وصلى الله على رسوله الذى اصطفاه
محمد وآله وسلّمًا وبعد قد أحببت أن أنظما
فى علمى البيان والمعانى أرجوزة لطيفة المبانى
أبياتها عن مائة لم تزد فقلت غير أن من حسد
فصاحة المفرد فى سلامته من نفرة فيه ومن غرابته

انجام منظومه:

براعة استهلال انتقال حسن اختتام وانتهى المقال

انجام شرح: ربّنا اكشف عنا العذاب إنا مؤمنون إنا موقنون.

٢. محاسن الاديب فى دقايق الاعاريب^٢ (٩٥ - ٤٨)

شرحى است بر كلمات رساله قبل كه در ماه جمادى الاخرى ١٣١٩ ق تأليف شده است.

آغاز: الحمد لله المتفرد بالقدم. أما بعد فيقول العبد الجانى محمد تقى الموسوى الاصفهانى إتنى لما فرغت من تأليف كتاب بساتين الجنان... سنح لى أن أصنّف رسالة فى أعاريب كلماته كاشفة عن نقاب مخدراتها.

١. الذريعة، ج ٣، ص ١٠٣.

٢. الذريعة، ج ٢٠، ص ١٢٥.

انجام: وتذكروا مؤلفه الفقير بالدعاء فإنّ به قامت الأرض والسماء...

۳. توضیح الشواهد (۹۶-۱۲۸)

شرحی است فارسی بر اشعاری که مؤلف در کتاب بستاین الجنان بدانها استشهاد کرده است.

آغاز: ستایش بی منتها دانای یکتایی راسزد که شواهد ربوبیتش را به توضیح انبیاء و مرسلین بر بندگان هویدا فرمود... اما بعد چنین گوید نامه سیاه بندگان و ضعیف ترین شرمندگان... که چون از تألیف کتاب بستاین الجنان و محاسن الأعراب فراغت حاصل نمود به خاطر فاتر چنین خطور کرد که فهم اشعاری که در مقام استشهاد در کتاب بستاین الجنان ذکر نموده ام از برای مبتدی دشوار است رساله ای بنگارم در بیان معانی و مراد از آن اشعار شاید مبتدی را به کار آید.

انجام: خدای اجر دهد هر که شد بر او غمخوار.

۴. ترغیب الطلاب^۱ (۱۵۹-۱۳۰)

آغاز: الحمد لله... أما بعد فإن العبد المحتاج إلى الله القوی... يقول إن هذه يا إخوانی رسالة وجيزة ودره عزیزة تشتمل على شرافة علم النحو وفضله... وتشتمل على ثلاثة أبواب.
انجام: هذا آخر ما جرى به القلم عند كمال الحزن والألم بيد مؤلف راجی رحمة ربه القوی...
۱۳۱۹ق.

نسخ: مؤلف، ۱۳۱۹ق. نسخ زیبا، عناوین به سنگرف. با حواشی نستعلیق زیبا از مؤلف.

۱۶۲گ، ۱۶ سطر. (نسخه کتابخانه مرحوم حجة الاسلام سید محمد فقیه احمدآبادی).

۵۲. مجموعه:

۱. المفصل في صناعة الاعراب (۸۲-۱)

از: ابوالقاسم محمود بن عمر زنجشیری (م: ۵۳۸ق).

انجام افتاده: کالقوط و القصوی عنده وعند الأخفش قیاس.

۲. کتاب في النحو (۱۰۰-۸۶)

از: ؟

آغاز افتاده: وأتحفته بحضرة السيد الكبير الكريم العفيف النظيف العميد السعيد قرة عين

الرسالة ودرة بحر السفارة... ركن الحق والدين حسين بن علي الحسنى جعله الله للمتقين إماماً... وهو الذى يعلم قدره ويطلع من أفق القبول بدره ومما حذانى إليه ودادى لأهل بيت الرسول وانجذاب فؤادى إلى أفلاذ كبد البتول... النحو علم بأصول يعرف بها أحوال اللفظ العربى.

انجام افتاده: العاطفة الواو والفاء وثم وحتى... وقد يجيىء لترك الشىء إلى الأهم.

٣. توضيح الالغاز (١١٢-١٠١)

از: ميرزا على محمد بن محمد على شريف اثره اى (م: ١٣٣٢ ق).

آغاز: الحمد لله الذى جعل العربية مفتاح الكلام... وبعد فيقول العبد الضعيف التحيف على محمد بن محمد على الشريف عفى الله عن ذنوبهما بلطفه اللطيف لما كان من الكلمات ما لا يدرك معناه بأول المام بل ينبغى التعمق فيه لكونه من مشكلات الكلام... صرفت عنانى فى قل من زمانى نحو ذلك أى جمعت أغازاً من الآيات المشكلة ووضحتها بما يناسب حال المبتدى والمنتهى من الطلبة.

انجام:

لقد أتمته حمد الربى على ما قد أعان من الكتاب
ليدعو الله بعدى من رآه بمغفرة وتجزيل الثواب
فقد أيقنت أن الخط تبقى وتبلى صورتى تحت التراب

...

فأصلح يا أخى زللاً ترى فى كتابى وادع لى مولى الموالى
ومن على بتصحيح مهما ترى من هفوة لى فى المقال
فإن الصفح شيمة كل بر وإن العفو من مرضى الخصال
ولا تنس المؤلف من دعاء وقاك الله من صرف الليالى
وما أدرى أحوالى بعد موتى نجاة أم نكال فى نكال

وقد بلغ الكلام إلى هذا الكلام على يد مؤلفه أحقر الأنام الغريق فى بحر المعاصى والآثام على محمد بن محمد على بن عبد الله بن على أكبر المشتهر بالاجيه صاحب كتاب زبدة المعارف... وقد وقع التوفيق للإتمام فى الربع الرابع من اليوم الرابع للأسبوع الأول من النصف الأول للشهر العاشر من العام الخامس للعشر التاسع للمائة الثالثة من الألف الثانى من الهجرة...

در پایان اشعاری که بعضی شعرا در باب این کتاب به اسم مؤلف گفته اند آمده که دو بیت
آخر آن چنین است:

بود هجده سال سنم که گرفت اندر این تحقیق عقلم آستین
از پی تاریخ او گفتا شریف: ربنا أوضح کله للطالین ۱۲۸۰

۴. رساله فی التعادل والتراجیح (۱۲۷ - ۱۱۷)

از؟

آغاز: الحمد لله رب العالمین... خاتمه فی التعادل والتراجیح اعلم أولاً أن هذه المسألة من
مهمات المسائل الأصولية.

۵. فوائد فی تفسیر القرآن الکریم (۱۳۵ - ۱۲۸)

از: میرزا محمد تقی بن عبدالرزاق موسوی احمدآبادی (م: ۱۳۴۸ ق)
تفسیر آیات ۷ تا ۹ سوره آل عمران است که از استاد اعظمش که نام او را ذکر نکرده استفاده
نموده است.

آغاز: الحمد لله الذي وفقنا للإيمان وأخرج من قلوبنا الزيغ والعدوان... أما بعد، فيقول العبد
الراجي إلى رحمة ربه القوي العبد الجاني الفاني محمد تقى بن عبدالرزاق الموسوي الاصفهاني...
إن هذه كلمات شريفة وفوائد خفيفة وبيانات لطيفة وتوضيحات نظيفة في تفسير القرآن وكتاب
الله الملك المتان مما سمعته من الأستاذ الأعظم والمولى المعظم العالم الرباني والفاضل الصمداني
رئيس أهل التحقيق وعمدة أهل التدقيق فخر الفقهاء والمجاهدين، أفضل العلماء العاملين، ملجأ
الأنام وحجة الإسلام، زبدة الأخيار الأبرار، الذي علم اسمه الشريف من غاية الشهرة، دام ظلّه
العالی علی رؤس أهل الإسلام.... فقال دام مجده: قوله تعالى: فأما الذين في قلوبهم زيغ
فيَتَّبِعُونَ ما تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ...

۶. انیس المتفردين ومصاحب المتجردين (۱۵۰ - ۱۳۹)

از: میرزا محمد تقی بن عبدالرزاق موسوی احمدآبادی (م: ۱۳۴۸ ق)
مجموعه ای است مشتمل بر مطالب متفرقه که پس از کتاب مستطاب بساتین الجنان در
سال ۱۳۱۸ ق شروع در تألیف آن شده است.

آغاز: أبتدأ فی أول الكتاب وافتتاح الباب بحمد الملك الوهاب الرحيم التواب وأقول متوكلاً عليه:

عنوان صحیفه نام یاراست تمجید خدای کردگار است
آغاز به نام دوست کردم آن چیز که آن نکوست کردم

۷. تحفة المتأدیین فی شرح هداية الطالبین (۱۹۲ - ۱۵۲)

از: میرزا محمد تقی بن عبدالرزاق موسوی احمدآبادی (م: ۱۳۴۸ ق)

شرحی است مبسوط بر کتاب الهدایة فی النحو که تنها شرح سه فصل اول از مقدمه نگاشته شده است. مؤلف در آغاز رساله نظری از استادش سید سند و عالم معتمد آقا سید محمود کلشادی اصفهانی نقل کرده است.

آغاز: الحمد لله الواحد الأحد الفرد الصمد... أما بعد، فيقول العبد المذنب الجاني محمد المدعوتبقي ابن عبدالرزاق الموسوي الاصفهاني الملقب بافتخار الدين المكتى بأبي عبدالله... إني بعد ما تعلمت علم النحو... كنت مشتاقاً إلى تأليف كتاب كاشف للحقائق... فاخترت بقلبي الضعيف وفؤادي الخفيف أن أكتب شرحاً على كتاب هداية الطالبين المنسوب إلى بنت الشيخ أبي عثمان ابن حاجب المالكي... وكان ذلك في عنفوان الشباب مع تشتت البال وقلة الأسباب فأحمد الله الكريم اللطيف على أن وهبني لهذا التأليف.

انجام افتاده: وقيد ابن هشام الكبرى بكونها اسمية حيث قال الكبرى هي الاسمية التي خبرها جملة.

نسخ زيبا ونستعليق: محمد تقی بن عبدالرزاق بن عبدالجواد بن حاجی سید مهدی موسوی اصفهانی خراسانی، ۱۳۱۹ ق (کتاب اول). کاتب در پایان کتاب اول در حاشیه می نویسد: «قلم اینجا رسید و سربشکست. با کدام زبان کدام الم را تقریر کنم و چگونه پاره های جگر را به سر قلم تحریر کنم. لا أضحک الله سنّ الدهر إن له... پدر گرام عالم الربانی و الحبر الصمدانی، الجامع بین مرتبتی العلم والعمل، المبریء عن کلّ نقص و خطل، فقیه آل الرسول و رئیس العلماء الفحول، از دار دنیا به جانب دار عقبی میل فرمود، به مرض حسبه مطبقة... روح مقدّسش به عالم قدس ارتحال فرمود». ۱۳۱۷ ق (کتاب دوم و سوم). در فاصله بین رسائل، فوائد متفرقه و اشعاری از مؤلف و دیگران کتابت شده است، از جمله دو صفحه اشعار منتخبه از الفیه سید محمود کلشادی در نحو (استاد کاتب) و سه صفحه آغاز شرح الحبیص علی الکافیة فی النحو. ۱۹۲ گ، سطور مختلف. (کتابخانه خاندان مؤلف)

۵۳. مجالس الابوار

از: سید محمد جواد بن محمد رضا خراسانی اصفهانی (م: ۱۳۵۲ ق).
چهل و پنج مجلس در مواعظ و نصایح است که در سال ۱۳۱۵ ق شروع به نگارش آن شده است.

آغاز: الحمد لله الذى توحد بالوحدانية وتفرد بالألوهية... وبعد، چون این احقر عباد سید محمد جواد بن مرحوم المبرور المغفور السید محمد رضا بن مرحوم المبرور الحاج سید یوسف الخراسانی اعلی الله مقامهما به اصرار بعضی و خواهش آنها ذکر مواعظ و نصایح بشود مختصراً لهذا و طلباً لتوفيقه و مرضاته شروع در آن نمودم.

نسخ: مؤلف، ۱۳۴۵ ق، ۲۸۷ گ، ۳۶ سطری. (کتابخانه خاندان مؤلف)

۵۴. جواهر الحكم

از: ملا لطف الله شمس الذاکرين ريزی لنجانی اصفهانی (م: ۱۳۵۶ ق)
مجموعه ای مفضل از مجالس منبری است با موضوع عقاید.

آغاز: الحمد لله الذى أنشأ الوجود من العدم، وأرقم على لوح الانسان أسرار القدم، وأصلّى وأسلم على أول بحر... فى بحر الهوية، وأول نار أوقدت من مصباح القدمية، الذى كان أحمداً فى ملكوت العالمين، ومحموداً فى جبروت المخلصين، ومحمداً فى ملأ المقرّبين... أما بعد، چنین گوید این فقیر حقیر کثیر التقصیر، الراجی إلى الله المهدى بلطف الله، تراب أقدام الواعظین الملقب بیدرالدين ابن شمس الذاکرين الريزی الاصفهانی که چون این کتابی است مشتمل بر جواهر آیات و اخبار و فضایل و مناقب و مصائب آل عصمت عليهم سلام الله ونبذة من قواعد الحكمية مطابقاً للآيات والأخبار؛ اورا موسوم به جواهر الحكم نمودیم، وبالله التوفيق.

نسخ: مؤلف، ق ۱۴، ۸۴۶، ص ۱۳ سطری.

۵۵. جزاء الاعمال فى الاخبار الواردة فى المآل

از: سید محمود بن علی خاتون آبادی اصفهانی (م: ۱۳۵۲ ق).

نوزده مجلس موعظه است که در سال ۱۳۲۵ ق تألیف شده است.

آغاز: مبدأى راسپاس که ممکنات را از کتم عدم به عرصه وجود کشانید، و به مفاد ولقد کرمنابنى آدم وجود انسانی را بر سریر کرامت نشانید... وبعد این عامی خاطی، تراب اقدام محبین ائمه اطهار، المرجورحة ربه الغفار حاجی میر محمود الحسنی الحسینی الموسوی الاصفهانی

المعروف به خاتون آبادی، ابن العلامة المیرسید علی، بن الوحید فی زمانه میر محمد صادق، ابن السلیمان فی وقته میر محمد رضا، ابن العلامة المعروف فی الآفاق میر ابوالقاسم المدرّس بالمدرسة السلطانی، ابن الأباذر فی الدوران میر محمد اسماعیل، ابن العلامة میر محمد باقر المدرّس، ابن الزاهد عن الدنيا صاحب الفضائل والكرامات حياً ومضجاً میر محمد اسماعیل المدرّس فی المسجد الجدید العباسی المدفون فی البقعة فی تحت فولاد المعروف ببقعة الخاتون آبادی... به عرض برادران دینی می رساند... مؤلفی تمام نموده ام قبل از این که مشتمل است بر اصول دین و ادله آن بر حسب فهم عوام در کمال اختصار، و بعد از آن مختصری از شرایط نماز از شرایط صحت و قبول و کمال آن، و مختصری از صفات حسنه و رذیله، و موسوم نمودم آن را به عنوان الصلاة، که مشتمل است بر چهل مجلس، و بعد از فراغ از آن به خواهش بعضی از اخوان دینی عازم شدم بر جمع اخبار محشر از ابتداء صور اسرافیل و احياء مخلوق تا دخول جهنم و بهشت و صفات آن و مواقف محشر، و اعمالی که سبب نجات از هر موقفی است، و اعمالی که سبب سختی آن موقف است، و جزای اعمال در آن موقف بر حسب ترتیب مواقع، و مختصری از مصایب خامس آل عباء... و مرتب نمودم آن را به نوزده مجلس بر حسب عدد حروف بسم الله تيمناً وتبركاً و یک مقدمه.

نسخ: مؤلف، ۱۳۲۵ ق. ۶۱۰ ص، ۱۷ سطر. (کتابخانه خاندان مؤلف)

۵۶. ذخیره المعاد

از: سید محمود بن علی خاتون آبادی اصفهانی (م: ۱۳۵۲ ق).

نود مجلس و عظمی است که در سال ۱۳۴۳ ق تألیف شده است.

آغاز: الحمد لله الذي قصرت أوهام العارفين عن إدراك كنه ذاته، وانحسرت أفهام العارفين عن عرفان كنه صفاته... أما بعد، این بنده عاصی خاطی، اقلّ العباد عملاً وأحقرهم قدراً وأكثرهم زللاً، تراب اقدام محبین ائمه اطهار، المرجو من ربّه الغفار، حاجی میر محمود بن سید علی بن محمد صادق الحسینی الحسینی الموسوی الخاتون آبادی عفی الله عن جرائمهم به عرض برادران دینی و ایمانی و اخلاء روحانی می رساند که چون قبل از این مؤلفی مرتب نمودم در احوالات محشر از ابتداء صور اسرافیل و عقبات قیامت تا دخول بهشت و جهنم...

نسخ: مؤلف، ۱۳۴۳ ق. ۹۲۱ ص، ۱۴ سطر. (کتابخانه خاندان مؤلف)

۵۷. الفصول الغروية

از: شیخ محمد حسین بن محمد رحیم اصفهانی حائری (م: ۱۲۵۵ ق)
جلد دوم آن است از مقاله دوم در ادله سمعیه تا آخر تعادل و تراجیح.
آغاز: المقالة الثانية فی الأدلة السمعية القول فی الكتاب. اتفق علماء الإسلام...^۱
انجام: هذا غاية ما أردنا بيانه وقصدنا فی سلك التحرير تبينه والحمد لله أولاً وآخراً...
نسخ: ابوالقاسم شریف حسینی اصفهانی، ربیع الاولی ۱۲۶۶ ق. نسخ زیبا، عناوین به
شنگرف، در حاشیه تصحیح شده. این نسخه را میرسید علی حسینی خاتون آبادی در سال
۱۲۷۷ ق در بلده طیبه مبارکه کربلای معلی از ملا محمد علی کتابفروش اصفهانی ایتیاع کرده
است، با تاریخ تملکی از همودر ۱۲۹۲ ق. ۶۹۵ ص، ۱۹ سطری.

۵۸. رسالة فی اللباس المشكوك^۲

از: آقا ضیاء الدین بن ملا محمد عراقی نجفی (م: ۱۳۶۱ ق).
آغاز: اعلم أنه قد يظهر من المحقق فی شرايعه وجماعة أخرى من الأعلام عدم جواز الصلاة
فيما يشك أنه مما تصلى فيه لاحتمال كونه حريراً.
انجام: والله العالم وتتمة الكلام موكول إلى محله وقد فرغنا من تسويده يوم الخميس من
العشرين من رجب المرجب سنة ۱۳۴۲ على يد أقل الأئمة الأحرار ضياء الدين بن محمد العراقي
عفی عنهما.

نستعقب: كاتب نامعلوم، ۲۰ صفر ۱۳۵۵ ق. ۴۸ ص، ۱۶ سطری.

۵۹. شرح نجات العباد

از: احتمالاً از میرزا جمال الدین کلباسی (م: ۱۳۵۰ ق).
آغاز: المقصد الثامن فی البحث عن صلاة المسافر. والكلام أولاً فی شروطها، وهي أمور ستة
على ما يأتي إن شاء الله تعالى بيانها وتفصيلها. (أحدها قطع المسافة) ولا خلاف فی اعتبارها.
انجام: (على ما حول الضريح المبارك مما لا يزيد على خمسة وعشرين ذراعاً بذراع اليد)

۱. این کتاب در الذریعة، ج ۱، ص ۴۰۲. تحت عنوان «الأدلة السمعية من الكتاب والسنة» فی مجلد ضخیم لبعض
الأصحاب عنوان شده وگفته مؤلف در ۱۲۳۳ ق از تألیف آن فارغ شده است.

۲. این رساله به همراه روائع الأمالی فی فروع العلم الإجمالی از آقا ضیاء الدین عراقی در نجف اشرف چاپ شده
است.

ولکّک قد عرفت أنّ التحديد المذكور لا مستند له مطلقاً. وقد وقع الفراغ بحمد الله تعالى من تحرير تلك الأوراق في أزمّة وقوفی فی المشهد المقدّس الغروی علی مشرفه آلاف التحیات... وأرجو من الله تعالى أن يعاملنا بفضله الواسع وبرحمته الواسعة وأن يجعل عواقب أمرنا خيراً فإِنَّه برّ كريم رؤف رحيم.

نسخ: میرزا جمال الدین بن ابوالمعالی کلباسی، ۱۳۴۰ ق. در نجف اشرف، (کتابخانه خاندان کلباسی)

۶۰. شرح شرائع الاسلام

احتمالاً از: سید اسد الله بن سید محمد باقر شفتی (م: ۱۲۹۰ ق).
شرح کتاب الطهارة والصلاة از شرائع الإسلام محقق حلّی است که در آن از شیخنا الفقیه فی الجواهر یاد شده است.

آغاز: الحمد لله رب العالمین... کتاب الطهارة. الطهارة لغة كما في الصحاح النزاهة، وشرعاً كما عن الشيخ ره في النهاية ما أشار إليه المصنّف.

نسخ خوانا: سید نصیر الدین موسوی، ۱۳۳۶ ق. عناوین به شنگرف. با حواشی به خط مؤلف ظاهراً. (آقا نصیر الدین فرزند آقا میرزا محمد علی بن سید عبد الحفیظ موسوی کابلی از خاندان حجة الاسلام سید محمد باقر شفتی و از فضلاء اصفهان بوده که در سال ۱۳۶۰ و اندی در سفر مکه وفات کرده است). ۳۲۷ گ، ۱۵ سطری. (کتابخانه مسجد رکن الملک)

۶۱. حاشیة كفاية الاصول

از آقا ضیاء الدین بن ملا محمد عراقی نجفی (م: ۱۳۶۱ ق).
از حواشی بسیار دقیق و علمی کفایة الاصول است که در مطبعه جبل المتین اصفهان در دو جلد به چاپ رسیده و به آیه الله سید محمد نجف آبادی (از علما و مدرّسین بزرگ اصفهان، م: ۱۳۵۸ ق) نسبت داده شده است. علامه روضاتی در تعلیقات مکارم الآثار (ج ۶، ص ۲۲۱۸) تحت عنوان تذکر مهم می نویسد: «از جمله تألیفات مرحوم آقا ضیاء الدین عراقی قدّس الله روحه که در مقدمه روائع الأمالی از آن یاد شده تعلیقه علی کفایة الآخوند الخراسانی است. از آن جا که این نابغه دوران با آن همه عظمت مقام علمی و عملی، در زمان حیاتش بخت مساعدی نداشته و این بی اقبالی را دیگران هم می دانستند و هم خود بدان واقف بود ... مع

الأسف بعد از فوت نیز بی اقبالیش تمام نشده و از آن جمله در اثر عدم تحقیق و اشتباه و قصور چند نفر، نه به عمد و غرض و تقصیر، تعلیقه کفایة الاصول او بالتمام به نام عالم جلیل القدر دیگری از دوستان قدیم وی در حوزه مرحوم آخوند خراسانی که نسخه ای به خط خود استنساخ نموده بود، چند سال قبل در ایران طبع و منتشر گردید. والله العالم».

آغاز: الحمد لله رب العالمین... قوله: نفس موضوعات المسائل أقول إن الالتزام بذلك إنما یصح بناء على كون الغرض المترتب على مجموع المسائل أمراً وجودياً واحداً وبسيطاً. انجام: أو هی مع مفاد الإطلاق فی نفس مدلول الأمر من حیث الیقین وغیره والله العالم. قد تمت النسخة الشریفة على يد أقلّ خدام الشریعة المطهرة محمد بن حسین الموسوی النجف آبادی فی یوم عید النیروز الواقع فی منتصف شهر شعبان المعظم ۱۳۴۲ق. نسخ خوانا: سید محمد نجف آبادی، ۱۵ شعبان ۱۳۴۲ق. ۲۷۱گ، ۲۴ سطری. (کتابخانه فرزند مؤلف).

۶۲. جوامع الفصول فی تحریر علم الاصول

از: سید محمد بن محمد حسین موسوی نجف آبادی (م: ۱۳۵۸ق)
تقریرات درس اصول فقه آخوند خراسانی است مشتمل بر مقدمه و مقصد اول درشش مقاله، شامل مباحث اوامر، نواهی، مفهوم و منطوق، عموم و خصوص، مطلق و مقید و مجمل و مبین.

آغاز: الحمد لله رب العالمین... وبعد فیقول العبد الاثم الفانی محمد بن محمد حسین الموسوی النجف آبادی
الاصفهانى: إن هذه تحقیقات لطیفة و تدقیقات رشیقة مما حققه الأستاذ العلامة... شیخنا و أستاذنا الشیخ محمد کاظم الخراسانی... وهی مشتملة على مقدمة ومقاصد وخاتمة، وسميتها بجوامع الفصول فی تحریر علم الأصول.

انجام: المقالة السادسة فی المجمل والمبیین... ولأجل هذا أعرضنا عن ذلك إذ لافائدة فیہ إلا الإطناب، وقد تم الكتاب.

نسخ: ۱۳۴۱ق. کاتب نامعلوم. سید هادی بن سید عبدالله ابن حاج میرزا محمد پاقلعه در سال ۱۳۴۱ق در مجلس درس مؤلف حاضر می شده این نسخه را با حضور مؤلف با نسخه اصل مقابله و تصحیح کرده است. قطع نیمه رحلی، ۱۳۳ص، ۴۳ سطری. (کتابخانه فرزند مؤلف)

٦٣. أصول الفقه

از: سيد محمد بن محمد حسين موسوى نجف آبادى (م: ١٣٥٨ ق)
آغاز: المقصد الثالث فى الأصول العملية. الحمد لله الذى وقفنا للاشتغال بالبرائة من أعداء الدين، مستصحباً لولاية الائمة الطاهرين.

پايان مقام اول: قد تم على يد مؤلفه الفقير الى الله الهادى محمد بن حسين الموسوى النجف آبادى فى بلدة سامراء على ساكنيها التحية والثناء فى ليلة القدر من شهر رمضان سنة اثنين و عشرين وثلاثمائة بعد الالف من الهجرة ١٣٢٢.

آغاز مقام ثانى: الحمد لله الذى استصحبنا ولاية اوليائه والصلاة والسلام على خير خلقه محمد ص وأوصيائه... المقام الثانى فى الاستصحاب وقبل الشروع فيه ينبغى تقديم أمور مرتبط بذلك. الأول ائتمهم اختلفوا فى معناه الاصطلاحى على وجوه لا يهمنى التعرض لها وإطالة الكلام فيها

انجام افتاده: وأما الصورة الثانية وهى ما إذا شك فى بقاء الكل من جهة الشك فى قيام فرد آخر مقام الفرد الذى تحقق الكل فى ضمنه بعد القطع بارتفاعه...

نسخ زيبا: مؤلف، ١٣٢٢ ق در سامراء، ١٤٤ گ، ١٧ سطرى. (كتابخانه فرزند مؤلف)

٦٤. تفسيرات

از: سيد محمد بن محمد حسين موسوى نجف آبادى (م: ١٣٥٨ ق)

شامل:

١. مباحث استصحاب كه در سال ١٣١٦ ق نگاشته شده است.
٢. مقصد پنجم در تعادل و تراحيح كه در سال ١٣١٧ ق در نجف اشرف تدوين گشته است.
٣. مقام ثانى در استصحاب كه در سال ١٣٢١ ق شروع در نگارش آن شده است.
٤. كتاب القضاء
٥. أقسام الولاية
٦. كتاب البيع

آغاز: الحمد لله الذى جعلنا من أمة محمد خاتم أنبيائه ووقفنا للاشتغال بالبرائة من أعدائه وأكرم علينا استصحاب ولاية أوليائه... أما بعد الكلام فى حجية الاستصحاب وقبل الشروع فى أصل المطلب لا بد من تقديم أمور



نسخ: مؤلف، ۱۳۱۶ ق، ۱۳۱۷ ق، ۱۳۲۱ ق، ۲۳۴ گ، ۲۱ سطری. (کتابخانه فرزند مؤلف)

۶۵. رساله فی الترتیب

از: سید محمد بن محمد حسین موسوی نجف آبادی (م: ۱۳۵۸ ق)
تقریر درس علامه سید محمد فشارکی اصفهانی است که در سال ۱۳۱۹ ق در نجف اشرف
نگاشته شده است.

نسخ: مؤلف، ۱۳۱۹ ق. مدرسه صدر نجف اشرف. قطع جیبی، ۱۴ گ، ۱۲ سطری.

۶۶. عیون الوصول إلى علم الاصول^۱

از: آقا محمد مهدی بن حاج محمد ابراهیم کلباسی (م: ۱۲۷۸ ق).
متنی موجز در اصول فقه که در شب قدر سال ۱۲۵۶ ق در سفر مؤلف به شهرری به اتمام
رسیده است.

آغاز: الحمد لله الذی هدانا إلى معالم الإسلام... وبعد فيقول العبد المذنب الآثيم والمتعطش
إلى فيض جود ربّه الكريم محمد مهدی بن محمد ابراهیم عاملهما الله بلطفه العميم: أتى لما
حرّرت في الأصول المشارق ورسائل وست مجلدات من المصاييح وفي الفقه جلد الطهارة من
شرح اللمعة الدمشقية وحزباً كاملاً من منهج السداد في شرح الإرشاد أردت أن أحزّر في
الأصول مختصراً جامعاً لجميع المسائل بعبارات قريبة إلى الطباع وتقارير مقبولة عند الاسماع.
انجام: وليكن هذا آخر ما أردنا تحريره من قواعد الأصول وقد فرغت منه بحمد الله سبحانه
في سفرى إلى طهران في أفضل الشهور... في زاوية سيدنا عبد العظيم عليه آلاف التحية
والتسليم...

نسخ زيبا: مؤلف، ۱۵۶ گ، ۱۷ سطری. (کتابخانه خاندان کلباسی)

۶۷. إشارات الاصول

از: حاج محمد ابراهیم بن محمد حسن کلباسی (م: ۱۲۶۱ ق)
آغاز: الحمد لله الذی مهّد لنا قواعد الدين وجعلها ذريعة لمعارج الحق المبین.
انجام افتاده.

نسخ: محمد مهدی کلباسی، فرزند مؤلف، ۱۳، ۳۷۶ گ، ۲۰ سطری. (کتابخانه خاندان
کلباسی)

٦٨. مصابيح الاصول^١

از: آقا محمد مهدی بن حاج محمد ابراهیم کلباسی (م: ١٢٧٨ ق).

متنی مبسوط در اصول فقه است که مؤلف از افادات پدر علامه اش حاج محمد ابراهیم کلباسی جمع آوری و آن را طی ١٥ سال مدوّن کرده، سپس در سن شصت سالگی پس از آن که آثار فراوانی در فقه و اصول نگاشته بود به تهذیب آن پرداخته و آن را بر اساس ترتیب اشارات الاصول پدرش مرتّب نموده است. این کتاب به تصریح مؤلف در عیون الاصول درشش جلد تدوین شده است.

وی در آغاز شرحی مبسوط و خواندنی از تلاش های خود در تحصیل علم و تدوین آثار علمی ذکر کرده که جهت استفاده محققین به نقل گزیده آن می پردازیم. وی می نویسد:

«صرفتُ عمری بعد الفراغ من تحصیل العلوم الأدبیه فی تحقیق علم الاصول؛ فحضرت عند الوالد الماجد المحقق العلامة... حتی أن حرّرت فی الاصول المشارق، وبعض الرسائل كرسالة الاستصحاب. ثم تشرفت فی خدمة الوالد الماجد العلامة بزيارة المعصومة المكرمة فی بلدة قم... وأقمتا فی بیت وحید الزمان وفريد الدوران... صاحب المناهج والغنائم والقوانين، أعلى الله مقامه فی علیین. فتلطف فی نهاية التلطف والتكريم والتحسين، وكان سنّی فی ذلك الزمان متجاوزاً عن البلوغ ثلاث سنين، واستفسر طاب ثراه من الوالد الماجد المحقق عن فهمی واستعدادی وقوة تصرفی فی المسائل والأحكام؛ فأجاب الوالد الماجد العلامة: إن اعتقاد السيد المحقق القمقام، وحيد عصره وفريد دهره، صاحب المطالع والتحفة والزهرة البارقة، أنه ليس له فی أمثاله مثل ولا نظير. ثم بعد مضي ليال قليلة طلب المحقق العلامة الإمام منّي كتابة مشتملة على تحقيق مسألة من المسائل وحكم من الأحكام؛ ليعرف بذلك صحة ما قاله السيد المحقق العلامة فی حقّی. فابتهجت من ذلك نهاية الهجة، وأرسلتُ إلى خدمته الرسالة الاستصحابية والرسالة المسماة بمشارق الأنوار فی المسائل الأصولية المستنبطة من الأخبار؛ فلاحظها وكتب على رسالة الاستصحاب حواشی جلیلة وفوائد عظيمة، فافتخرت بهذا الفضل والنعمة... ولكن مع ذلك قد تلطف بی أطاف جلیلة، وأوصانی بوصايا نافعة، منها: ترك النكاح إلى البلوغ إلى الثلاثين... ومنها: إتمام علمی الاصول والفقه على وجه التحقيق والتوسيط إلى بلوغ السنّ إلى خمس

١. الذريعة، ج ٢١، ص ٨٤. علامه طهرانی می نویسد: رأيتہ بخطه الجيد فی عدة مجلدات عند ابن أخيه الميرزا أبي الهدى الكلباسی فی النجف.

وعشرين. قال: فبعد ذلك تصرف عمرک في تحصیل المعقول وغيره من الفنون یعنی بقدر الضرورة والحاجة. فصرفت أوقاتى ليلاً ونهاراً في تحصیل علمى الأصول والفقه والحديث والرجال عند الوالد المحقق العلامة، أعلى الله مقامه. فإنه بعد المراجعة من زيارة المعصومة المكرمة اشتغل بتدريس الفقه والأصول من أولهما وصنّف في الأول طهارة شرح الكفاية المسمّى بشوارح الهداية، وجمعت له عبارة الفقهاء في مجلدات عديدة، وفي الثانی الإشارات بأجزاء العبارات، وحقّق فيها المسائل والقواعد بالبراهين والدلائل على وجه لم يسبقه أحد من الأفاضل، لا من الأواخر ولا من الأوائل، وكان مدة إتمامها عشرين سنة. وتشرفت بالحضور عنده مع الطلاب والأجلة الكرام في درسيه في الأصول والفقه على الدوام وانتفعت من تحقيقاته وإفاداته الشريفة مدى الأيام إلى آخر عمره الشريف، وهو اثنان وثمانون سنة من الأعوام... وجمعت في الأصول جميع تحقيقاته وإفاداته في أغلب المباحث على وجه التحقيق والتنقيح في كتاب مبسوط جامع لتحقيقات الفحول موسوم بمصاييح الأصول، وفي الفقه أغلب تحقيقاته وإفاداته في مجلدات من شرح اللمعة الدمشقية... ومن العجائب انه بعد خروج بعض مجلدات المصاييح تفألّت من القرآن في أنه هل يصير هذا الكتاب من الكتب المعبرة عند الأعيان، فجاء: «ولقد زينا السماء الدنيا بمصاييح وجعلناها رجوماً للشياطين» وصرت مسروراً من ظهور تلك الآية، واشتغلت بترصيفه على وجه التهذيب والتنقيح والمتانة. فخرج منه مجلدات عديدة في المبادئ اللغوية والأمر والنهي والعام والخاص والمطلق والمقيد والمحمل والمبين والظاهر والمجاور والمنطوق والمفهوم والإجماع، في خمسة عشر سنة. ثم بعد ذلك وإن اشتغلت في التدريس بعلمى الأصول والفقه، لكن في التصنيف والتحرير اشتغلت في الفقه بالخصوص والانحصار في الليل والنهار، وصنّفت فيه مجلدات من شرح اللمعة... ومع ذلك صنّفت في الأصول متناً مختصراً جامعاً موسوماً بالعيون، ثم بعد ذلك كلّه شرحت المجلد الأول من المنهاج المحرّر في الفقه من الوالد المحقق المغفور له، أعلى الله مقامه في دار السلام، من الطهارة إلى الوقف والمهمات في ست مجلدات، متجاوزة عن ثمانين ألف بحسب الآيات. وبعد ذلك حرّرت في الأصول متناً جامعاً مختصراً موسوماً بحقائق الأصول، فخرج منه أجزاء نرجوا من الله سبحانه أن يوقني لإتمامه. ثم بعد ذلك حرّرت في الأدلة العقلية مجلداً من المصاييح على طريق البسط والضبط والجمع، والاشتغال على التحقيقات الجليلة والفوائد العظيمة والأصول الأصيلة والقواعد الكلية العقلية والشرعية. ثم بعد إتمامه شرعت بعد الستين في مباحثة علم الأصول من البداية وأجلت النظر في مجلدات

المصاييح وتغيير ما يلزم تغييره فيها مع زيادة التحقيق والتنقيح والتهديب، وتنظيمها بنظم الإشارات؛ ليكون موضعاً لما فيها من الإشكالات والتدقيقات، فإنها كنز من كنوز الشريعة، من مصنفات والدنا المحقق العلامة أعلى الله مقامه في دار الكرامة؛ فانه قد أودع فيها نقود الحقايق وفوائد درر الدقايق ومعادن جواهر اللطائف، مما لا يوجد في غيره من السوالف. والإنصاف أنه كتاب جامع لجميع المسائل اللازمة المهمة في الأصول لا يتمكن من توصيفه إلا من أيده الله سبحانه، ولا يقدر على جمعه وتحقيقه إلا من عصمه الله سبحانه من الضلالة والغواية وأسعده معارج الحق بالدراية، وبالغ في اقتناص العلوم نهاية البذل والمجاهدة، بحيث صار إلى أعلى مراتب العلم والفضيلة... ولكنه مشتمل في الأغلب ولا سيما المجلد الأول منه على كثير من الدقائق والصعاب؛ ولذلك يحتاج إلى التوضيح والتبيين لأكثر الطلاب، بل ولذلك لم يحم حولها بالتدريس أغلب العلماء والأصحاب؛ ولذلك سألت متى جم غفير من الأفاضل والطلاب أن نوضح ونبين مشكلاته ولو بالإشارة والاختصار؛ فلذلك شرعت بعد الستين في الشهر المحرم من شهر سنة الاثنين بعد الألف والمائتين والسبعين من الهجرة النبوية المقدسة في تدريس الأصول لتبيين مسائل الأصول وإيضاح مشكلات الإشارات للفضلاء والفحول وتنظيم المصاييح بالتهديب والتنقيح على نهاية المأمول... فنقول: إنه مرتب على مقدمة ومقاصد وخاتمة».

انجام: فلو كان النزاع في الجواز فكّل من الاحتمالين مجوز عقلاً بلا إشكال. وليكن هذا آخر الكلام في مباحث الحقيقة والمجاز.

نسخ: مؤلف، ١٢٧٢ ق. ٢١٤ برگ، ٢١ سطرى. (كتابخانه خاندان كلباسى)

٦٩. البشارات في شرح الاشارات

از: ميرزا ابوالمعالي بن حاج محمد ابراهيم كلباسى (م: ١٣١٥ ق).

شرح بسيار مبسوطى است بر كتاب إشارات الأصول يدر مؤلف، حاج محمد ابراهيم كلباسى. اين نسخه جلد سوم كتاب است در ادله عقليه. در پايان تحت عنوان خاتمه شرح مبسوطى از تلاش هاى علمى او آمده كه گزيده اى از آن تقديم مى گردد:

«خاتمة: معاشر الإخوان والخلان قد أتعبت البال في هذا الكتاب كمال الإعجاب بالتدبر وتعميق النظر في جميع الأبواب بحيث جعلت الفكرة حرفة، وربما كان يمضى أيام كنت مشتغلاً بالفكر من دون أن أكتب حرفاً؛ لعدم انتهاء الفكر إلى شىء. فواشدتنا من حرارة الفكر وحالاته



يحترق القلب من حرارته. لو أقيت شدائدھا على الجبال لصارت كالرماد؛ ومن هذا إن أكثر أرباب الفنون لم يطبقوا تحمّل مشاقّ الفكر واقتصروا على القدر اليسير، ولذا يكون الفكر الكامل خلاف المتعارف... وقد بلغت في استيفاء الأوقات إلى أن صار الفكر معتاد الطبيعة؛ فرمّا بل كثيراً ما كان النفس بمجرّد التيقّظ متوجّهة إلى الفكر في الطلب، بل كانت متوجّهة إليه في الحركة من جانب إلى جانب عند النوم، وكثيراً ما كنت أستصحب أسباب الكتابة إلى الحمام وكتبت فيه، فضلاً عن الاشتغال فيه بالفكر في كثير من الأوقات. بل كنت كثيراً ما مشغولاً بالفكر عند مكالمة الأشخاص معي، لكن قد انجز الأمر إلى ضعف القلب... ومع ذلك قد بلغت في حسن التحرير من تمهيد المقدمات وترتيب التنبّهات، وعنونت عناوين شتى لم يكن في غير الكتاب. ولم يتفق كتاب بهذا البسط الكامل مع كمال الفكر وحسن التحرير لأحد من سلفنا الصالحين. ومن خرق العادة كونه في حداثة السن؛ حيث إنّه قد فرغت منه وقد أشرفت على الأربعين، وهو من فضل الله سبحانه... والذي أظنّ أنّه من أجل إنّ الوالد الماجد قد أودعني عند ربّي كما كتبه في ذيل كتابة تاريخ تولّدي، وكان يقول في المرض الذي مات عليه إني أودعته عند الله سبحانه، على ما سمعت من الوالدة. وببركة أعماله الصالحة كما أنّ الجدّ كان في غاية الصلاح، بل في صلاحه قصص وحكايات، وكان صلاح الجدّة على ما سمعت بحيث كان تغتتم الفرصة في المطبخ فتصلي صلاة القضاء قبل غليان ماء القدر. والذي أظنّ أنّ صلاح الجدّين كان دخيلاً في ألطاف الله سبحانه بالنسبة إلى الوالد الماجد؛ حيث اجتمع له أسباب الدنيا والآخرة، والعزّة لا تجتمع مع الراحة غالباً، وكان له عزة كاملة بحيث أراد سلطان العصر القدوم عليه مرتين وهو قد منع كلّ مرة، وهذا قد انتشر واشتهر. وكان له فراغة كاملة أيضاً بحيث لم يتخلف غذائه ولا نومه عن وقته، ولا حمّاه عن يومه، ولا أظنّ أنّ ما اتفق له اتفق لأحد من السلاطين، فضلاً عن العلماء... ورمّا قلت لبعض خواصّ الوالد: إنّ نصف ألطاف الله سبحانه بالنسبة إلى الوالد كان بواسطة صلاح الجدّ. فقال: كان الوالد مذعناً به... وقد بقيت بعد الوالد وكنت ابن اثني عشر أو ثلاث عشر سنة، كما أنّ الوالد الماجد كان عندما مات الجدّ ابن تسع سنين، على ما سمعت منه أو من غيره... ولو وصفت لك انقطاع أسباب التحصيل وبلغت في الوصف ما بلغت لكان الموصوف به أزيد وأشدّ بمراتب شتى، وقد أغمضت العين عمّا انتقل إلى من الوالد الماجد من جهة الاشتغال بالتحصيل إلى أن اندرج درج الرياح؛ لكنّ الله سبحانه قد تفضّل وتصدّق على من فضله وكرمه بعد ذلك سعة في المعيشة بأسباب خارقة للعادة، بحيث إنّه سبحانه كان يرى

منه إظهار اللطف محسوساً... وأستدعى من إشفافكم أن تمتوا على بتدقيق النظر فى الكتاب وعدم الإغماض عمّا رأيتم من حسن الأفكار؛ فتموا على بحسن الإجابة... لكن قد أشرف العلم فى هذا البلد على الانطماس والاندراس فى هذه الأوان بحيث صار تحصيل العلم فيه خلاف الطريقة المتعارفة بين أبناء الزمان وشاع وذاع الفسوق والطغيان... وكان عمدة تحصيلى فى خدمة السيد السند المؤمن السيد حسن، وكان عمدة تحصيله فى خدمة الوالد الماجد ره، كما حكيه لى... وأسألکم إخوانى أن تمتوا على بصالح الدعاء وطلب المغفرة حيشما صرت رهين الجنادل والتراب، وحجبت عن الإخوان والأتراب، وتقطعت عنى أيدي الخلان والأحباب، ولم أتمكّن من التوبة والإجابة إلى ربّ الأرباب، وابتليت بما أثقل ظهري بالكسب والاكتساب. وقد فرغ منه أبو المعالى محمد ابن إبراهيم فى النصف الأول من العشر الثالث من الألف الثانى من الهجرة النبوية على هاجرها من السلام ألف سلام وتحية...».

نسخ بسيارزيا: محمد باقر بن محمد حسن [بروجنى] ١٢٨٩ق. با حواشى مفصّلى از مؤلف به خط نستعليق زيبا. با يادداشت وقف عمدة التجار حاج محمد كاظم صرّاف بر طلاب اصفهان در روز غدیر ١٢٩٢ق. ٥٩٦ ص، قطع رحلى، ٣٠ سطرى. (كتابخانه خاندان كلباسى)

٧٠. سماء المقال فى علم الرجال^١

از: ميرزا ابوالهدى ابن ابى المعالى كلباسى (١٣٥٦ق).

آغاز: الحمد لله الذى ثواب الفطن عن اكتناه ذاته حاسرة، ونواقب الفكر عن إدراك أوصافه حاصرة، وطوامح العقول عن الاستبار فى معرفته قاصرة، وشواهد الأوهام فى فيفاء نعوته حائرة... أما بعد، فيقول العبد المستسلم لقائد الأمل والمنى، ابن أبى المعالى ابن محمد إبراهيم، أبو الهدى، نجاه الله تعالى بسوايغ نعمه من مرديات الهوى: إنه لا ريب فى شدة الاحتياج إلى معرفة الرجال... فلذلك شمرت لنقد شطر من خلاصة نفائس فوائده وكشف الأستار عن وجوه خرائده، وصرفت برهة من الزمان فى تشييد أركان هذا البنيان، وصنفت هذا الكتاب الذى لم يير مثله فى كتب الأصحاب، فسرح بريد نظرك فى مطاويه، واغتنم درر الفوائد من ظاهره وخافيه. وسميته بسماء المقال فى تحقيق علم الرجال، ورتبته على أركان أربعة.

نسخ بسيارزيا: مؤلف، ١٣٤٠ق (بايان كتاب) ١٣٤١ق. (بايان فهرست مطالب). نسخه اصل با خط خوردگى و اضافات، و حواشى از مؤلف به نستعليق. در آغاز چهار صفحه فهرست

مطالب کتاب به نسخ زیبا، و در پایان چند صفحه به نستعلیق زیبا به نقل از تکمله امل الآمل سید حسن صدر در شرح احوال سید مهدی فرزند صاحب ریاض و سید احمد موسوی رشتی نقل شده، به تاریخ سنه ۱۳۴۰ ق حین تشرف مؤلف به کاظمین. ۳۸۸ ص، ۲۳ سطری.

۷۱. معراج الشریعة فی شرح منهاج الهدایة^۱

از: آقا محمد مهدی بن حاج محمد ابراهیم کلباسی (م: ۱۲۷۸ ق).

شرحی است مزجی بر کتاب منهاج الهدایة إلى أحكام الشریعة از فقیه محقق حاج محمد ابراهیم کلباسی، پدر شارح، که در شش جلد بزرگ تدوین شده و پنج جلد آن شامل طهارت تا حج است. علامه طهرانی جلد ششم آن را در نذر و عهد و یمین دیده که در سال ۱۲۶۷ ق تدوین شده. وی همچنین از شرح مفصل میر محمد رضا حسینی کله‌ری کاشانی بر معراج الشریعة استادش آقا محمد مهدی نام برده که در سه جلد قطور تدوین شده و تا بحث خلل صلاة رسیده است.^۲ این جلد از معراج شرح طهارت منهاج است.

آغاز: الحمد لله الذی هدانا إلى خیر الأدیان، ونور قلوبنا بنور الإیمان... وبعد، فيقول المفتاح إلى الفيض الأبدی محمد المدعو بمهدی: لما كان كتاب منهاج الهداية إلى أحكام الشریعة من مصنفات والدنا وشیخنا المحقق القمقام، علامة علماء الإسلام، أسوة الفقهاء العظام، قدوة المحققین الكرام، مقتدى الأنام فى زمانه ومفتى مسائل الحلال والحرام فى أوانه، زبدة العارفين وقدوة الزاهدين، صاحب الكرامات الشریفة والمقامات الرفیعة، ومؤسس أساس الشریعة، أدام الله سبحانه ظلاله، ممتازاً من بین الكتب المصنفة فى الفقه بأشياء قد خلت عنها مصنفات السابقين، ولم يحتو بما يدانيه صحائف اللاحقين؛ من جودة ترتيب للفتاوى والمسائل، ووجادة تقرير للبراهين والدلائل، مع إشارات هادية إلى الحقائق، وتنبيهات منبهة على الدقائق، ولوامع كاشفة عن السرائر والفوائد، وتلويحات لائحة إلى المدارك والقواعد، وكنوز تحقيقات تشير إلى الفروع العالیة، ورموز تدقيقات تنبىء عن المقاصد العلیة. ولقد دعت جلاله ذلك التصنيف دواعى المتدینين والفضلاء الفاضلين الصالحين إلى الاشتغال به بالندرس والتدریس... فبادرت أن أشرحه شرحاً يكشف الحجاب عن مقاصده ومعانيه، وبه ترفع الظلام عن مأخذه ومبانيه، على غاية من الإيجاز لا بحيث ينتهى إلى الألفاظ، مع تنقيح للمسائل، وتهذيب للدلائل.

۱. الذریعة، ج ۲۱، ص ۲۳۰.

۲. الذریعة، ج ۱۴، ص ۷۲.

انجام: وهو قوله تعالى واتبع ملة إبراهيم حنيفاً والسلام على من اتبع الهدى ونهى النفس عن الهوى.

نسخ، کاتب نامعلوم، ۱۲۶۱ ق. در سال ۱۳۱۹ ق بر حسب وصیت مرحوم بهرام بیک وقف شده است. قطع رحلی، ۱۶۳ گ، ۲۷ سطری. (کتابخانه فرهنگ اصفهان)

۷۲. معراج الشريعة في شرح منهاج الهداية

از آقا محمد مهدی بن حاج محمد ابراهیم کلباسی (م: ۱۲۷۸ ق).

جلد دوم کتاب است در مباحث صلوات که در شوال ۱۲۶۲ ق به اتمام رسیده است.

آغاز: کتاب الصلاة وهي لغة الدعاء على أشهر الأقوال وأظهرها للتبادر.

انجام: فإن له معهودية الالسجود فيما يكون الهوى داخلاً فيه وضعفه ظاهر.

نسخ: محمد تقی بن محمد حسن خوانساری، ۱۲۸۴ ق. عناوین به شنگرف. قطع رحلی،

۲۰۶ گ، ۲۷ سطری. (کتابخانه فرهنگ اصفهان)

۷۳. الاحتجاج على أهل اللجاج

از ابو منصور احمد بن علی بن ابی طالب طبرسی (ق ۶)

نسخ: محمد سعید بن شمس الدین محمد نائینی، ۲۳ رجب ۱۰۱۳ ق. در حاشیه تصحیح

شده و نشان بلاغ دارد. عناوین به شنگرف. این نسخه از نماء حمام واقع در اراضی نقش جهان

اصفهان از موقوفات سلطان سلیمان موسوی صفوی بهادر خان استتساخ شده و در سال ۱۰۹۳

ق وقف شده و وقف نامه را علامه مجلسی نگاشته است. ۱۹ سطری. (کتابخانه سید محمد

احمدآبادی)

۷۴. الاستبصار

از شیخ الطائفة ابو جعفر محمد بن حسن طوسی (م: ۴۶۰ ق)

نسخ زیبا: مجدالدین بن خواجه مراد شوشتری، غره شعبان ۱۰۶۶ ق. در حاشیه تصحیح

شده است، با حواشی به نستعلیق زیبا، عناوین به شنگرف. با تملک محمد علی بن چراغعلی

در ۱۱۶۴ ق و یادداشتی از محمد حسن بن مرتضی موسوی مبنی بر این که این نسخه در سال

۱۲۸۰ ق از وجه منافع ملک وقف مرحوم بهرام بیک از مزرعتین موران و طیرانچی اکتیاع و وقف

شده است. ۳۸۰ گ، ۲۵ سطری. (کتابخانه سید محمد احمدآبادی)



۷۵. مشارق أنوار اليقين

از: شيخ حافظ رضى الدين رجب بن محمد بن محمد بن رجب برسى حلى (ق ۹).
 آغاز: الحمد لله المتفرد بالأزل والأبد والصلاة على أول العدد وخاتم الأمد محمد وآله الذين
 لا يقاس بهم من الخلق أحد.

انجام افتاده: الانسان سرالخلة ومنتهى الطبيعة وصاحب حضرة خمرت طينة آدم.
 نسخ: محمد رضا بن ملا حسن بن ابراهيم نقيب هزارجيبى، ق ۱۲. نسخ زيبا، با
 يادداشتى در صفحه اول به نقل از عين الحياة آخوند مولانا محمد باقر مجلسى اّدم الله فضله.
 ۱۶۲گ، ۱۸ سطرى. (کتابخانه سيد محمد احمدآبادى)

۷۶. شرح كتاب التوحيد

از: قاضى محمد سعيد بن محمد مفيد قمى (ق ۱۲).
 جلد دوم كتاب است كه در سال ۱۰۹۹ق تأليف شده است.
 آغاز: الحمد لله وسلام على عباده الذين اصطفى خصوصها محمد المصطفى وآله الأصفياء.
 أما بعد فهذا هو المجلد الثانى من كتاب شرح التوحيد للشيخ الفقيه القمى رضى الله عنه تصنيف
 العبد الضعيف الجانى المتمسك بجبل النبى والوصى محمد بن مفيد الملقب بسعيد الشريف
 القاضى القمى.

انجام: للسعود إلى ثالث الأسفار من شرح هذه الأسرار ثم يساعدنا على الوصول إلى أقصى
 مبالغ تلك الأخبار إته الرؤوف البار والعزیز الغفار وملهم الأسرار.
 نستعليق: كاظم بن ملا عناية الله ساكن قمشه، ۱۲۶۰ ق. عناوين به شنگرف ودر بسيارى
 از صفحات نانوشته، ۲۶۹ گ، ۱۸ سطرى. (کتابخانه سيد محمد احمدآبادى)

۷۷. من لا يحضره الفقيه

از: شيخ صدوق ابو جعفر محمد بن على بن بابويه (م: ۳۸۱ ق).
 از آغاز جلد سوم أبواب القضايا والأحكام تا پايان.
 نسخ، كاتب نا معلوم، وقف آقا محمد كاظم اصفهانى فرزند حاجى رحيم عطار در ۱۱۲۹ ق.
 عناوين به شنگرف. در حاشيه تصحيح شده، با بلاغى از علامه مجلسى در پايان. ۲۶۷ گ،
 ۱۸ سطرى. (کتابخانه سيد محمد احمدآبادى)

۷۸. الکافی

از: ثقة الإسلام ابو جعفر محمد بن یعقوب کلینی (م: ۳۲۸ ق)
 از باب دخول الصوفیة علی ابي عبد الله ع تا آخر فروع و پس از آن روضه کافی.
 نسخ زیبا: محمد قاسم، ۸ ربیع الثانی ۱۰۶۱ ق. برای عمدة الأكابر، نتیجة الوزراء میرزا محمد
 تقی. دارای سرلوح زیبا، مجدول. با حواشی نستعلیق زیبا. نسخه را حاجی محمد حسن وصایتاً
 از برادرش حاجی علی عسکدر ۱۲۶۰ ق وقف کرده است. فهرست مطالب در ۱۱ برگ در آغاز
 آمده است. ۴۴۲ گ، ۲۹ سطری. (کتابخانه سید محمد احمدآبادی)

۷۹. تحفة الاخيار الملتقط من آثار الائمة الاطهار

از: حجة الإسلام سید محمد باقر بن محمد نقی موسوی شفتی (م: ۱۲۶۰ ق).
 اثری ارزشمند در بیان نماز و احکام آن مسمی به تحفة الاخيار الملتقط من آثار الائمة الاطهار
 لتنوير قلوب الاخيار مرتب بر مقدمه و چند باب و خاتمه.
 نسخ بسیار زیبا، کاتب نامعلوم، با سرلوح زیبا، مجدول. عناوین به شنگرف و فهرست
 مطالب به شنگرف در حاشیه صفحات آمده است. با نسخه صحیح مقابله و در حاشیه
 تصحیح شده است. و این نسخه را ملا محمد جعفر و حاج محمد حسن حسب الوصیه حاجی
 علی اصغر تاجر قهپایه در سال ۱۲۵۱ ق با ۱۸ جلد دیگر بر طلاب علوم دینیہ وقف کرده اند با
 تولیت حاجی ملا محمد خلف آقا محمد ابراهیم قهپایه. ۲۵۲ گ، ۲۸ سطری. (کتابخانه سید
 محمد احمدآبادی)

۸۰. ترجمة الخواص

از: ابو الحسن علی بن حسن زواری (ق ۱۰).
 این نسخه از آغاز قرآن کریم تا پایان سوره کهف را در بردارد.
 نسخ معرب و نستعلیق زیبا: علی رضا بن مسعود شاه جابری انصاری، ۱۰۳۳ ق. این
 نسخه را محمد رفیع بن محمد شفیع خوزانی اصفهانی با سایر کتب خود در ربیع الاول ۱۰۶۳ ق
 بر طلاب وقف کرده و تولیت آن را با خود و پدرش قرار داده است. ۳۳۰ گ، ۲۳ سطری.
 (کتابخانه سید محمد احمدآبادی)

۸۱. خلاصة المنهج

از: ملا فتح الله بن شکر الله کاشانی (م: ۹۸۸ ق).

نسخ: حاجی معصوم بن حاجی ابراهیم تبریزی عباس آبادی، رجب ۱۰۳۹ ق. آیات به سنگرف. این نسخه را سید لطف الله حسینی در ذی الحجه ۱۱۴۸ ق وقف کرده است. ۲۱ سطر.

۸۲. مجموعه:

- چند رساله از شهید ثانی شیخ زین الدین بن علی عاملی (م: ۹۶۵ ق) است بدین شرح:
۱. رساله فی بیان حکم المحدث فی أثناء غسل الجنابة (۱۰ - ۲)
 - آغاز: مسألة: إذا أحدث المجنب فی أثناء غسل الجنابة...
 ۲. رساله فی طلاق الغائب (۲۱ - ۱۰)
 - آغاز: اتفق العلماء كافة علی فضلاً عن أصحابنا علی تحريم طلاق الحائض الحاضر زوجها.
 ۳. رساله فی الحبوة (۳۸ - ۲۲)
 - آغاز: الحمد لله الذی حیانا بدينه القويم.
 ۴. رساله فی تحقیق نجاسة البئر وعدمها إذا وقعت فيه النجاسة (۵۰ - ۳۹)
 - آغاز: الحمد لله... مسألة: اختلف أصحابنا رضی الله عنهم فی نجاسة البئر...
 ۵. رساله فی تحقیق الحكم فيما إذا تیقن المكلف الطهارة والمحدث وشك فی السابق

منهما (۵۱ - ۵۶)

آغاز: مسألة شريفة إذا تیقن الطهارة والمحدث وشك فی السابق منهما.

۶. رساله فی تحريم ما تحرم الزوجة منه من متروكات الزوج (۷۰ - ۵۶)

آغاز: اللهم اهدنا لما اختلف فيه من الحق يا ذنك

۷. أجوبة مسائل علی بن زهرة (۲۰۳ - ۷۰)

از: علامه حلی و فخر المحققین.

آغاز: الحمد لله علی سوابغ نعمه التوام وصلواته علی سیدنا المبعوث إلى كافة الخاص والعام بالآیات البينات وتفاصيل الأحكام محمد المصطفى وعترة النجباء الأعلام. وبعد، فهذه مسائل نقلتها من خطّ السائل عنها وهو مولانا العم الشيخ السعيد علاء الدين أبی الحسن علی بن زهرة الحسينی قدس الله نفسه وتغمده بالرحمة والرضوان، ومن خطّ المجيب عنها وهما سیدنا ومولانا الشيخ الإمام العلامة إمام المجتهدين قدوة المسلمين وعمدة المؤمنین أفضل المتأخرين وأكمل المحققين مکمل علوم المتقدمين وارث علوم الأنبياء والمرسلين خليفة أمير المؤمنين سيد

أهل الشام والعراق شيخ مشايخ المسلمين على الإطلاق جمال الملة والحق والدين أبي منصور الحسن بن سيدنا ومولانا الشيخ الإمام القدوة العلامة سديد الدين أبي المظفر يوسف بن علي بن المطهر الحلي قدس الله سره وولده سيدنا ومولانا الشيخ الإمام القدوة العلامة أوحده العصر وفريد الدهر بقية السلف الكرام عمدة العلماء الأعلام، خاتمة المجتهدين، أفضل فضلاء العالم، خلاصة نوع بني آدم، فخر الملة والحق والدين أبو طالب محمد، أدام الله تعالى أيامه... فن المسائل ما أجاب عنها كل واحد من الشيخين معاً ومنها ما أجاب عنها أحدهما منفرداً. نسخ، كاتبنا معلوم، احمد بن عبد العالی میسی عاملی مسائل ابن زهره را مقابله و تصحيح کرده است. ۲۰۳ گ، ۲۰ سطرې. (کتابخانه سيد محمد احمد آبادی)

۸۳. گوهر مراد

از: ملا عبد الرزاق بن علي بن حسين فياض لاهيجي (م: ۱۰۵۱ ق).
نسخ: محمد مؤمن بن محمد حسين شهير به ميرزا باباي آشتياني، ۷ رجب ۱۲۴۴ ق. شکسته نستعلیق، عناوين به شنگرف، در حاشیه تصحيح شده است. ۱۹۲ گ، ۱۹ سطرې. (کتابخانه سيد محمد احمد آبادی)

۸۴. الكافي

از: ثقة الإسلام ابو جعفر محمد بن يعقوب كليني (م: ۳۲۸ ق)
اين نسخه از كتاب التكايف تا پايان روضه كافي است.
نسخ: محمد علي بن مهر علي جزى برخوار، ۱۰۴۶ ق. در مكه مكرمه در شدت قحط و غلا و انعدام قوت در مكه. كاتب اين نسخه را با جلد اول آن كه اصول است و كتب عبادات تا حج كه هر دو به خط او بوده با جميع كتبش كه به ۱۵۰ جلد رسیده وقف بر اولاد ذكور خود محمد باقر و محمد صفی نموده است. در پايان، جدول احوالات چهارده معصوم در دو صفحه به سال ۱۰۵۳ ق كتابت شده است. عناوين به شنگرف. با حواشی به خط نستعلیق. قطع رحلی، ۳۰۹ گ، ۳۰ سطرې. (کتابخانه مدرسه جده کوچک)

۸۵. رشحات سمائی در احوال شيخ بهائی

از: محمد علي بن زين العابدين معلّم حبيب آبادی (م: ۱۳۹۶ ق).
شرح حال محققانه شيخ بهائی است در مقدمه و سيزده فصل. پس از آن در خاتمه كتاب شرح حال ميرزا سليمان خان ركن الملك نايب الحكومه اصفهان كه جامع عباسی شيخ بهائی را

به چاپ رسانده و آیات عظامی که حاشیه آنان در چاپ مزبور چاپ شده که عبارتند از: شیخ محمد تقی آقا نجفی، سید اسماعیل صدر و آقا سید محمد کاظم یزدی صاحب عروة الوثقی. شرح حال مؤلف نیز در آغاز کتاب در پنج صفحه آمده است. این کتاب در اصل بنا بوده که با جامع عباسی چاپ شود.

در پایان کتاب چند تقریظ بر آن بدین شرح آمده است:

۱. تقریظ و اجازه آیه الله حاج میرزا محمد رضا کلباسی، ۱۳۳۷ ق.
۲. تقریظ آقا شیخ اسد الله بن محمود گلپایگانی، ۱۳۳۷ ق.
۳. تقریظ و اجازه حاج میرزا محمد تقی موسوی اصفهانی صاحب مکیال المکارم، ۱۳۳۸ ق.
۴. قصیده میرزا رجاء زفره ای در تقریظ و تاریخ کتاب.
۵. قصیده مؤلف در تاریخ تألیف کتاب که بیت پایانی آن چنین است:

خواستم تاریخش از جمعی که در یکجا همه سر به هم آورده بودیم همچو چرخ آسیاب
سر یکی ناگه درآورد و به تاریخش سرود: جمله احوال بهائی درج شد در این کتاب ۱۳۳۲

آغاز: الحمد لله الذی نور قلوبنا ببهاء دین الإسلام و شرح صدورنا بشرح أحوال العلماء الأعلام. و بعد چنین گوید روسیاه درگاه یزدانی و شرمسار دربار ربانی أقلّ المعلمین محمد علی ابن مرحوم ملا زین العابدین معلم حبیب آبادی برخورداری اصفهانی... که این کتابی است نامیده شده به رشحات السمائی در احوال شیخ بهائی که آن را تألیف کردم برای نسخه ای از کتاب جامع عباسی آن بزرگوار که چاپ رکن الملک بود... و آن مبنی است بر مقدمه و سیزده فصل و خاتمه.

نسخ: مؤلف، ۸ شعبان ۱۳۳۵ ق. دی ماه ۱۲۸۶ ش. ۹۰ گ، ۳۴ سطری. (کتابخانه علامه روضاتی)

۸۶. امالی در احوال علماء

از: محمد علی بن زین العابدین معلّم حبیب آبادی (م: ۱۳۹۶ ق).

مجموعه ای است از شرح احوال علماء و شعرا و فوائد تاریخی و کتاب شناسی و غیره که در سال ۱۳۲۸ ق (۱۳۴۲ ش) آغاز به نوشتن آن شده است. برخی از عناوین مهم آن بدین شرح است:

۱. احوال میرزا اشتها شاعر، ۲. احوالات حاجی میرزا عبدالغفار خان نجم الدوله، ۳. حکایت

امام جمعه های اصفهان، ۴. احوالات شیخ مرتضی انصاری، ۵. احوالات شیخ مرتضی ریزی، ۶. شرح حالات آقاجنحفی اصفهانی، ۷. احوالات حاج میرزا رضا کرباسی کما سمعت من لسانه المبارک، ۸. اجازه شیخ احمد احسائی به حاج محمد ابراهیم کلباسی، ۹. ترجمه شیخ محمد رضا جرقویه ای به قلم سید احمد روضاتی، ۱۰. شرح حال میرزا رجاء زفره ای به خط خودش، ۱۱. صورت اجازه سید ابوالقاسم دهکردی به حاج میرزا محمد تقی یزدآبادی، ۱۲. شرح احوال آقا سید ابوالقاسم دهکردی به خط خودش، ۱۳. احوال آقا میرزا عبدالرحیم کلباسی از زبان خودش، ۱۴. اجازه حاج میرزا ابوالهدی کلباسی به شیخ عبدالحسین گروسی، ۱۵. شرح حال وحید دستگردی از خط خودش، ۱۶. شرح حال علمای سلسله نحوی های هرنند، ۱۷. شرح حال میرزا محمد حسین همدانی به نقل از ندیم الملک، ۱۸. شرح حال حاج میرزا محمد تقی یزدآبادی، ۱۹. اعقاب میرزا علاء الدین گلستانه، ۲۰. شرح حال آخوند ملا محمد حسین پشارکی به نقل از خود او، ۲۱. شرح حال میرزا علی محمد اژیبه ای، ۲۲. شرح حال حاجی مفاخر الدوله سید میرزا مهدی خان نبوی از زبان خود وی، ۲۳. صورت اجازه آقا سید حسن صدر به آقا شیخ محمد رضا نجفی، ۲۴. شرح احوال دو بیست نفر از علمای اصفهان به نقل از معجم البلدان و معجم الأدباء یاقوت حموی، ۲۵. احوالات شیخ عبدالحسین محلاتی به نقل از دیباچه مغتتم الدرر و منتخب الغرر، ۲۶. شرح احوال میرزا احمد عرفان از زبان خودش، ۲۷. شرح حال سادات لقمانی های اصفهان، ۲۸. احوال حاج میرزا بدیع درب امامی به نقل از فرزندش حاج میرزا فتح الله، ۲۹. شرحی از سادات حسینی محله شهشهان اصفهان و امامزاده معروف آن، ۳۰. نسب نامه سادات دهکردی ها و میرامادی های سده، ۳۱. صورت اجازه آقا سید ابوالقاسم دهکردی به میر محمد مهدی امام جمعه، ۱۳۴۷ ق. ۳۲. صورت اجازه آخوند ملا محمد حسین فنشارکی به همودر ۱۳۴۸ ق. ۳۳. صورت اجازه سردار کابلی به آقا صدرالدین کلباسی، ۱۳۷۱ ق. ۳۴. اجازه مؤلف به سید عباس کاشانی، ۱۳۸۳ ق. ۳۵. اجازه مؤلف به شیخ میرزا محمد باقر ساعدی مشهدی، ۱۳۸۳ ق. ۳۶. اجازه مؤلف به سید محمد علی روضاتی، ۱۳۸۵ ق.

نسخ: مؤلف، ۲۲۶ ص، سطور مختلف. (کتابخانه علامه روضاتی)

۸۷. عرش سماء التوفیق^۱

از: سید محمد عبدالحسیب بن احمد بن زین العابدین علوی عاملی (م: ۱۱۲۱ ق).
تفسیر فارسی بسیار مفصّلی است با عبارات منشیانه مرسوم عصر صفوی که به شاه سلیمان تقدیم شده است. این نسخه شامل تفسیر سوره حمد و بقره است.^۲
آغاز: زینت طلعت عنوان تفسیر و بیان هر مقام به عقود جواهر ثناء حضرت ملک علامست... و بعد چنین گوید خادم دین مبین سید اصفیا و متمسک به جبل المتین ملّت بیضا... که به مقتضای مضمون صدق مقرون و فحوای مدلول لازم القبول: العبد یدبّر والله یقدّر، حسب الاقتضای ارقام اقلام تقدیرات منشی دیوان قضا و قدر، و تصویرات مصوّر نگارخانه ابداع افلاک و عناصر مشخص خاطر... رخت عزیمت به صوب بحر تنزیل و عَمّان قرآن کشیده، زمانی به نظاره فضای دلگشای مامن محکّات مشغول گشته، به استشمام نسیم عنبر شمیم معارف و دقائق، ابتهاج و انبساط می نمود.
انجام: غفرانک ربّنا و الیک المصیر... و حضرت رسول به استدعاء جبرئیل به معرض مناجات کلمات سابقه درآمد.

نسخ بسیار زیبا، کاتب نامعلوم، ق ۹۱۶.۱۲، ص ۲۹، سطری.

۸۸. نجات المؤمنین

از: ملا حسینعلی بن نوروز علی تویسرکانی اصفهانی (م: ۱۲۸۶ ق)
آغاز: الحمد لله... اما بعد، چنین گوید اقلّ خلق الله حسینعلی التویسرکانی که این مختصری است در اصول دین و بیان اعتقادات لازمه و معارف حقّه در معرفت اخلاق حسنه و صفات جمیله و اوصاف ذمیله و رزائل دنییه، و در تشخیص معاصی و تفرقه مابین صغائر و کبائر. و تألیف نمودم این رساله را از برای فرزندى قرّة العینی محمّد، طوّل الله عمره و رزقه خیر الدنیا و الآخرة، و جعله من العلماء العالمین، بجاه خیر خلقه محمّد وآله الطیبین. امید که خداوند عالم، آن فرزندى و سایر برادران دینیّه را از این مختصر منتفع و بهره مند فرماید، و ثواب آن رادر یوم لا ینفع مال ولا بنون عاید این روسیاه گرداند، بمتّه و فضله، اِنَّه ذوالفضل العظیم و الجواد

۱. الذریعة، ج ۱۵، ۲۴۴.

۲. یک نسخه از این تفسیر در کتابخانه مدرسه آیة الله بروجردى در کرمانشاه موجود است. تراش شماره ۵۹ ص ۲۰۰.

الکریم والرؤف الرحیم. و مرتب نمود این کتاب را بریک مقدمه و دو مقصد و خاتمه. انجام: علاوه بر این که عقل نیز حکم می کند به عدم منافات، همچنانکه بعد از تأمل تام، واضح و لایح است.

نسخ زیبا، غره ذی الحجه ۱۲۷۸ ق. کاتب نامعلوم، نسخه را حسین موسوی بربری با نسخه صحیح مقابله و تصحیح کرده و مؤلف در آغاز صحت آن را تأیید کرده و عمل به آن را موجب برائت ذمه از تکلیف الهی دانسته است. با نشان تملک میرزا محمد باقر تویسرکانی در ۱۳۶۸ ق. ۱۳ سطر. (کتابخانه دکتر سید احمد تویسرکانی)

۸۹. اشراقات الایام لافاضات الانام

از: حاج میرزا محمد رضا بن عبد الرحیم کلباسی (م: ۱۳۸۳ ق). مباحث ارزشمند در اخلاق و سیر و سلوک که در ۲۶ اشراق مدوّن شده و حکایت از ذوق سرشار مؤلف و مهارت او در تبیین مسائل اخلاقی است.

آغاز: الحمد لله الذی خلق الإنسان، وجعله أفضل أنواع الأکوان، و صیره نسخه لما أوجده من عوالم الإمكان، وأظهر فيه عجائب قدرته القاهرة، وأبرز فيه غرائب عظمته الباهرة؛ فربط به الناسوت باللاهوت، وأودع فيه حقایق الملك و الملکوت، و حمر طیبته من الظلمات والنور، و ركب فيه دواعی الخیر و الشرور، و عجنه من المواد المتخالفة، و جمع فيه القوى والأوصاف المتناقضة، ثم ندبه إلى تهذيبها بالتقويم والتعديل، و حثه على تحسينها بعد ما سهّل له السبیل... و بعد، این شکسته بسته‌ای است موسوم به اشراقات الایام لافاضات الانام به زبان قال، از این بنده پرور و ووبال، محمد رضا کلباسی الأشتري أبلغه الله نهاية الآمال برای شرح احوال و نیل به مقام قرب ذوالجلال. مسئول از درگاه ایزد متعال که به او نفع بخشد به مؤلف پر اختلال و سایر برادران را در جمیع احوال.

انجام: تمام شد آنچه اراده نموده بوده ام از نصیحت برادران ایمانی و اخلاء روحانی، و وصیت می نمایم آنها را که چون این اشراقات را بخوانند بر خواندن آن قانع نشوند، بلکه به مقتضای آن رفتار نمایند و سلوک کنند؛ تا آن که از قید و بند عالم طبیعت رهایی یابند، و سیر عالم ملکوت نمایند. و امیدوارم به خوانندگان و بزرگان که این حقیر فقیر را به دعای خیری یاد نمایند.

نسخ زیبا، عباس بن حسین دستجردی بر خواری [مصباح]، ۲۱ شعبان ۱۳۴۶ ق. ۸۲ گ، ۱۶ سطر. (کتابخانه حاج شیخ احمد کلباسی)

۹۰. رساله فی حکم الفرار من الحقوق

از: سید علی بن حسین حسینی برزانی اصفهانی (م: ۱۳۶۹ ق).

رساله ای است فقهی و ابتکاری در بحث حکم فرار از حقوق که در کتب فقهی باب مستقلی برای آن باز نشده و مؤلف آن را از ابواب مختلف فقه جمع آوری کرده است. وی در چند موضع از آخوند خراسانی با عنوان استاد نقل قول کرده است.

آغاز: الحمد لله الذی دلّ علی ذاته بذاته النافذ أمره فی جمیع خلقه و ناصیتنا بیده و لا یکن الفرار من حکومتہ... أما بعد، فبقول الفقیر الی الله تعالی، علی بن الحسین الحسینی البرزانی: هذه رسالة فی حکم الفرار من الحقوق، و لیس فی الفقه باب لذلك، بل أفراده متشتتة فی أبواب مختلفة، بل بعض أفراده لا ذکر له أصلاً فی الكتب الفقهية، بل مستحدثة العنوان من المتأخرین؛ كالصلح للفرار من الدين. و من مصاديقه: ذهاب المکلف عمدًا الی مکان صار فيه فاقد الطهورین؛ للفرار من الصلاة. و منها: إراقة الماء قبل الوقت؛ حتى لا یکلف بالوضوء بعد دخول الوقت أو بعد دخول الوقت. و منها: شرب المرقد؛ للفرار من الصلاة. و منها: شرب الدواء الموجب للإغماء أو الجنون؛ للفرار من الصوم والصلاة ونحوهما. و منها: شرب المرثة دواء یدر حیضاً؛ للفرار من الصلاة والصوم فی يوم الحار... بعض حقوق الزوج. و منها: سفر الرجل للفرار من بعض حقوق الزوجة، أو من صوم يوم الشک، كما فی الخبر. و منها: صلح حق الرجوع فی الطلاق. و منها: عدم احتساب ماله؛ للفرار من الخمس. و منها: عدم النظر فی طومار ماله؛ للفرار من الزکاة، أو من وجوب أزيد من نصاب واحد. و منها: عدم الاحتساب؛ للفرار من الحج. و منها: انسداد طرق الأخبار علیه؛ لئلا یطلع علی وجوب الخروج للجهاد. و منها: صلح المال لأحد؛ لحرمان الورثة بعد فوته. و منها: ردّ الوصية؛ للفرار من تکلیف الوصية. و منها: توبة الزانی قبل قیام البینة علیه؛ للفرار من الحدّ. و منها: دخول من وجب علیه الحدّ الکعبة؛ للفرار من الحدّ. و منها: الفرار من الحفيرة؛ للفرار من الرجم لو ثبت ذنبه بالإقرار، لا بالبينة وأشباهاها. و منها: توبة اللاطی قبل قیام البینة علیه؛ للفرار من الحدّ. و منها: التماس السارق صاحب المال بالهبة قبل الرفع الی الإمام؛ للفرار من الحدّ. و منها: فی باب القصاص کسابقه. و أيضاً له مصادیق اخرى، و یحتمل أن تأتي فی ضمن ذکر هذه المسائل. و رتبتہا علی مقدمة و ذیلها و خاتمة.

نسخ مؤلف، ق ۱۴، ۵۶، گ، ۱۷ سطر. (نسخه خاندان مؤلف).

۹۱. أصول الفقه

از: سید علی بن حسین حسینی برزانی اصفهانی (م: ۱۳۶۹ ق).
مباحث استصحاب، تعادل و تراجیح و قطع بر مبنای مباحث شیخ انصاری در رسائل.
نسخ: مؤلف، ۱۳۳۹ ق (پایان تعادل و تراجیح و قطع). در آغاز نسخه ۱۵ صفحه تحت
عنوان الکلام فی الخمس به خط مؤلف قرار دارد. ۶۶۰ ص، ۲۰ سطری. (نسخه خاندان
مؤلف).

۹۲. اجازات

اجازات اجتهاد سید علی بن حسین حسینی برزانی است بدین شرح:

۱. اجازة آية الله العظمى ميرزا محمد على شاه آبادى،

اجازة اجتهاد و روایت است در هفت صفحه به تاریخ ۷ شوال ۱۳۳۸ ق. که در آن مشایخ
خود را چنین ذکر کرده است: «أحدهم وأوحدهم: والدى العلامة، شيخ العلماء والمجتهدين -
أفاض الله عليه شأبيب الغفران. عن شيخه واستاده، العبد المؤمن، شيخ الأواخر، الشيخ محمد
حسن صاحب الجواهر قدس سره.

ومنهم: السيد السند العماد والركن المعتمد فى الاستناد، سيد العلماء وسند الفقهاء، وحيد
عصره فى التأليف بل كل عصر، وفريد دهره فى الترصيف، ذخر الاوائل وفخر الاواخر، الامير
محمد باقر الموسوى الخوانسارى قدس سره صاحب روضات الجنات. ومنهم: سيد الأوائل
والأواخر، علامة عصره وزمانه وفهامة دهره وأوانه، الحبر العلام والبحر الموج القمقام، جامع
المعقول والمنقول، حاوى الفروع والاصول، أستاذنا الاستناد، الامير محمد هاشم الموسوى قدس
الله تربته الزكية».

۲. اجازة آية الله العظمى آخوند ملا محمد حسين فشاركى

اجازة اجتهاد و روایت است در چهار صفحه به تاریخ ۲۶ جمادى الأولى ۱۳۲۸ ق. که در آن
مشایخ خود را چنین ذکر کرده است: «شیخی وأخى، العالم الناسک السالک السديد، الفقيه
الوحيد فى أوانه ومن إليه انتهت الرياسة العامة فى الاجتهاد، والتقليد منه شاع بين الخواص
والعوام واستقام، لكل من استفاد منه وحضر درسه فى أيام، وبلغ الاجتهاد واستجاز منه العلماء،
ولم نرمثله فى ترويج الاحكام وهداية الناس، فإنه بين العلماء كالبدر فى النجوم فى هذه
الفضيلة، ومن ميامن أنفاسه وبركات تعليماته بلغ جمع كثير وجم غير رتبة الاجتهاد، واهتدى



كافة أهالى اصفهان إلى أحكام شرع سيد الأنام - صلوات الله عليه وآله - والآن قبره الشريف مزار عامة اهل اصفهان فى بقعة تحت فولاد؛ مولانا ومن عليه اعتمادنا الآخوند ملا محمد باقر الفشاركى؛ عن شيخه وأستاده... سيد العلماء والمجتهدين ورئيس الفقهاء والمحققين، الشيخ المؤتمن والسيد السند المستحسن الآقا ميرسيد حسن».

۳. آية الله سيد محمد رضا رضوى خوانسارى

اجازه اجتهاد وروایت است در چهار صفحه به تاریخ ۶ جمادى الثانى ۱۳۳۹ ق. مجيخ مشايخ خود را نام نبرده است.

۴. آية الله العظمى سيد صدرالدين صدر

اجازه حسيه وروایت است كه در آن از شيخ روايتش «حجة الاسلام والمسلمين آية الله فى الأرضين، سيادة السيد الخال الأعظم، أبى محمد السيد حسن الصدر طاب ثراه» نام برده شده است.

۹۳. مجموعه:

چند رساله فقهي است از: ميرزا حبيب الله بن سيد هداية الله بن ميرزا محمد باقر رضاتى:

۱. رسالة فى الحبوة

آغاز: الحمد لله الذى حباننا بجوده أشرف أديان المرسلين وهدانا بجمته إلى إيمان المهتدين... وبعد، فهذه رسالة شريفة فى الحبوة وهى نوع من الميراث يمنع منها ما منع منه كالقتل والكفر والرقق إلا أن هذا ذاتى... على المختار ليس من الموانع بل هى كالدين يأخذه الولد الأكبر قبل الميراث.

۲. رسالة فى القرعة

آغاز: الحمد لله... أما بعد، فهذه رسالة فى القرعة والبحث عنها يقع فى مقامات خمسة.

۳. رسالة فى الولايات

آغاز: الحمد لله خالق النور والظلم والولى على ولد آدم وله الثناء على ما أنعم... وبعد فيقول العبد الأثم الجانى حبيب الله بن هداية الله الموسوى الاصفهانى أذاقهما الله من القطوف الدوانى إن: هذه رسالة فى الولايات جعلتها تذكرة لنفسى ولبن أراد أن يتذكر من إخوانى.

۴. رسالة فى منجزات المريض

آغاز: الحمد لله... أما بعد فيقول المذنب المحتاج إلى رحمة ربه ابن العالم الجليل والفاضل المتبحر النبيل الأغا ميرزا هداية الله أدام الله وجوده حبيب الله الموسوى عفى عنه اختلف

الأصحاب في منجزات المريض وهي من عويصات المسائل وأمّهات المعاضل ولذا خطر بيالى الفتران أكتب بفهمى القاصر شيئاً فى حلّ هذه المسألة ما تشتاقه الطباع السليمة والأفهام المستقيمة.

۵. نهاية القسوى فى شرح العروة الوثقى

چند صفحه از شرحى است كه مؤلف بنا داشتته بر عروة الوثقى بنويسد و ظاهراً بيش از اين مقدار ننوشته است. شارح در خطبه خود از ۶۳ كتاب نام برده؛ از اين رود رساله اى مستقل به كتب مزبور و مؤلفين آنها را در هفت صفحه بزرگ معرفى کرده است.

آغاز: الحمد لله الذى هدانا لهذا بشرىع الإسلام للعمل بأيات الأحكام وفضلنا على سائر الأمم بمجامع الكلم وجواهر الكلام وجعلنا من المتمسكين بالعروة الوثقى الكافية بوسائل الشيعة ومصباح الشريعة تبصرة لأولى الأفهام.

نسخ مؤلف، ۱۳۴۳ ق. (پایان رساله چهارم). ۱۵ سطرى. (نسخه خاندان مؤلف).

۹۴. اجازات

اجازات اجتهاد وروایت میرزا حبيب الله روضائى نواده صاحب روضات است بدین شرح:

۱. اجازة آية الله العظمى آخوند ملا محمد حسين فشاركى

اجازة اجتهاد وروایت است در پنج صفحه به تاریخ ۸ جمادى الثانى ۱۳۴۳ ق. كه در آن از شيخ خود چنین یاد کرده است: «الشيخ الجليل والعالم النبيل الكامل النبیه المحقق المدقق الفقيه الوحيد الفريد، شيخ العلماء العاملين والفقهاء البارعين، مرجع العلماء والمتعلمين فى الاعصار والامصار ومن عليه الاعتماد فى الإجازات والتصديقات، البحر القمقام، علم الأعلام، ركن الإسلام، الناسك العابد العارف السديد، الشيخ زين العابدين المازندرانى». اين اجازة را آية الله سيد حسين حسینی اصفهانى نیز تأييد کرده است.

۲. اجازة آية الله العظمى ميرزا محمد حسين نائينى

اجازة روایت است كه پس از رؤيت برخى از رسائل تأليفى مجاز در ۱۴ ربيع الثانى ۱۳۴۴ ق نگاهشته شده و به درجات فضل و كمال مؤلف اشاره شده است. مجيز مشايخ خود را چنین بر شمرده است: «عن الشيخين العالمين العلمين الأورعين الأطهرين، وحيدى دهرهما وفقهيه عصرهما: الحاج الميرزا حسين الميرزا خليل الطهرانى النجفى والشيخ محمد طه نجف قدس سرهما».

آية الله العظمى حاج شيخ عبدالكريم حائرى نيز اين اجازة را تأييد کرده و به او اجازة روایت

داده است.



۳. آیه الله حاج شیخ علی اکبر نهاوندی

اجازه روایت است به تاریخ ۱۳۵۴ ق که در آن از مشایخ خود چنین نام برده است: «آیه الله العظمیٰ والعالم المتعبد الأواه الحاج الآقا المیرزا حبیب الله الرشتی الغروی... وعن السيد السند والركن المعتمد، الحائز لجميع العلوم والفنون، والطائر بجناح فكره الصائب على أشجار العلوم الشرعية بتمام الغصون، السيد أبو القاسم الإشكوری الجیلانی، صاحب جواهر العقول فی شرح فرائد الأصول، وبغية الطالب فی حاشية المكاسب». آیه الله نهاوندی در سال ۱۳۶۰ ق پس از مشاهدۀ تألیفات مرحوم روضاتی، اجتهاد وی را نیز در حاشیه اجازه فوق تأیید فرموده است.

آیه الله العظمیٰ سید محمد حجّت کوه کمری نیز در حاشیه اجتهاد او را تأیید کرده است.

۴. آیه الله سید حسین حسینی اصفهانی (داماد آیه الله العظمیٰ سید ابوالحسن اصفهانی).

اجازه اجتهاد و روایت است به تاریخ غره ربیع الاول ۱۳۶۵ ق. که در آن از مشایخ خود «العلمین الآتین: المولی المیرزا محمد تقی الشیرازی و شیخ الشریعة الاصفهانی، قدس الله روحهما» یاد کرده است.

۵. علامه شیخ محمد حسین کاشف الغطاء.

اجازه اجتهاد و روایت است به تاریخ غره ربیع الاول ۱۳۶۵ ق.

۶. اجازه روایت سید صدرالدین صدر به سید عبدالحسین بن میرزا حبیب الله روضاتی،

۱۳۷۲ ق.

۹۵. اجازات

۱. اجازه اجتهاد از آخوند ملا حسینعلی تویسرکانی به شاگردش آقا سید عبد الغفار تویسرکانی در چهار صفحه. وی مجازاً با القاب فراوان ستوده و از او با عنوان «الأخ العزیز والمولی الشفیق الرفیق» یاد کرده و به او اجازه داده که روایت کند از او از: «شیخی وأستادی ومن علیه فی العلوم الشرعية استنادی واعتمادی، رئیس المحقق، زبده المدققین، علامة عصره، وحید دهره، التقی النقی، الشیخ محمد تقی، نور الله مرقدہ». این اجازه بدون تاریخ است.

۲. اجازه روایت از آخوند تویسرکانی به آقا سید عبد الغفار، در چهار صفحه به تاریخ محرم

۱۲۷۹ ق. در این اجازه با القاب عالی از مجیز نام برده و از شیخ محمد تقی صاحب هدایه به

عنوان شیخ روایت یاد کرده است.

۳. اجازه اجتهاد و روایت علامه میرزا محمد هاشم چهارسوقی به میرزا محمد علی تویسرکانی اصفهانی در شش صفحه، به تاریخ ۱۲۹۷ ق. در آن از پدر خود میرزین العابدین موسوی خوانساری و استاد اعظم میرسید حسن اصفهانی مدرّس، و استادش أعلم العلماء الزمان شیخ مرتضی انصاری و شیخ فقیه نبیه شیخ مهدی بن الفقیه الأعظم شیخ علی کاشف الغطاء و جمعی از تلامذة شیخ اجل افقه صاحب جواهر الکلام روایت کرده است.

۴. اجازه اجتهاد و روایت علامه میرزا محمد باقر خوانساری صاحب روضات الجنّات به میرزا محمد علی تویسرکانی اصفهانی در سه صفحه، به سال ۱۲۹۷ ق. که در آن او را «ولدنا الروحانی و مددنا الإیمانی» خوانده و در آن از پدر خود و حجة الاسلام سید محمد باقر شفتی نقل روایت کرده است.

۵. اجازه اجتهاد آخوند ملا محمد باقر فشارکی به میرزا محمد علی تویسرکانی اصفهانی در پنج صفحه، به سال ۱۳۰۰ ق.

۶. اجازه اجتهاد و روایت آخوند ملا محمد حسین فشارکی به میرزا محمد باقر بن عبدالغفار تویسرکانی در دو صفحه، به سال ۱۳۴۶ ق. (کتابخانه دکتر سید احمد تویسرکانی)

۹۶. اجازات

۱. اجازه اجتهاد آخوند ملا محمد باقر فشارکی به میرزا عبدالرزاق بن میرزا عبدالمجواد موسوی اصفهانی (م: ۱۳۱۹ ق) پدر میرزا محمد تقی موسوی اصفهانی (صاحب مکیال المکارم). در پنج صفحه که مجیز با تجلیل فراوان و القاب عالی به وی اجازه اجتهاد داده و تصدّی قضاء و مرافعات و رفع خصومات را برای او مجاز شمرده است.

۲. اجازه میرزا محمد تقی موسوی اصفهانی به شخصی که نامش در اجازه نیامده است، ۱۳۴۸ ق.

مشایخ مجیز در این اجازه عبارتند از: ۱. حاج آقا منیرالدین بروجردی از حاج شیخ محمد باقر نجفی، شیخ زین العابدین مازندرانی و میرزا حبیب الله گیلانی. ۲. میرزا محمد حسن نجفی [هزارجریبی] از صاحب جواهر. ۳. سید ابوالقاسم دهکردی از آخوند خراسانی، محدّث نوری و میرزا محمد هاشم چهارسوقی. اجازه به خط سید محمد فقیه احمدآبادی فرزند مجیز است در شش صفحه کوچک.

۳. اجازه میرزا محمد طیب زاده اصفهانی به سید محمد فقیه احمدآبادی، فرزند صاحب مکیال، ۱۳۵۸ ق.



در این اجازه به اشتغال مجاز به تحصیل و ارشاد و تألیف اشاره شده و از آثار او کنز المرام فی أعمال شهر الصیام و مفتاح الشرف نام برده شده است. مشایخ مجیز عبارتند از: ۱. آفته فقهاء عصره آخوند ملا محمد حسین فشارکی ۲. عالم ربّانی جامع المعقول والمنقول شیخ ابوالفضل ریزی لنجانی شاگرد میرزا حبیب الله گیلانی. اجازه به خط مجیز است در پنج صفحه.

۴. اجازه میرزا حسین فقیه سبزواری به سید محمد فقیه احمد آبادی، ۱۳۵۷ ق.

مشایخ مجیز عبارتند از آیات عظام: نائینی، سید ابوالحسن اصفهانی و سید حسن صدر. اجازه به خط مجیز است در یک صفحه. (کتابخانه فقیه احمد آبادی).

۹۷. مجموعه:

۱. ارشاد المسلمین إلى أولاد أمير المؤمنين^۱ (۶۲ - ۱)

از: سید عبدالله بن محسن ثقة الإسلام اصفهانی (م: ۱۳۸۲ ق).

شرح حال آباء و اجداد مؤلف است که به ابو عبد الله حسین الأصغر فرزند حضرت امام سجاد علیه السلام منتهی می گردد. سی و چهارمین فرد سلسله، میر عبدالرزاق در سال ۱۱۳۲ ق از سبزواری به اصفهان آمده و توطن نموده، چنانچه قبل از آن بنی اعمام او از جمله پدر عالم بزرگ میر بهاء الدین مختاری به نائین آمده و سکونت گزیده بودند. فرزندش: آقا میر ابو صالح بن عبدالرزاق از اجله سادات بوده و حاجی کلباسی در طفولیت به اتفاق پدرش خدمت او رسیده. فرزندش: آقا میر اسماعیل واعظ و امام جماعت مسجد شاه اصفهان بوده، و اولاد و احفاد او سلسله بزرگی را در اصفهان تشکیل داده اند. اعلم اولاد او عالم نحریر میر محمد باقر امام جماعت مسجد شاه و مدرّس مدرسه میرزا مهدی بوده و هفت پسر داشته که همگی از علما و بزرگان عصر خود بوده اند. **اول:** میر محمد صادق واعظ و امام جماعت مسجد شاه است، و سادات میر محمد صادقی از نسل او می باشند. **دوم:** حاج میر اسماعیل است که پسرش امیر علی اکبر از شاگردان حاجی کلباسی و سید شفتی بوده و مؤلف او را در سنّ متجاوز از نود سالگی درک کرده که چشمانش نابینا بوده. نواده اش میرزا علی اصغر بن میرزا جعفر بن میر علی اکبر از شاگردان آخوند خراسانی بوده، و مؤلف در صغر سنّ مقداری از سطوح فقه و اصول رانزد او خوانده است. **سوم:** میر علی نقی بن میر محمد باقر است، جدّ آیه الله سید عبدالحسین طیب. **هفتم:** میر سید علی بن میر محمد باقر از شاگردان آقا محمد بید آبادی بوده، اولاد او از

مفاخر شیعه بوده اند: ۱. علامه محقق آقا میر سید حسن مدرس از تلامذه حاجی کلباسی و شریف العلماء مازندرانی و صاحب جواهر، که فرزندانش: امیر سید علی از شاگردان شیخ انصاری، و امیر محمد تقی از شاگردان شیخ هادی تهرانی و میرزای شیرازی بوده اند. ۲. میر محمد حسین بن میر سید علی، که به اتفاق برادر خود نزد شریف العلماء و صاحب جواهر تحصیل کرده و از علمای بزرگ اصفهان بوده است. ۳. میر محمد باقر بن میر سید علی که معروف به زهد و عبادت بوده، و فرزندش آقا سید محسن (پدر مؤلف) از شاگردان شیخ انصاری و فاضل اردکانی و دیگران بوده و شرحی بر منظومه بحر العلوم نوشته است. مؤلف در خاتمه شرح حال خود را نگاشته و وصیت نامه مفصل خود را آورده است. تاریخ تألیف ۱۳۴۵ ق.

آغاز: نسیم عطرسای حمد و ثنای واجب الوجودی را سزاست که شجره نبوت را به باران رحمت خویش تربیت فرموده و اغصان پیر و ولایت را بر سر موجودات سایه فکن نموده... و بعد، چنین گوید گناهکار سیه روزگار عبد الله بن محسن بن باقر بن علی بن باقر بن میر اسماعیل بن میر ابوصالح بن میر عبدالرزاق بن سید محمد بن میر ابوالعالی...

۲. اجازة الحدیث (۶۳ - ۷۹)

اجازه روایی مفصلی است که سید عبد الله ثقة الاسلام در ماه محرم ۱۳۷۳ ق. برای فرزند خود سید محمد کاظم مدرس صادقی نگاشته و در آن تصریح به اجتهاد وی کرده و از هشت نفر از مشایخ خود نام برده است: ۱. حاج میرزا حسین خلیلی تهرانی ۲. سید مرتضی کشمیری ۳. آخوند خراسانی ۴. سید محمد کاظم یزدی ۵. شیخ الشریعة اصفهانی ۶. محدث نوری ۷. شیخ لطف الله مازندرانی ۸. علامه میرزا محمد هاشم چهارسوقی.

نسخ: سید مصلح الدین مهدوی اصفهانی، ۱۳۸۲ ق. ۴۰ گ، ۱۹ سطری. (کتابخانه

مهدوی)

۹۸. احکام موارث

از: ملا علی اکبر بن محمد باقر آیه ای اصفهانی (م: ۱۲۳۲ ق.).

آغاز: این رساله ای است در بیان احکام موارث به جهت آسانی بر اطلاع احوال و اقسام و سهام وراثت مشتمل است بر مقدمه و چند فصل. اما مقدمه، بدان که استحقاق ارث بردن به یکی از دو چیزی می باشد یا نسب است یا سبب است.

انجام: و به شفاعت سید ثقلین بهره مند گرداند برادران دینی را محمد و آله. وقد فرغ من



تسويد هذه النسخة الشريفة الميمونة من مؤلفات الفاضل الكامل المحقق المدقق جامع الفروع والأصول، حاوى المعقول والمنقول، الموقّق بتوفيقات الله الملك المتّان، المؤيد بتأييدات الربّ المستعان، الحبر المعظّم والنحرير المكرّم والصاحب المحترم، أستاذ الأعظم، المقرب إلى الله الأكبر مولانا ملا على أكبر سلّمه الله تعالى في الدارين بحق الحيدر والصفدر.

نسخ: ابوتراب بن ابوالقاسم حسيني نطنزي، ۱۲۲۲ ق. با حواشى منه دام ظلّه العالی به نستعليق زيبا. ۱۳۸ گ، ۱۷ سطری.

۹۹. منبع الحياة^۱

از: آقا محمد بن حاج محمد ابراهيم كلباسی (م: ۱۲۹۲ ق)

کتاب بسیار مفصّلی است که به انگیزه جمع عبارات علمای علم اصول نگاشته شده و به دستور پدرش حاجی کلباسی عین عبارات علمای متقدم و متأخر را در هر مسأله اصولی از کتب آنان نقل کرده است. این کتاب به نوشته علامه گزی پانزده جلد است^۲ و این نسخه جلد هفتم در مسائل تخصیص است.

برخی از منابع این کتاب عبارتند از: الذریعة، غنية، معارج، نهاية، منية، الجمع بين الشرحين، غاية المأمول، عمدة الوصول، شرح فاضل مازندرانی، الوافی، قوانین، اشارات، المحصول، الأحكام، المختصر، شرح قطب شیرازی، شرح عضدی، تعليقات امهری، شرح الشرح، تعليقات سلطان، تعليقات فاضل باغنوی، النقود والرود، المنهاج، المرعاج، شرح العبري، نهاية السؤال، شرح سيد صدرالدين، حجة الإسلام، نقد الأصول، الوافية، المستصفي.

نسخ: محمد علی بن محمد قاسم، ۱۲۴۱ ق. مجدول و دارای سرلوح زيبا، این نسخه در سال ۱۲۴۶ ق بر فقهای امامیه وقف شده و تولیت آن با سماء عالم علم نبی و مهبط فیوضات انوار غیبی، مرآت عین حق و یقین و نبراس ضیاء شمس ملت دین، جامع جوامع فضایل و حایز سبق فضایل امثال، کھف العلماء الألباب، محیی السنة والکتاب، نبیه الزمان و فقیه الدوران، سمی الخلیل، الفخیم الجلیل، الأكمل الأوحّد النبیل، علامة المحققین و خاتمة المجتهدین، کھف الحاج والمعتمرین، حاج الحرمین الشریفین، الحاج محمد ابراهيم [کلباسی] نهاده شده است. ۷۰۴ گ، ۳۰ سطری. (کتابخانه خاندان کلباسی)

۱. الذریعة، ج ۱۰، ص ۶۴. ذیل راه سعادت از میرزا محمود بن محمد تقی کلباسی نواده مؤلف.

۲. تذکرة القبور، ص ۹۳.

١٠٠. رسالة في تقليد الميت^١

از: حاج محمد ابراهيم بن محمد حسن كلباسي (م: ١٢٦٠ ق).
 آغاز: الحمد لله الذي أحيا الحق بالإسلام وأمات الباطل وقواعده بخير الأنام... وبعد إتي لما
 وقفت لشوارح الهداية في شرح الكفاية ووصلت إلى قول مصنفه العلامة: ولا يكفي تقليد
 الأموات، فشرحته على ما يقتضيه الأوقات، أحببت أن أفصل الكلام وأحققه على ما يناسب
 المقام، وأجعله رسالة للاعتبار؛ لينظر فيه ويستبصر منه أولو الأبصار. فشرعت فيه معترفاً بالقصور،
 ورتبته على مقدمة ومصباحين وخاتمة.

انجام: وهو لزوم التكليف بما لا يطاق يظهر جوابها مما مرّ فليكن هذا آخر ما أردنا أيراده...
 نسخ، كاتب نامعلوم، ١٢٥٢ ق. درخانه سرکار شریعتمدار حاجی از برای سرکار شریعتمدار
 آقا خند ملا محمد شفیع بن محمد اسحاق، ١١٧ گ، ١٨ سطری. (کتابخانه خاندان کلباسی)

١٠١. اجازة الحديث

اجازه مفصل و بسیار ارزشمند علامه شیخ ابوالمجد محمد رضا نجفی است به صدیق گرامی
 خود آية الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی که در ربیع الأول ١٣٤٤ ق. در اصفهان
 نگاشته شده است.

بخشی از مقدمه این اجازه را نقل می کنیم:

أنا بعد، فقد تكرر صدور الأمر من سدة الشيخ المولى الإمام، علامة العلماء الأعلام ومربى
 الفقهاء الكرام، مفتى الشيعة فى الحرام والحلال، ومختلفهم الذى إليه الحظ والترحال، بقية
 الأسلاف الماضين الصالحين، وثمال العلماء الباقين، كافل أيتام الأئمة وحامل علوم أهل بيت
 العصمة، كعبة العلم والتحقيق الذى يحج إليه من كل فج عميق، الحاج الشيخ عبدالكريم
 اليزدى الحائرى عمّر الله بدوام عمره دوارس مدارس علوم الدين، وأحيا بطول حياته معالم آثار
 الأئمة المعصومين، بكتابة إجازة له يتصل بها سنده إلى الأئمة الهداة، وينتظم درة وجوده فى
 سلك الرواة؛ وكان يثبطنى عنها علمى بعلو قدره، ويحشى عليها معرفتى بلزوم امتثال أمره؛ فلم أزل
 بين إحجام وإقدام، أسوّفها من عام إلى عام، حتى تفألت بالمصحف الكريم؛ فظهر لى منه الحثّ
 الشديد على الفعل، وعلى الترك الوعيد بالعذاب الأليم. ولذلك بادرتُ إلى نقل رواية شريفة
 ياحدى طرقى العالية، وعدلتُ عن النهج المعروف؛ إجلالاً لرتبته السامية، ثم أجزت له أن يروى

عنى بها وبسائر طرقى الكثيرة جميع ما صح لى روايته، واتضح طرقه، وجعلتها إجازة شاملة عامة يروى بها ما أرويه عن الخاصة والعامة. حدّثنى الشيخ العالم العابد الورع الزاهد الثقة الثبت، مقتدى الشيعة فى علوم الشريعة لا سيما الحديث، ومَن لم يَرطِف الدهر مثله فى القديم والحديث، الأميرزا حسين النورى نور الله ثراه، وأحسن فى غرف الجنان قراه، فى الحائز مَمائلى الرأس الشريف.... وليرو أدام الله فضله، وكثر فى العلماء (وأنى له المثل!) مثله، عن شيوخى وأستاذى العلامة، الجامع بين أشتات الفضائل، وأشبه الأواخر بالأوائل، الحاوى لمعقول العلم ومنتقوله، وناقد علمى الفقه وأصوله، الذى قرن بين الشريفين: الرواية والدراية، فبلغ فيهما النهاية، المحقق الثالث والفاضل الثانى، الشيخ فتح الله النمازى الاصفهانى، الملقب بشيخ الشريعة، المعروف بشريعت، قدس الله تربته، وأعلى فى الجنان رتبته.

آغاز: الحمد لله الذى ملأ دفاتر المكتات شواهد وجوب وجوده، وأخبرت آحاد الموجودات بتواتر نعمه وجوده، وروت رسائل الفطر حديث فضله العميم، وحدث مديح الروض بأخبار كرمه مرفوعاً إلى عليل النسيم. نحمده على مستفيض آلائه وتواتر نعمائه.

انجام: وأرجو أن لا يرضن على بأعظم حقوق الإخاء، أعنى صالح الدعاء؛ كما لا أنساه، إن شاء الله. وأسأل الله لى وله ولجميع المؤمنين حسن الخاتمة. كتبه العبد الفقير إليه تعالى أبوالمجد محمد الرضا آل العلامة الثانى الشيخ محمد تقى الاصفهانى...

نسخ: شيخ ابوالمجد محمد رضا نجفى، ١٣٤٤ ق.

١٠٢. غنية الاديب

از: شيخ محمد على مدرّس فتحى دزفولى (م: ١٣٥٨ ق)

مختصر جلد اول كتاب مغنى اللبيب است با تقديم وتأخير مطالب وبرخى اضافات.

آغاز: حمد الله على نعمائه وشكر الله على آلائه... وبعد، فلما كان الباب الأول من مغنى اللبيب مرغوباً لاشتماله على مطالب نفيسة من اللغة والنحو ولكن لاحتوائه على الحشو والزوائد قصرنا عن إفادته واستفادته مع تضييع العمر صرفت زماناً فى اختصاره وكم قدّمت ما أحرّ وأخرت ما قدّم مع إضافة بعض الكلمات منّا وسميته بغنية الاديب مختصر مغنى اللبيب.

انجام: تمّ الباب الأول مختصراً من مغنى اللبيب بيد مختصره الأقلّ محمد على فتحى...

نستعليق مؤلف، ربيع الأول ١٣٠٥ ق. ٨٣ گ، ١٧ سطرى. (كتابخانه فرزند مؤلف).

۱۰۳. التعلیقة على غنية الاديب

از: شیخ محمد علی مدرّس فتحی دزفولی (م: ۱۳۵۸ ق)
 آغاز: حمد الله على إنعامه والصلاة على النبي وآله. هذه تعلیقة على غنية الادیب مختصر
 مغنی اللیب مختصره فعرضت فیها لمالم یتعرض له أحد قبلی وجانبت فیها التطویل والإطناب.
 نستعلیق مؤلف، ۳۱ گ، ۱۷ سطری. (کتابخانه فرزند مؤلف).

۱۰۴. غنية الاديب وتعليقته

از: شیخ محمد علی مدرّس فتحی دزفولی (م: ۱۳۵۸ ق)
 نسخ زیبا، محمد جواد مدرّس فتحی، فرزند مؤلف، ۳۲۱ ص، ۱۳ سطری. (کتابخانه فرزند
 مؤلف).

۱۰۵. مجموعه:

۱. شرح العوامل المائة^۱ (۵۵-۱)

از: ملا محسن بن محمد طاهر قزوینی طالقانی (ق ۱۲).

۲. الشرح المفید^۲ (۱۶۹-۵۶)

از: محمد بن حاجی محمد استرآبادی (ق ۱۲)

شرحی است مزجی بر عوامل ملا محسن که در جمادی الأولى ۱۱۲۰ ق نگاشته شده است.
 آغاز: أحمّدك اللهم على نعمائك المنادية لمن رفع يديه وفتح عينيه لانخفاضها عليه وعلى
 آلائك الموصولة إلى من كسر نفسه ونصب على رجله لجزم صليتها إليه.
 انجام: فإنّ علام الغيوب يحبّ ستر العيوب. وفرغت من شرح هذه الرسالة المنسوبة إلى العالم
 الرّبّاني مولانا محمد محسن الطالقاني ...

نسخ زیبا، محمد حسن اشتهازی، ۱۰ شوال ۱۲۱۹ ق. (کتاب اول) نصرالله بن حاجی میرزا
 علی اکبر، رجب ۱۲۶۰ ق. (کتاب دوم). عناوین به سنگرف. ۲۲ گ، ۷ سطری (کتاب اول)
 ۱۳ سطری.

۱۰۶. شرح الغيه ابن مالك

از: محمد علی بن مولانا آقا بابا سرکانی (ق ۱۱)

۱. الذریعة، ج ۱۳، ص ۳۷۲.

۲. الذریعة، ج ۱۴، ص ۸۳.

آغاز: الحمد لله... أما بعد، بر ضمائر صافیه اصحاب سخن و ابصار ثاقبه ارباب حکم پوشیده نیست که اساس علوم دینیہ علم صرف و نحو است.
انجام: تا کتاب او واسطه بین الحمدین باشد. وقد تم والحمد لله رب العالمین.
نستعلیق: رحیم بن ایمانی محمد، ربیع الأول ۱۰۹۵ ق. اشعار الفیه با نسخ معرب زیبا نگاشته شده و با خط شنگرف برفراز آن مشخص شده است. با تملک عبدالعلی بن محمد تقی.
۱۵۰ گ، ۱۴ سطری.

۱۰۷. مجموعه:

۱. سیبکة من ذهب (۵۱ - ۱)

الفیه فی المعانی والبیان.

از: سید محمد بن ابراهیم موسوی (ق ۱۴)

آغاز:

الواهب الفرد الغنى الأكرم	الحمد لله العلى الأعظم
القادر المعبود فى العوالم	الغافر العافى عن الجرائم
محمد هو ابن ابراهيم	...وبعد راجى رحمة الرحيم
الكاظم الحرى بالتكريم	المتسمى للسيد الكريم
تلخيص ما لخصه الخطيب	يقول هذا المؤلف طيب
غاية ما يأمله الأريب	حبيب من ليس له حبيب
سميته سيبكة من ذهب	نظمته لبعض أهل الأدب

انجام:

فكرى بعون الله واهب الندى	ثم الذى نظمته قد اهتدى
تاريخها فالحمد للذى هدى	سيبكة من ذهب لهى غدا
وآله الغرّ أئمة الهدى	سلامه على النبى أحدا
ما الشمس أشرقت وكوكب بدا	وصحبه أفضل من به اقتدى

۲. صحیفه الرضا علیه السلام (۷۲ - ۵۳)

از: ابوعلی فضل بن حسن طبرسی (م: ۵۴۸ ق).
 آغاز: حمداً لواهب العقول وملهم کلّ عقول... أخبرنا الشيخ الإمام الأجل العالم الرئيس
 الرشيد أمين الدين ثقة الإسلام أمين الرؤساء أبو علي الفضل بن الحسن الطبرسي.
 انجام: فينظرون إلى الله تعالى بكرة وعشياً.

۳. تعليم المتعلم (۹۶ - ۷۲)

از: عبدالرحمان بن شرف الدين كابي
 شرحی است بر قصیده طنطرنانی: «يا خلیّ البال قد بلبلت بالبلبال بال».
 آغاز: الحمد لله على تواتر آياته السابقة وأشكره على جميل نعمائه المتلاحقة... وبعد فيقول
 العبد الفقير... لما رأيت قلوب الطلاب من محصل أبناء زماننا راغباً بهذا المختصر أردت أن أشرحه
 شرحاً حاوياً لفوائده... وسميته تعليم المتعلم لكونه تعليماً لجلّ ألفاظه وشرح معانيه.
 انجام: وأيضاً يعمل في حال المتقدمة على الأصحّ وغمراء صفتها وكذلك الجملة والله أعلم
 بالصواب... تم وقت الظهر... سنة تسع بعد الألف من الهجرة النبوية...

نسخ: ميرزا عبدالحسين، ۷ جمادى الثاني ۱۳۱۵ ق. (كتاب اول) ۱۳۱۴ ق. (كتاب دوم) با
 يادداشتی از فخرالدين ابن المحقق المجتهد الفقيه العالم النبيل الشريف آقا محمد مهدي بن حجة
 الإسلام آقای آخوند ملا محمد باقر فشارکی اصفهانی در ۱۳۱۵ ق که فيه بيان نسخه او کم
 ياب و عزيز الوجود بود و حقيره زحمت زياد پيدا کردم و رفيق صديق سلالة السادات مرقوم
 نمود. ۹۸ گ، سطور مختلف. (کتابخانه فشارکی)

۱۰۸. مجموعه:

۱. تلخيص طبقات فحول الشعراء

از: سيد روح الله موسوی كشفى (م: ۱۳۴۱ ش).
 تلخيص طبقات محمد بن مسلم جمحي (م: ۲۳۱ ق) است که با شرح محمود محمد شاکر در
 بيروت به چاپ رسیده است.

۲. تلخيص الاغانی

از: سيد روح الله موسوی كشفى (م: ۱۳۴۱ ش).
 تلخيص مجلدات بیست و یک گانه الاغانی ابوالفرج اصفهانی است که سيد كشفى در ماه



شعبان ۱۳۸۲ ق آن را به اتمام رسانده است.

نستعلیق زیبا، سید روح الله کشفی، ۱۳۴۱ ش. اصفهان، قطع رحلی، ۴۴۴ ص، ۳۶ سطری.
(کتابخانه جناب آقای سید مهدی کشفی، فرزند کاتب).

۱۰۹. مجموعه:

۱. شرح آداب المناظره^۱

از:

آغاز: لك الحمد جعل الله تعالى مخاطباً تنبيهاً على القرب ولأن اللائق بحال الحماد أن ملاحظة المحمود أولاً حاضراً أو مشهوداً.

انجام: اعلم أن الحواشي المنسوبة إلى المحقق الشريف قدس سره هذه الرسالة لما حفظتها في نسخ متعدّدة وجدت بعضها سقيماً ولم يبق اعتماد عليها لم ألتزم نقلها...

۲. حاشية المواقف^۲

از: جلال الدين محمد بن اسعد دواني (م: ۹۰۸ ق)

آغاز: يا من وقف في حواشي مواقف جلاله عقول الأجلة الأعلام... وبعد فهذا نبذ من الكلام على تعريف علم الكلام كتناقره أثناء مدارس شرح المواقف لسيدنا وشيخنا سيد المحققين وسند المدققين المستغنى كالشمس عن التصرّف والتعريف المشهور في أصقاع بلدان العالم بلقبه الشريف.

انجام: فإنّ الأئمة متهيؤ للكتابة لكنه ليس قادراً عليها.

۳. ترجمه اثني عشرية صلاتيه

از: محمد مؤمن اصفهانی (ق ۱۱)

آغاز: الحمد لله الذي نور قلوب المؤمنين بهاء الدين سيد المرسلين... ستايش معرّاز ملابس حدّ وقياس و ثنايش مبرّاز اساس قياس مرسخن شناس عتبه كبريا هراينه كه جلايل ذات اواز تضاليل انزاه منزّه واز تماثيل اشباه مقدّس است... اما بعد، ناقد اين كنوز وراقح اين رموز فقير حقير التّقصير محمد مؤمن اصفهانی ربّ يسر على كلّ عسير به عرض سالكان ملّت اظهر و طالبان امّه اثني عشر مي رساند كه بعضي از اعزّه استدعا نمودند كه ترجمه بنويسم بر



۱. الذريعة، ج ۱۳، ص ۵۵.

۲. كشف الظنون، ج ۲، ص ۱۸۹۳.

رساله شریفه مشهور به اثنی عشریه که درّیست از بحر افادات شیخ المحققین قدوة المدققین سلطان العارفين برهان المباهلین أكمل المتبحرین مجموعه کمالات انسانی مرآت تجلیات ربّانی چهره گشای جمال حقایق و معانی مبین دقایق رموز آسمانی کامل الذاتی که ذات کاملش دارد فراغ همچو عقل اول از نقص کمال منظر الذی کشف قناع الامتناع من وجوه مخدّرات الحقایق والفهوم، وحلّ بمفتاحه علوم مقفلات الدقایق والعلوم مروّج مذهب اثنا عشریاء الإسلام والمسلمین، بهاء الملة والدنیا والدين، العلامة التحریر المؤید شیخ بهاء الدین محمد العاملی عامله الله بلطفه الخفی اُبد الله إفاداته بالنبی وآله تا جمعی که از عربی عاریند از عبارات رابعه کأنها کوكب درّی یوقد من شجرة مبارک حظّی وافی و نصیبی کافی حاصل کرد.

انجام: أنت علام الغیوب. بعد از آن فرمودند که این دعا از جمله مکشفات و مخفیاتست.

۴. رساله فی آداب البحث^۱

از؟

آغاز: الحمد لمن لا مانع لحکمه ولا ناقض لقضائه... فهذه زبدة مقنعة وجملة نافعة فی آداب البحث والمناظرة كتبها لالتماس بعض الأعرّة من السادة الأجلة علی البدیهة والارتجال لما كان الملتمس علی جناح السفر... بدان وفقّک الله تعالی... که بحث از روی لغت تفتیش و جستجو نمودن است.

انجام: بلکه به وضع ثانی مقترن است.

۵. الاثنی عشریة فی الصلاة الیومیة

از: شیخ بهاء الدین محمد عاملی (م: ۱۰۳۰ ق).

آغاز: الحمد لله الذی وقّقنا للاهتداء بشریعة أشرف المرسلین.

نسخ: عماد الاسلام بن حجة الاسلام عفاری مشتهر به شاه ملا عفاری، ۹۰۹ ق. (کتاب دوم) محمد شریف بن عبدالصمد، ۱۰۱۸ ق. به حسب اشاره مخدومی امیدگاهی ولی النعمتی میر محمد هاشما (کتاب سوم) حسین کلاجا اصل، ۱۰۱۴ ق. قطع جیبی، سطور مختلف. (نسخه شخصی نگارنده)



۱۱۰. مجموعه:

۱. رساله فی تسلیم النافله

از: ملا علی اکبرین محمد باقر اژه ای (م: ۱۲۳۲ ق).

مؤلف در این اثر، بر این نظر پای می فشارد که در نماز نافله فقط باید سلام سوم، یعنی السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته را گفت، و گفتن دو سلام اول جایز نیست. حجة الإسلام سید محمد باقر شفتی نظر او را با نگاشتن رساله ای رد نموده، و وی مجدداً رساله ای در اثبات نظر خویش نگاشت و سید نیز دوباره رساله مفصلی در جواب او تصنیف نمود.

آغاز: سألتی رجل عن التسليم فی النافله هل هو مقصور علی التسليم الأخير؟ ... قلت فی جوابه: الظاهر بحسب ما وجدته هو الاكتفاء بالسلام الأخير، اذ العبادات توقیفیه، وما وقفنا فی احادیث آل الرسول صلوات الله علیهم ولا فی فتاوی علمائنا من الأخباریین والفقهاء الأصولیین فتوی صریحاً فی ذلك.

ثم بلغ ذلك إلى بعض أمثال السادات، زاده الله شرفاً وعزاً وتوفيقاً؛ فتعجب من ذلك وقال: هذا منه غریب. وبعد ان بلغ إلى استغرابه وتعجبه، راجعت الكتب، فما وجدت فيها غير ما وجدته سابقاً. ثم سمعت موافقة بعض إخوانی وخالائی له فی ذلك، فأردت أن أذكر فی صفحات وأوراق وأرسله إليه لينظر فيه؛ فإما ان ینّ علی الضعیف بالقبول، أو یردّ علی بیان الخطأ وكشف الإبهام ورفع الشبهة بإظهار الحق والصواب؛ إذ المعصوم من عصمه الله، وفوق كل ذي علم علیهم.

مؤلف در حاشیه بعض امثال السادات را چنین معنی کرده: «هو السيد الجليل الجميل العلامة النبيل الفهامة المدقق المحقق البارع الكامل سمی خامس أجداده المعصومين مولانا السيد محمد باقر آدم الله ظلّه العالی». وی همچنین درباره بعض إخوانی وخالائی می نویسد: «هو أخي وخليلي وشفيقي المولى العالم العامل المدقق الفاضل الكامل سمى إبراهيم الخليل زاده الله فضلاً وتوفيقاً وأدام الله تعالى ظلّه العالی».

۲. اجازات

اجازات اجتهادی عالم ربّانی میرزا علی محمد بن محمد علی بن ملا عبد الله بن ملا علی اکبر اژه ای است از اعلام نجف اشرف بدین شرح:

۱. اجازه آقا سید حسین ترک، بدون تاریخ، دو صفحه.

۲. اجازه حاج شیخ زین العابدین مازندرانی، ۱۲۹۸ ق. دو صفحه.
 ۳. اجازه اجتهادی در دو صفحه به تاریخ ۱۲۹۸ ق که با خطی بسیار زیبا نگاشته شده ولی مجیز مشخص نیست. در ذیل آن شیخ لطف الله لاریجانی اجازه فوق را تصدیق کرده و خود نیز به اجتهاد مجاز تصریح کرده است.

۴. اجازه اجتهادی شیخ محمد بن علی کاشف الغطاء به میرزا محمد علی اژه‌ای، ۱۲۶۸ ق. نسخ، گویا میرزا محمد حسین بن علی محمد اژه‌ای، ق ۱۳. (رساله اول) ۲۶ گ، ۱۱ سطری. (کتابخانه علامه روضاتی)

۱۱۱. رساله فی التیمم

از: ملا علی اکبرین محمد باقر اژه‌ای (م: ۱۲۳۲ ق).
 آغاز: مسألة لو أحدث المتيمم عن الأكبر بالأصغر بأن بال أو تغوط فهل مثلاً فهل يتيمم بعد ذلك الحدث الأصغر بدلاً عن الأكبر.

نسخ زبیا، محمد حسین بن علی محمد اژه‌ای، با یادداشتی از پدر کاتب در ۱۳۲۹ ق. ۱۷ گ، ۲۱ سطری. (کتابخانه علامه روضاتی)

۱۱۲. نتائج الأفكار

از: محمد تقی بن حسینعلی هروی اصفهانی (م: ۱۲۹۹ ق).
 متنی مختصر و منقح است در اصول فقه در سه باب و مقدمه و خاتمه که در سال ۱۲۵۸ ق تدوین گشته و از کتب قدما به نهایی و تهذیب علامه حلی و معالم الأصول، و از کتب متأخرین به شرح الوافية سيد كاظميني، قوانين الأصول، مفاتيح الأصول، مناهج فاضل نراقی، اشارات استادش حاجی کلباسی و حاشیه معالم استادش شیخ محمد تقی رازی نظر داشته است. در خطبه کتاب اسامی تعدادی از کتب اصول درج شده است. در پایان جدول موارد عول و تعصیب است که سید عالم فاضل کامل میرسید محمد شهشهانی طاب رمسه آن را ترسیم و شیخ معتمد نتیجه العلماء العظام محمد باقر بن حاجی محمد ابراهیم کرباسی مکتبی به ابوالعالی دام ظلّه العالی در دو صفحه و نیم شرح کرده است.

آغاز: أحسن خطاب يهتدى بإشارته إلى نتائج الأفكار وأكرم كتاب يرتقى بعبارة إلى معارج الأنظار حمد من أوضح مناهج الفروع بذريعة معالم الأصول وشكر من أرشد إلى نهاية

المنية وغاية المأمول والصلاة على نبيه المرسل لتهديب قوائين الإسلام المبعوث لتمهيد قواعد الحلال والحرام وعترته الذين أراهم الله حقايق الأشياء كما هي وآتاهم مفاتيح أبواب الأوامر والنواهي. أما بعد، فيقول المفتقر إلى الله القوى محمد تقى بن حسين على الهروى وقاهما الله سوء الحساب وحشرهما مع الأئمة الأطياب إن هذه ما يهتم بها من القواعد الأصول ومباني الأحكام الفقهية جمعها إجابة لزبدة فضلاء الأصحاب ونخبة أجلاء الأحاب وققه الله لكل خير وصاب، سلكت فيها على نهج ما أراد زید مجده من رعاية نظم رشيق وترتيب أنيق والتعرض لكل مسألة لما فيها من الأقوال، مستقصياً فى ذلك حسب ما ساعد الزمان وانسعى المجال، معرضاً فى الجلل بل الكل عن بسط المرام وتطويل الكلام بذكر الأدلة وما يتبعها من النقض والإبرام... وأشرت إلى جملة من الكتب التي يكثر النقل عنها بالرمز للاختصار، وهو نهاية العلامة زاد الله إكرامه به... ولما هج الفاضل الترقى رفع الله قدره م، ولإشارات المحقق الأستاذ آدم الله مجده ت... وكلما قلت شيخنا العلامة فالمراد به كما فى ساير كتبنا ورسائلنا هو الشيخ الجليل وأستاذنا النبيل صاحب الفضل العظيم والمقام الكريم الشيخ محمد تقى بن محمد رحيم، رفع الله مقامهما فى جنة النعيم.

نسخ: محمد بن على محمد، ذى القعدة ١٢٩١ ق. قطع رقعى، ١٨٠ گ، ١٥ سطرى. (کتابخانه آية الله شيخ اسد الله جوادى).

١١٣. فهرست اربعين حديث شيخ بهايى

از: شيخ شمس الدين محمد خاتونى

نسخ ونستعليق بسيار زيبا، ق ١٢، مجدول، داراى سرلوح زيبا ودو صفحه اول مذهب، عناوين به شنگرف. در آغاز اجازه شيخ بهائى به شمس الدين محمد خاتونى كه در ١٦ ماه رمضان ١٠٢٩ ق صادر شده آمده و در کنار آن وقف نامه كتاب از علامه مجلسى رضوان الله عليه به تاريخ محرم ١١٠٢ ق آمده كه على حضرت واقف عارف فاضل باذل امين خزائن سلطان اعظم و محرم سرادق عز و رفعت و كرم لا زال كاسمه السامى للدين ناصحاً نسخه را بر كفه شيعه با تقدم ذريه شريفه فاطميه علويه وقف کرده است. ١٣ گ، ٢١ سطرى. (کتابخانه سيد هادى سجاديان)

١١٤. ديوان اشعار

از: شيخ اسد الله قمشه اى متخلص به ديوانه (م: ١٣٣٤ ق).

آغاز: نیست یک ذره به جز عشق تو اندر دل ما

انجام: که تافت زاتش سردار، نور او سردار.

نستعلیق: حسین شفیعی، آذرماه ۱۳۵۰ش، جهت تقدیم به صدیق معظم حاج آقا حسن ضوئی، با این یادداشت از کاتب در شرح حال شاعر: سراینده این اشعار عارفانه و این گفتار حکیمانه حکیم ربّانی و عارف صمدانی، دل‌باخته شاهد صدق و صفا و سوخته آتش عشق و وفا مرحوم شیخ اسدالله قمشه‌ای متخلّص به دیوانه است که ساکن مدرسه چهارباغ اصفهان و مدرّس فلسفه و معقول بوده و در عنفوان جوانی که بهارزندگانی و موسم شادمانی است از تماشای جهان سیر و از مشاهده این نیست هست نمادیده فرو بست و در سال ۱۳۳۴ ق در سنّ ۳۶ سالگی به مرض صرع از این سرای تحوّل و فنا به عالم تحقّق و بقا انتقال یافت. کاتب در پایان یک رباعی از شاعر به نقل از صدیق با وفا و شفیق دانای او مرحوم حاج میرزا علی آقای شیرازی نقل کرده و غزلی نیز از خود با این مطلع نگاشته است: با ما فلک به عداوت همان که هست / ما را سررضا و اطاعت همان که هست. ۱۶ ص، ۱۵ سطری.

۱۱۵. اجازات

مجموعه ای از اجازات علما که نگارنده مشاهده و تصویر آنها را تهیه نموده است، بدین

شرح:

۱. اجازه اجتهاد و روایت علی اکبر بن میرزا ابراهیم خوانساری به عالم عامل فاضل کامل محمد بن قطب دائرة الفضل والکمال قطر فلک العلم والایضال مولانا عبد الرسول کاشانی، در دو صفحه، به تاریخ غره ذی القعدة ۱۲۶۵ ق. مجیز از استادش سید محمد باقر شفتی روایت می کند.

۲. اجازه اجتهاد و روایت سید اسد الله موسوی [شفتی] به عالم فاضل کامل آخوند ملا محمد کاشانی، در ۵ ذی القعدة ۱۲۶۵ ق. مجیز از او با عنوان «أخونا وأنیسنا ورفیقنا الذی صعب علیّ فراقه لکونه عالماً عاملاً» یاد کرده است.

۳. اجازه اجتهاد و روایت به عالم صمدانی ملا محمد کاشانی ابن العالم العامل والفاضل الکامل الحاج محمد رسول، در دو صفحه. بدون تاریخ. نام مجیز مشخص نیست.

۴. اجازه اجتهاد و روایت از حجة الإسلام سید محمد باقر شفتی به ملا محمد تقی اردکانی یزدی، در چهار صفحه، ناتمام. از مجاز با عنوان «قرّة عینی وثمره فؤادی» یاد کرده است.



۵. اجازه اجتهاد و روایت علامه میرزا محمد باقر خوانساری صاحب روضات به عالم ربّانی شیخ احمد بیدآبادی اصفهانی (برادر ارشد آیه الله میرزا محمد علی شاه آبادی) درشش صفحه، به تاریخ ۱۲ محرم ۱۳۰۴ ق. در آن از مجیز چنین یاد شده است: «قره عیننا الأسعد الشیخ احمد ابن البارح العلامة والفقیه الفهامة الامیرزا محمد الجواد».
۶. اجازه علامه میرزا محمد هاشم چهارسوقی برادر صاحب روضات به شیخ احمد بیدآبادی در جمادی الاولی ۱۳۰۵ ق. در آن پس از ذکر القاب، از مجیز با این عنوان یاد کرده است: «سلیل مولانا الأجل الأفخم النقیه النبیه العلامة المیرزا محمد جواد آدم الله أيام إفاداته وإفاضاته، المولی الجلیل النبیل الأوحد الشیخ أحمد، دام فضله وعلاه».
۷. اجازه اجتهاد و روایت علامه میرزا محمد هاشم چهارسوقی به سید میرزا محمود عظیمی خوانساری، در چهار صفحه، بدون تاریخ. در آن از مجیز چنین یاد شده است: الأخ العزیز الشفیق والصاحب الأنیس الرقیق، حاوی کثیر من محاسن الشمائل، معدن الفضائل وأحسن الخصائل».
۸. اجازه اجتهاد و روایت علامه شیخ محمد هادی بن محمد امین طهرانی به میر محمد تقی بن میرسید حسن مدرّس، در دو صفحه، بدون تاریخ.
۹. اجازه اجتهاد و روایت از محمد حسین به میر محمد حسن بن میر محمد تقی مدرّس، بدون تاریخ. با تأیید شیخ الشریعه اصفهانی و سید ابوالحسن اصفهانی به این مضمون: «ما رقه الشیخ المحقق الكامل الأستاذ ومن به الاستناد مطابق للواقع».
۱۰. اجازه اجتهاد و روایت میر محمد تقی مدرّس به فرزندش میر محمد حسن در چهار صفحه، بدون تاریخ.
۱۱. اجازه اجتهاد و روایت حاج میرزا حسین بن حاج میرزا خلیل به شیخ عبد الرحیم حائری آل صاحب فصول، بدون تاریخ.
۱۲. اجازه روایت آیه الله شیخ محمد تقی آقا نجفی اصفهانی به شیخ عبد الرحیم حائری آل صاحب فصول، بدون تاریخ.
۱۳. اجازه آیه الله سید محمد کاظم یزدی صاحب عروه به آیه الله میرزا یحیی فاضل هرندی، ۱۳۳۱ ق.
۱۴. اجازه اجتهاد آیه الله سید محمد فیروزآبادی یزدی به آیه الله میرزا یحیی فاضل هرندی، بدون تاریخ.

۱۵. اجازه آیه الله سید ابوالقاسم دهکردی به شیخ عبدالوهاب نصرآبادی، ماه رمضان ۱۳۱۲ ق. در آن از مشایخ خود محدث نوری و آخوند خراسانی نام برده است. ۳ صفحه.
۱۶. اجازه آیه الله سید ابوالقاسم دهکردی به شیخ محمد علی نصرآبادی، ۱۳۴۷ ق. در آن از مشایخ خود: سید سند متبخر میرزا محمد هاشم چهارسوقی، فقیه المحدثین محدث نوری، علامه العلماء المحققین آخوند خراسانی، فقیه ممتحن میرزا محمد حسن نجفی و عالم مروّج ملا محمد باقر فشارکی نام برده است.
۱۷. اجازه حضرت امام خمینی به شیخ محمد علی شریعتی نصرآبادی در امور حسبیه، صفر ۱۳۸۴ ق. و نامه ای از حضرت امام در همان سال در جواب نامه ایشان.
۱۸. اجازه آیه الله العظمی بروجردی به شیخ محمد علی نصرآبادی در امور حسبیه، ۱۳۶۹ ق.
۱۹. اجازه آیه الله سید محمد حجّت کوهکمری به وی.
۲۰. اجازه آیه الله سید جمال الدین گلپایگانی به وی، ۱۳۶۹ ق.
۲۱. اجازه اجتهاد آقا ضیاء الدین عراقی به آیه الله سید محمد مقدّس بیدآبادی، ۲۹ شوال ۱۳۶۵ ق.
۲۲. اجازه اجتهاد و روایت آیه الله میرزا محمد حسین نائینی به آیه الله مقدّس، ۱۳۴۵ ق. در آن از مشایخ خود «العالمین العلمین... والمجتبیین الآئینین الأزهّدين، فقیهی عصرهما ووحیدی دهرهما: الحاج میرزا حسین [بن] المیرزا خلیل الطهرانی النجفی، والشیخ محمد طه نجف» نام برده است.
۲۳. اجازه اجتهاد آیه الله شیخ محمد حسین غروی اصفهانی به آیه الله مقدّس، ۱۳۴۵ ق.
۲۴. اجازه اجتهاد و روایت آیه الله سید ابوالحسن اصفهانی به آیه الله مقدّس، ۱۳۴۵ ق.
۲۵. اجازه وکالت از طرف آیه الله بروجردی به آیه الله مقدّس، ربیع الثانی ۱۳۶۸ ق.
۲۶. اجازه اجتهاد و روایت آیه الله سید ابوالحسن اصفهانی به آیه الله شیخ محمد حسین نجفی سدهی، بدون تاریخ.
۲۷. اجازه اجتهاد آیه الله شیخ محمد حسین غروی اصفهانی به آیه الله نجفی سدهی، ۱۳۴۷ ق.
۲۸. اجازه اجتهاد و روایت آخوند ملا محمد حسین فشارکی به آیه الله سید محمد رضا



خراسانی اصفهانی، ۱۳۳۵ ق. در آن روایت کرده است از: «الشیخ الجلیل والعالم العامل الكامل الناسک السالک الفقیه الباذل مجمع الفضائل العلمية والعملية ابوالکارم العلیة مرجع العلماء والفقهاء معتمد الصالحین فی التقليد فی غالب امصار المسلمین وشیخ الاجازة عند المجتهدین شیخنا وشیخ الفقهاء والمتعلمین الشیخ زین العابدین المازندرانی الاصل الحائری المعبود والمسکن والمدرس والمدفن حشره الله مع موالیه الطاهرین عن شیخه المشتهر فی الآفاق صاحب جواهر الکلام».

۲۹. اجازة اجتهد وروایت آية الله سید ابوالحسن اصفهانی به آية الله خراسانی، بدون تاریخ.

۳۰. اجازة اجتهد آخوند خراسانی به آية الله سید محمد نجف آبادی، بدون تاریخ.

۳۱. اجازة اجتهد آقا ضیاء الدین عراقی به آية الله سید محمد نجف آبادی، بدون تاریخ.

۳۲. اجازة اجتهد آية الله سید محمد نجف آبادی به حاج میرزا علی آقاشیرازی، ۱۳۵۵ ق.

۳۳. اجازة اجتهد آية الله سید محمد نجف آبادی به شیخ نورالله بن ملا علی محمد دهاقانی، ۱۳۴۳ ق.

۳۴. اجازة اجتهد آية الله سید محمد نجف آبادی به میرزا محمود مقتدائی خوراسکانی، ۱۳۴۷ ق.

۳۵. اجازة اجتهد آية الله سید محمد نجف آبادی به شیخ احمد کرمانی، ۱۳۴۷ ق.

۳۶. اجازة اجتهد آية الله سید محمد نجف آبادی به سید مرتضی بروجنی اصفهانی، ۱۳۵۶ ق.

۳۷. اجازة اجتهد آية الله سید محمد نجف آبادی به شیخ هبة الله هندی.

۳۸. اجازة اجتهد وروایت آخوند ملا محمد حسین فشارکی به آية الله شیخ محمد رضا جرقویه ای حسین آبادی، ۱۳۳۴ ق.

۳۹. اجازة اجتهد وروایت آية الله سید ابوالحسن اصفهانی به آية الله جرقویه ای، بدون تاریخ.

۴۰. اجازة اجتهد وروایت آية الله سید ابوالحسن اصفهانی به آية الله سید علی اصغر برزانی، ۱۳۴۵ ق. باتصدیق آقا ضیاء الدین عراقی.

۴۱. اجازة آية الله میرزا محمد حسین نائینی به آية الله سید علی اصغر برزانی در امور حسیه،



- ۱۳۴۵ق. با تأیید آیه الله حاج شیخ عبد الکریم حائری.
۴۲. اجازه اجتهاد آخوند ملا محمد حسین فشارکی به آیه الله سید علی اصغر برزانی، ۱۳۴۷ق.
۴۳. اجازه اجتهاد و روایت آخوند ملا محمد حسین فشارکی به سید بهاء الدین رضوی خوانساری،
۴۴. اجازه اجتهاد آخوند ملا محمد حسین فشارکی به حاج ملا علی مارینی، ۱۳۴۷ق.
۴۵. اجازه اجتهاد آیه الله شیخ محمد رضا نجفی اصفهانی به سید عطاء الله امامی، ۱۳۴۷ق.
۴۶. اجازه اجتهاد آیه الله شیخ محمد رضا نجفی به حاج ملا علی مارینی، شش صفحه، بدون تاریخ.
۴۷. اجازه روای آیه الله شیخ محمد رضا نجفی اصفهانی به آیه الله شیخ محمد باقر کمره ای، جمادی الاولی ۱۳۴۵ق در اصفهان.
۴۸. اجازه روایت آیه الله شاه آبادی به آیه الله حاج میرزا رضا کلباسی، ۱۳۱۹.
۴۹. اجازه روایت آیه الله حاج میرزا رضا کلباسی به شیخ عباس مصباح دستگردی، ۱۳۴۷ق.
۵۰. اجازه روایت آیه الله کلباسی به شیخ حیدر علی صلواتی، ۱۳۴۷ق.
۵۱. اجازه روایت و امور حسیبه آیه الله کلباسی به شیخ محمد ربانی خوراسکانی، ۱۳۶۶ق.
۵۲. اجازه حسیبه آقا ضیاء الدین عراقی به شیخ ناصر الشریعه عرب مکی، ۱۳۴۸ق.
- این اجازه را آیات عظام: نائینی، سید ابوالحسن اصفهانی، حاج شیخ عبد الکریم حائری و سید محمد بن عبد الله بهبهانی نیز تأیید کرده اند.
۵۳. اجازه آیه الله سید ابوالحسن اصفهانی به حاج شیخ بهاء الدین اصفهانی [برهانی] ۱۳۶۲ق.
۵۴. اجازه آیه الله میرزا محمد حسین نائینی به آقا شیخ بهاء الدین اصفهانی [برهانی] ۱۳۴۸ق.
۵۵. اجازه حسیبه حضرت امام خمینی به حاج شیخ بهاء الدین برهانی، جمادی الاولی ۱۳۸۴ق.
۵۶. اجازه حسیبه حضرت امام خمینی به سید محمد باقر فقیهی، رجب ۱۳۸۸ق.



۵۷. اجازه اجتهاد و روایت آیه الله سید جمال الدین گلپایگانی به سید محمد باقر فقیهی،
۱۳۷۰.

۵۸. اجازه روایت آیه الله سید جمال الدین گلپایگانی به سید عماد الدین مدرّس
خراسانی، بدون تاریخ.

۵۹. اجازه اجتهاد و روایت آیه الله شیخ محمود مفید به سید مهدی علامه فانی، ۱۳۷۳ ق.

۶۰. اجازه اجتهاد و روایت آیه الله شیخ محمود مفید به سید عماد الدین مدرّس خراسانی،
۱۳۷۲ ق.

۶۱. اجازه حسبیه حضرت امام خمینی به آیه الله میرزا علی محمد اژه ای اصفهانی، ۱۳۸۴ ق.

۶۲. اجازه آیه الله مرعشی نجفی به آیه الله میرزا علی محمد اژه ای اصفهانی، ۱۳۸۴ ق.

۱۱۶. مجموعه:

۱. تقریرات المحقق النائینی (أحكام الصلاة) (۲۷ - ۱)

از: شیخ موسی بن محمد نجفی خوانساری (م: ۱۳۶۳ ق)

۲. رساله فی القبلة (۳۲ - ۲۸)

از:؟

آغاز: وبعد، البحث فی القبلة ويقع الكلام فيه فی أربع مقامات ماهية القبلة والمستقبل وما
يجب له وأحكام الخلل.

۳. الروضة الغناء فی تحقیق معنی الغناء (۳۷ - ۳۳)

از: شیخ ابوالمجد محمد رضا نجفی (م: ۱۳۶۲ ق)

نستعلیق، محمد رضا بن ملا علی جرقویه ای اصفهانی، ۱۳۶۲ ق. ۳۷ گ، ۱۹ سطری.

۱۱۷. شرح خطبة البيان

از: مولانا محمد تقی بن علی مجلسی (م: ۱۰۷۰ ق).

مقدمه شرح نانوشته مجلسی اول رضوان الله عليه بر خطبة البيان منسوب به اميرالمؤمنين
عليه السلام است که به نام شاه عباس نوشته شده است.

آغاز: سبحان من تقدّس بجلال عظّمته عن أن يحيط به أو هام العارفين... أما بعد، محفّی
نماند که چون خطبه مبارکه موسوم به خطبة البيان از جمله خطب مولای مؤمنان و پیشوای
متّقیان و وارث علوم جمیع پیغمبران و قسمت کننده خلد و نیران.... خطبه ای بود در کمال



اغلاق و نهایت اشکال و درین اوقات در عالی مجلس نواب اشرف اقدس اعلی کلب آستان علی بن ابی طالب صلوات الله وسلامه علیه شاه عباس الحسینی الموسوی الصفوی خلد الله ملکه ابدأ مذکور شده بود و خواهان آن بودند این فقیر بی بضاعت محمد تقی بن مجلسی الاصفهانی در خور فهم خود آن را شرحی کرد تا عالی مجلس شریف به آن مزین گردد و شیعیان حضرت امیر المؤمنین علیه السلام از آن بهره مند گردند... و چون ایضاً آن مبتنی بود بر ذکر بعضی از آیات و احادیث و کلام اصحاب تحقیق و عرفان، لا جرم مقدم بر مطلوب شروع در آنها شد.

انجام: ششم آن که بدن را الم طاعات بچشانی چنانکه حلاوت معصیت چشائیده و اخبار برین مضمون بسیار است و این مقام گنجایش آنها ندارد. پس بعد از این در مقام نستعلیق و نسخ زیبا، کاتب نا معلوم، ق ۱۱، مجدول، بان نشان تملک ملا محمد جعفر بن ملا محمد تقی در ۱۰۸۴ ق و مهر مستطیل نجف قلی. مالک نسخه علامه سید محمد علی روضاتی در یادداشتی آن را این گونه معرفی کرده است: کتاب شریف مناقب ممتاز حضرت امیر المؤمنین علیه السلام که مقدمه است بر شرح نا نوشته مرحوم آخوند مولانا محمد تقی مجلسی علیه الرحمة بر خطبه معروف به خطبة البیان منسوبه. ۲۸۱ ص، ۱۲ سطری. (کتابخانه علامه روضاتی)

۱۱۸. شروق الحکمة فی شرح الاسفار والمنظومة

از: سید صدرالدین بن حسن بن جعفر کوپایی اصفهانی (م: ۱۳۷۲ ق)
تحریر و شرح مطالب دو کتاب شرح منظومه و اسفار است که در سال های تحصیل مؤلف در نجف اشرف از ۱۳۱۷ ق تا ۱۳۲۹ ق تدوین شده و مشتمل بر حدود بیست هزار بیت، از اول امور عامه تا آخر بحث علم الباری است. مؤلف از علما و حکما و مدرّسان اصفهان بوده و در نجف اشرف در درس آخوند خراسانی صاحب کفایه با مرحوم آیه الله العظمی شاه آبادی هم بحث بوده است. این کتاب با خطبه ای مبسوط آغاز می گردد و به نوشته مؤلف در عین حال که اثری مستقل است به شرح مطالب کتب حکمای متقدم از جمله اشارات و شفانیز پرداخته است.^۱

۱. متأسفانه از نسخه اصل اثری نیست و این نسخه حدود یک سوم اصل کتاب است که به همت شاگرد مؤلف مرحوم جواهری از روی نسخه اصل کتابت شده است.

آغاز: الحمد لله المتفرد بالأزلية والمتوحد بالأبدية والمتسربل بسربال الشعشعة الذاتية والمتنزه بيازار العظمة القاهرة والمتردى برداء الكبرياء الباهرة والمحتجب بسراقات عزه عن العقول القاهرة فضلاً عن الخفافيش الباصرة والمفيض بأنواره الشارقة على الهياكل القدسية والنفوس المتألهة الإنسانية المقدس عن الجواهر القائمات فضلاً عن الأعراض الطاريات والمنزه عن الحدود والجهات والأضداد والأنداد والأمكنة والأزمان والتجدد والحدثان والأغراض والأعراض وكيف لا وهو مجوهر الجواهر القيمات وبارى الأضداد البائدات والأنداد الهالكات وباسط الامتداد القار ومفيض الآن السيال وجدد الدائرات الفانيات وجاعل الطاريات الزاهقات ومركبها على متن الجواهر السائلات الذى أبدع الأقلام العقلية الثابتة عن شعاع ذاته والصور القضائية الحاملة لحمة أماناته والكلمات التامة الواحدة لشيئيات معلولاته والبذور المنتبة لأصل شجرة العالم وأغصانه والمظهره لأثمار النفوس عن أكمامه وأزهاره المصونة عن الهلاك والدثور والمحفوظة عن الأقول والغروب ثم أنشأ الألواح العالية والأوراق الطاهرة والصحف المكرمة مرفوعة مطهرة فكتب مخزونات تلك الأقلام العقلية ومودعات الصور القضائية وأظهرها بعد ما كان مبطناً وقدراها بعد ما كان مرسلأً وفصلها بعد ما كان محكماً كتاباً أحكمت آياته ثم فصلت من لدن حكيم خبير...

واعلموا أتى منذ كنت مشتغلاً فى تحصیل فقه العملی ومبادئه من الأصول من العقلية والنقلية كان ينادى من نادى من بواطن حجب الغيب من شاطئ الواد الأيمن من الشجرة حالكونى فى الخلاء والملا والدرس والبحث أن علم الفروع بلا أصول والحكمة العملية بلا نظرية تكون كسقف بلا أساس وكخيمة بلا دعائم وكشجرة بلا ثمرة وكعرائس مكفوفة البصر... ولا يزال هذا الملهم الغيبى والرسول الإلهى والناموس الأحدى يلقى ذلك فى روعى فى ليلى ونهارى وسرى وعلنى ودرسى وبحشى حتى كانت عيناي تجرى منها الدموع وتسيل على خدى وأنا جالس فى مجلس الدرس بحضور الأمثال والأقران حتى بلغ الكتاب أجله ووقفت لتحصیل شطر من المعارف الذهبية وما هو الغرض الإلهى لخلق هذه الجوهرة النفيسة الثمينة... وحيث كان من دأب الرحمة الإلهية وشريعة العناية الربانية أن يسيل ماء رحمته إلى الأودية حتى يأخذ كل ذى حظّ حظّه وذى قسط من الاستعداد قسطه فلا جرم بعد اغترافى غرفة واقتباسى اقتباساً من سيناء بحر الملكوت كان يأمرنى فى حين بعد حين وأوان بعد أوان أن أهرق من بقايا تلك الغرفة جرعة على أراضى النفوس القابلة كما قال القائل: شربنا وأهرقنا على الأرض جرعة /

وللأرض من كأس الكرام نصيب... فصنفت كتاباً جامعاً لأئمة المطالب الحكيمه وأس الحقائق العرفانية وزبدة الأسرار الربانية وخلاصة الأفكار المشائية ولباب المعاني الذوقية والغرف التي اغترفها المصنّفون من البحار الإلهية... ولعمري إنه جامع لجملة ما هو كعبة القلوب والأنظار وعليه هم المحصلون في هذه الأعصار من المنظومة والأسفار وفيه غنى عن بعض التطويلات وكفاية عن جلّ بعض المعضلات وهو وإن كان كتاباً مستقلاً ولكن في عين استقلاله كأنه شرح واحد لجملة زبر المتقدّمين وصحائف المتأخّرين من الشفاء والإشارات فعليكم معشر المتعلّمين في حلّ العويصات والعقود من الكتب التي حدّدت بحدود وعدّت بعدد معهود بالرجوع إلى هذه الصحيفة المنيفة... وسميته بشروق الحكمة في شرح الأسفار والمنظومة، وجعلتها مشتملة على مقدمة ومقاصد وخاتمة.

انجام: فصل لما فرغنا من أبحاث الوحدة من مطلب مائيتها الحقيقية وأنه لا يمكن تحديدها حقيقة بل بعنوان شرح اللفظ ومن مطلب هليتها البسيطة وأن لها وجوداً في العين ولكنها متّحدة مع الوجود عيناً مخالفة معه مفهوماً ومن أقسام الهووية التي هي من عوارض الوحدة وكذلك نبحت عن أقسام التقابل من التضاد والتضاييف والعدم والملكة والسلب والإيجاب وشرح معنى التقابل ووجه حصر أقسامه في الأربعة والنقوض والإبرامات الواردة على بعض الوجوه فهانها لمعات نورية منعكسة من اصطكات لاهوتية على نفوس قدسية ملكوتية فأستضىء بها لتكون على هدى من أمر ربك. اللعة الأولى في هليتها البسيطة...

نستعليق: محمد ابراهيم جواهرى كويابى (شاگرد مؤلف) ۲۷۲ گ، ۲۱ سطرى. (نسخه

ملكى مرحوم جواهرى)

۱۱۹. إيقاظ الغافلين^۱

از: محمد مؤمن بن محمد حسين دهكردى (ق ۱۳).

آغاز: الحمد لله الذى ابتلى أوليائه بالبلاء ليستعدوا للآخرة وليعلموا أنّ الدنيا لم تكن دار مقرّهم بل هي قنطرة للآخرة والصلاة والسلام على من أوجد الله له الدنيا والآخرة وعلى آله وعترته رؤساء الدنيا والآخرة. أما بعد چنین گوید این بنده نذیل خاٹی و امانده ذلیل عاصی محمد مؤمن بن محمد حسين دهكردى كه چند كلمه اى حقير نوشته بودم مشتمل بر بعض نصايح از برای بعضی از برادران مصلحت در فرستادن دیده نشد به خواهش دوستی از

۱. نام ای کتب در الذریعة ذکر نشده است.

دوستان فی الجملة بسط داده شد... و مشتمل است بر چهار فصل:

فصل اول در مذمت دنیا.

فصل دوم در چیزهایی که متذکر شدن آنها و فکر کردن در آنها باعث شوق تحصیل آخرت

می شود.

فصل سیم در ذکر بعضی از طاعات و ثواب آنها و بعضی از معاصی و عقاب آنها.

مطلب اول در ثواب بعضی از طاعات و در آن هفت باب است. مطلب دوم در عقاب

بعضی از معاصی و در آن نه باب است.

فصل چهارم در مردن و مابعد آن و در آن شش مقصد است.

انجام: و بنای حقیر نبود به نوشتن چیزی عمده به جهت آن که منفعّل بودم و هستم از اعمال ناشایسته و از روسیاهی و کثرت معصیت خود امید از کرم خداوند متعال آن است که هر که بر این مختصر مطلع گردد از برادران دینی این حقیر عاصی و فقیر خاطی را به دعای خیر یاد نماید. تمام شد این رساله در شب نهم جمادی الأولى من سنة ۱۲۶۴.

نسخ زیبا، ق ۱۳. به وسیله مؤلف مقابله و تصحیح شده از برای اخ اعزاز کرم و مطاع اجل افخم اخوی حاجی غلامعلی. عناوین به سنگرف و احادیث با خط سنگرف برفراز آن مشخص شده است. قطع رقعی کوچک، ۱۴۵ گ، ۱۸ سطری. (نسخه کتابخانه مسجد نو بازار)

۱۲۰. مفرح القلوب^۱

از: حسن بن محمد مبارکه ای لنجانی (ق ۱۳)

چهارده مجلس است در احوال مختار و قیام او با عبارات زیبا و استشهاد فراوان به اشعار.

آغاز: الحمد لله الذی شرح صدورنا بحبّة رسوله المصطفی وطهر قلوبنا بولایة ولیه المرتضی...

حمد بی حد و سپاس لا یحصی ولا یعد حکیمی را سزاست که این کهنه رباط دنیای دو درو این خاکدان جهان پر شور و شردار بلایا و غموم و خانه رزایا و هموم نمود... اما بعد بر برای صواب نمای امتنان احمد مختار و شیعیان حیدر کزار مخفی نماند که مصیبت و واقعه کربلا از جمله مصایبی است که هیچ دیده بدین گونه در خاکدان دنیا ندیده و هیچ گوشی مثل این عزا و بلا



۱. نام این کتاب در الذریعة ذکر نشده و نسخه ای از آن در کتابخانه آیه الله العظمی گلپایگانی موجود است.

در هیچ قرنی از هیچ زبانی نشنیده و این چنین ماجرابی در میان بنی آدم هرگز حادث نگردیده و مانند این چشم زخمی به اهل اسلام نرسیده...

جهان به تعزیه او نکرده کوتاهی مکدر است ازین غم زماه تاماهی
درین مصیبت عظمی که مایه الم است اگر هلاک کنی خویش راز گریه کم است
... هر وقت که ماه محرم نوشده تجدید این مصیبت بر قلوب اهل ایمان و پیروان سید
آخر الزمان کشیده می شود... لکن چون لعن بر فجره قتله و طعن بر ظلمه کفره و گرفتاری این
گروه بی نام و نشان و دستگیر شدن این طایفه ذی بغی و عدوان و به جزا رسیدن و مقتول
شدن این قوم بی ایمان به سمع شیعیان می رسد به سبب قلع و قمع اهل فجور فرح و خرمی و
سرور در دل شیعیان و هواداران داخل و باعث شفاء صدور ایشان می گردد لهذا به خاطر فاطر
این کلب آستان سید ابرار... ابن محمد المدعو بالحسن غریق بحر عصیان و یک رنگ این
دودمان ولایت نشان مقیم قریه موسومه به مبارکه لنجان من بلوکات الاصفهان رسید که بعضی
از احوال بی مآل این طایفه خسران مآل و این گروه مستحق عذاب و نکال را و گرفتار شدن
این قوم اشرا به دست مختار نامدار به تفصیل بوجه اختصار بر الواح ضمائم برادران ایمانی و
خلان روحانی برساند.

من که و این قدر جلال از کجا؟ من ز کجا این پروبال از کجا؟
نسخ زیبا: محمد کاظم بن میرزا محمد مبارکه لنجانی (پسر برادر مؤلف) ۱۲۳۴ ق. حسب
الفرموده عالیجناب مقدس القاب عموی آخوند ملا محمد علی. عناوین به شنگرف، قطع
رقعی، ۲۱۴ گ، ۱۵ سطری. (نسخه کتابخانه مسجد نو بازار)

۱۲۱. لطائف المعارف فیما لمواسم العام من الوظائف^۱

از: شیخ زین الدین ابوالفرج بن رجب عبدالرحمن بن احمد حنبلی بغدادی (م: ۷۹۵ ق).
در بیان وظائف و اعمال متعلق به ماه های سال که به صورت مجالس تدوین شده و از ماه
محرم آغاز و به ماه ذی الحجه ختم شده است.

آغاز: الحمد لله الملك القهار العزيز الجبار الرحيم الغفار... (پس از ۴ صفحه:) وقد استخرت
الله تعالى في أن أجمع في هذا الكتاب وظائف شهور العام وما يختص بالشهور ومواسمها من
الطاعات كالصلوات الخمس والصيام والذكر والشكر وبذل الطعام وإفشاء السلام وغير ذلك

من خصال البرة الكرام... وقد جعلت هذه المجالس المتعلقة بالشهور مجالس مجالس مرتبة على ترتيب شهور السنة الهلالية فأباً بالحرّم وأختتم بذي الحجة... وختمت ذلك كلّ بوظائف فصول السنة الشمسية وهي ثلاثة مجالس في ذكر الربيع والشتاء والصيف وختمت الكتاب كلّ بمجلس في التوبة... وأبدأ قبل ذكر وظائف الشهور بمجلس في فضل التذكير بالله عزّ وجلّ.

انجام: بادروا بالتوبة من قبل الردى / فنّاديه ينادينا الوحا

نسخ: ملا صالح ابن بكرطه الداية حنفي المذهب، جمادى الآخر ۱۲۳۹ ق. با تملك سيد محمد تقى صاحب مكيال در ۱۳۳۰ ق. عناوين به شنكرف ۲۰۰ گ، ۲۷ سطرى. (كتابخانه فقيه احمد آبادى)

۱۲۲. النوادر

از: شيخ شهاب الدين احمد بن احمد بن سلامة قليوبى شافعى (م: ۱۰۶۹ ق).

«كتاب حكايات وغرائب وعجائب ولطائف ونوادر وفرائد ونفائس». ۱ در اين مجموعه ۱۳۱ حكايت آمده كه آخرين آن در عدم امكان تخلّص از موت است. پس از آن نيز چندين فايده و حكايت ديگر آمده كه معلوم نيست از مؤلف است يا كاتب.

آغاز: الحمد لله الذى جعل لمن وفق من عباده واعظاً من نفسه وأذاقه من كؤس شرابه حلاوة أنسه... أما بعد، فهذا كتاب صغر حجمه وغزر علمه وسهل فهمه وبزغت فى سماء محاسنه طروسه واشتمل على حكايات لطيفة فائقة وعبارات بارعة منيعة عابقة ونوادر عجيبة وفوائد ونكات غريبة وفرائد للأستاذ العالم العامل العلامة والملاذ الحبر الكامل الفهامة الجامع لأشتات الفضائل والبارع فى حلّ مشكلات المسائل مولانا الشيخ أحمد شهاب الدين بن سلامة... الحكاية الأولى فى فضل البسملة.

انجام: نكتة قيل سمع الحسين بن على عليه السلام رجلاً على كرسى يقول: سلونى عمّا دون العرش، فقال له الحسين عليه السلام: يا هذا ما شعر لحيّتك زوج أو فرد... خلقنا زوجين.

نستعليق: سيد محمد تقى موسى احمد آبادى، ۱۳۳۵ ق. ۵۳ گ، ۱۶ سطرى. (كتابخانه فقيه احمد آبادى)

۱۲۳. نصاب الصبيان

از: ابونصر مسعود فراهى (م: ۶۴۰ ق).

نسخ محمد تقی بن عبدالرزاق موسوی احمدآبادی، ۱۴ رجب ۱۳۱۰ ق. در حالی که ده سال غیر از چهار ماه از عمر کاتب گذشته بوده است. قطع جیبی، ۳۰ گ، ۱۳ سطری. (کتابخانه فقیه احمدآبادی)

۱۲۴. أبواب الجنات فی آداب الجمعات^۱

از: میرزا محمد تقی بن عبدالرزاق موسوی احمدآبادی (م: ۱۳۴۸ ق).
اثری است ارزشمند در فضائل و خصائص شب و روز جمعه و اعمال آن که در هشت باب تدوین شده است. در آغاز اسامی کتب منقوله از آنها ذکر شده که از آن جمله است: خلاصة الأذکار فیض، زبدة التصانیف ملا حیدر خوانساری، جنات الخلود امامی مدرّس، لثالی الأخبار تویسرکانی، الجواهر المشورة سید عبدالحسیب علوی سبط میرداماد، منتخب الدعوات ملا غلامحسین شهربابکی، آداب الشریعة.

آغاز: الحمد لله الذی شرع لعباده آداب الجمعات لیغفر لهم بها الخطیئات... أما بعد، بنده مجرم عاصی ابن المرحوم المبرور العالم الکامل آقا میرزا عبدالرزاق الموسوی الاصفهانی... به عرض برادران ایمانی و اخوان روحانی می رساند...

نسخ زیبا: محمد تقی بن عبدالرزاق موسوی احمدآبادی، با حواشی نستعلیق از مؤلف، ۴۵۷ گ، ۱۱ سطری. (کتابخانه فقیه احمدآبادی)

۱۲۵. ترجمه مهج الدعوات

از:؟

آغاز: بعد از حمد و صلوات چنین گفت افضل علماء اشراف مجد آل رسول شرف العترة الطاهرة... که این کتابیست در خلاصه دعوات که از کتب متفرقه معتبره در مذهب حق امامیه جمع کرده شد و نام آن مهج الدعوات در حرزهای حضرت رسالت پناه و ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین.

انجام: امید چنانست که از زیادات مستغنی باشد و این آخر آنچه ما خواستیم از کتاب مهج الدعوات و منهج العنایات والحمد لله أولاً و آخراً...

نستعلیق و نسخ معرب زیبا، ق ۱۱. عناوین به شنگرف، ۲۳۱ گ، ۱۵ سطری.



۱۲۶. احوال حاجی کرباسی و اولادش

از: محمد علی بن زین العابدین معلّم حبیب آبادی (م: ۱۳۹۶ ق). رساله ای است در شرح احوال فقیه بزرگ اصفهان حاج محمد ابراهیم کلباسی و پنج فرزند او: آقا محمد مهدی، حاج آقا محمد، شیخ محمد جعفر، حاج میرزا محمد رضا و آقا میرزا ابوالعالی که شرح حال پدر در آغاز کتاب و شرح حال فرزندانش در پنج فصل به تفصیل بیان شده است. در ذیل فصل پنجم دو مقاله آمده که در مقاله اول به شرح حال آیه الله حاج میرزا رضا بن میرزا عبدالرحیم بن حاج میرزا محمد رضا کلباسی و سه فرزندش شیخ اسماعیل، آقا صدرالدین و آقا فخرالدین پرداخته و مقاله دوم شرح حال حاج شیخ محمد ابراهیم بن میرزا عبدالرحیم است. این رساله در سال ۱۳۷۵ ق تألیف شده است.

نستعلیق: سید محمد علی روضاتی، ۱۴۱۵ ق. ۵۴ گ، ۱۴ سطر.

۱۲۷. دیوان اشعار

از: سید مرتضی نعمة اللهی (۱۳۵۴ ق). مجموعه ای از قصائد زبده المتأهلین و قدوة العارفين مرحوم آقا سید مرتضی نعمة اللهی است که به نوشته میرزا علی مشفق (کاتب دیوان) در جشن های اعیاد متبرکه از طبع او تراوش نموده است. شاعر فرزند آقا میرزا علینقی بن سید العارفين وهادی المضلین آقا میر محمد هادی (هادیعلیشاه نعمة اللهی) است و شرح حالش در مقدمه به قلم محسن نعمة اللهی آمده است.

آغاز: در تهنیت عید مولود نبوی صلی الله علیه وآله:

ز فرس آمده تا عرش جلوه گر، انوار مگر گرفته ز رخ جلوه، احمد مختار

نستعلیق زیبا: میرزا علی مشفق، ۱۳۱۷ ش. قطع جیبی، ۳۳ گ، ۱۶ سطر.

۱۲۸. دیوان اشعار

از: میرزا بدیع بن مصطفی موسوی درب امامی (م: ۱۳۱۸ ق). اشعار آبدار عالم جامع و مدرّس نامدار اصفهان حاج میرزا بدیع است که بالغ بر هشتاد غزل است.

شکسته نستعلیق، نسخه اصل به خط شاعر، ۴۳ گ، ۱۵ سطر. (نسخه جناب آقای سید احمد بدیع زادگان).

۱۲۹. صیغ العقود والایقاعات^۱

از: مولی محمد جعفر شریعتمدار استرآبادی (م: ۱۲۶۳ ق).
آغاز: الحمد لله على نواله والصلاة والسلام على رسوله وآله. أما بعد فهذه رسالة من العبد العاصى الغريق فى بحر العصيان المتماذى محمد جعفر الاسترآبادى فى بيان صيغ العقود والایقاعات.

نسخ: سيد جعفر آيت ميردامادى، ۱۳۶۶ ق. از روى نسخه مورّخه ۱۲۶۴ ق. موجود در كتابخانه استاد كاتب سيد عباس صفى دهكردى، با يادداشت تصحيح بدوى از او. قطع جيبى، ۱۸ گ، ۱۲ سطرى.

۱۳۰. مجموعه:

چند رساله از: ميرزا ابوالمعالى بن حاج محمد ابراهيم كلباسى (م: ۱۳۱۵ ق).

۱. رسالة فى كيفية زيارة عاشوراء (۷۶ - ۱)

آغاز: وبعد، فهذه رسالة فى بيان كيفية زيارة عاشوراء على من يزارها آلاف التحية والثناء... ولطالما كنت شائقاً إلى شرح حالها وتفصيل القول فى مجالها.

انجام: على وجه الكمال وفوق الكمال ولا سيما على إكمال التوفيق بتوفيق الإكمال.

۲. رسالة فى الشك فى المكلف به^۲ (۸۹ - ۷۷)

آغاز: وبعد، فهذه رسالة فيما لو ثبت التكليف بشىء وتردد المكلف به بين مهيتين مختلفتين.

۳. رسالة فى التداوى بالمسكر^۳ (۹۸ - ۹۰)

آغاز: وبعد، فهذه رسالة فى التداوى بتناول المسكر أكلاً وشرباً وهذه المسألة عميمة البلوى عظيمة الجدوى.

نسخ زيبا، ق ۱۳. رساله سوم در ۱۲۹۳ ق تأليف شده است. با حواشى از مؤلف به خط

نستعليق زيبا، و حاشيه اى از مؤلف بر رساله سوم به خط وى. ۲۳ سطرى.

۱۳۱. وسائل العباد فى يوم التناد

از: احمد بن عبدالكريم اهتمام رهنانى اصفهانى (۱۳۸۷ ق)

۱. الذريعة، ج ۱۵، ص ۱۰۹.

۲. الذريعة، ج ۱۴، ص ۲۱۰.

۳. الذريعة، ج ۱۱، ص ۱۴۱.

یک دورفقه استدلالی موجزو و منقح است در مجلد کوچک که این نسخه مشتمل بر ده جزو است از طهارت تا پایان صلات. تألیف کتاب طهارت آن در سال ۱۳۶۳ ق آغاز شده و جزو هشتم آن در سال ۱۳۶۶ ق به پایان رسیده است.

آغاز: الحمد لله الذي جعل العلماء ورثة الأنبياء... أما بعد، فيقول العبد الأثيم المفتقر إلى ربه الرحيم أحمد بن عبد الكريم عفى الله عنهما: إن أعظم المقاصد والمطالب بعد الإيمان بالله الغالب ما يتوصل به إلى النيل بالسعادة الأبدية... وهذه وجيزة في الفقه شرعت فيها بعد ما فرغت من تصنيفاتي في الأصول... واقتصرت فيها غالباً على إقامة الدليل على قول المختار... معرضاً عن جميع الأقوال مشيراً إلى تزييف ما ليس بمنصور ومقبول صافحاً عن كلمة ليس لها دليل معقول ومزجت باب المياه بوسيلة النجاة ونسأل الله النجاة بهذه الوسيلة من مهالك الدارين.

نسخ: مؤلف، ۱۳۶۶ ق. ۵۴۶ ص، ۱۸ سطری.

۱۳۲. مجموعه:

از: احمد بن عبدالكريم اهتمام رهنانی اصفهانی (۱۳۸۷ ق):

۱. وسائل العباد في يوم التتاد (۳۸۴ - ۱)

این نسخه جلد دوم کتاب است مشتمل بر جزو یازدهم تا شانزدهم، احکام ایمان و نذورو کفارات و عتق و مکاسب محرمه و احکام بیع و بعض المعاملات که در سال های ۱۳۶۷ و ۱۳۶۸ ق تألیف شده است.

۲. وجيزة الاصول (۳۸۶ - ۴۰۴)

مختصری است در علم اصول که اکثر فصول و مباحث این علم را در بر دارد. آغاز: الحمد لله... إن هذه رسالة... محتوية لأكثر الفصول ومباحثه، وحذفت منها أدلة الأقوال المختلفة واقتصرت على ذكر قول المختار في المسائل الشرعية مشيراً إلى دليله.

۳. الارتقاء من الحضيض في منجزات المريض (۴۰۶ - ۴۲۷)

رساله ای است به فارسی در بحث منجزات مریض که در سال ۱۳۶۳ ق تألیف شده است. آغاز: مسأله: از جمله مسائل فقهیه که از صدر اسلام فیما بین فقهاء اعلام مطرح انظار و محل کلام بوده مسأله منجزات مریض است.

۴. الركن السديد في الاجتهاد والتقليد (۴۸۶ - ۴۲۸)

رساله ای است در بحث اجتهاد و تقلید و شرح مباحث مذکور از عروة الوثقی.



آغاز: الحمد لله الذى لا يحصى نعمه العادون ولا يؤدى حقه المجتهدون... أما بعد فيقول العبد الأثيم الجانى أحمد بن عبد الكريم الرنانى إن هذه رسالة وجيزة مختصرة فى مسائل الاجتهاد والتقليد قد كتبها فى موقع المطالعة وبذل الجهد فى المسائل الأصولية والفقهية وعلقت فى حواشى كتاب أرائك الأصول ما اخترت فى كل مسألة فى الأصول ولما كان الكتاب المذكور خالياً من مباحث الاجتهاد والتقليد فشرحت مباحث كتاب العروة... وحذفت فيها أدلة الأقوال المختلفة واقتصر فى كل مسألة بدليل المسألة فى مختار الأقوال.

نسخ: مؤلف، ١٣٦٨ ق (كتاب اول) ١٣٦٤ ق (كتاب دوم) ١٣٦٣ ق (كتاب سوم) ١٣٦٤ ق (كتاب چهارم) ١٨ سطرى.

١٣٣. وسائل العباد فى يوم التناد

از: احمد بن عبدالكريم اهتمام رهنانى اصفهانى (١٣٨٧ ق)
جلد سوم كتاب است مشتمل بر جزوهفدهم تا بيست و چهارم كه از احكام وقوف و صدقات آغاز و به كتاب ديات و جهاد خاتمه مى يابد.
انجام: قد تمّ الكلام والحمد لله أولاً وآخراً وله الشكر على توفيقه لإتمام الفقه ولم يبق من أبواب الفقه غير الحجج... وأردت أن أكتب مباحث الحجج موجزاً ونلحقها بالجزء العاشر الذى هو فى أواخر العبادات.

نسخ: مؤلف، ١٣٦٨ ق. (پایان جزو ١٧) ١٣٧٠ ق. (پایان كتاب الجهاد). ١٨ سطرى.

١٣٤. طوابع الانوار من مطالع الانظار فى علم أصول الدين

از:
آغاز: الحمد لمن وجب وجوده وبقاؤه وامتنع عدمه وفناؤه دلّ على وجوده أرضه وسماؤه وشهد بوحدانيته رصف العالم وبقاؤه.

انجام: متّعنا الله بمحبّتهم أجمعين وجعلنا لهداهم متّبعين وعصمنا من زيغ الضالين وبعثنا يوم الدين مع الذين أنعم الله عليهم من النبيين والصدّيقين والشهداء والصالحين وحسن أولئك رفيقاً. الحمد لله على التمام وللرسول أفضل السلام.

نستعليق، كاتب نا معلوم، ق ١٠. وقف مولانا محمد اشرف بن حيدر على ورنوسفادرانى بر اولاد خود با مهر بيضوى الواثق بالله الغنى عبده مهر على و مهر مربع محمد طاهر بن مقصود على.



۱۳۵. نجات العباد

از: صاحب جواهر شیخ محمد حسن نجفی اصفهانی (م: ۱۲۶۶ ق).
نسخ: علی اکبر اصفهانی مشهور به خراسانی، ۱۲۶۵ ق. فی مشهد الحسین علیه السلام.
با حواشی از شیخ راضی نجفی و شیخ انصاری و میرزای شیرازی. مقابله شده. نسخه راسید
ابوالفضل برقی در سال ۱۳۸۵ ق بر کتابخانه احمدیه اصفهان وقف کرده است. قطع رقعی. ۱۸.
سطری.

۱۳۶. مجموعه:

۱. مکتوب علمای ما وراء النهر به علمای مشهد مقدّس
آغاز: پوشیده نیست بر هیچ مؤمن عالم که تعرّض به اموال و نفوس کسانی که گوینده
کلمه طیبه...

۲. جواب کتابت علمای ما وراء النهر^۱

از: ملا محمد بن فخرالدین علی مشکک رستمدراری مدرّس
آغاز: نتایج افکار و رشحات اقلام در بار افاضل ما وراء النهر هدام الله وایانا سبیل الرشاد.
انجام: و مهمّات او را کفایت کرده مقضی المرام از آن مقام بیرون فرستاد.

۳. تحفه شاهی^۲

از: عمادالدین علی شریف قاری استرآبادی (ق ۱۰)

آغاز: ای کنه تو برتر از شناسایی ما.

انجام: و حال آن که به معصیت گرفتارند و قرآن ایشان را لعنت کند.

۴. أصول قراءة ابن کثیر بروایتی البزی والقنبل من طریق الشاطیبة

۵. أصول قراءة الکسائی بروایتی الدورى وأبى الحارث

۶. أصول قراءة أبى عمرو برواية الدورى والسوسى من طریق الشاطیبة

از: عمادالدین علی شریف قاری استرآبادی (ق ۱۰)

نسخ زیبا: میرزا محمد بن حسین کندلانی، ربیع الأول ۱۰۴۰ ق. (کتاب سوم) محمد طالب
بن حاجی حیدر علاقه بند اصفهانی، جمادى الآخرة ذی القعدة ۱۰۴۰ ق. (کتاب چهارم تا

۱. الذریعة، ج ۲، ص ۳۳۷. ج ۵، ص ۱۷۵. ج ۸، ص ۲۸۲. ج ۲۲، ص ۱۶۴.

۲. الذریعة، ج ۳، ص ۴۴۴.

ششم). قطع جیبی، سطور مختلف.

۱۳۷. یعسوب نامه^۱

از: میر محمد حفیظ (م: ۱۱۶۳ ق).

منظومه ای است در بیان فضائل امیر المؤمنین علیه السلام و تفصیل جنگ های آن حضرت که در سال ۱۳۳۶ ق شروع به نظم آن شده و با درگذشت مؤلف در روز چهارشنبه ۱۰ شعبان ۱۱۶۳ ق ناقص مانده است. پسر برادر مؤلف میرزا محمد رحیم پس از درگذشت عم و استاد خود به جمع و تصحیح آن همت گماشته و اشعاری در معذرت خواستن از جانب ناظم در عدم اتمام کتاب سروده و خوابی که بعد از رحلت ناظم دیده و صورت مکالمه با او در عالم رؤیا را در پایان به نظم آورده و در ۱۰ ربیع الأول ۱۱۶۸ ق از آن فارغ شده است.^۲

ناظم منظومه را با معراج نامه پیامبر اکرم آغاز کرده و سپس شرحی از مسافرت خود به کوکن زمین در زمان اورنگ زیب و رفتن به دهلی یا جهان آباد و برخوردن با خان عالی شأن محمد رفیع خان باذل تخلص صاحب کتاب حمله حیدری آورده، و خوابی را که برای مرحمت و غفران پناه میرزا محمود مشهدی روی داده و خلف الصدق او خان فردوس مکان محمد رفیع خان ناظم حمله حیدری به نظم آورده نقل نموده، و سپس به سبب نظم کتاب خود که متمم حمله حیدری است پرداخته، و آن را از ظهور مراتب ستم از عثمان بن عفان و دادن وزارت به مروان ملعون و غضب کردن او بر قاریان و سوزاندن قرآن آغاز نموده و تا پایان وقایع جنگ جمل را به نظم در آورده است. وی در بیان نام کتاب گوید:

ز فضل خدای جهان آفرین علی را لقب بود یعسوب دین
به نامش چو این نامه انشاشده به یعسوب نامه مستمی شده

آغاز:

به نام خداوند هوش آفرین روان و دل و چشم و گوش آفرین

۱. نام این اثر در الذریعة نیامده است.

۲. میرزا محمد رحیم پس از ذکر وفات ناظم می گوید:

چه او رفت از عرصه روزگار به عالم شد این نسخه زویادگار
چو فرزندی او را نبند در جهان از این نسخه باقی است نام و نشان

خداوند حی قدیم ودود که با ذات او در ازل کس نبود
خدایی که قایم به ذات خود اوست وجود همه خلق عالم از اوست

انجام:

چو آئید دارد محمد رحیم به عفو تو در روز آئید و بیم
بیخشا گاهش به آن شاه دین بکن رحم یا أرحم الراحمین

نستعلیق، کاتب نامعلوم، ۱۱۶۸ ق. این نسخه را زهرا خانم در ذی الحجه سال ۱۱۶۹ ق وقف کرده و تولیت آن را با خود و بعد از او با میرزا محمد رحیم بن میرزا سید مرتضی حسینی قرار داده تا ثواب آن را به روح رفیع عالی حضرت جنت منزلت میرزا محمد حفیظ ناظم کتاب و واقفه و متولی عاید گردد.

با تملک محمد باقر بن محمد حسن بن محمد رحیم بن محمد رفیع بن محمد رحیم در ۱۲۷۳ ق. و یادداشت تاریخ فوت میرزا محمد حسن بن حاجی میرزا محمد رحیم در یکشنبه ۱۹ ربیع الثانی ۱۲۷۷ ق. و دو بیت شعر در تاریخ وفات میرزا محمد رحیم بدین شرح:
تولد چه گردید از لطف رب به تاریخ ذی القعدة تاسع برفت
محمد رحیم آن حسینی نسب سنه الف، مائه بائین هفت

و یادداشتی از ابوالحسن بن سید عباس بن محمد علی بن محمد رحیم بن محمد رفیع بن محمد رحیم. و یادداشتی از مرتضی بن ابوالحسن بن سید عباس مذکور. ۱۱۹ گ، ۲۲ سطری. (کتابخانه مرحوم آیت میردامادی)

۱۳۸. الرد علی المقلاد فی حجیة الظن

از: سید صدرالدین محمد بن صالح موسوی عاملی (م: ۱۲۶۳ ق)
ردیة ای است بر رساله المقلاد فی حجیة المظنة از سید محمد مجاهد (م: ۱۲۴۳ ق).
«ردّهالسید صدرالدین العاملی وأبطل دلیل الانسداد فی حیاة السید المجاهد. عناوینہ

قال سلّمه الله، أقول»^١.

آغاز: أحمد من تنزه عن خواطر الظنون وأحاط علمه بما كان أو يكون حمد من فوّض إليه وظنّ أن لن يقدر عليه... وبعد، فقد ذكرت سيدنا السرى العلم العلوى محمد بن على الطباطبائى خلد مجده بإعصال الأمر فى عموم حجية الظنون وخصوصها فألقى إلى دام علاه رسالة فى الانتصار لحجيتها مطلقاً وذكر أنه بلغ فيها الغاية فأحبيت أن أورد ما خطر لى حين تصفّحها فى خلالها وأجعله بمنزلة الشرح جرياً على عادة العلماء فى تعقب ما ينقلونه بما يعرفونه وهذا أول الرسالة.

انجام: وليكن ذلك آخر ما جادت به القريحة أعاذنا الله من الضنّ وسوء الظنّ والمنّ وحبانا بالإخلاص فى العمل والخلاص إذ لات حين مناص وجعل سعينا هذا إشاراً لإظهار الحقّ وحذاراً من إنذاره جلّ شأنه فى قوله إنّ الذين يكتمون ما أنزلنا من البينات والهدى من بعد ما بيناه للناس أولئك يلعنهم اللاعنون وما أبرئىء نفسى ولا أقصر الحقّ على طرسى ولكن جهد المقلّ ولا يكلف الله نفساً إلا ما آتاها فليترفق الناظر فى هذا التعليق بستر الزلل وإصلاح الخلل والله يحبّ المحسنين. فرغ من تسويده منشييه المفتقر إلى ربّه صدر الدين محمد بن صالح بن محمد الموسوى العاملى عفى عنهم فى صدر النهار من يوم عرفة فى السنة الثالثة من العشر الرابع من المائة الثالثة من الألف الثانى من الهجرة والحمد لله كثيراً والصلاة على نبيه وآله.

نسخ: مؤلف، ١٢٣٣ ق. قطع جيبى، ٦٠ گ، ١٧ سطرى. (كتابخانه مرحوم آية الله طيب)

١٣٩. رسالة فى الوقف

از: سيد ابو جعفر بن صدر الدين محمد بن صالح موسى عاملى (م: ١٣٢٤ ق). رساله اى است فقهي از سيد ابو جعفر خادم الشريعة (پدر آية الله سيد حسين خادمى) كه به امر استادش حجة الإسلام ثانى سيد اسد الله شفتى نگاشته است. متأسفانه نسخه ناقص است.

آغاز: الحمد لله المتفرد بالذات المبرىء عن الصفات المنزهة عن مشابهة الممكنات... أمّا بعد، فيقول العبد المحتاج إلى عفوريته الجليل المشهور بكنيته أبو جعفر بن صدر الدين الموسوى العاملى عاملهما الله بلطفه الخفى والجللى قد صدر أمر من منبع الإفاضة ومصدر الجود والسخاوة



١. الذريعة، ج ١٠، ص ٢٢٦. گفتنى است كه در اعيان الشيعة (ج ٩ ص ٢٦٢) رساله اى با آغاز ذكر شده رابه ميرزا محمد رضوى (م: ١٢٦٦ ق) نسبت داده و گفته است كه آن در ردّ رساله حجيت شهرة سيد محمد مجاهد است.

العالم العامل والتقى الفاضل أعلم العلماء ورئيس الفضلاء أستاذنا الأعظم حجة الإسلام في العرب والعجم صاحب المفخر والمناقب المسمى بلقب أسد الله الغالب... بتحرير مسأله سألها سائل نجمع فيه الأقوال والأخبار المناسبة لها ونبين فيه صحيح الأقوال وسقيمها فشرعت فيه متوكلاً على الله ومستعيناً من إمام الزمان وخليفة الرحمان المنتظر الغائب عجل الله فرجه ولا بد أن نبين أولاً صورة السؤال. قال السائل لو وقف أحد أرضاً مثلاً على أولاده الذكور الموجودين ثم على أولادهم نسلأ بعد نسل وبطنأ بعد بطن ومع الانقراض على أولاده الأناث وأولادهن نسلأ بعد نسل وبطنأ بعد بطن ويقف على ذلك ولم يفرض للانقراض ولم يبين المصرف بعده فهل هو صحيح أم لا؟

نسخ: مؤلف، قطع جيبى، ٢٣ گ، ١٨ سطرى. (كتابخانه مرحوم آية الله طيب)

١٤٠. مجموعه:

رسائل فقهى عالم جليل سيد محمد باقر بن حسنعلی موسوى فروشانى (م: ١٣٢٥ ق)

است بدين شرح:

١. رسالة فى الطهارة (٩٧-١)

آغاز: الحمد لله الذى عمّ عباده بالنوال ومنحهم من مواهب كرمه بغير سؤال وتفضّل عليهم من جوده بسوايغ الإفضال ورفع بمنّه درجات العلماء وجعلهم بما آتاهم ورثة الأنبياء... أما بعد فيقول المفتقر إلى الله الغنى محمد باقر بن حسنعلی الموسوى إنّ هذه نبذة من مهمّات مسائل الطهارة والصلاة أوردتها فى هذه الورقات راجياً من الله تعالى أن يكتبه فى صحائف الحسنات... وقد رتبت ما يتعلّق بالطهارة على مقدمة ومقاصد وخاتمة.

٢. رسالة فى الصلاة (١٦٥-٩٨)

آغاز: الحمد لله... أما بعد فيقول المفتقر إلى الله الغنى محمد باقر بن حسنعلی الموسوى إنّ

هذه نبذة من مهمّات مسائل الصلاة أوردتها تذكرة لنفسى... وهى تذكر فى مقاصد وخاتمة.

٣. أحكام الخلل فى الصلاة (٢٠١-١٦٥)

آغاز: الحمد لله... أما بعد، فهذه رسالة فى جملة من أحكام الخلل الواقع فى الصلاة

ومقدّماتها أوردتها فى هذه الأوراق تذكرة لنفسى... ورتبتها على مقصدين.

٤. أحكام صلاة الجماعة (٢٣٧-٢٠٢)

آغاز: الحمد لله... فى جملة من مهمّات صلاة الجماعة وفيها مباحث.

٥. أحكام صلاة المسافر (٢٦٢ - ٢٣٧)

أغاز الحمد لله... فهذه جملة من الكلام فى صلاة المسافر وأوردتها فى هذه الأوراق تذكرة لنفسى وذخيرة ليوم فقري مشتملة على رؤس المسائل وأمّتها محتوية على أصول الفروع ومهمّاتها متضمّنة للإشارة إلى نبذة من الأقوال والأدلة مرتّبة على مباحث ثلاثة. انجام: وليكن هذا آخر ما أردنا بيانه... وقد فرغ مصنّفه دام ظلّه العالى من تنميق هذه الرسالة الشريفة فى الرابع والعشرين من شهر شعبان سنة ١٢٨٦.

٦. أحكام الصوم (٢٩٧ - ٢٦٢)

أغاز الحمد لله... أمّا بعد، فهذه كلمات يسيرة فى مهمّات مسائل الصوم... ويتمّ الكلام فيها برسم مباحث.

نسخ: محمد كاظم بن محمد رحيم فروشاني، ٩ رمضان المبارك ١٢٩٥ ق. (كتاب اول) ١٠ رجب ١٢٩٧ ق. (كتاب ششم). در حاشيه تصحيح شده است. در آغاز عنوان با شنگرف نوشته شده: هذه رسالة فى الطهارة والصلاة من تصنيفات قدوة المحققين زبدة المدققين وعمدة العلماء الراشدين ونقاوة أحفاد سيد المرسلين المولى الأعظم والسيد الأورع الأزهد الأفخم ذوى المناقب والمفاخر آقا سيد محمد باقر الفروشاني الاصفهاني أدام الله بقاءه العالى. عناوين درنيمه اول به شنگرف و سپس نانوشته. ٢٩٧ گ، ١٦ سطرى. (کتابخانه حجة الاسلام سيد محمد تقى حجازى)

١٤١. مجموعه:

رسائل فقهي عالم جليل سيد محمد باقر بن حسنعلی موسوی فروشانی (م: ١٣٢٥ ق) است بدین شرح:

١. الرسالة الشرطية (٣٤ - ٢)

این رساله به امر استاد مؤلف شیخ زین العابدین مازندرانی در سال ١٢٩٢ ق نگاشته شده است. وی در آغاز رساله تقریظی بر آن نوشته و از او چنین یاد کرده است: «العامل العالم البدر التمام شمس الظلام قدوة الأنام من الخواص والعوام، فريد الأوان وحيد الزمان، مهذب شرايع الإسلام، حايض ضوابط الحلال والمحرام، غائص بجماردلائل الأحكام، مستتبض الفروع من الأصول، مهذب القوانين والفصول، فاتح صحيفة الفقاهة والاجتهاد، خاتم رقيمة السداد والرشاد... فاتّه بحمد الله قد أتعب نفسه الشريفة فى الاجتهاد فى الأحكام الشرعية وكتب



رسائل عديدة فى مسائل متشعبة، منها هذه الرسالة وهى رسالة شرطية، وهى أيضاً فى غاية المتانة؛ فليحمد الله على ما رزقه سبحانه من هذه الموهبة الربانية...»
آغاز: الحمد لله... أما بعد، فهذه رسالة فى بيان مسألة الشرط فى ضمن العقد حرزتها تذكرة لنفسى.

انجام: وهذا آخر ما قصدنا تحريره فى هذه الرسالة... وقد أمرنى بذلك أستاذنا العالم العلامة وشيخنا الفاضل الفهامة غواص بحار معارف الأحكام نقاد كسوز جواهر الكلام نور حدقة الاجتهاد والتحقيق ونور حديقة الفقاهة والتدقيق أعلم العلماء الراسخين وأفضل الفضلاء المتقدمين والمتأخرين سسمى سيدنا ومولانا سيد الساجدين عليه السلام مولانا الأعظم ومطاع العرب والعجم الشيخ زين العابدين لا زالت مغلقات الأحكام منحلة ببيانه ورياض المسائل مخضرة بمياه تبيانه...

٢. رسالة فى حكم الفرار عن الدين (٤٠ - ٣٦)

اين رساله در سال ١٢٩٩ ق تأليف شده است.
آغاز: مسألة لونقل المديون الغير المفلس ماله إلى غيره بيعاً أو صلحاً أو هبة أو قرضاً أو نحو ذلك من العقود الناقلة فراراً عن الدين فهل يصح ذلك أو لا؟
انجام: وهنا أبحاث شريفة لا يقتضيها المقام قد حرزناها مفصلة فى بعض تحريراتنا والله العالم...

٣. رسالة فى منجزات المريض (٦٢ - ٤١)

اين رساله در سال ١٢٨٦ ق تأليف شده است.
آغاز: الحمد لله... أما بعد، فيقول المفتقر إلى الله الغنى محمد باقر بن حسن على الموسوى الاصفهانى الفروشانى إن هذه نبذة من الكلام فى منجزات المريض...

٤. رسالة فى أحكام عبادة الجاهل بقسميه (٧٦ - ٦٣)

آغاز: الحمد لله... أما بعد، فيقول المفتقر إلى الله الغنى محمد باقر بن حسن على الموسوى إن هذه كلمات يسيرة فى بيان معذورية الجاهل وعدمها.
نسخ: مؤلف، (رساله اول). نسخ زيبا، كاتب نامعلوم، ١٣٠٠ ق (رساله چهارم). ٧٦ گ، سطور مختلف. (کتابخانه حجازى)

۱۴۲. تقریرات أصول الفقه

از: علامه میر محمد صادق خاتون آبادی (م: ۱۳۴۸ ق).
تقریرات درس اصول آخوند خراسانی صاحب کفایه است که شاگرد برجسته اش علامه خاتون آبادی نگاشته و شاگرد وی سید محمد مهدی حجازی فروشانی استنساخ کرده است. این جلد شامل مباحث وضع تا اجزاء می باشد.
آغاز: هذه نخبة ما صنفه سيدنا الأستاذ أوائل استفادته من المحقق الخراساني رحمة الله عليهما. الكلام في الوضع فائدة الوضع على ما هو التحقيق هو العلة المحاصلة.
نسخ نازیبا: سید محمد مهدی حجازی، ق ۱۴. ۱۶۰. گ، ۲۰ سطری. (کتابخانه حجازی)

۱۴۳. تقریرات أصول الفقه

از: علامه میر محمد صادق خاتون آبادی (م: ۱۳۴۸ ق).
این جلد شامل مباحث نواهی، مفاهیم، عام و خاص و مطلق و مقید است.
پایان: قد تم ما وفق الله العبد السيد محمد مهدی الحجازی الموسوی السدهی لنسخه من البرائة إلى التعادل والترجيح ومن أوائل مباحث الألفاظ إلى هنا مما أودعه في الصحف سيدنا المحقق الأستاذ الحاج مير محمد صادق الحسيني الخاتون آبادی الاصفهانی أوان تحصيله مما استفاده من بحث أستاذه المحقق الخراساني... ولم نظفر بعد على مباحث القطع والظن.
نسخ نازیبا: سید محمد مهدی حجازی، ق ۱۳۷۶. گ، ۲۰ سطری. (کتابخانه حجازی)

۱۴۴. مجموعه:

۱. عواطف الاصول (۱-۱۰)

از: محمد شریف بن محمد یوسف تنکابنی
آغاز افتاده: فی توضیح معنی الورود...
انجام: وأن يجعل مقامنا تحت لواء الحمد وقرب منبر الوسيلة. وقد تمت بخط مؤلفه الفقير هذه النسخة الشريفة سنة ۱۲۸۱. تاريخ تولد مصنفه ولد في سنة ۱۲۵۹.

۲. لطائف الاصول (۱۰۱-۱۲۴)

از: محمد شریف بن محمد یوسف تنکابنی
آغاز: الحمد لله الذي لا تغير ولا تبدل في ذاته ولا في صفات ذاته ولا في صفات أفعاله...

أما بعد، فهذه وجيزة ورسالة منفردة فى جملة من المسائل المهمة من أصول الفقه فى وجوب تجديد النظر على المجتهد وعدمه وجواز نقض الحكم أو الفتوى وغيرها وسميته باللطائف اللطيفة.

٣. رسالة العقد والحل (١٣١-١٢٥)

آغاز: يقول مصنف الكتاب... اعلموا أيها الإخوان الأخلاء قد اختلجت عويصة بالبال مستلزمة للزوم الجبر من الخالق الأكبر عند بادية النظر على عباد الله من الكبر والصغروهى أنه قد نطقت الأخبار المستفيضة على أخذ الله تعالى طينة المؤمن من الجنة.

نسخ: مؤلف، ١٢٨٦ ق (كتاب دوم) ١٢٨٧ ق (كتاب سوم) ١٨ سطرى. (کتابخانه

میردامادى)

١٤٥. الحاشية على الحاشية الخفية^١

از: محمد قاسم بن محمد صالح اصفهانی (ق ١٢).

آغاز: الحمد لله... أما بعد، فيقول الفقير إلى الله الغنى محمد قاسم بن محمد صالح اصفهانی هذه تعليقات على الحاشية التي علقها العلامة الخفري على الهيات شرح التجريد والمرجو من الله تعالى أن يهديني إلى طريقه المبين ويجعله عدة وذخراً فى يوم الدين.

انجام: هذا غاية ما تيسر لى من الكلام وأسأل الله التوفيق على الإتمام فى مبحث الكلام إته

هو المفضل المنعم بمحمد وآله عليه السلام.

شكسته نستعليق، كاتب نا معلوم، ١٦ رمضان المبارك ١٠٩٧ ق. ٨٧ گ، ١٩ سطرى.

(کتابخانه فرهنگ اصفهان)

١٤٦. روضات الجنات فى أحوال العلماء والسادات

از: میرزا محمد باقر بن زين العابدين موسوى خوانسارى (م: ١٣١٣ ق)

جلد چهارم كتاب است.

آغاز: الحمد لله الذى هو فى مجده قديم وفى قدمه عظيم وفى عظمه كريم وفى كرمه قسيم

وفى قسمه حكيم وفى حكمه حكيم وهو فوق كل ذى علم عليم.

نسخ: محمد تقى بن محمد حسن خوانسارى، ١٢٩٦ ق. عناوين به شنكرغ، ٢١١ گ، ٢٤

سطرى. (کتابخانه فرهنگ اصفهان)



١٤٧. مجموعه:

١. سواد العين (٥١ - ١)

از: شمس الدين محمد بن احمد خفري (م: ٩٥٧ ق).

تعليقات على شرح شمس الدين محمد بن مباركشاه شهير به ميرك بخارى على كتاب حكمة العين لديبران الكاتبى القزوينى.

آغاز: الحمد لله... فيقول الفقير الى الله الغنى محمد بن أحمد الخفري: قد اتفقت متى فى سالف الزمان تعليقات على شرح حكمة العين وحواشيه وجمعتها وسميتها سواد العين.

٢. إثبات الواجب فى إثبات الواجب (١١٨ - ٥٢)

از: بهاء الدين محمد بن حسن اصفهانى معروف به فاضل هندى (م: ١١٣١ ق).

از آثار كلامى فاضل كه در سال ١٠٨٠ ق در سن ١٨ سالگى او تأليف وبه شاه سليمان صفوى تقديم شده است.

آغاز: سبحان من ثبت وجوده على صفحات الليل والنهار، واستقرّ وجوبه فى صحائف القلوب والأبصار، وشهد بوحدانيته ذرات الجوّ وقطرات الأمطار... أما بعد، فهذه خورة الخريدة، أو لؤلؤة فريدة، فى إثبات أوجب ما يثبت فى صفحات الجنان، وتدلّك به وجنات اللسان ويسطرى فى الطرس بمعوان البنان... والبصير المنصف إذا تأمل ما يحويه، رآه حقيقاً بما قلته فيه... ثم لما أردت أن أزيد فى جمالها، وأمعن فى إجلالها، حلّيتها باسم من باسمه تتحلى فرايد اللآلى وتتجلّى صفائح الأيام والليالى، يفتخر الدهر بأبوتّه، بل كاد يباهى بينوتّه... أبوالمظفر بهادرشاه سليمان الصفوى الموسوى، لازالت عين الدهر قريرة بوجوده، ورقاب الأنام أسيرة لجوده. هذا، وينحصر مقصودى فى الكتاب فى ثمانى مقدّمات ومقصدى... وسميت كتابى هذا بإثبات الواجب فى إثبات الواجب. ومن خواصّ هذا الكتاب وغيره من كتبى أنى إذا تفرّدت بقول لم أميزه من سائر الأقوال بالتخصيص بنفسى إلا بأقلّ الأحوال، كما هو عادة الفحول الأمثال، بخلاف عادات الأراذل. وأمّا الفاضل المنصف فإذا نظر إلى كلامى وكلام القوم ماز بين الكلامين إن لم يغلبه النوم، بل وجد كثيراً ممّا أنقله منهم غير منقّح وموضح مع إيجاز كما فى كلامى؛ والباعث على ذلك أمور: الأول: إنّ الغرض من التأليف إنما هو ابتغاء رضوان الله فى تفهيم المتعلّمين وتنبيه المعلمين وتحقيق الحقّ الحقيق بالاتباع وقلع الباطل الواجب الانقلاص؛ لا رياء الناس بأنّ القوم قالوا كذا وأنا أقول ذا... والرابع أنّه ربّما يكون موافقاً لمقالة بعض من تقدّمنى،



فيظنّ بي الناس ظنّ سوء، لاسيما وقد جرّبت من نفسى مثل ذلك فى الغالب، وإنى قليل آلات التأليف، معدم لأكثر ما يتعلق به التصنيف، وإلى الله المشتكى من دهرينمى الجهال والأراذل ويذيل العلماء والأمثال.

دهر علا قدر الوضيع به وغدا الشريف بحطه شرفه
كالبحر يرسب فيه لؤلؤه سفلاً ويطفو فوقه جيفه

انجام: وما ذكرناه كافي فى معرفة وجود الواجب الذات، فإن ساعد الوقت وصحب التوفيق أبدعنا فى ذلك كتاباً آخر مع بسط وتحقيق. فلنختم الكلام حامدين للملك العلام، مصلين على رسوله خير الأنام وآله الغرّ الكرام، ماتعاقبت الليالى والأيام، وتسابقت الشهور والأعوام. ومن حسن الاتفاقات أنه وقع الابتداء بإبداع هذا الكتاب ليلة الرغائب من السنة الثمانين بعد الألف، وتنجز الفراغ منه ليلة عرفة من السنة المذكورة. كتبه يميناه الدائرة مؤلفه أذل أهل الساهرة، محمد بن الحسن المشهور ببهاء الدين الاصفهاني، ذللت له قطوف الأمانى.

نسخ، گویا فاضل هندی، ۱۰۸۰ ق. ۱۱۸ ص، ۱۶ سطری. این نسخه بر حسب وصیت مرحوم بهرام بیك در سال ۱۲۹۶ ق از نساء مزرعتین وقف شده است. (کتابخانه فرهنگ اصفهان) ۱۴۸. مجموعه:

۱. تلخیص الاقوال فى تحقیق أحوال الرجال^۱

از: سید میرزا محمد بن علی بن ابراهیم حسینی استرآبادی (م: ۱۰۲۸ ق).
آغاز: الحمد لله وسلام على عباده الذين اصطفى. أما بعد فهذا كتاب تلخيص الأقوال فى تحقيق أحوال الرجال قد أثبت فيه الأسماء على ترتيب الحروف مراعيًا للأول ثم الثانى وهكذا.
انجام: فرغ منه مؤلفه الراجى عفوريته الهادى محمد بن على عاشر شهر جمادى الأخرى سنة ۹۸۸.

۲. رسالة فى الخبر الواحد

از: ؟

آغاز: الحمد لله... فهذه كلمات يسيرة فى العمل بخبر الآحاد اعلم وفقك الله تعالى أن كل من نظر فى أحاديث وتأملها حق التأمل.

۱. الذريعة، ج ۴، ص ۴۲۰.

انجام: قلت فائدته زيادة الحث على فعل المندوبات الثابتة بحديث راجح صدقه وزيادة الترغيب فيها ونسأل الله من فضله وإحسانه أن يوفقنا ويهدينا إلى طريق السداد.

نسخ: محمد تقى بن الله قلى شهير به ملا پروانه عباسى صفوى سليمانى، ١٩ شعبان ١٠٤٧ ق. در پايان فهرست رجال مسند كتاب من لا يحضره الفقيه و فوائدى به نقل از المهذب البارع و الرواشح السماوية و اسماء رجالى از روايات تهذيب كه در خلاصه نيامده اند نقل شده است. نسخه در سال ١٣١١ ق بر حسب وصيت بهرام بيك وقف شده است. ٢٢٣ گ، ٢٦ سطرى. (كتابخانه فرهنگ اصفهان)

١٤٩. رضوان الاملين فى تعليق القوانين^١

از: سيد محمد بن عبدالصمد حسيني شهشهاني اصفهاني (م: ١٢٨٧ ق).
 آغاز: الحمد لله الذى هدانا الى الأصول الثابتة والفروع النامية بتعلق القوانين المحكمة... وبعد فلما كان كتاب القوانين فى علم الأصول من تصانيف العالم التحرير والعلم الكبير المدقق المحقق القمقام المكتى بكنية أشرف الأنام عليه آلاف التحية والسلام دستوراً وافياً وزبراً شافياً... وكان فى كمال الغموض والإشكال فى كل باب... كان حقيقاً بشرح يسهل معضلاته ويبين محملاته.

نسخ بسيارزيباً: محمد رضا بن محمد مهدي خوزانى، ١٢٩٠ ق. اين نسخه را حاج محمد كاظم و حاج عبدالباقي و آقا محمد صادق، اوصياى مؤلف در سال ١٢٩٠ ق حسب الوصيه او وقف کرده اند. ١٩٢ گ، ٢٧ سطرى. (كتابخانه فرهنگ اصفهان)

١٥٠. الفوائد السنية فى شرح العوامل المحسنية

از: سيد عبد الكريم بن محمد هادى حسيني مرعشى شوشترى (ق ١١٢)
 آغاز: الحمد لله الذى نصب أعلام الهدى للسالكين إلى نحو معرفته ورفع أعمال العالمين العاملين بإرادته... سأل منى بعض الخلان ممن لاح فى وجهه سيماء الإيمان أن أشرح له المختصر الجامع للعوامل فى النحو المنسوب إلى قدوة أهل العرفان... العليم الربانى والتحرير السبحانى المولى محمد محسن القاسانى.

انجام: فرغ من تسويده شارحه العبد الأقل المذنب الأذل تراب نعال السادة النجباء والطلبة الكرماء عبد الكريم بن محمد هادى الحسينى المرعشى فى يوم الخميس رابع شهر جمادى الأول من عام ثمانين بعد المائة والألف من مهاجرة النبى المرسل...

نسخ: ابوطالب بن محمد رضی، ربیع الأول ۱۱۸۳ ق. در همین سال با نسخه اصل مقابله شده است. ۱۳۴ گ، ۱۷ سطری. (کتابخانه فرهنگ اصفهان)

۱۵۱. ایصال المبتدئين

از: صادق بن محمد صفی اصفهانی (ق ۱۱۳).

آغاز: نحمد من توله فی معرفة كنه ذاته عقول العقلاء... وبعد قد قال الواله الفقير الغريب الغريق في بحار العصيان صادق بن محمد صفی المنسوب إلى الاصفهان... إن هذا شرح لطيف مزجته بمختصر النحو الذي صنفه الإمام الفاضل العلامة العامل... الشيخ المدعو بحسن جزى الله مساعيه الجزيلة أعنى العوامل رافعاً للحجاب عن وجوه فرائده الجميلة... فإنه أول ما أفرغناه في غالب التصريف والترتيب.

انجام: لا يخفى عليكم يا إخوان الدين أتى كنت حين الجمع والتأليف مبتلى بأنواع محن الزمان بحيث إن أردت أن أكتب أو أقرر بعضها لا يتحرك القلم ولا اللسان...

نسخ، كاتب نا معلوم. تأليف ۱۲۳۴ ق. ۱۶۵ گ، ۲۰ سطری. (کتابخانه فرهنگ اصفهان)

۱۵۲. مفتاح اللبيب في شرح التهذيب^۱

از: سيد نعمة الله بن عبد الله موسى جزائري (م: ۱۱۱۲ ق).

شرحی است ارزشمند بر تهذیب البیان شیخ بهائی در علم نحو که محقق جزائری آن را در سال ۱۰۶۴ ق در سن پانزده سالگی در مدرسه منصوریه شیراز نوشته است.

آغاز: الحمد لله الذي صرف قلوبنا نحو الجادة القويمية وأهملنا الهداية نحو الطريقة المستقيمة... وبعد فيقول غبار نعال أهل الفقر نعمة الله بن عبد الله الحسيني الجزائري لما كانت العلوم التي يعرج عليها في عنفوان الشباب وترتاح عند سماعها أذهان الطلاب هي العلوم الحقيقية والمعارف اليقينية وعلم النحو من بينها أئينها تبياناً وأعظمها شأناً... وكان هو أول فنوني... إلى أن وقفت منها على الجم الغفير وأحطت بغالب الموجود مطالعة وتأملاً بحيث لا يفتنى سوى النزر اليسير... كتاب التهذيب لشيخنا ومقتدانا ومن به نفتخر على أعدائنا الفائز من قدام العقل بالقدر المعلى المشهور في المعارف باليد الطولى

مآبدت منه محامد جمّة فى الناس لقب بالهاء محمد

يامن يسألنى عن الغايات إن فكّرت فيه فهو غاية مقصد

ما إن مدحت محمداً بمقالتى لكن مدحت مقالتى بمحمد

فہو وإن كانت وریقاتہ قليلة لکثما فی الفوائد جلیلة... لکن لما لم یکن لہ شرح ألف بدرہ الأقول، فلم یبزع فی أكثر الآفاق، ولتراکم سحاب عباراتہ لم تطلع شمسہ فی العراق؛ فأحببت أن أجمع لہ شرحاً یجل ألفاظہ ومبانیہ... مع عوز ما یحتاج إلیہ الغائص فی هذا اللجج، والسالك لمثل هذا النهج، من الفطنة الوقادة والبصيرة النقادة.

کیف الوصول إلى سعاد ودونہ قلل الجبال ودونہ حتوف
والرجل حافية ومالی مرکب والكف صفر والطریق مخوف

انجام: وإن ساعدتني الأقدار وأعميت عني عين الدهر الغدار هذا الفن على طرف التمام
ینادی بالطلاب قد فضّ عني الاختتام وإن قضت علينا المنون فإنا لله وإنا إليه راجعون.

نسخ: ابوالقاسم بن ابوالحسن حسینی، ۱۵ ربیع الثانی ۱۲۵۹ ق. ۱۴۶ گ، ۱۵ سطر.

(کتابخانہ فرہنگ اصفہان)

۱۵۳. نخبة المصائب

از: محمد علی بن محمد رضا واعظ ہرندي (ق ۱۳).

آغاز: الحمد لله الذي جعلنا من أمة أشرف الناس في الحسب والنسب وأعلاهم في العلم
والأدب وأعظمهم في المصيبة والتعب... أما بعد، این مختصری است در مصائب خامس آل عبا
و گلگون قباى عرصه نینوا مظلوم صحراى کربلا جناب سيد الشهداء علیه آلاف التحية والثناء
از مؤلفات حقیر فقیر کثیر التفسیر تراب نعال الذاکرین ابن محمد رضا محمد علی الهرندي که
مشمتمل است برسی وشش مجلس ومقدمه وخاتمه.

نسخ زبیا، مؤلف، ۲۲ جمادی الأول ۱۲۹۱ ق. با یادداشت تملک او در ۱۲۹۲ ق. ۲۲ سطر.

(کتابخانہ حسینی ہرندي)

۱۵۴. مرصع الحواشی^۱

از: سید صدرالدین محمد بن محمد نصیر حسنی طباطبائی یزدی (ق ۱۲).

حاشیہ ای است بر حاشیہ ملا عبد الله یزدی (م: ۹۸۱ ق) بر تہذیب المنطق تفتازانی کہ
سید صدرالدین برای فرزندش سید محمد اخباری نوشته است کہ شیخ آقا بزرگ دربارہ وی
گوید: «الذی محی جملة من تصانیف والده لمخالفة مذاقه. فرغ من تألیفه ۱۱۲۸ ق.»^۲

۱. الذریعة، ج ۶، ص ۱۹۸.

۲. الذریعة، ج ۲۰، ص ۳۱۰.



سید صدرالدین از شاگردان آقا جمال الدین خوانساری و مدقق شیروانی، جدّ خاندان مدرّسی یزد است.

آغاز: نحمدک یا مفضلاً علی الإنسان قبل میلاده بتهذیب خلقه وارشاده وناطقاً لا باللسان ومداده بمنطق الحکمة وسداده... فیقول الفقیر... لتأرایت رسالة التهذیب للفاضل الکامل العلامة التفتازانی مشتملة علی دقائق تمیل إليها الطباع ومتداولة فی الأرباع والأصقاع وقد علّق علیها الأفضل الأکمل الفیلسوف الأول العالم النحریر الحبر الخیر البارع الزکی الفائز بخیر الأدیان الجامع بین مرتبتی الفضل والإیمان المدقق المحقق مولانا عبد الله تعلیقات تحتوی علی مطالب تعشق إليها أهل النظر وتنطوی علی ما رب قلماً یطلع علیها دقیق النظر... ولقد خطرت لی خواطر حلاً أو کلاماً ونقصاً أو برهاناً ذکرتها لقرّة عینی الولد العزیز السید محمد عند ما تدرّس فالتمس منی أن أکتبها ولو تدریجاً کالصبح إذا تنفّس فأجبت سؤاله.

انجام افتاده: بالآخر علی ما سیأتی بیانه وکل شیء لیس أحدهما علّته.

نسخ، کاتب نامعلوم، ق ۱۳. وقف مرحوم بهرام بیگ در ۱۳۱۳ ق. ۵۵ گ، ۱۵ سطر.

(کتابخانه فرهنگ اصفهان)

۱۵۵. تشریح الایة^۱

از: عبد الجواد بن حاج محمد جعفر آبا ده ای اصفهانی (ق ۱۴).

تفسیری است جامع از آیه یا بنی آدم خذوا زینتکم عند کلّ مسجد.

آغاز: الحمد لله الذی نورّ قلوبنا بمعرفته وتلاً صدورنا بتنزیل کتابه... وبعد فقد طلب منی من لا یسعی مخالفته ولا یمکن لی مضایقته أن أفسر الایة الشریفة الواقعة فی سورة الأعراف تفسیراً حاویاً للغة والصرف والنحو والمعانی والبیان والمنطق والحکمة والأصول والفقہ والطب فأجبتہ سائلاً عن جنبه أن یعفو عنی ما أودعته لأئنی قد أشغلتنی فی هذا الزمان مشغلة کثیرة لا یمکن لی حقّ الاستیفاء ولو سألنی مسألة من مسائل الأصول والفقہ کان أسهل.

انجام: فکیف یلیق من العاقل أن یکاسل فی تلك الخدمة وقفنا الله لذلك بمنّه وجوده إته

جواد کریم.

نسخ زیبا، کاتب نامعلوم، ق ۱۴. این نسخه با ۵۲ جلد دیگر به واسطه جناب آخوند ملا

۱. نسخه ای از این اثر در فهرست کتابخانه آیه الله العظمی گلپایگانی بدون نام مؤلف معرفی شده است. فهرست

علیمیرزا به جهت موقوفه مرحوم بهرام بیگ خریده شده است. بایادداشتی به خط شکسته نستعلیق زیبا بدین شرح: این رساله شریفه مال جناب مستطاب فضایل مآب حقایق و معارف انتساب علام فهم ذو المجد والسداد قبله مکرم و مطاع معظم آقا عبد الجواد سلمه الله تعالی است. ۵۶ گ، ۱۳ سطر. (کتابخانه فرهنگ اصفهان)

۱۵۶. الاقرار والمواریث

از: عبد الجواد بن حاج محمد جعفرآباده ای اصفهانی (ق ۱۴).

فقه استدلالی است در دو بحث مذکور.

آغاز: القول فی الإقرار. وفيه مقامات. الأول فسر الإقرار فی کلام بعض اللغویین بالاعتراف. نسخ: محمد بن محمد باقر، ۱۲۸۸ ق. این نسخه در سال ۱۳۰۳ ق با ۵۲ جلد دیگر به واسطه جناب آخوند ملا علیمیرزا به جهت موقوفه مرحوم بهرام بیگ خریده شده است. در عنوان کتاب چنین آمده است: «من تألیفات الفاضل الكامل العالم العامل جامع الأصلین حاوی الفرعین علامة العلماء صاحب المناقب والمفاخر والمحسن والعوالی والمعالیم والسداد آقا عبد الجواد الفارسی دام عمره وفضله». ۱۱۸ گ، ۱۳ سطر. (کتابخانه فرهنگ اصفهان)

۱۵۷. مجموعه:

رسائلی از: صدر المتألهین محمد بن ابراهیم شیرازی (م: ۱۰۵۰ ق) و صائین الدین ترکه.

۱. الحکمة العرشية

آغاز: الحمد لله الذي جعلنا ممن شرح صدره للإسلام.

۲. اکسیر العارفين فی معرفة طریق الحق والیقین

انجام: سبحانک اللهم وتحیتهم فیها سلام وأخر دعواهم أن الحمد لله رب العالمین.

۳. تحقیق مسألة حدوث العالم

آغاز: سبحانک اللهم من قديم قد تفرّد بالقدم والسرمدية.

انجام: لآیات لأولى الأبواب إن فی هذا لبلاغاً لقوم عابدين.

۴. الشواهد الربوبية فی المناهج السلوكية

آغاز: الحمد لله الذي تجلّى لقلوب العارفين بأسرار المبدأ والمعاد.



۵. القضاء والقدر^۱

آغاز: الحمد لله الذي أخرج من مكونات عنائته ما أدرج في القلم.
انجام: والسمع والبصر وجميع القول فالحكم لله العلي الكبير.

۶. اسرار الصلاة^۲

از: صائن الدين علي بن محمد تركه.

آغاز: شکر و سپاس پروردگاری را که شاه راه بندگی بارگاه جلالش که به سرحد هدایت ابدی و سعادت سرمدی می رود.

انجام: و ختم به کمال الإنسان محمد وآله متممی بنیان الإیمان اللهم صلّ علیه وآله كلما ذكره الذاکرون.

شکسته نستعلیق زیبا، فضل الله بن محمد علی حسینی سبزواری، ۱۲۳۳ق در اصفهان.
متأسفانه بسیاری از صفحات چند رساله اول آسیب جدی دیده است. ۴۶۷ ص، ۱۸ سطری.
(کتابخانه فرهنگ اصفهان)

۱۵۸. مجموعه:

رسائلی از علامه شیخ محمد هادی تهرانی (م: ۱۳۲۱ق) است به خط یکی از شاگردان برجسته اش.

۱. الأدلة العقلية (۳۷ - ۳)

آغاز: الحمد لله... وبعد فيقول المسكين المستكين محمد هادی بن محمد أمين إن هذه جملة ما خطر بالبال في الأدلة العقلية أجبت بتحريرها التماس جمع من إخواني المؤمنين.
انجام: وهذه جملة القول في العلم التفصيلي والإجمالي.

۲. النية في العبادة (۴۱ - ۳۸)

آغاز: قد ذكر الفقهاء أنّ العبادة لا تقع بلا نية فلا بدّ أن نشرح معنى العبادة.

۳. الاستصحاب (۴۹ - ۴۱)

آغاز: الثالث أنّ مسألة الاستصحاب على القول بكونه من الأحكام العقلية مسألة أصولية.

۱. الذريعة، ج ۱۷، ص ۱۴۷.

۲. فهرستواره منزوی، ج ۷، ص ۶۴.

٤. حجية الخبر الواحد (٥٣ - ٤٩)

آغاز: استدلو على حجية الخبر الواحد بالأدلة الثلاثة.

٥. الاستصحاب (١١٦ - ٥٠)

آغاز: الحمد لله... وبعد فيقول المسكين المستكين محمد هادي بن محمد أمين إنه قد سألتني من لا يسعني مخالفته أن أحرر في الاستصحاب ما أدى إليه فهمي القاصر وفكري الفاتر فأجبتة إلى ذلك.

٦. الصلاة (٢٢٨ - ٢٢٨)

آغاز: الحمد لله... وبعد، فالصلاة هي العطوفة لا الدعاء.

انجام: فاللازم هو قصد الخضوع في ذلك اليوم وهو يتعين بالضرورة.

نسخ: عبد المجيد سيواني، ذو القعدة ١٣٠٧ق (پایان کتاب اول). ١٣١١ق (کتاب ششم). با یادداشتی از علی اکبر یادکوبی مردکانی در ١٣٠٨ق مبنی بر این که نسخه اصل کتاب اول مفقود شده و نسخ موجود مغلوپ بوده و وی بسیاری از مظان غلط را از مؤلف پرسیده است. «کتابه لأجل الأخ الأجل العالم الوحيد والفاضل الفريد الشيخ عبد المجيد وفقه الله تعالى لارتقاء معارج الكمال». ٢٢٨ گ، سطور مختلف.

١٥٩. مجموعه:

١. رسالة في الغسل الارتماسي (٣٦ - ٤)

از: مير محمد اسماعيل بن ابى صالح حسيني اصفهاني (ق ١٢)

آغاز: الحمد لله... قد اتفق لى مباحثة مع بعض فضلاء المعاصرين فى الغسل الارتماسي فعرضت عليه أنه لا يحتاج فيه إلى إلقاء البدن من عال فى الماء كما شاع الآن ولو ارتمس رأسه ناوياً فيه صح.

٢. رسالة في تحقيق برج العقرب (٤٤ - ٣٧)

از: مير محمد اسماعيل بن ابى صالح حسيني اصفهاني (ق ١٢)

آغاز: الحمد لله الذى جعل فى السماء بروجاً وزينها للناظرين... هذه كلمات فى تحقيق برج العقرب نظمتها فى سلك التحرير امتثالاً لمن لا يسعنى فى خدمته التقصير.

٣. تفسير آيه اسرى (٤٩ - ٤٥)

از: مير محمد اسماعيل بن مير محمد باقر حسيني واعظ اصفهاني (ق ١٣).



آغاز: الحمد لله... وبعد چنین گوید اقل سادات ذریه رسول الله العزیز الباقی محمد اسماعیل بن محمد باقر الحسینی اصفهانی که این چند کلمه است در تفسیر آیه مبارکه اسری که حسب خواهش عزیزی با جان برابری مرقوم می گردد.

۴. سؤال و جواب (۱۱۶ - ۵۰)

از: میر محمد اسماعیل بن میر محمد باقر حسینی واعظ اصفهانی (ق ۱۳).

متن سی سؤال و جواب اعتقادی و فقهی است که در سال های ۱۲۴۲ ق و ۱۲۴۳ ق از میر محمد اسماعیل بن میر محمد باقر بن میر محمد اسماعیل بن میرابی صالح بن میر عبد الرزاق بن میر سید محمد حسینی اصفهانی امام مسجد جامع جدید عباسی شده و وی بدانها پاسخ داده است.

مؤلف در ذیل سؤال بیست و هفتم می نویسد که میرزای قمی و میر سید علی [صاحب ریاض] به او اجازه اجتهاد داده اند اما او عمل به اجتهاد نکرده و از مجتهد حی تقلید می نماید. وی همچنین از رساله ای که در نقل نعلش به اماکن مشرفه تألیف کرده یاد نموده است.

سؤال شانزدهم مکتوبی از عالم فاضل حبیب صدیق کامل شیخ المشایخ شیخ زین الدین است که در سال ۱۲۳۹ ق است که از بلدی از بلاد دارالمرز فرستاده و در آن می نویسد: «أما بعد، عرضت إلى جناب صاحب العالم الفاضل العادل العامل العارف بـمعارف علوم الالهية العلامة الفقهية السيد السند... بأني لما كتبت هذه العريضة إلى جنابكم خطر بخاطري القاصر أن أسألكم بسؤال لا أسأل أحد من العلماء من قبل لارتفاع شأنى وجلالى وتكبري مما علمتم منى، ولأني علمت أنى أعلم من علماء هذا البلدان، وعلمت أنكم بعد رحلتى من دار السلطنة اصفهان أنكم مشغول فى إفاضة فيض علوم الربانية من الجناب المستطاب العلامة الفهامة أشرف المحققين وأفخر المدققين أفضل الفضلاء أعرف العرفاء أرشد الراشدين مرشد المرشدين صاحبنا ومعلمنا ومولانا ملا عليا [نورى] دام ظلّه العالی فأسألكم يا صاحبى بسؤالى».

مؤلف در ذیل سؤال دوازدهم دورویای جالب نیز نقل کرده و می نویسد:

«إِنَّ الجناب المستطاب قدسى المآب قدوسى الإیاب صاحب الأعظم والأخ الأكبر الأكرم میر محمد صادق [مؤلف جارح العینین] نور الله مرقدہ قال: رأيت فى المنام ذات ليلة الجناب المستطاب العلامة الفهامة الفقهية المجتهد الزكى الواصل إلى رحمة ربّه الجليل جدّى میر محمد إسماعیل نور الله مرقدہ فسألته فقلت: يا جدّى أين مكانك فى الجنة؟ قال: عند مولانا وجدنا وسيدنا أميرالمؤمنين عليه السلام. ثم قلت: أين مكان صحبتكم؟ قال: فى وادى السلام قرب قبره. ثم قلت: هل رأيتم فلاناً وفلاناً؟ قال: ماتا؟ قلت: بلى. قال: لا رأيتهما. ثم قلت: من مات

لا یجیء عندکم؟ قال: إن كان من أهل الجنة جاء عندنا ورأیناه واجتمع معنا فی مجتمعنا ومجلسنا فی النجف فی وادی السلام، وإن كان من أهل النار لم نره، یدهبونه فی الیمن فی البرهوت. وأنا رأیت فی المنام الجناب المرحوم الواصل إلى رضوان الله العلی عمی میر محمد تقی طاب ثراه فی مجلس كان فیہ جمع كثير من العلماء، فعلمت أنه قد مات، فسألته: یا عمی رأیت جدی أمير المؤمنين عليه السلام؟ قال: أی فی كل أسبوع مرة فی اليوم الجمعة فی قصره فی النجف. قلت: أكان أبی العلامة میر محمد باقر أخوك فی ذلك القصر عند مولانا أمير المؤمنين عليه السلام؟ قال: نعم لا زال أبوك أخی حاضراً عنده عليه السلام قلت: وفي هذا القصر رأيتہ؟ قال: نعم هو جالس فی جنب أمير المؤمنين عليه السلام فی مجلسه وأنا جالس عند الباب وبينی وبينه وأمیر المؤمنین عليه السلام جمع كثير من العلماء والشهداء والصلحاء. قلت: هل كان عندك فی صحبتہ عليه السلام شیء من صحبتہ عليه السلام؟ قال: نعم...».

مؤلف در ذیل سؤال هفدهم خواب اخیراً مفصلاً به فارسی گزارش کرده است. سؤال هیجدهم را مخلص قدیمی ملا محمد مهدی هرندی از او پرسیده، سؤال بیست و پنجم را احقر طلاب ملا عبد الغفار، و سؤال سی ام را اقل اشرف میرزا عبد الکریم.

آغاز: أحمداک اللهم یا رافع درجات أولیائک السالکین سبیل أحبائک.

۵. ترجمه و شرح اشعار منسوب به امیر المؤمنین خطاب به حارث همدانی (۱۲۳ - ۱۱۶)

از: میر محمد اسماعیل بن میر محمد باقر حسینی واعظ اصفهانی (ق ۱۳).

در شب سه شنبه ۲۵ ربیع الثانی ۱۲۴۴ ق این رساله را نگاشته است.

۶. سؤال و جواب (۱۳۰ - ۱۲۴)

متن سه سؤال یکی از علمای امامیه اصفهان است از واعظ اصفهانی و جواب او به سال ۱۲۴۴ ق.

۷. سؤال و جواب (۱۳۶ - ۱۳۱)

سؤالی است از میرزا عبد الکریم اشتهاردی مربوط به سه فقره دعای حضرت امام حسن عسکری عليه السلام (وامتنح بالدواب الصعاب و...) و جواب آن از واعظ اصفهانی.

پس از آن نیز دو سؤال و جواب دیگر آمده که به صورت مجزا به آن پاسخ داده شده است.

نسخ: میر محمد اسماعیل بن میر محمد باقر بن میر محمد اسماعیل حسینی اصفهانی نواده

مؤلف دورساله اول، ۱۲۴۰ ق (دورساله اول). ۱۲۴۴ ق. ۱۴۲ گ، ۱۵ سطری. (کتابخانه فرهنگ

اصفهان)

بسم الله الرحمن الرحيم

لسبب لفة الرجل الصبر

اما بعد الحمد والصلوة فقد قرأ على كتاب شرح لاحاديث لا يعرفها الا بعض الذين
 الفقه بعون الله في ثمان الف سنين شيخ الفاضل الزكي والعالما المولود
 في فاضل المعظم وخالص الاما ماجد الفخام ومنتجة العلماء الاعلام
 شمس الدين محمد الخاتوني من اصحابنا علماء الكمال مرتقا امراته
 الغري لا يقال قرآته تحقيقا وبيان وتدقيق وافتقان ولقد كما يهتد
 الترحمة الشريفة جلالة فارسية من صخرها بينة بختة لعنايد بيارات تا
 اصفي من الماء الزلال والظن من الصخر الحلال الفاطمات تربي بالذبح
 العولي وكسرة صخرة الجبل العوالي قد سميت من الزنا يا فاطمة هان
 عدم حصنها واصحابها ونظيرها ان الطيق باسما انظما انها بافا
 هذه الترجمة اياك سطورها الباعنة بقدمها حقيقتا ان تكسب النور على هذه المعجز
 صار ذكر الكلب المتان لم يتفق ان تعرف عن الملايكة العربية حتى في احوال الفارة
 فنكر الله شيئا لا يحل المشا له بما فاض بحال المواهب ابراهيم عليه حيث
 وانشاء عن اجار كثار معصوم في الجمار وفتح القلب من تقاير عاين كيف
 في ليا الفار على هج غريب هبش ليد الطالع ونظير بدخل القلوب على
 هنا عجبا من فطنته الفاضلة ونظيرة الوفاة وطبقة المعيرة بحيرة اللوح عيدين
 دوحه الكمال وشمس خيرة الفضل لا فضل الا مع خطية ذنوبه لا عزان ولا حلالا سلما
 المفاصلة لاملان وكنت هذا لا عرف بين الفانية لجانة بولف الكتاب باطري الصغ
 عن شيئا العظام يورثها بالجملة المسته بهاء الذي الفاضل عامل لله يعقن واحسا
 واذا فرجلا من صخرة عفران ثمان عشرين سنة وثمان مائة سنين وعشرين
 اولف من حجرة سيد المرسلين عليه السلام افضل صلوات المصلين والمؤمنين الطائفة العلمية
 لندما ليك حرسه في ايامنا ليد بعد الحون من حفرة بالذبح في سقا زاجا بت
 الدعى شيئا في اغنا الساعات كما هو ذاق لدمه في فالت وفات والمجد قد فرم
 اولها واخرها واطا وقلما مات عيا رة الالهة قد نلت من خطه الشريفة
 لفظته الشيفت حد والنيل بالفضل
 من مملكات ابن مطاهر الذي عليه محمد علي

وقف نامه فهرست اربعين و صورت اجازه شيخ بهائي به ابن خاتون



بسم الله

نامه نجفی
 بعد از تعلیم در سکنه اربع نفوس از کتب کمالی
 تمام توفیقات و سادات حضرتها را خوانده است و بسیار است که از آن
 در ترویج شیخ طهری و شرفیادان پرست و محبت و طهارت و تقوی
 و لزوم جمعه و امام و مقام محفوظ بهم بسیار تمیز کرده زاریت و لذت
 مرا هم عالی مکنون و مستحکم را جمع کرده و از هر دو طرف کمالی
 شرفیادان و فرزندان بود و فضلا از زنده و نواحی کفایت حضرت
 فرستاده شد بسیار است که در سلسله ایست و عاقبتا
 فراموش نفرماید مخصوصا در بعضی موقع حساس و گرفتاری
 و گرفتاری دین از حیث نان حوزه علمیه قم در این
 راه علم و توفیق و در خصوص حفظ حوزه قم در این
 زمان بنام طلب بسیار اندک نفرماید در خانه
 مزین سادات حضرتها را از فضل و در مسالیم خواندند در سلام
 علیکم و رحمة الله و بركاته
 ۱۳۰۴
 ۱۳۰۴
 ۱۳۰۴

ص ۱

بسم الرحمن الرحیم
 الخدیجه علی نواله رسول الله و سلم علی حضوره یوحنا
 فده سجاز عن منون کلمه رکب السبیب
 ناطقه الميامین و غیره شغلین نخبه الامم
 صفوحه ازانه الامامین و السلام و سنده اعلام
 العلامه و حاد السید علی قلاذ السید محمد نجفی
 العامه الکامره سید محمد نجفی کتبی
 میرداماد الاصفهانی کتبی و کتبی کاتبها و
 عمده حسناتهما فی رواته الاجار المرویه
 عنهما و اتنا الامه الاطهار و وحید و عدیه
 الامه الکافه بعباده کتبی سنه طبعه اقله
 فی نه البلده اشرفه ما جزت که ان یرویه

ص ۱۴

مطبعته بآب اهر نسبت و ادم علوم
 مرقد ابوالفضل علی رضا العزیز السید
 المرعشی نجفی زین العابدین تم اشرف
 حرم الامه الطاهره و عشق ال
 عهده کلان الحضره و جمعه الاحمر
 خلیف زین العابدین و نورشده
 ۱۳۱۷۴ حامدا لثقتنا صلوا
 استغفرنا و کان الحضره ملک بلده
 السید سلیم المظلم من نورک بله
 و شرفها و القدره و نعم الوداد
 نعم الولد زین العابدین

بسم الله الرحمن الرحيم
 الحمد لله على نعمته ونواله والصلوة على نبيه وآله اما بعد فلما كان في عيد
 السيد الجليل العالم المعتمد البصير السيد الميرزا محمد جعفر الميرزا آقا
 الشيخ الاصفهاني اذ امر الله بركاته وجوده الشريف قد انقبضت في
 طلع العلم وسعد سعيه في تحصيل الكمال فصار بحمد الله عز وجل ان يدرك
 في سلكه عملة الاضياء فاخترت له ان يروى عن جميع ما صححت له روايته
 عن معتقنا صاحبنا قدس سره اسرارهم وسائر فرائد الاسرار فكان
 لنا مختار طريق اليم عن مشايخ العظام منهم العلم العلامة محمد
 آية الله السيد حسن الباقا قدس سره عن ابيه الله على الامام
 السيد محمد الرضا والشيخ محمد طه النجفي اعلى الله درجته بها عن
 مشايخنا العظام الحاج الشيخ فخر رضى الانصاري قدس سره ومنهم
 ثقة الجليل الحاج الشيخ عباس القمي صاحب كتابه عن شيخنا المعظم
 الحاج الميرزا احمد التوحيدي رحمه الله عليه بطريق المذكورة في حاشية
 المستدرک ومنهم استاذنا العلامة آية الله الشيخ عبد الله
 وغيره من مشايخنا عن العلامة التوحيدي بالطريق المذكورة في المستدرک
 الا ان فصل الاموال ابيت الوحي فلم يسلم الله ان يروى عن جميع
 ما صححت له روايته عنهم بالطرق المعروفة وكذا عن علماء سائر
 المناهل في سلاصية الطريق لانه ذكرها العلامة التوحيدي في مواضع
 النجوم واوصى بان كان مثله مستغنيا عن الاخر من قبلنا او صلح
 مشايخ العظام بالتعمير والعمل بما اوصى به في كتابه الحمد لله
 في سنة ١٢٤٢ هـ

٢٤٠

بسم الرحمن الرحيم
 الحمد لله رب العالمين بارئ الخلق اجمعين والصلوة والسلام على اشرف
 محمد وآله الطاهرين المعصومين واللعنة البئرية على اعدائهم اجمعين
 وبعد جناب شيخنا الفاضل العالم الجليل الميرزا سید جعفر آیت میردامادی
 وفقه التمام من المستغنی فی حوزة علمیه دارالایمان قم زاده
 وقد اجزته له ان یروی عنی ما صح له روایت من کتبنا
 سيما الكربعة المشهورة غاية الكثرة راجع الكافي
 الفقيه والتهذيب والكنز والاشعة كما فرغ
 عليها الهدار راجع الوافي والوسائل والنجاة ورواية مما هو
 مشايخ الكرام من سلوك جادة الحياطة الواضحة من نيل
 والاموال له كذا في من له عوارض الصالحات في صوته وبعد
 كماله في المهمات عند نظام رجاسته الكريمة والاعمال
 في تاليفه شريفة المعظم
 في تاليفه شريفة المعظم
 في تاليفه شريفة المعظم

خبر
وذكر
الكتاب

اشرف

الدين

هو

في

في

في

في

في

في

في

في

في

في

کلمه تصویر

وَجِيضٌ أَنْ يَقْبِضَ عَلَى هَذِهِ الْوَتِيرَةِ وَالْمُسْتَقْبَلُ وَالْخَافُ مِنَ الْعَنَةِ وَالْإِقْلَابِ
 يَبُورُ جِلْدُهُ إِلَى كَمَالٍ عَلَى فَضْلِ اللَّهِ فَقَطَّادُونَ أَنْ يُفَارِقَهُ الْخَوْفُ مِنْ مَكَرِهِ
 وَمَنْ آمَنَ مِنْ مَكَرِ اللَّهِ فَهُوَ خَاسِرٌ بِلِسَانِ اللَّهِ أَنْ يَكُونَ مُشَاهِدًا لِمَجْلَمِهِ ذَلِكَ
 مِنْ فَضْلِ اللَّهِ ثُمَّ خَائِبًا عَلَى نَفْسِهِ أَنْ يَكُونَ قَدْ تَشَدَّدَ عَنْهُ صِفَةٌ مِنْ صِفَاتِ
 عَلَيْهِ مِنْ حَيْثُ الدُّنْيَا وَرَبِّهَا وَخَلْقِ وَالنَّفَاتِ إِلَى غَيْرِهَا وَمَوْعِدًا وَعَنْهُ وَيَكُونُ
 خَائِبًا أَنْ يَسْلُبَ جِلْدَهُ فِي كُلِّ طَرَفَةٍ غَيْرِ آتَمِينَ مِنْ مَكَرِ اللَّهِ وَلَا غَا فِيلِ
 عَنْ خَطَرِ كَأْتَمَةٍ وَهَذَا خَطَرٌ لَا يَحِيصُ عَنْهُ وَخَوْفٌ لَا يَجَاةُ مِنْهُ إِلَّا بَعْدَ
 نَجَاةٍ وَرَدَةِ الصِّرَاطِ وَلِذَلِكَ لَمَّا ظَهَرَ لِلشَّيْطَانِ لِبَعْضِ الْأَوْلِيَاءِ فِي وَقْتِ النُّزُوحِ
 وَكَانَ قَدْ بَقِيَ لَهُ نَفْسٌ فَقَالَ لَهُ أَفَلَيْتَ مِنِّي يَا فُلَانُ فَقَالَ لَا بَعْدَكَ
 وَلِذَلِكَ قَبِلَ النَّاسُ كَأْتَمَهُمْ هَلَكَى إِلَى الْعَالَمُونَ وَالْعَالَمُونَ كَأْتَمَهُمْ هَلَكَى إِلَى الْعَالَمِينَ
 وَالْعَالَمِينَ كَأْتَمَهُمْ هَلَكَى إِلَى الْمُخْلِصُونَ وَالْمُخْلِصُونَ عَلَى خَطَرٍ عَظِيمٍ فَأَذِنَ
 الْعُرُورُ هَاكُنَا وَالْمُخْلِصُ الْفَارُّ مِنَ الْعُرُورِ عَلَى خَطَرٍ فَلِذَلِكَ الْإِبْقَارُ وَالْخَوْفُ
 وَأَجْدَرُ قُلُوبِ الْأَوْلِيَاءِ اللَّهُ أَبَدًا فَسَأَلَ اللَّهُ تَعَالَى حَيْثُ أَخْبَأَتْهُ فَأَنَّ
 أَلَمْ يَمُوتْ حَمَلَاتِهِمْ هَاكُنَا وَالسَّلَامُونَ تَمَّ كِتَابُ ——— دَمِ الْعُرُورِ وَتَمَّ قَامَهُ
 رُبْعُ الْمَهَلِكَاتِ بِحَمَلَاتِهِ وَمِنْهُ وَصَلُوا تَعَالَى
 خَيْرُ خَلْفَةٍ حَمَلَاتِهِ وَالطَّبِيبِينَ الطَّامِرِينَ أَعْجَبِينَ

حجامة

عقير

تمشك

نيز
 نظر بر طاهر بقدر الطاهره ودر زمان ظهور حمله
 نمودن بر عتق بنفوسك

عقير
 وادبیه درین الیومین
 راجع الی کتابه واولیاده

خط زبیدی
موسس مؤید المیرزا

احاطة المولى الاحقر للفضيلة الاستاذ الاكبر آقا محمد باقر
 الاصفهاني الشهير بالشيخ السيد السند اجلا التلقين الطالع
 السيد محمد مهدي الطباطبائي نقلا من خط الشيخ آقا محمد باقر
 سلم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام
 على افضل الاولين والاخيرين محمد وآله الطاهرين الطاهرين
 وبعد فخر استازة الولد الاغر محمد مؤيد الميرزا السيد والفضل الله
 والتحق الميرزا السيد محمد ولي الروضات في العالم الزكي والفاضل الذي
 المتبحر المطلق الذي السيد السند الاجلا الميرزا محمد بن ولي العالم
 الدين والسيد الميرزا محمد بن الفاضل الميرزا محمد بن السيد محمد بن
 ارام بهر قائله نونقها وما يبرها وتسد يدها وتسد بها فوجدت لولده
 نونقها اهل اللذة فاجرت ان يروي عن جميع مصنفاته ونونقها في
 وموتواته على سانية العظام من نونقها الكرام صفاها الوالد الميرزا
 الفاضل الميرزا محمد الميرزا الميرزا الميرزا الميرزا الميرزا الميرزا
 استاد السند والفضيلة ونونقها العظام والعلما الفقهاء
 مولانا محمد اجلا نونقها في رحمة الواسعة والطفه بالعباد
 الذي علم من نونقها الفاضل في يد الميرزا محمد بن السيد الميرزا
 بنهم ولم يوجد لهم بعد لهم اشهرين في الميرزا والميرزا الميرزا
 عن الميرزا الفاضل والميرزا الميرزا الميرزا الميرزا الميرزا
 حقا والقاضي وهو نونقها الميرزا الميرزا الميرزا الميرزا الميرزا
 جمال الميرزا الميرزا الميرزا الميرزا الميرزا الميرزا الميرزا
 احاطة لهم راجعهم الله تعالى بطرقهم الميرزا والسند المشهورة في
 الظاهر من صلوات الله عليهم اجمعين واسئله لوامهم نونقها ان لا يخرج

الخاتمة

٢٤٥

مجموعه علامه ميرزا يحيى بيدآبادي به خط زيباي وي

وَبَدِّئِ اللّٰهَ صَلِّ وَحْدَكَ وَالنَّاسَ وَحِشَّتَهُ وَ

خدا یا به بیوند به تنهایی او و مومن شو و خشت و اندوه او را

ارْحَمْ عَزِيْبَتَهُ. وَاسْكِنِ اِلَيْهِ مِنْ رَحْمَتِكَ رَحْمَةً

رحم کن عزیزی او و ساکن گردان بسوی او از رحمت خود رحمتی که

لَيْسَتْ بِهَا عَنْ رَحْمَتِكَ مِنْ سِوَاكَ وَاَحْسِرْهُ مَعَ مَنْ

ببینا نشود با رحمت از رحمت کسی که غیر تو است و برانگیزان او را با کسی که

كَانَ يَتَوَلَّاهُ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَهَفْتُ بِلَوْلَا اَنَا اَنْزَلْنَاهُ

بود که دوست می داشت او را

وَيَسِّرْ لِي الْقَدْرَ خَدَايَ عَزَّ وَجَلَّ هَذَا وَرَابِئَا مَرْنَد

تم الكتاب بعون الملك

الوقاب علی بد عبدالمؤمنین

ابن معین الدین عماد الدین

عفی الله عنهما بحمد الله

المعصومین علیهم السلام

یا رب العالمین

وینسب

۲۲



خط مشین در مال و عذاب
روز قیامت در آیه سوره
ایش از حدیث مالک عذاب
ساختن و ساختن در حدیث
عذاب در حدیث در حدیث
عذاب در حدیث در حدیث
عذاب در حدیث در حدیث
عذاب در حدیث در حدیث
عذاب در حدیث در حدیث
عذاب در حدیث در حدیث

أَشَدُّ النَّاسِ عَذَابًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ زِدْنَا هُمْ عَذَابًا

فَوْقَ الْعَذَابِ لِلَّهِ الْحَمْدُ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ

خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَاللَّهُ الظَّاهِرِينَ

تمت أربعين السور من التوراة

في سبعة وستين الف من الهجرة

النبوية

تمام شد تفسیر چهار سوره از تورات حضرت موسی علیه السلام که در کوه طور حقیقاً مکالمه نموده است با موسی علیه السلام در رساله جبرئیل علیه السلام حضرت امیر المؤمنین علی ابن طالب صلوات الله علیه از تفسیر التوراة بمسئله المرسلین حضرت رسالت نبیاه صلی الله علیه و آله از زبان عیسی بلغت عربی نقل نموده تا بندگان ازان بهره و کرده اند و بنده فقیر حقیر به بضاعت اقل عباد الله بشادمان بن جعفر بن عبد الله معروف بن غفاری ساج کوفی در خاصه ستر بود بحسد و الحمانه بعضی از اخوان دینی خود بقتل الحصوص اقا سعادت در رسم یادگار این کتیرین بنهم قلیل و عقل ناقص بر زبان فارسی بظاهر معنی حرارت نموده تفسیر نمود تا بندگان صادق العقیده و مومنان صحاف ضعیف کمال فیض یافته اند بحقیق را بدعای خیر یاد آوری نمایند و اگر بر عینه مطلع گردند به اصلاح آن کوشش نمایند و اگر بخوانند دعای طریح در آنم زیرا که بنده کینه دارم بتمسک بحقوق الله

تعالی در تاریخ روز یکشنبه چهارم ماه
جواد الاول ۱۰۹۲

۴۳
۳



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على خير نبي
 محمد وآله الطيبين الطاهرين وبعدهم فداؤهم عيني
 وبصحة صدرى يادك امدد ثم يادك امددك ورياضاتك
 وانعامك تغنيك عن كل ما في الدنيا وما في الآخرة
 المدة قريب ونظرت من ارضه الجيب اوصت اولا
 بتغذاه فانما هو الاذ القوي ثم ادا منه
 الطير وبذل الجهد والفكر وانما هو الدنيا
 بعزها ولا يملك مدلهما من مكائدهما
 ناز بسطار الانسان عدو من داس الا منه
 ان نوقعت السبع الراضة مدار العلم
 والعقار ورسولك من طوارق الدنيا محمد
 وآله ذوي الحدود الامتار على صلواتك
 المنا و صلوة كثير في محرابك في صلوة الام



٢٦٤

فرهنگ و هنر اصفهان

کتاب خطی کتابخانه عمومی شماره ۱

شماره ۳۴۱

صورتان

وصية المصطفى
اهم الانس والجنه

عاش حجة
قسم الفاروق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله الذي حارت الأفكار في مبادئ انوار كبريائه وصمدتيه وانهك الاعناق
في مطالع عجزه وفرد اينته وشهدت ذوات الخيرات على حال قدرته والوهيته
ودلت اخر السموات والارضين على نهايه علمه وجلال حكمته والصدق على نبي الرحمة
محمد وآله فان الله نعم لما اسعرتني بالاتصال بحضرة السلطان المعظم
العالم العادل بهاء الدين شمس الاسلام والمسلمين اعقل الملوك والسلاطين
ابي المؤيد شام بن محمد بن مسعود الحسين زين الله معادن ملكه بانواع الخيرات و
خصه في الدارين باقسام السعادة او جعلني من المفترضين في حبه وولايه وه
المستظلمين بظل ولايه واوصلني بحسن ملاحظته الى غايات المطالب الروحانية
ولهايات المقاصد النفسانية وكان من جملة تلك النعم العظيمة والملاهب الجسيمة
استحكام اسباب المودة والصفاء وتاكد موجبات المحبة والاخايلني وبين
الامير ملك الامراء عماد الرولة والدين نظام الاسلام والمسلمين ابي حفص
عمر بن الحسين عظيم الله شأنه وصانته في الدارين عماسانته فلما اتفق وصوله
الى بلده ولوالج التي هي مركز مملكته ومستقر حشمته وفقني الله نعم التنقيح الكلا
في شرح اسماء الله نعم وصفاته وتحقيق القول في تفسيره بوعونه وسيمانه فنصقت
هذا الكتاب في هذه المباحث العظيمة والمطالب الكريمة ابتغاء لرضا الله
تعالى قضاء لحقوق هذا السلطان المعظم وربته على ثلثة اقسام الاول

٢٧٠

لدر اسلام و بطریق نهار الحیا و لایة المخاصمة المتصلة من الخیالات و الاوهام فارادت
 بعض ما يتعلق بتتبع الملم و ترمیمه من تركه و تنقیح الكلام و تبیینه عن مكنوناته و اوضفت
 الیه بعض كلمات حطت بالی القاصر و زهد الفاتحة الموجز لزيادة البصیة فترجم صحیح
 الآثار الحیة اسم المادة النزاع الناصبی من عدم التعمق و صرح بالاضار بتجربة و بیان كما
 للهدایة و الاشارة المعبرة شرایع الدین و تهذیب و افانك مدارك سنن سید
 المرسلین و سبیل الاستبصار الموصل الی منتهی روض الجنان و بید بکامل من الاخصیة الفقیه
 نوع الانسان لا یكون مختصرا علی وجه لا ینتصف من سبایه تنقیح مختلف الاحكام و لا یسب
 نهابة لسطر المفضل للعدم الانتظام بل انکر دروس مقنعة و توضیحها انت احکام
 و مهذب جملة نظمه من قواعد نهابة مراد الاسلاف منفع بها من تنقیح و لیسوا
 البایرة من الایات و القرائین و الدلائل الطاهرة من الاحادیث و التروایات و لم یتثبت
 بالخیالات الضعيفة و التوهمات الضعيفة جهات جهات و الحجة و اصحة و الاعظام فائمة
 و شواهد الكتاب معلومة و دلائل الهمة مفهومة عصمنا الله و ایاكم من الخطا، و كمثل
 و وفقنا للت راد القول و العمل و نه جو الذی یكون تنصیرة لمن حصل الی التحلیة و سلوك
 الاضاف المرغوب فی العلوم و تذكرة لمن غرض عن طریق البقر و الاعتصاف المرغوب
 المذموم و الی الله لیس یكون خالصة لوجهه الکریم لفضله الخیر و یهدین الی الصراط
 المستقیم بالذین القویم و یبذل الی کل عمل عذر و ذخيرة لیوم تسؤل فی نعمة الثواب
 و العقاب و علیه التوکل فی المبدأ و المآب فی کل باب و سمیته بحر الجنان للناظرین
 من الاحزان و ترتبه علی مقدمة و تلتها صا و خاتمة فقط و لرا قوال لفقها
 رضوان الله علیهم من ذریة السلسلة و سبب اوزم المقصد الاول و نقل الاجماع الذی

